



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# مناسک حج

عزت آریزاده  
مفتی اعظم آستان قدس رضوی

« ۲ »

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موسوعة الامام الخميني قدس سره الشريف المجلد 31 مناسك حج : فارسی

نویسنده:

آیت الله العظمی سید روح الله موسوی خمینی قدس سره

ناشر چاپی:

موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	موسوعه الامام الخميني قدس سره الشريف المجلد ۳۱ مناسك حج : فارسي
۹	مشخصات كتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۱۹	مقدمه ناشر
۲۱	مقدمه
۲۳	شرایط وجوب حجة الاسلام
۳۰	مسائل متفرقه و استفتائات استطاعت
۴۶	نیابت در حج
۴۶	اشاره
۴۹	استفتائات نیابت در حج
۶۰	حج استحبابی
۶۱	اقسام عمره
۶۲	اقسام حج
۶۲	اشاره
۶۲	صورت حج افراد و عمره مفرده
۶۴	صورت حج تمتع اجمالاً
۶۵	استفتائات اقسام عمره و حج
۷۱	در بیان اعمال عمره تمتع و حج تمتع تفصیلاً
۷۱	اشاره
۷۳	باب اول: اعمال عمره تمتع
۷۳	اشاره
۷۵	فصل اول: محل احرام عمره تمتع که آن اول از واجبات عمره است

۷۵	.....	اشاره
۷۹	.....	مسائل متفرقه و استفتائات میقات
۸۶	.....	فصل دوم: واجبات احرام
۸۶	.....	اشاره
۹۳	.....	استفتائات احرام
۹۵	.....	مستحبات احرام
۹۷	.....	مکروهات احرام
۹۸	.....	فصل سوم: محرمات احرام
۹۸	.....	اشاره
۱۱۸	.....	مسائل متفرقه و استفتائات محرمات احرام
۱۲۶	.....	مستحبات دخول حرم
۱۲۶	.....	مستحبات دخول مکه معظمه
۱۲۷	.....	آداب دخول مسجد الحرام
۱۳۰	.....	فصل چهارم: طواف واجب و بعضی از احکام آن
۱۳۰	.....	اشاره
۱۳۱	.....	واجبات طواف
۱۴۶	.....	مسائل متفرقه و استفتائات طواف
۱۷۴	.....	آداب و مستحبات طواف
۱۷۷	.....	فصل پنجم: نماز طواف
۱۷۷	.....	اشاره
۱۸۰	.....	مسائل متفرقه و استفتائات نماز طواف
۱۸۶	.....	مستحبات نماز طواف
۱۸۸	.....	فصل ششم: سعی و بعض احکام آن
۱۸۸	.....	اشاره
۱۹۲	.....	مسائل متفرقه و استفتائات سعی
۱۹۸	.....	مستحبات سعی

۲۰۲	فصل هفتم: تقصیر و بعض احکام آن
۲۰۲	اشاره
۲۰۳	مسائل متفرقه و استفتائات تقصیر و احکام بین عمره و حج تمتع
۲۰۸	تبدل حج تمتع به افراد
۲۰۹	استفتائات تبدل حج تمتع به افراد
۲۱۳	باب دوم: اعمال حج تمتع
۲۱۳	اشاره
۲۱۵	فصل اول: احرام حج
۲۱۵	اشاره
۲۱۷	استفتائات احرام حج
۲۱۸	مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات
۲۱۹	فصل دوم: وقوف به عرفات
۲۱۹	اشاره
۲۲۱	استفتائات وقوف به عرفات
۲۲۳	مستحبات وقوف به عرفات
۲۲۷	فصل سوم: وقوف به مشعر الحرام
۲۲۷	اشاره
۲۳۱	استفتائات وقوف به مشعر الحرام
۲۳۲	مستحبات وقوف به مشعر الحرام
۲۳۴	فصل چهارم: واجبات منی
۲۳۴	اشاره
۲۳۴	اول: رمی جمره عقبه
۲۳۴	اشاره
۲۳۷	مستحبات رمی جمرات
۲۳۸	دوم از واجبات منی: ذبح
۲۳۸	اشاره

۲۴۲	چند مسأله راجع به بدل ذبیحه
۲۴۵	مسائل متفرقه و استفتانات هدی
۲۵۳	مستحبات هدی
۲۵۳	سوم از واجبات منی: تقصیر
۲۵۳	اشاره
۲۵۶	مسائل متفرقه و استفتانات حلق یا تقصیر در حج
۲۶۲	مستحبات حلق
۲۶۳	فصل پنجم: واجبات بعد از اعمال منی
۲۶۳	اشاره
۲۶۷	استفتانات اعمال بعد از منی و طواف نساء
۲۷۲	مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی
۲۷۳	فصل ششم: بیتوته به منی
۲۷۳	اشاره
۲۷۶	مسائل متفرقه و استفتانات بیتوته به منی
۲۸۰	فصل هفتم: رمی جمرات سه گانه
۲۸۰	اشاره
۲۸۴	مسائل متفرقه و استفتانات رمی
۲۹۰	مستحبات منی
۲۹۰	مستحبات دیگر مکه معظمه
۲۹۲	استحباب عمره مفرده
۲۹۲	طواف وداع
۲۹۳	مسائل و استفتانات متفرقه
۳۰۵	حکم محصور و مصدود
۳۰۹	استفتانات محصور و مصدود
۳۱۱	درباره مرکز



**مشخصات كتاب**

سرشناسه : خميني، روح الله، رهبر انقلاب و بنيانگذار جمهوری اسلامی ايران، 1368 - 1280

عنوان و نام پديدآور : موسوعة الامام الخميني قدس سره الشريف المجلد 31 مناسك حج/ مطابق با فتواي روح الله الموسوي الخميني

مشخصات نشر : تهران : موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (س)، 1396.

مشخصات ظاهري : 290 ص

وضعيت فهرست نویسی : فهرست نویسی قبلي

رده بندي کنگره : 9/183BP/خ8الف47 1396

رده بندي ديويي : 297/3422

شماره کتابشناسی ملی : 70041

آدرس اينترنتی موسسه: <https://www.icpikw.ir>

خيراندیش ديگيتالی: مرکز خدمات حوزه علميه اصفهان

ويراستار: محمد علي ملك محمد

ص: 1

**اشاره**



بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3



مقدمه ناشر \*\*\* نه

مقدمه \*\*\* 1

شرایط وجوب حجة الاسلام \*\*\* 3

مسائل متفرقه و استفتائات استطاعت \*\*\* 10

نیابت در حج \*\*\* 26

استفتائات نیابت در حج \*\*\* 29

حج استحبابی \*\*\* 40

اقسام عمره \*\*\* 41

اقسام حج \*\*\* 42

صورت حج افراد و عمره مفرده \*\*\* 42

صورت حج تمتع اجمالاً \*\*\* 44

استفتائات اقسام عمره و حج \*\*\* 45

در بیان اعمال عمره تمتع و حج تمتع تفصیلاً

باب اول: اعمال عمره تمتع

فصل اول: محل احرام عمره تمتع \*\*\* 55

که آن اول از واجبات عمره است \*\*\* 55

مسائل متفرقه و استفتائات میقات \*\*\* 59

فصل دوم: واجبات احرام \*\*\* 66

استفتائات احرام \*\*\* 73

مستحبات احرام \*\*\* 75

مکروهات احرام \*\*\* 77

فصل سوم: محرمات احرام \*\*\* 78

مسائل متفرقه و استفتائات محرمات احرام \*\*\* 98

مستحبات دخول حرم \*\*\* 106

مستحبات دخول مکه معظمه \*\*\* 106

آداب دخول مسجد الحرام \*\*\* 107

فصل چهارم: طواف واجب و بعضی از احکام آن \*\*\* 110

واجبات طواف \*\*\* 111

مسائل متفرقه و استفتائات طواف \*\*\* 126

آداب و مستحبات طواف \*\*\* 154

فصل پنجم: نماز طواف \*\*\* 157

مسائل متفرقه و استفتائات نماز طواف \*\*\* 160

مستحبات نماز طواف \*\*\* 166

فصل ششم: سعی و بعضی احکام آن \*\*\* 168

مسائل متفرقه و استفتائات سعی \*\*\* 172

مستحبات سعی \*\*\* 178

فصل هفتم: تقصیر و بعضی احکام آن \*\*\* 182

مسائل متفرقه و استفتائات تقصیر و احکام بین عمره و حج تمتع \*\*\* 183

تبدل حج تمتع به افراد \*\*\* 188

استفتائات تبدل حج تمتع به افراد \*\*\* 189

ص: 6

باب دوم: اعمال حج تمتع

فصل اول: احرام حج \*\*\* 195

استفتائات احرام حج \*\*\* 197

مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات \*\*\* 198

فصل دوم: وقوف به عرفات \*\*\* 199

استفتائات وقوف به عرفات \*\*\* 201

مستحبات وقوف به عرفات \*\*\* 203

فصل سوم: وقوف به مشعر الحرام \*\*\* 207

استفتائات وقوف به مشعر الحرام \*\*\* 211

مستحبات وقوف به مشعر الحرام \*\*\* 212

فصل چهارم: واجبات منی \*\*\* 214

اول: رمی جمرة عقبه \*\*\* 214

مستحبات رمی جمرات \*\*\* 217

دوم از واجبات منی: ذبح \*\*\* 218

چند مسأله راجع به بدل ذبیحه \*\*\* 222

مسائل متفرقه هدی \*\*\* 225

مستحبات هدی \*\*\* 233

سوم از واجبات منی: تقصیر \*\*\* 233

مسائل متفرقه و استفتائات حلق یا تقصیر در حج \*\*\* 236

مستحبات حلق \*\*\* 242

فصل پنجم: واجبات بعد از اعمال منی \*\*\* 243



استفائات اعمال بعد از منی و طواف نساء \*\*\* 247

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی \*\*\* 252

فصل ششم: بیتوته به منی \*\*\* 253

ص: 7

مسائل متفرقه و استفتائات بیتوته به منی \*\*\* 256

فصل هفتم: رمی جمرات سه گانه \*\*\* 260

مسائل متفرقه و استفتائات رمی \*\*\* 264

مستحبات منی \*\*\* 270

مستحبات دیگر مکة معظمه \*\*\* 270

استحباب عمرة مفردة \*\*\* 272

طواف وداع \*\*\* 272

مسائل و استفتائات متفرقه \*\*\* 273

حکم محصور و مصدود \*\*\* 285

استفتائات محصور و مصدود \*\*\* 289

ص: 8

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين

یکی از کتاب های فتوایی امام خمینی (س) کتاب «مناسک حج» می باشد که در بردارنده احکام مربوط به انجام حج و عمره بوده و برای حجاج و معتمرین تهیه شده است.

اولین مناسک حج امام خمینی در سال 1340 ش - شوال المکرم 1381 ق توسط چاپخانه علمیه قم و در آغاز مرجعیت ایشان انتشار یافت و در طول تقریباً سه دهه مرجعیت آن بزرگوار به دوزبان فارسی و عربی و در قالب های متنوع و توسط ناشرین مختلف منتشر شده است.

بر اساس بعضی از گزارش های شاگردان حضرت امام، ایشان خود پس از تهیه و انتشار اولین مناسک حج که در فاصله اندکی از رحلت آیت الله العظمی بروجردی، به همت عده ای از فضلا و ناظر به مناسک شیخ انصاری، انجام گرفته بود، خود به تألیف و نگارش مناسک حج اقدام کردند. اما با توجه به قیام و مبارزه امام بر ضد حکومت ستمگر و وابسته پهلوی و حبس، حصر و تبعید که ممنوعیت انتشار آثار علمی ایشان را در پی داشت، اطلاعات روشنی از تاریخچه آن مناسک حج در دست نمی باشد. از آنجا که متن عربی مناسک حج دارای فروع و بیشتری نسبت به بحث حج در دیگر کتب حضرت امام (س) است، به همین دلیل در این جلد از موسوعه امام خمینی (س)، کتاب عربی مناسک حج را بر متن فارسی آن مقدم نموده ایم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357 ش کتاب مناسک حج فارسی حضرت امام سه بار تجدید نظر و اصلاح گردیده است.

ابتدا در سال 1361 توسط انتشارات «الزهرا(سلام الله علیها)» که با اضافه شدن استفتائات جدید و در حجم 207 صفحه به همراه تقریظی از امام انتشار یافت.

اصلاح دوم در سال 1362 ش - 1403 ق انجام گرفت و برخی مسائل از کتاب الحج «تحریر الوسیلة» ترجمه و به مناسک افزوده شد و یکصد مسأله متفرقه پیرامون احکام حج در پایان آن آمد و توسط انتشارات پاسدار اسلام منتشر گردید.

کامل ترین نسخه مناسک حج امام خمینی در سال 1366 ش - 1407 ق تهیه شد که علاوه بر اصلاحات نگارشی و ترتیب فصول؛ مسائل دیگری از کتاب الحج «تحریر الوسیلة» و پانصد و پنجاه مسأله جدید به آن اضافه گردید. این تغییرات و اضافات توسط آقایان مرحوم آیت الله سید عباس خاتم یزدی و مرحوم آیت الله شیخ محمد حسن قدیری از اعضای هیأت استفتاء حضرت امام انجام شد و مورد تأیید ایشان نیز قرار گرفت.

نسخه کامل مناسک امام تا کنون بارها توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) در قطع های مختلف انتشار یافته است. همین مناسک متن مناسکی است که توسط نشر مشعر همراه حواشی مراجع بزرگوار تقلید منتشر گردیده و توسط افراد مختلف به شکل های گوناگون عرضه شده و می شود.

ترجمه مناسک حج به زبان اردو و با کتابت آقای سید جعفر صادق و زیر نظر شورای سرپرستی طلاب غیر ایرانی حوزه علمیه قم انجام گرفته است.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

دفتر قم

ص: 10

بدان که بر هر مکلف که جامع شرایط باشد وجوب حج به دلیل قرآن و احادیث وارد از نبی اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام ثابت است. حج یکی از ارکان دین است و از ضروریات آن به شمار می رود. ترك حج با اقرار به وجوب، یکی از گناهان کبیره و با انکار، موجب کفر است. خداوند متعال در قرآن مجید فرمود: (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ).

شیخ کلینی قدس سره به طریق معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که هر کس از دنیا رود و حجة الاسلام را به جا نیاورد، بدون این که او را حاجتی ضروری باشد یا آن که به جهت بیمار شدن از آن باز ماند یا آن که پادشاهی از رفتن آن جلوگیری نماید، چنین کسی در حال مردن به یهودیت یا نصرانیت از دنیا خواهد رفت. این آیه و این روایت در اهمیت حج و وجوب آن کافی است، و روایات بسیاری در این دو قسمت وارد شده که این مختصر، گنجایش ذکر آنها را ندارد، و چون که مستحبات حج، بیش از آن است که در این رساله بیان شود، لذا به بیان مقداری از آنها اکتفا کرده و بقیه را به کتب مفصله وامی گذاریم که به جا آوردن آنها به امید ثواب اشکالی ندارد، و نظر به این که این مناسک برای فارسی زبانان می باشد و تکلیف آنها عمره و حج تمتع است، اکتفا به

بیان احکام آنها شد، و قبل از شروع در مناسک که مشتمل است بر دو باب و چند فصل و مسائلی چند، بعضی مسائل و شرایط و جوی حَجة الاسلام و بعضی مسائل نیابت و وصیت به حج و چند مسأله دیگر بیان می شود.

مسأله 1 - حَجة الاسلام - که حج واجب بر شخص مستطیع است - بیش از يك مرتبه در تمام عمر واجب نیست.

مسأله 2 - وجوب حج، بر شخص مستطیع فوری است؛ یعنی واجب است در سال اول استطاعت به جا آورد و تأخیر آن جایز نیست و در صورت تأخیر واجب است در سال بعد انجام دهد و همچنین ...

مسأله 3 - اگر درك حج، بعد از حصول استطاعت، متوقف بر مقدماتی مثل سفر و تهیه اسباب آن باشد، تحصیل آن واجب است به طوری که در همان سال به حج برسد و در صورتی که شخص کوتاهی کند و به حج در آن سال نرسد حج بر او مستقر می شود که باید در هر صورت بعداً به حج برود، هر چند استطاعت از بین برود.

ص: 2

## شرایط وجوب حجة الاسلام

با چند شرط، حج واجب می شود و بدون وجود تمامی آنها حج واجب نیست.

اول و دوم: بلوغ و عقل. پس بر كودك و دیوانه حج واجب نیست.

مسأله 1 - اگر غیر بالغ حج به جا آورد صحیح است، هر چند از حجة الاسلام کفایت نمی کند.

مسأله 2 - اگر كودك ممیز برای حج مُحرم شود و در وقت درك مشعر الحرام بالغ باشد کفایت از حجة الاسلام می کند و همچنین اگر مجنون قبل از درك مشعر عاقل شود.

مسأله 3 - کسی که گمان می کرد بالغ نشده و قصد حج استجابی کرد و بعد معلوم شد بالغ بوده، حج او کفایت از حجة الاسلام نمی کند مگر در صورتی که قصد وظیفه فعلیه را نموده و آن را بر حج ندبی اشتباهاً تطبیق کرده باشد.

مسأله 4 - از برای بچه ممیز مستحب است حج رفتن، و صحیح است حج او اگرچه ولی او اذن ندهد، لکن بعد از بالغ شدن اگر استطاعت داشت باید حج برود و حج زمان كودکی کافی نیست.

مسأله 5 - مستحب است ولی طفل غیر ممیز مُحرم کند او را و لباس احرام به او

ص: 3

بپوشاند و نیت کند که این طفل را مُحرم می‌کنم برای حج یا این طفل را معتمر می‌کنم به عمره تمتع، و اگر می‌شود، تلبیه را تلقین کند به او، و الاً خودش به عوض او بگوید.

مسأله 6 - بعید نیست که ولیّ در این امر کسی باشد که کفیل بچه و نگهدار او است، اگر چه ولیّ شرعی نباشد.

مسأله 7 - بعد از آن که طفل مُحرم شد یا او را مُحرم کردند باید ولیّ، او را از محرمات احرام باز دارد، و اگر ممیز نیست خود ولیّ حفظ کند او را از محرمات.

مسأله 8 - بعد از این که طفل مُحرم شد اگر محرمات احرام را به جا آورد یا ولیّ، او را از آنها باز نداشت، کفاره بر ولیّ طفل است نه بر مال طفل بنا بر اقوا در صید و بنا بر احتیاط واجب در غیر آن نیز.

مسأله 9 - گوسفند قربانی برای حج بر عهده ولیّ طفل است.

مسأله 10 - تمام اعمال حج و عمره را باید ولیّ، طفل را وادار کند که به جا آورد و اگر نمی‌تواند ولیّ او به نیابت طفل به جا آورد.

مسأله 11 - اگر طفل نابالغ قبل از این که در میقات مُحرم شود بالغ شد، حج او حجة الاسلام است اگر از همان جا که مُحرم می‌شود مستطیع باشد.

سوم: حرّیت.

چهارم: استطاعت از جهت مال و صحت بدن و توانایی و باز بودن راه و آزادی آن و وسعت وقت و کفایت آن.

مسأله 1 - استطاعت از جهت مال؛ یعنی داشتن زاد و راحله که توشه راه و مرکب سواری است، و چنانچه عین آنها را ندارد کافی است چیزی مثل پول یا متاع دیگر داشته باشد که ممکن است آن را صرف در تهیه آنها نماید، و شرط است که مخارج برگشتن را نیز داشته باشد. و امور دیگری در استطاعت معتبر است که در مسائل آینده بیان می‌شود.

ص: 4



مسئله 2 - شرط است در وجوب حج، علاوه بر مصارف رفتن و برگشتن، این که ضروریات زندگی و آنچه را در معیشت به آن نیاز دارد داشته باشد، مثل خانه مسکونی و اثاث خانه و وسیله سواری و غیر آن در حدی که مناسب با شأن او باشد، و چنانچه عین آنها را ندارد، پول یا چیزی که بتواند آنها را تهیه کند داشته باشد.

مسئله 3 - اگر ضروریات زندگی یا پول آنها را در حج صرف کند از حجة الاسلام کفایت نمی کند.

مسئله 4 - کسی که نیاز به ازدواج دارد و برای آن پول لازم دارد، در صورتی مستطیع می شود که علاوه بر مخارج حج مصارف ازدواج را هم داشته باشد.

مسئله 5 - کسی که از دیگری طلب دارد و بقیه شرایط استطاعت را نیز داراست، اگر وقت طلب او رسیده یا حال است و می تواند بدون واقع شدن در حرج و مشقت آن را بگیرد، واجب است مطالبه کند و بگیرد و به حج برود، مگر مدیون نتواند بپردازد که در این صورت مطالبه جایز نیست و استطاعت حاصل نمی شود، و همچنین اگر وقت طلب او نرسیده و مدیون بخواهد بپردازد لازم است طلبکار آن را بگیرد و مستطیع می شود، ولی اگر مدیون نمی خواهد بپردازد مطالبه واجب نیست، هر چند با مطالبه حاضر به پرداخت شود.

مسئله 6 - اگر غیر مستطیع مصارف حج را قرض کند مستطیع نمی شود، هر چند بتواند بعداً به سهولت قرض را ادا کند و اگر با آن حج به جا آورد از حجة الاسلام کفایت نمی کند.

مسئله 7 - کسی که مخارج حج را دارد و بدهی نیز دارد، چنانچه بدهی او مدت دار باشد و مطمئن است که در وقت ادای بدهی، تمکن از ادای آن را دارد، واجب است به حج برود، و همچنین در صورتی که وقت ادای بدهی رسیده لکن طلبکار راضی به تأخیر ادا باشد و بدهکار مطمئن است که در وقت مطالبه می تواند بدهی را ادا نماید و در غیر این دو صورت حج واجب نیست.

مسأله 8 - کسی که خمس یا زکات بدهکار است در صورتی مستطیع می شود که علاوه بر آنها مخارج حج را داشته باشد.

مسأله 9 - کسی که از جهت مالی مستطیع است و از جهت صحت بدن یا باز بودن راه مستطیع نیست، می تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت مالی هم خارج کند، ولی اگر از آن جهات هم استطاعت دارد و فقط وسایل رفتن را تهیه نکرده یا وقت حج نرسیده، نمی تواند خود را از استطاعت خارج کند و اگر کرد، حج بر او مستقر می شود و باید به هر نحو است به حج برود.

مسأله 10 - اگر در سالی که استطاعت مالی دارد از جهت صحت بدن یا باز بودن راه استطاعت ندارد و در سال های دیگر از آن جهات استطاعت پیدا می کند، می تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج نماید.

مسأله 11 - کسی که استطاعت حج دارد باید خرج های مقدماتی را از قبیل خرج تذکره و ویزا و ودیعه و آنچه مربوط به حج است بدهد، و این خرج ها موجب سقوط حج نمی شود، ولی اگر استطاعت این نحو مخارج را نداشته باشد مستطیع نیست.

مسأله 12 - اگر اجرت ماشین یا هواپیما زیاد باشد یا زیادتر از حد معمولی باشد و همین طور قیمت اجناس در سال استطاعت زیاد باشد یا زیادتر از حد متعارف باشد باید حج برود، و جایز نیست تأخیر از سال استطاعت مگر آن که به قدری زیاد باشد که موجب حرج و مشقت در زندگانی شود.

مسأله 13 - شخص مستطیع اگر پول ندارد لکن ملک دارد باید بفروشد و به حج برود اگرچه به واسطه مشتری نداشتن، به کمتر از قیمت معمولی بفروشد مگر آن که فروش به این نحو موجب حرج و مشقت برای او شود.

مسأله 14 - کسانی که کتب زیاد دارند و محل احتیاج آنها نیست و اگر زاید را بفروشند به قدر مؤونه حج می شود و سایر شرایط را نیز دارا باشند واجب است به حج

بروند، بلکه اگر از کتب موقوفه رفع احتیاج می شود و کتاب ملکی به قدر حج هست واجب است حج بروند به شرط آن که کتاب های موقوفه در معرض زوال نباشد.

مسئله 15 - اگر شك کند که مالی که دارد به اندازه استطاعت هست یا نه، احتیاط واجب آن است که تحقیق کند، و فرقی نیست در وجوب تحقیق میان آن که مقدار مال خود یا مقدار مخارج حج را نداند.

مسئله 16 - اگر نذر کند که در روز عرفه کربلای معلی یا یکی از مشاهد دیگر را زیارت کند نذرش صحیح است، لکن اگر مستطیع بوده یا در این سال مستطیع شد باید حج برود، و نذر مانع از حج نمی شود، و اگر نرفت حج بر او مستقر می شود، و باید به نذر عمل کند، و اگر حج رفت تخلف نذر موجب کفاره نمی شود، ولی اگر حج نرفت و به نذر هم عمل نکرد کفاره نذر را باید بدهد.

مسئله 17 - اگر رفتن حج موجب ترك واجب یا فعل حرامی می شود باید ملاحظه اهمیت حج یا حرام و واجب را کرد، اگر حج همیشه بیشتر است باید برود، و الا نباید برود، لکن اگر رفت و حرامی به جا آورد یا واجبی را ترك کرد معصیت کار است، ولی حج او صحیح است.

مسئله 18 - اگر با اعتقاد به این که مستطیع نیست، قصد حج استحبابی کند و بعد معلوم شود که مستطیع بوده کفایت از حجة الاسلام نمی کند مگر در صورتی که قصد وظیفه فعلیه نموده باشد و اشتباه آن را بر حج استحبابی تطبیق کرده باشد.

مسئله 19 - اگر شخص، زاد و راحله ندارد ولی به او گفته شد که حج به جا آور و نفقه تو و عائله ات بر عهده من، با اطمینان به وفا و عدم رجوع باذل، حج واجب می شود و این حج را بذلی می گویند و در آن رجوع به کفایت که از شرایط وجوب است شرط نیست، بلی اگر قبول بذل و رفتن به حج موجب اخلال در امور زندگی او شود واجب نیست.

مسأله 20 - اگر مالی که برای حج کفایت می کند را به او ببخشند برای این که حج به جا آورد باید قبول کند و حج به جا آورد و همچنین اگر واهب بگوید مخیّری بین این که حج به جا آوری یا نه. ولی اگر اسم حج را نیاورد و فقط مال را به او ببخشد قبول واجب نیست.

مسأله 21 - باذل می تواند از بذلش برگردد ولی اگر در بین راه باشد باید نفقه برگشتن او را بدهد، و اگر بعد از احرام رجوع کند باید نفقه اتمام حج را نیز بپردازد.

مسأله 22 - پول قربانی در حج بذلی بر عهده باذل است ولی کفارات بر عهده او نیست، و اگر پول قربانی را بذل نکند حج واجب نمی شود مگر در صورت وجود شرایط دیگر استطاعت.

مسأله 23 - کسی که در راه حج برای خدمت اجیر شود به اجرتی که با آن مستطیع می شود حج بر او واجب می شود هر چند اجاره بر او واجب نبوده است ولی بعد از آن مستطیع می شود و باید حج به جا آورد.

مسأله 24 - کسی که برای نیابت از دیگری اجیر شد و با اجرت آن مستطیع گشت در صورتی که استیجار برای سال اول باشد باید حج نیابتی را مقدم بدارد و چنانچه استطاعت او تا سال بعد باقی بماند برای خودش در سال بعد حج به جا آورد.

مسأله 25 - شرط است در استطاعت که مخارج عائله اش را تا برگشت از حج داشته باشد هر چند عائله واجب النفقه او نباشند.

مسأله 26 - شرط است در استطاعت، رجوع به کفایت؛ یعنی بعد از برگشت از حج تجارت یا زراعت یا صنعت یا منفعت ملک مثل باغ و دکان داشته باشد به طوری که برای زندگانی به شدت و حرج نیفتد، و اگر قدرت بر کسب لایق به حالش هم داشته باشد کافی است، و اگر بعد از مراجعت نیاز به مثل زکات و خمس و سایر وجوه

شرعیه داشته باشد کفایت نمی کند، بنابراین بر طلاب و اهل علمی که در بازگشت از حج نیاز به شهریه حوزه های علمیه دارند حج واجب نیست.

مسئله 27 - شرط است در وجوب حج، استطاعت بدنی و استطاعت از جهت باز بودن راه و استطاعت زمانی، پس بر مریضی که قدرت رفتن به حج ندارد یا بر او حرج و مشقت زیاد دارد واجب نیست و بر کسی که راه برای او باز نیست یا وقت تنگ است به طوری که نمی تواند به حج برسد نیز واجب نیست.

مسئله 28 - اگر با وجود شرایط استطاعت حج را ترك کرد حج بر او مستقر می شود و باید بعداً به هر نحو می تواند به حج برود.

مسئله 29 - مستطیع باید خودش به حج برود و حج دیگری از طرف او کفایت نمی کند مگر در مورد مریض یا پیر به شرحی که بعداً بیان می شود.

مسئله 30 - کسی که خودش مستطیع است نمی تواند از طرف دیگری برای حج نایب شود یا حج استحبابی به جا آورد و اگر حج نیابی یا استحبابی به جا آورد باطل است.

مسئله 31 - کسی که حج بر او مستقر شد و به جا نیاورد تا فوت شد باید از ترکه او برای او حج بدهند و حج میقاتی کفایت می کند و تا حج او را ندهند ورثه نمی توانند در ترکه تصرف نمایند و لازم است در همان سال فوت، حج را ادا نمایند و تأخیر از آن جایز نیست و چنانچه در آن سال، استیجار ممکن نباشد مگر از بلد، لازم است از بلد اجیر بگیرند و از اصل ترکه خارج می شود و همچنین اگر در آن سال از میقات نتوانند اجیر بگیرند مگر به زیاده از اجرت متعارف لازم است اجیر بگیرند و تأخیر نیندازند و اگر وصی یا وارث اهمال کنند و تأخیر نیندازند و ترکه از بین برود ضامنند، بلی اگر میت ترکه نداشته باشد، بر وارث، حج او واجب نمی شود.

## مسائل متفرقه و استفتائات استطاعت

مسأله 1 - اگر زنی شوهرش از دنیا برود و در حیات شوهرش استطاعت مالی نداشته باشد و بعد از مردن او از ارث شوهر، استطاعت مالی پیدا کند ولی از جهت مرض نتواند به حج برود در صورتی که مرض او به نحوی است که قدرت بر رفتن به حج ندارد، مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست و همچنین اگر بعد از مردن شوهر، شغل یا زراعت یا صنعتی که بتواند بعد از برگشتن از حج، زندگی خود را اداره کند نداشته باشد مستطیع نمی شود هر چند ارثی که برده برای رفتن به حج و برگشتن کافی باشد.

مسأله 2 - زنی که مهریه اش وافی برای مخارج حج هست و آن را از شوهر خود طلبکار است اگر شوهرش تمکن از ادای آن را ندارد، زن حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست و اگر تمکن دارد و مطالبه آن برای زن مفسده ای ندارد با فرض این که شوهر، نفقه و مخارج زندگی زن را می دهد لازم است زن مهریه را مطالبه کند و به حج برود و چنانچه برای او مفسده دارد؛ مثل این که ممکن است مطالبه به نزاع و طلاق منجر شود که برای زن مفسده دارد، مستطیع نشده است.

مسأله 3 - با وجوه شرعیه مثل سهم امام و سهم سادات، شخص مستطیع نمی شود و اگر به مکه برود کفایت از حجة الاسلام نمی کند.

مسأله 4 - اگر کسی منزل گران قیمتی دارد و در صورتی که آن را بفروشد و منزل ارزان تر بخرد و با تفاوت قیمت آن بتواند به حج برود، چنانچه منزلی که دارد زاید بر شئون او نباشد لازم نیست آن را بفروشد و با این فرض مستطیع نیست و اگر زاید بر شئون او باشد با وجود سایر شرایط مستطیع است.

مسأله 5 - کسی که از راه کسب یا غیر کسب، مخارج رفتن و برگشتن حج را دارد و بعد از برگشتن از حج مقداری از مؤونه زندگی خود را از درآمد کسب مثل منبر و

بقیه را از شهریه ای که از وجوه شرعیه است تأمین می کند اگر در راه اداره زندگی بعد از مراجعت از حج نیاز به شهریه داشته باشد مستطیع نیست.

مسأله 6 - اگر کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد که منزل مسکونی تهیه کند، در صورت نیاز به منزل مسکونی مستطیع نمی شود هر چند پولی که به دست آورده برای مخارج حج کافی باشد.

مسأله 7 - اگر شخصی از سال های قبل مستطیع بوده و فعلاً مسافرت با هواپیما به جهت کسالت برای او مقدور نباشد و غیر از هواپیما وسیله دیگری برای او فراهم نباشد، نمی تواند نایب بگیرد و باید در وقت تمکن به حج برود و اگر متمکن نشد تا فوت شد باید از ترکۀ او برای او حج بدهند و اگر از سال های قبل، استطاعت نداشته در فرض مزبور مستطیع نشده است.

مسأله 8 - هرگاه زنی با کسب می تواند مخارج خویش را متکفل شود و مخارج حجش را نیز دارد و در صورت رفتن او به حج، شوهرش برای مخارج به زحمت می افتد، اگر به زحمت افتادن شوهر، موجب حرج برای زن نباشد مستطیع است و باید به حج برود و به زحمت افتادن شوهر، مانع استطاعت زن نمی شود.

مسأله 9 - کسی که در محل خودش مستطیع نیست واجب نیست به حج برود هر چند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد، ولی اگر رفت و وقتی به میقات رسید استطاعت حج از آن جا را با همه شرایط دیگر داشت مستطیع می شود و کفایت از حجة الاسلام می کند.

مسأله 10 - کسی که بعد از استطاعت مالی بدون تأخیر، سعی در رفتن به حج داشته و در قرعه کشی شرکت نموده و از جهت این که قرعه به نامش اصابت نکرده نتوانسته به حج برود مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست ولی اگر مسامحه کرد و تأخیر نمود و در سال های بعد در قرعه کشی شرکت کرد حج بر او مستقر شده است هر چند قرعه به نام او اصابت نکند.

مسئله 11 - کسی که برای حج نیابتی اجیر شده و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرده، چنانچه برای حج در آن سال اجیر شده باشد، باید حج نیابتی را به جا آورد و اگر استطاعت او باقی ماند، حج خودش را در سال بعد انجام دهد.

مسئله 12 - در حصول استطاعت فرقی نیست بین این که در شهر حج؛ یعنی شوال و ذیقعد و ذیحجه، مال پیدا کند یا قبل از آن، بنابراین اگر استطاعت مالی پیدا شود و استطاعت بدنی و سایر شرایط موجود باشد نمی تواند خود را از استطاعت خارج کند، حتی در اوایل سال و قبل از ماه های حج.

مسئله 13 - خدمه کاروان ها که وارد جده می شوند اگر سایر شرایط استطاعت را دارند؛ از قبیل داشتن وسایل زندگی بالفعل یا بالقوه و رجوع با کفایت، مثلاً کار و صنعت و غیر آن که با آنها می توانند پس از مراجعت ادامه زندگی مناسب خود را بدهند مستطیع هستند و باید حجة الاسلام به جا آورند و کفایت از حج واجب آنان می کند، و چنانچه سایر شرایط را ندارند به مجرد امکان حج، برای آنان استطاعت حاصل نشده است و حج آنان استحبایی است و چنانچه بعداً استطاعت پیدا کردند باید حج واجب را به جا آورند، و حکم روحانی کاروان نیز همین است لکن اگر بعد از مراجعت از مکه نیاز به شهریه حوزه دارند مستطیع نمی شوند.

مسئله 14 - پزشکان یا کسان دیگری که با مأموریت به میقات آمده اند و در میقات جامع شرایط استطاعت هستند، واجب است حجة الاسلام به جا آورند هر چند که لازم است مأموریت خود را نیز انجام دهند.

15 س - کسی که در مدینه مریض شده (سکته کرده) و فعلاً در بیمارستان است و دکترها گفته اند که باید تا دو هفته استراحت کند، آیا بعد از مدت استراحت در صورتی که حمل او برای انجام دادن اعمال مشکل باشد اگر او را به مکه ببرند وظیفه این شخص چیست؟

ج - اگر سال اول استطاعت او است و قدرت اعمال حتی به نحو اضطراری را ندارد



از استطاعت افتاده و حج بر او واجب نیست ولی برای دخول مکه باید مُحرم شود و با انجام اعمال عمره مفرده ولو اضطراری آن از احرام خارج می شود، و چنانچه سال اول استطاعت او نباشد و حج بر او مستقر شده اگر مأیوس از خوب شدن باشد باید نایب بگیرد که برایش عمره و حج تمتع انجام دهد و خودش برای دخول مکه مُحرم شود و عمره مفرده به طوری که ذکر شد به جا آورد، و چنانچه برای این شخص انجام اعمال حج تمتع ممکن باشد ولو به نحو اضطرار و انجام اضطراری اعمال، لازم است مُحرم شود و هر مقدار از اعمال را که می تواند ولو با کمک گرفتن از دیگری انجام دهد، و هر

مقدار را که نمی تواند، نایب بگیرد ولی در وقوفین گرفتن نایب کافی نیست.

16 س - کسی که احتمال می دهد حجی که در سال های قبل انجام داده صحیح نبوده یا مستطیع نبوده است و فعلاً شرایط استطاعت را دارد و بخواهد احتیاط کند، حج را به چه نیتی به جا آورد؟

ج - می تواند قصد ما فی الذمه؛ یعنی قصد امثال مطلق امر متوجه به او را کند و می تواند قصد حجة الاسلام احتیاطاً نماید.

17 س - شخصی که حج واجب خود را انجام داده است آیا می تواند آن را به قصد ما فی الذمه اعاده کند؟

ج - مانع ندارد ولی اعاده حج کفایت از اجزاء - در صورت صحت حج سابق و بطلان اجزاء - نمی کند و باید خود آن جزء تدارک شود.

18 س - کسی که با وجود تقلید صحیح قبلاً به حج مشرف شد و چون رجوع به کفایت را مجتهد او شرط استطاعت نمی دانسته حجة الاسلام قصد نموده و به جا آورده است با این که رجوع به کفایت نداشته است، فعلاً همه شرایط استطاعت برای او موجود است و از حضرت امام تقلید می کند آیا باید حج سابق را اعاده کند یا خیر؟

ج - اعاده لازم است.

19 س - شخصی بعد از انجام عمره تمتع مریض شد و از انجام حج منصرف شد و

ص: 13

به ایران رفت و در مکه کسی را وکیل کرده که برای فراغ ذمه او اقدام نماید، وظیفه در این مورد چیست؟ و آیا محرّمات احرام بر چنین شخصی چه وضعی دارد؟

ج - در فرض مسأله، وکیل گرفتن بی فایده است و چنانچه سال اول استطاعت او بوده است و در اثر مرض از قدرت انجام حج افتاده باشد در این صورت وجوب حج بر او موقوف است به بقای استطاعت تا سال های بعد، ولی در صورتی که سال اول استطاعت نبوده و حج بر او از قبل واجب بوده است چنانچه مأیوس از خوب شدن باشد باید در همان سال یا سال بعد برای حج و عمره تمتع نایب بگیرد، و در صورتی که مأیوس از خوب شدن نباشد نایب نمی تواند بگیرد و باید خودش حج و عمره تمتع را مجدداً انجام دهد، و در هر صورت فعلاً از احرام خارج و محرّمات احرام بر او حلال شده است.

20 س - در حال حاضر که هر کسی بخواهد حج مشرف شود باید قبلاً برای ثبت نام و مقدمات حج اقدام نماید، اگر کسی ثبت نام کرد ولی نوبت او را برای چند سال دیگر اعلام نمودند، اگر قبل از رسیدن آن نوبت، از راه دیگر وسیله رفتن برای او فراهم شد و پول قرض کرد و به مکه رفت، آیا حج او حجة الاسلام است یا خیر؟

ج - اگر قبلاً حج بر او مستقر نشده و فعلاً هم نمی تواند به حج برود مگر با قرض، حج بر او واجب نشده است، و حج او حجة الاسلام نیست.

21 س - اگر کسی به خیال این که استطاعت دارد به قصد عمره تمتع مُحرم شد و به ترتیب، کلیه اعمال حج تمتع حجة الاسلام را انجام داد و بعد از تمام شدن اعمال معلوم شد که مستطیع نبوده است، بفرمایید احرام و اعمال گذشته اش چگونه است؟ و نسبت به آینده اگر مستطیع شد، آیا حجة الاسلام بر او واجب است یا نه؟

ج - مُحرم نیست، ولی اگر مستطیع شد باید حجة الاسلام به جا آورد.

22 س - کسی خیال می کرد مستطیع نیست، به نیت استحباب مُحرم شد و اعمال عمره تمتع را انجام داد، بعد در مکه پرسید، معلوم شد مستطیع بوده است، آیا مجدداً

باید به نیت و جوب، مُحرم شود یا کافی است؟

ج - کفایت نمی کند، و در صحت حج ندبی او تأمل است.

23 س - شخصی برای زیارت سوریه ثبت نام کرده است و فعلاً سه هزار روپیه به دست آورده است و خرج حج بیت الله هم همین مقدار می شود، آیا رفتن حج واجب است یا می تواند به زیارت سوریه برود؟

ج - اگر سایر شرایط استطاعت را داشته باشد باید به حج برود.

24 س - در قباله های کنونی برای ازدواج، مبلغ زیادی نوشته می شود، آیا زنی که می خواهد ازدواج کند طبق برنامه مذکور واجب الحج می شود یا خیر؟ ضمناً مشخص فرمایید مبلغ چقدر باشد بهتر است؟

ج - اگر بدون مفسده بتواند مهر را بگیرد و به حج برود مستطیع است، و مهر السنه بهتر است و استحباب دارد.

25 س - اگر پدری بعد از ثبت نام برای حج فوت کرده است و چند پسر دارد و اجازه حج به یکی از پسران داده می شود، آیا در چنین موردی استطاعت طریقی برای کدام حاصل می شود؟

ج - با فرض وجود سایر شرایط استطاعت، به هر کدام اجازه داده شود مستطیع می شود.

26 س - پدری برای حج ثبت نام کرده است و در وصیتش گفته است که برایش حج مستحبی به جا آورند، و پسر بزرگ تر چون دیده خودش استطاعت بدنی و مالی دارد و فقط استطاعت طریقی نداشته که آن هم با فوت پدر برایش حاصل شده، به نیت خود حج را انجام داده نه به نیابت از پدر، آیا حج او صحیح است یا نه؛ چون استطاعت طریقی نداشته مگر از طریق نیابت؟

ج - فرض مزبور نیابت نیست، و حج خودش صحیح و مُجزی است.

27 س - مسلمین بعضی از کشورهایی که حکومتشان کمونیستی است؛ مانند

حکومت فعلی افغانستان،<sup>(1)</sup> اگر بخواهند حج بروند باید مبلغ زیادی به آن حکومت کمک کنند و قهراً این پول برای تقویت چنین حکومتی مصرف می شود، در صورتی که راه منحصر به این کار باشد آیا اولاً: حج بر چنین اشخاصی واجب است یا نه؟ و ثانیاً: اگر این مقدار پول را بدهند و به حج بروند از حَجَّة الاسلام کفایت می کند یا نه؟

ج - آنچه ذکر شد موجب سقوط حج نمی شود.

28 س - زنی برای حج ثبت نام کرده است ولی شوهرش که او هم استطاعت داشته به عللی ثبت نام ننموده است، آیا زن می تواند شرعاً نوبت خود را به شوهرش بدهد به این امید که در آینده هر دو با هم ثبت نام نمایند یا نه؟

ج - اگر زن، مستطیع است نمی تواند نوبت خود را به شوهرش بدهد، ولی اگر نوبت را به او داد حج شوهر صحیح است.

29 س - من با داشتن بیست هزار تومان قرض و گرفتن يك ماه حقوق قبل از پرداخت آن، موفق به سفر حج شدم، با توجه به این که شخص طلبکار از این سفر حج کاملاً راضی و به پولش احتیاج ندارد، آیا این حج واجب محسوب می شود یا نه؟

ج - اگر استطاعت مالی از برای شما محقق بوده، در فرض مزبور حج شما صحیح و حج واجب محسوب است، به شرط آن که امکان ادای بدهی بعداً به سهولت برای شما فراهم باشد. ولی اگر با قرض برای حج استطاعت مالی پیدا کرده اید مستطیع نشده اید و از حَجَّة الاسلام محسوب نمی شود.

30 س - اگر کسی مستطیع شد، آیا می تواند مال خودش را به پدر یا مادر ببخشد و خرج سفر حج ایشان نماید، و اگر چنین کرده است، تکلیفش چیست؟

ج - اگر شخصاً مستطیع است باید حج به جا آورد، و با بخشش پول به والدین، تکلیف از او ساقط نمی شود، و در صورتی که با بخشش پول به والدین نتواند حج واجب بر خود را به جا آورد بخشش جایز نیست، اگرچه صحیح است.

ص: 16

---

1- . منظور حکومت افغانستان در سال های 1980 - 1990 . م می باشد.

31 س - اشخاصی که در وقت اسم نویسی برای حج، استطاعت مالی دارند و از طرف دولت برای پنج سال یا بیشتر اسم می نویسند، آیا برای این گونه اشخاص اسم نویسی واجب است یا نه؟ و بر فرض وجوب اگر مسامحه کردند و نوشتند و بعد از مدت پنج سال مردند یا از استطاعت مالی افتادند، فقط ترك واجب کرده اند یا این که حج هم بر آنان مستقر است؟

ج - اگر احتمال دهند که قرعه در همان سال اول به نامشان بیرون می آید لازم است شرکت کنند، و اگر شرکت نکردند باید به حج بروند، و حکم کسی را دارند که حج بر او مستقر است.

32 س - اینجانب با شرایط زیر طبق قرعه کشی سازمان حج و زیارت ان شاء الله در سال 1366 عازم بیت الله الحرام هستم:

1 - هزینه کامل زیارت خود و همسرم از پول مُحَمَّس تهیه شده است.

2 - معلم آموزش و پرورش بوده و حقوق مستمر در حد معمول زندگی با قناعت را دریافت می دارم.

3 - فاقد مسکن و اتومبیل شخصی بوده و در هر شهری که شاغل باشم، مستأجر هستم.

4 - وسایل زندگی را در حد معمول دارا می باشم.

با توجه به شرایط فوق و شبهاتی که نسبت به وجوب حج و عدم آن از اطراف القا می شود آیا حج اینجانب و همسرم از حج واجب کفایت می کند یا خیر؟

ج - در فرض مرقوم چنانچه همسر شما به مقدار رفتن و برگشتن برای حج پول دارند و می توانند بروند، مستطیع هستند، و شما در صورتی استطاعت دارید که لوازم زندگی خود و عائله را به مقدار شأتان دارا باشید، و بعد از برگشتن بتوانید با درآمد کسب خودتان زندگی خود و عائله را اداره کنید.

33 س - اگر شخصی مستطیع بود و در رفتن به حج مسامحه کرد تا نوبت او از

دست رفت، حال که اسم نمی نویسند آیا با واسطه و سفارش در ایران یا خارج از ایران و با صرف مبالغی زیاد، جایز است به حج مشرف شود یا خیر، زیرا در غیر این صورت سال ها فریضه او تأخیر می افتد و خوف این را دارد که خدای ناکرده از تارکین حج به حساب آید؟

ج - باید به هر نحو هست و برخلاف مقررات جمهوری اسلامی نیست به حج مشرف شود.

34 س - شخصی قبلاً حج بر او مستقر نشده، اما در موقع ثبت نام جهت حج تمتع مستطیع بوده و ثبت نام نموده، ولی بعداً از نظر مالی محتاج شده و احتیاج به پول سپرده شده در بانک را دارد، بفرمایید می تواند پول را پس بگیرد یا خیر؟ و چنانچه در سال اول یا سال های بعد قرعه به نام او اصابت کند، فرق دارد یا نه؟

ج - با فرضی که ذکر شده مستطیع نیست و می تواند پول را بگیرد، و فرق ندارد.

35 س - پدرم در سال 1360 برای زیارت خانه خدا مستطیع شد و در سال 1362 جهت زیارت خانه خدا به مکه مشرف شد، ولی بعد از احرام بستن، بین راه سکنه و فوت کرد و هیچ گونه عملی را انجام نداد، آیا حج به گردش می باشد یا خیر؟

ج - اگر بعد از دخول حرم مرده، حج از او ساقط شده است، و اگر قبل از دخول حرم فوت کرده، در صورتی حج، واجب نیست که سال اول استطاعت او باشد.

36 س - شخصی دارایی او قریب هفتصد و پنجاه هزار تومان از اصل ملک و خانه که ارث از پدرش به او رسیده می باشد به اضافه این که يك باب منزل مسکونی هم دارد، اکنون که نام برده در اثر سانحه ای از دنیا رفته است دارای يك همسر و دو بچه صغیر می باشد که معاش آنان از درآمد همین املاک مذکور تأمین می شود، آیا شخص مُتَوَفَى مستطیع بوده یا خیر؟ و در صورت وجوب حج آیا حج بَلَدی گرفته شود یا میقاتی کفایت می کند؟ و آیا می شود مخارج حج از کل ترکه پرداخت گردد؟

ج - چنانچه شخص مُتَوَفَى در حال حیات خرج رفت و برگشت خود و عیالاتش

را داشته و در برگشتن هم درآمد لایق به حال خود و خانواده را داشته و می توانسته به مکه برود و تأخیر انداخته، مستطیع بوده، و چنانچه وصیت نکرده حج میقاتی از اصل ترکه خارج می گردد.

37 س - شخصی که حج به جا آورده، لکن چون امرار معاش او از وجوه و امثال آن بوده و آن زمان نیز متذکر مسأله مربوط به عدم استطاعت چنین شخصی نشده و گمان کرده که حج واجب خود را انجام داده است، پس از آن و در حال استطاعت قطعی نیابتاً حج به جا آورده است، آیا حج نیابتی وی صحیح است یا باید پس از انجام حج واجب مستقر خودش، نیابت را تکرار کند؟

ج - چنانچه در وقت انجام حج اولی مستطیع نبوده، با فرض حصول استطاعت در زمان حج ثانی، حج نیابتی باطل است و حج خود را باید انجام دهد، و حج نیابتی را اگر وقت آن موسّع بوده بعد از حج خودش انجام دهد، و در غیر این صورت به صاحب پول مراجعه کند.

38 س - کسی که واجب الحج بوده از پاکستان عازم حج شد و در مدینه منوره بیمار گردید و در حال بیماری به طرف مکه رهسپار شد و در بیمارستان مکه قبل از حج وفات نمود، تمام دارائش در وقت فوت، مقداری پول و قطعه زمینی در پاکستان بوده است، با توجه به این که پول موجودش برای نیابت حج او کفایت نمی کند آیا ورثه اش باید زمین را بفروشند و برایش نایب بگیرند، و یا این که با فوت او حج ساقط می شود؟ اجرکم علی الله.

ج - اگر با احرام عمره تمتع داخل مکه شده و پیش از انجام یا اكمال اعمال عمره یا بعد از انجام آن فوت نمود، همان مقدار عمل او مجزی و حج از او ساقط است، ولی اگر بدون احرام عمره وارد مکه شد و در آن جا فوت نمود در صورتی که حج بر او قبلاً مستقر بوده، باید از اصل ترکه او برایش نایب بگیرند، و حج میقاتی کفایت می کند.

39 س - اینجانب در موقع ازدواج يك سفر حج به زوجه ام وعده داده ام، آیا ادائش چگونه می باشد؟

ج - اگر مجرد وعده بوده است، لازم نیست ادای آن، و اگر مهر قرار داده شده باید به آن عمل کند.

40 س - اینجانب که به علت کهولت سن و بالا بودن قند خون و امراض دیگر قادر به انجام فریضه حج نمی باشم، آیا می توانم نیابتاً از طرف خود کسی را حج بفرستم یا خیر؟

ج - اگر قبلاً از جمیع جهات مستطیع بوده اید ولیکن اقدام بر انجام حج نکرده اید و در نتیجه حج بر شما مستقر شده و فعلاً در اثر پیری یا بیماری که امید خوب شدن نباشد تمکن از سفر حج ندارید، واجب است کسی را نایب بگیریید تا برای شما حج به جا آورد.

41 س - شخصی پدرش وصیت کرده است که فرزندش از جانب او حج به جا آورد، بعد از مرگ پدر، فرزند مستطیع می شود. آیا لازم است حج خود را بر حج پدر مقدم بدارد، و اگر حج خود را مقدم بدارد آیا صحیح است یا نه؟

ج - اگر قبل از آن که پسر مستطیع شود، پدر او را اجیر کرده که بعد از فوت او در سال اول حج برای پدر انجام دهد یا نسبت به مدت، مطلق بوده که منصرف به سال اول است و پسر قبل از استطاعت خود اجاره را قبول کرده، لازم است سال اول بعد از فوت پدر حج نیایی برای پدر انجام دهد. و در غیر این صورت باید برای خودش حج کند. و در صورت اول اگر برای خودش حج به جا آورد صحیح است، گرچه در مخالفت اجاره معصیت کرده است. ولی در صورت دوم اگر حج نیایی به جا آورد صحیح نیست، و نه برای خودش واقع می شود و نه برای پدرش، و حج بر خودش مستقر می شود که باید به هر نحو شده در سال بعد اتیان کند و اگر به جا نیاورد در سال های بعد با مراعات فوراً فوراً انجام دهد. و باید معلوم باشد که مجرد وصیت به حج بدون استیجار فرزند، نیابت را بر او واجب نمی کند هر چند وصیت را قبول کرده باشد. بنابراین در فرض استطاعت فرزند بعد از فوت پدر باید برای خودش حج به جا آورد و نیابت صحیح نیست.



42 س - خانم خانه داری که حج بر او واجب شده است و شوهرش اجازه مسافرت به تنهایی را نمی دهد و می گوید: چون برای حج اسم مرا ننوشته ای من هم اجازه نمی دهم، وظیفه اش چیست؟ و آیا بدون اجازه شوهر می تواند به حج برود یا نه؟

ج - در سفر حج واجب، برای زن اجازه شوهر شرط نیست و زن باید حج واجب خود را به جا آورد ولو این که شوهر او راضی به مسافرت او برای حج نباشد.

43 س - شخصی طبق وصیت پدر که پول به حساب سازمان حج واریز کرده است به نیابت او به مکه آمده در حالی که خود فرزند نیز استطاعت مالی داشته است آیا به نیابت پدر حج به جا آورد، یا حج خود را انجام دهد؟

ج - اگر راه برای پسر باز نبوده و از جهت نوبت پدر و نیابت از او راه برای او باز شده است باید برای پدرش حج کند، مگر آن که تبرعاً و بدون اجاره به نیابت پدر آمده باشد، که در این صورت مستطیع شده و باید برای خودش حج به جا آورد، و گذشت که به مجرد وصیت و قبول فرزند، نیابت واجب نمی شود مگر آن که قبل از استطاعت اجیر شود.

44 س - شخصی بجز برای هدی، استطاعت حج را داراست، آیا حج برای او واجب است؟

ج - بلی، مستطیع است و پول هدی، جزء استطاعت نیست.

45 س - اینجانب سال گذشته به حج مشرف شده ام و با توجه به فتوای حضرت عالی که فرموده اید: طلائی که به شهریه حوزه نیاز دارند مستطیع نیستند و در صورتی مستطیع می شوند که از وجوه شرعیه مستغنی باشند، لذا اینجانب مقدار پولی با افراد ذی حق (پدر و همسایه) مبادله و دستگردان کردم و به عنوان این که نسبت به بنده ذی حق هستند به آنان بخشیدم و ایشان آن را جهت مخارج حج به من برگرداندند، من هم در تمام اعمال و مناسک حج نیت حجة الاسلام کردم، آیا این حج برای اینجانب کفایت از حجة الاسلام می کند یا نه؟ ضمناً لازم به تذکر است که در ثبت

نام عمومی سال 1360 پول به حساب ریختم و آن موقع فتوای فوق را ندیده بودم و پولی که دست گردان شده بود جایگزین آن پولی که در حساب واریز کرده بودم قرار گرفت، بفرمایید آیا عین پول مبذول باید هزینه باشد یا بذل آن کافی است؟

ج - در فرض سؤال احوط آن است که بعداً اگر استطاعت پیدا کردید حج را اعاده نمایید.

46 س - شخصی قدرت مسافرت حج را ندارد و از قادر شدن بعد هم مأیوس است و استطاعت مالی هم ندارد، اگر به او بذل نفقه حج نمایند آیا باید قبول کند و نایب بگیرد یا این که قبول واجب نیست، و نیز اگر او را مهمان کنند حج واجب می شود تا استنابه کند یا خیر؟

ج - در فرض مرقوم حج واجب نیست.

47 س - اگر در میقات مستطیع شد و حجة الاسلام به جا آورد، مُجزی است یا نه؟ و آیا در فرض مسأله رجوع به کفایت، شرط است یا نه؟

ج - اگر مستطیع شده، مُجزی است، ولی رجوع به کفایت شرط است.

48 س - شخصی که استطاعت رفتن به حج را پیدا کرده، آیا می تواند پول حج را به مصرف لازمی در غیر مؤونه خود و افراد واجب النفقه اش خرج کند و خود را از استطاعت بیندازد؟ مثلاً آیا می تواند در شرایط کنونی کشور خرج جبهه کند؟

ج - مستطیع باید به حج برود، و دادن پول در مصارف مذکور کافی از حج واجب نیست، و اگر خرج کند و از استطاعت بیفتد، باید به هر نحو هست به حج برود.

49 س - در مواردی که نهاد یا ارگانی فردی را به حج می فرستد، بدون این که ملزم باشد کاری انجام دهد، آیا از موارد حج بذلی است یا خیر؟ و قبول آن واجب است؟

ج - با فرض مشروعیت آن بدون تعهد به هیچ کاری، حکم حج بذلی دارد.

50 س - مقداری پول دارم که برای رفت و آمد به سفر مکه کافی است، ولی هنوز از طرف دولت جمهوری اسلامی وقتی برای ثبت نام اعلام نشده است، آیا نگهداری

آن پول لازم است، و من مستطیع هستم؟

ج - اگر سایر شرایط را دارید و در همین سال هم ثبت نام می شود، باید ثبت نام کنید. و در غیر این صورت مستطیع نیستید و نگهداری پول لازم نیست.

51 س - همسر شهیدی که دارای دو بچه چهارساله می باشد و عملاً سرپرستی این دو بچه را دارد و به عنوان خانواده شهید قرعه حج هم به نام او درآمده است آیا مشارالیه می تواند مخارج را از مال این دو صغیر بردارد و مناسک حج را انجام دهد یا خیر؟

ج - نمی تواند مصارف حج را از اموال صغیر بردارد.

52 س - کسی که چهار پسر دارد و زن برای همه شان گرفته است، و خرج سالانه خود را هم دارد و قرض هم ندارد، و با پسرانش درآمدشان يك جا است الآن خرج دو نفر را دارند که به حج بروند، آیا حج واجب است یا نه، و اگر واجب شده است آیا تنها بر پدر واجب شده یا بر پسر هم واجب شده است، و اگر بر پسر هم واجب شده است کدامشان حق اولویت را دارند؟

ج - کسی که از مال خودش به مقدار حج دارد و می تواند به مکه برود و بعد از برگشت، زندگانی لایق شانش را داشته باشد مستطیع است و باید حج برود.

53 س - کسی که واجد شرایط حج باشد و نوه ای دارد که شرعاً و عرفاً به زن احتیاج دارد که اگر زن نگیرد به حرام می افتد، آیا کدام مقدم است و وظیفه پدر بزرگ چیست، ازدواج برای نوه اش یا حج؟

ج - حج خودش مقدم است مگر این که ازدواج نوه از مخارج عرفی او محسوب شود و نتواند هم برای او ازدواج کند و هم به مکه برود.

54 س - اینجانب با داشتن استطاعت مالی و هفتاد و دو سال سن، چون معتاد به خوردن تریاک هستم طبق مقررات کشوری، اداره بهداشت از رفتن حج جلوگیری می کند، از نظر شرع تکلیف حج چیست؟

ص: 23

ج - اگر قبلاً مستطیع بوده اید و با امکان، حج نرفته اید حج بر شما مستقر شده است، و اگر قبلاً استطاعت نداشته اید در فرض مذکور مستطیع نیستید، مگر آن که بتوانید، ولو با ترك تریاك، تحصیل اجازه کنید و به مکه بروید.

55 س - آیا از منافع خمس و زکات، کسی مستطیع می شود یا نه، و آیا خمس و زکات جزء ترکة میت است یا نه؟

ج - چنانچه به عنوان مصرف از طرف ولی امر به او داده شده، مالک شده و جزء ترکة او محسوب است، و از منافع آن هم با وجود سایر شرایط مستطیع می شود.

56 س - هرگاه کسی سرمایه یا ابزار کار دارد که اگر مقداری از آن را بفروشد می تواند با آن زندگی کند بدون زحمت، و با تفاوت آن قادر بر حج است، آیا این شخص مستطیع است؟

ج - با وجود سایر شرایط مستطیع است.

57 س - شخصی باغی دارد که چند سال است درآمدی نداشته، اما از نظر قیمت برای سفر حج کافی بوده، صاحب باغ عرفاً اطمینان دارد وقتی باغ ثمر بدهد او هم از کار افتاده خواهد شد و باید از درآمد باغ امرار معاش نماید، آیا این شخص مستطیع است؟

ج - اگر تمکن از امرار معاش به غیر از درآمد آن باغ نداشته باشد مستطیع نیست.

58 س - شخصی که بعد از عمره تمتع دیوانه شده، آیا لازم است که او را برای حج مُحرم کنند و وظیفه چیست؟

ج - لازم نیست، و بر دیوانه تکلیفی نیست.

59 س - اگر دختر بچه سه ساله را مادرش در سفر مکه معظمه همراه ببرد، و در میقات نیت احرام و تلبیه را از جانب دخترش انجام بدهد، و در طواف عمره و سعی بین صفا و مروه و طواف زیارت و طواف نساء و وقوف عرفات و مشعر و منی، مادر از طرف دختر نیت نموده و خود دختر را طواف و سعی و توقف بدهد و آنچه از اعمال

حج که دختر قادر نیست مادرش از جانب او انجام دهد، آیا آن دختر بعد از بلوغ و رشد می تواند شوهر نماید یا خیر؟

ج - با فرض این که تمام اعمال را مطابق وظیفه انجام داده اند از احرام خارج شده و می تواند شوهر کند.

60 س - اگر اطفال غیر ممیز - پسر یا دختر - را پدر و یا مادر در سفر مکه معظمه همراه ببرند آیا واجب است که پدر یا مادر در صورت تمکن اطفال، خود اطفال را وادار به انجام اعمال حج و عمره و طواف نساء نمایند و یا خود پدر و مادر و یا نایب ایشان اعمال عمره و حج و طواف نساء را از جانب اطفال به جا آورند، و اگر هیچ کدام کارهای مذکور فوق را پدر و مادر و اطفال عملی نکنند آیا این اطفال بعد از بلوغ و رشد می توانند ازدواج کنند و یا باید به مکه بروند و عمره و حج و طواف نساء را انجام دهند و بعد ازدواج نمایند، و یا تنها طواف نساء بر گردن آنان است؟

ج - بر ولی طفل واجب نیست او را مُحرم کند یا از طرف او حج انجام دهد، ولی اگر او را مُحرم کرد باید وظایف و اعمال را مطابق وظیفه ای که در مناسک و در رساله ذکر شده است انجام دهند، وگرنه در بعض صور طفل در احرام باقی می ماند و تا تدارک نکند نمی تواند ازدواج نماید.

61 س - اولاً با وجود دین چه مقدار پول برای استطاعت کافی است؟ و ثانیاً در صورتی که پول باشد لیکن به علت بیماری قلب، مقامات پزشکی سازمان حج و زیارت تشریف را خالی از خطر ندانسته و تجویز نمایند، آیا بایستی يك نفر برای انجام حج اعزام گردد؟

ج - شما اگر قبل از آن که استطاعت پیدا کنید مریض شده اید که قدرت رفتن به مکه را از جهت مرض نداشته اید، مستطیع نشده اید و نایب گرفتن لازم نیست، و نیز استطاعت مالی در صورتی موجود است که پول به مقدار رفتن و برگشتن داشته باشید و پس از برگشت، امکان پرداخت دین به سهولت برای شما باشد.

مسأله 1 - در نایب اموری شرط است:

1- بلوغ بنابر احتیاط واجب.

2- عقل.

3- ایمان.

4- وثوق و اطمینان به انجام دادن او، و اما بعد از اجرای عمل نایب، لازم نیست اطمینان به صحت آن، و در صورت شك در صحت، حکم به صحت می شود و استنباه صحیح است هر چند قبل از عمل شك داشته باشد.

5 - معرفت نایب به افعال و احکام حج ولو با ارشاد کسی در حال عمل.

6 - ذمه نایب مشغول به حج واجبی در آن سال نباشد.

7 - معذور در ترك بعض افعال حج نباشد.

مسأله 2 - در منوب عنه اموری شرط است:

1- اسلام.

2- در حج واجب شرط است که منوب عنه فوت شده باشد یا اگر زنده است حج بر او مستقر شده و خودش از جهت مرضی که امید خوب شدن آن نیست یا از جهت پیری نتواند به حج برود، و در حج استحبایی این شرط نیست و در منوب عنه بلوغ و

عقل شرط نیست و مماثله بین نایب و منوب عنہ نیز شرط نیست و جایز است کسی که تاکنون به حج نرفته و مستطیع نیست برای دیگری نایب شود.

مسئله 3 - نایب باید در عمل قصد نیابت نماید و منوب عنہ را در نیت تعیین کند ولو اجمالاً، و شرط نیست اسم او را ذکر کند گرچه مستحب است.

مسئله 4 - ذمہ منوب عنہ فارغ نمی شود مگر به این که نایب، عمل را صحیحاً انجام دهد. بلی اگر نایب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد از منوب عنہ مجزی است و در اجرای این حکم در حج تبرّعی اشکال است بلکه در غیر حجة الاسلام خالی از اشکال نیست.

مسئله 5 - لباس احرام و پول قربانی در حج نیابی بر اجیر است مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد و همچنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد کفاره بر عهده خود او است نه مستأجر.

مسئله 6 - نایب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنہ نماید و احتیاط استجابی آن است که به قصد ما فی الذمہ به جا آورد.

مسئله 7 - اگر نایب طواف نساء را صحیحاً انجام ندهد زن بر او حلال نمی شود و بر منوب عنہ چیزی نیست.

مسئله 8 - استیجار کسی که وقتش از اتمام حج تمتع ضیق شده و وظیفه او عدول به افراد است برای کسی که وظیفه او حج تمتع است صحیح نیست، بلی اگر در سعه وقت او را اجیر کرد و بعد وقت ضیق شد باید عدول کند و بنا بر احتیاط از منوب عنہ مجزی نیست.

مسئله 9 - در حج واجب نیابت يك نفر از چند نفر در يك سال جایز نیست و در غیر واجب مانع ندارد.

مسئله 10 - کسی که حج بر او مستقر شده؛ یعنی سال اول استطاعت حج نرفته، اگر

به واسطهٔ مرض یا پیری قدرت رفتن ندارد یا رفتن برای او حرج و مشقت دارد واجب است نایب بگیرد، در صورتی که امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن نداشته باشد، و به احتیاط واجب باید فوراً نایب بگیرد و اگر مستقر نشده باشد بر او، اقوا عدم وجوب است.

مسئله 11 - بعد از آن که نایب عمل را به جا آورد، حج از معذور ساقط می شود و لازم نیست خودش حج کند اگرچه عذرش برطرف شود و اما اگر قبل از اتمام حج عذر برطرف شد، چه قبل از احرام یا بعد باید خودش حج برود.

مسئله 12 - کسی که حج بر او واجب باشد چه سال استطاعتش باشد و چه حج بر او مستقر شده باشد جایز نیست نیابت کند از غیر، و اگر نیابت کند باطل است، چه عالم به حکم باشد یا نباشد.

مسئله 13 - اگر اجیر برای حَجَّةِ الاسلام بعد از احرام بستن و داخل شدن در حرم بمیرد کفایت می کند از حج کسی که برای او به جا آورده است، و لازم نیست حج کردن برای او، و اگر قبل از احرام یا بعد از آن و قبل از داخل شدن در حرم بمیرد باید دو مرتبه اجیر بگیرند، و همین حکم را دارد کسی که برای خودش به حج برود.

مسئله 14 - اگر کسی را برای حج اجیر کردند و قرار نگذاشتند که اجرت برای خصوص عمل باشد یا در مقابل عمل و رفت و آمدها باشد پس اگر قبل از داخل شدن در حرم مرد، ظاهراً مستحق اجرت رفتن تا محل موت می باشد، و همین طور اگر بعد از احرام و دخول حرم بمیرد بیشتر از آنچه ذکر شد و اجرت احرام مستحق نیست، اگرچه حج از میت ساقط می شود، و اگر بعضی اعمال را به جا آورد و مُرد مستحق اجرت آن اعمال نیز می باشد، و اگر اعمال را به نحوی به جا آورده است که در عرف گفته شود که عمره و حج را به جا آورد، مستحق تمام اجرت است اگرچه بعضی اعمال را که مضر به صحت حج نیست و محتاج به اعاده نیست نسیاناً ترك کرده باشد.



مسأله 15 - کسی که به عنوان نیابت رفت به مکه، و خودش حج واجب به جا نیاورده احتیاط آن است که بعد از عمل نیابت، برای خودش عمره مفرده به جا آورد و این احتیاط، واجب نیست لکن خیلی مطلوب است.

مسأله 16 - کسی که اجیر شده برای حج تمتع می تواند اجیر دیگری شود برای طواف یا ذبح یا سعی یا عمره مفرده بعد از عمل حج، چنانچه می تواند برای خودش طواف و عمره مفرده به جا آورد.

مسأله 17 - کسی که عذر داشته باشد از بعضی اعمال حج نمی شود او را اجیر کرد برای حج، و اگر شخص معذور از بعضی اعمال، تبرّعاً از غیر، حج بکند اکتفا کردن به آن اشکال دارد.

### استفتائات نیابت در حج

1 س - کسی مستطیع بوده و در میقات به نیابت دیگری مُحرم شده و به مکه آمده و عمره تمتع از طرف منوب عنه انجام داده است، وظیفه او چیست؟

ج - با این که خودش مستطیع است نیابت او صحیح نیست و احرام او باطل است و باید برگردد به میقات و از آن جا برای خودش مُحرم شود.

2 س - اگر کسی که نیابت از دیگری گرفته و به حج آمده از بعضی اعمال معذور است آیا می تواند در این اعمال نایب بگیرد؟ و آیا می تواند پول نیابت را به دیگری بدهد که اصل حج را به جا آورد؟

ج - نایب شدن معذور، صحیح نیست و باید پول را به صاحبش برگرداند مگر این که از طرف صاحب پول، مجاز در نایب گرفتن باشد که در این صورت می تواند دیگری را در اصل عمل حج نایب کند، و در صورتی که بدون اجازه، نیابت را به دیگری واگذار کرد و او عمل را انجام داد، حج از طرف منوب عنه واقع می شود ولی پول را باید به صاحبش برگرداند و صاحب پول ضامن چیزی

نیست و اجرت نایب را باید امر کننده بپردازد.

3 س - از هر کاروان نوعاً چند نفر از خدمه به نیابت آمده اند و به ناچار باید نیمه شب از مشعر برای انجام کارهای لازم در منی یا همراه ضعفاً به منی بروند، سؤال این است که آیا اجیر شدن و نیابت آنان صحیح است یا خیر؟

ج - با توجه به این که از معذورین هستند و نمی توانند وقوف اختیاری در مشعر را درک کنند نیابت آنان صحیح نیست، و اگر قبل از استخدام اجیر شده اند باید حج را به جا آورند و وقوف اختیاری را درک نمایند.

4 س - آیا شخص زنده در موردی که می تواند نایب بگیرد باید از بلد نایب بگیرد یا از میقات، و اگر دیگری برای او نایب بگیرد کفایت می کند یا خیر؟

ج - نایب گرفتن از میقات کفایت می کند، و خودش باید نایب بگیرد و نایب گرفتن دیگری برای او کافی نیست مگر از طرف او وکالت داشته باشد.

5 س - آیا عمره مفرده یا طواف استحبایی را می توانیم به نیابت چند نفر انجام دهیم، و در اعمال آن از جمله طواف نساء نیت همه باید بشود یا نیت بعضی کافی است؟

ج - می توانید به نیابت چند نفر انجام دهید، و باید نیت همه بشود.

6 س - کسی را روز عید قبل از حلق دستگیر کرده اند و او را به ایران فرستاده اند آیا رفقای او می توانند از او نیابت کنند و بقیه اعمال را انجام دهند یا خیر؟ و چگونه از احرام خارج می شود؟

ج - بدون این که خودش نایب بگیرد نیابت صحیح نیست، و برای خارج شدن از احرام باید به منی بیاید و حلق یا تقصیر کند و اعمال مترتبه را انجام دهد و اگر نمی تواند برود در محل خودش حلق یا تقصیر نماید و بنابر احتیاط موهای خود را به منی بفرستد، و باید برای اعمال مترتبه نایب بگیرد.

7 س - افرادی که هر سال به حج می روند - از قبیل خدمه کاروان ها - در محل خود از کسی نیابت قبول می کنند، ولی در میقات بر اثر اشتغال زیاد از نیابت غافل و مُحرم می شوند، بعد که متوجه شدند دوباره نیت نیابت می کنند، آیا حج نیابتی آنان درست است یا حج برای خودشان حساب می شود؟

ج - باید عمره و حج را به همان نیت اول اتمام کنند، و احرام دوم صحیح نیست مگر آن که احرام اول باطل باشد، مثل این که حج بر او واجب نبوده و نیت حَجَّة الاسلام کرده باشد.

8 س - شخصی در میقات برای خودش مُحرم می شود و تلبیه می گوید، بعد به فکر می افتد که چون خودش حج واجب را در سال های گذشته به جا آورده، برای پدر یا مادر یا یکی از خویشاوندان دیگرش حج تبرّعی به جا آورد، آیا می شود با نیت عدول کند، و یا دوباره به نیت شخص مورد نظر مُحرم شود یا خیر؟

ج - اگر به احرام صحیحی مُحرم شده، نمی تواند نیت را عوض کند و باید عملش را به همان نیتی که در احرام داشته، اتمام کند.

9 س - ناییی در احرام عمره تمتع بعد از این که وارد مکه شد شك می کند که نیت نیابت کرده یا نه، آیا باید به میقات برگردد و مجدداً به نیابت مُحرم شود، یا اصلاً حج برای خودش حساب می شود و دیگر نمی تواند نایب باشد؟

ج - در نیت خطوط لازم نیست، اگر انگیزه او در حال احرام نیابت بوده عمل را به نیابت انجام دهد، و اگر در داعی و انگیزه هم شك دارد باید اعمال را به نیت اجمالی (همان نیت در احرام) اتمام کند، و در نیابت به آن اکتفا نمی شود.

10 س - زنی در عرفات در روز نهم دیوانه شد، او را به بیمارستان بردند و تا آخرین وقتی که می توانستند همراهان او در مکه بمانند باقی ماندند، خوب نشد، آیا شوهرش که با او است می تواند برای او نایب بگیرد، و یا خودش باقی اعمال را انجام دهد یا نه؟

ج - مجنون تکلیف ندارد و نمی تواند برای او نایب بگیرند، و اگر عاقل شد حکم اشخاص مُحرم دیگر را دارد.

11 س - هرگاه کسی مریض شود، به طوری که بعد از احرام عمره قادر به انجام اعمال نباشد، آیا کسی که برای عمره تمتع مستحبی مُحرم شده و عمره را انجام داده است می تواند در حج نایب او شود یا خیر؟

ج - کسی که برای عمره تمتع مُحرم شده ولو مستحبی نمی تواند در اصل عمره یا حج برای دیگری نایب شود و باید عملش را اتمام کند، ولی اگر مریض فقط قادر به انجام طواف و سعی نباشد و بتواند وقوفین را درک کند و بقیه اعمال را نایب بگیرد، جایز است دیگران را در طواف و سعی و اعمال دیگر نایب قرار دهد، هرچند خودشان هم حج یا عمره به جا می آورند.

12 س - بنده چون مسئول گروه حج بودم به استناد وظیفه ام که مراقبت از بیماران و عاجزهای گروه بود وقوف اضطراری انجام دادم، لطفاً وظیفه شرعی اینجانب را بیان فرمایید.

ج - اگر همراه عجزه بوده اید که لازم بوده با آنان باشید و آنان از وقوف اختیاری معذور بوده اند برای شما هم اشکالی نداشته، بلی اگر نایب کسی شده اید نیابت شما درست نبوده است.

13 س - اگر کسی دفعه اول به صورت خدمه، حج به جا آورده و در دفعه دوم دوباره به مأموریت خدمه عازم مکه معظمه است، آیا می تواند به عنوان پدر یا مادر که فوت شده اند نیابت نماید؟ و در چنین صورتی آیا حج از عهده پدر و مادرش برداشته می شود؟

ج - مانع ندارد و حج از منوب عنه کافی است، مگر آن که سال اول، مستطیع نبوده و امسال مستطیع باشد.

14 س - اینجانب حدود شانزده سال قبل نیابتاً به مکه معظمه مشرف شده و در منی

چون سفر اول بوده است و می دانسته ام که طبق تقلید حضرت عالی باید در سفر اول حلق کنم، ولکن نمی دانستم که ماشین ته زن با تیغ فرق دارد و به جای تیغ با ماشین ته زن سر خود را تراشیدم و بعد از آن سفر هم دو سفر دیگر مشرف شدم و در سفرهای بعدی سر خود را ماشین نموده و ناخن هم گرفته ام، لطفاً بفرمایید در سفر اول که به جای تیغ با ماشین سر را تراشیدم، در مقابل این کار وظیفه ام چیست؟ و آیا این عمل سفر اول در سفرهای بعدی خللی وارد می آورد یا ذمه ام بری شده است؟

ج - شما در صورت امکان باید به مکه بروید و در منی حلق کنید و بعد از آن طواف و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را به جا آورید، و در این اعمال نیت اتمام حج سفر اول را بکنید و بعد از آن چیزی بر شما نیست، و اگر خودتان نمی توانید بروید یا رفتن برای شما حرجی است در محل خود حلق کنید و بنابر احتیاط موی آن را به منی بفرستید و در بقیه اعمال فوق نایب بگیرید، و نسبت به دو سفر دیگر که آیا صحیح و کافی بوده یا نه احتیاط را مراعات نمایید.

15 س - کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان بعد از درك اضطراری مَشْعُرُ به منی بروند، آیا همه آنان از ذوی الاعذار می باشند که نیابت ولو تبرّعاً مورد اشکال است یا نسبت به بعضی استثنا شده است؟

ج - در فرض سؤال زن ها می توانند نایب شوند، و نیابت در سایر ذوی الاعذار صحیح نیست.

16 س - شخصی در حج از میتی نیابت کرده و در وقت عقد اجاره برای انجام مناسک هیچ عذری نداشت، ولی چند سال بعد از انجام حج متوجه شد که در وقوف مشعر الحرام با زن ها و مریض ها به عنوان راهنما، وقوف اضطراری کرده و به منی رفته است و غافل بوده که نایب باید وقوف اختیاری بکند، آیا وظیفه اش چیست؟

ج - عمل مزبور مُجْزِی از حج نیابتی استیجاری نیست، و از جهت اجرت باید به اجیر کننده مراجعه نماید، و یا در صورتی که اجاره، موقت به زمان مخصوصی که

منقضی شده نباشد، دوباره حج نیابتی صحیح به جا آورد.

17 س - آیا می توانم برای مادرم و برای خودم فریضه حج را انجام دهم؟

ج - در يك سال بیش از يك حج واقع نمی شود.

18 س - شخصی به عنوان نیابت در مسجد شجره مُحرم شده و به مکه آمده، در مکه فهمید که خودش مستطیع بوده است، آیا باید اعمال عمره را به قصد خود به جا آورد یا به قصد نیابت، و اگر باید حج را به قصد خود به جا آورد نسبت به حج نیابتی چه وظیفه ای دارد، و آیا می تواند برای آن نایب بگیرد یا نه؟

ج - احرام او صحیح نبوده است و باید برگردد و برای عمره تمتع برای خودش مُحرم شود و وظیفه خودش را انجام دهد، و راجع به حج نیابتی نمی تواند نایب بگیرد، مگر اجازه داشته باشد یا استیجار او برای مطلق تحصیل حج باشد.

19 س - کسی که نایب بوده و عمره تمتع را انجام داده و بعد ناچار شده است که به ایران بازگردد، آیا می تواند بقیه اعمال را به دیگری واگذار نماید که حج تمتع را انجام دهد؟

ج - نمی تواند.

20 س - آیا شرط ایمان نایب که در اصل نیابت حج و همچنین در ذبح شرط است در سایر اعمالی که نیابت در آن جایز است، مثل رمی و طواف هم شرط است یا خیر؟

ج - در سایر اعمال نیز شرط است.

21 س - شخصی تمام اختیارات اموال پدرش را دارد و پدر نمی تواند بالمباشره حج را به جا آورد، پسر بدون تذکر دادن به پدر شخصی را اجیر برای حج پدر نموده و خودش هم برای حج خود مشرف شده، در این فرض آیا حج اجیر برای حج پدر، مجزی است یا خیر؟ و هرگاه در مدینه تصمیم بگیرد که آنچه را از مال پدر به اجیر داده است با پدر حساب نکند و از مال خودش باشد، رفع اشکال می شود یا نه؟

ص: 34

ج - در فرض مزبور استنباط در مورد پدر صدق نمی کند، و حجة الاسلام از طرف پدر واقع نمی شود، و فرقی بین دو صورت فوق نیست.

22 س - شخصی پس از آن که به مدینه مشرف شد جنون پیدا کرد با توجه به این که سابقاً حج بر او مستقر شده است، آیا می شود برای او نایب گرفت یا خیر، و اگر نشود، تبرع حج از او چه صورت دارد؟

ج - نیابت و تبرع در فرض سؤال صحیح نیست.

23 س - فردی پس از استطاعت مالی برای حج اسم نویسی کرد و برای دو سال بعد اسمش در آمد، ولی چند ماه قبل از حرکت، فوت کرد در حالی که پسرش را نایب قرار داده بود که برای او حج به جا آورد، در حالی که پسر خود استطاعت مالی داشته ولی در اسم نویسی مسامحه کرده و ننوشته است، در صورتی که اگر اسم می نوشت شاید در همان سال اول، قرعه به نامش در می آمد و شاید هم سال های بعد، اکنون پسر به مدینه آمده به عنوان نیابت حج بلدی از جانب پدر، و هنوز مُحرم نشده، چه وظیفه ای دارد؟

ج - در فرض مرقوم نیابت صحیح نیست، و باید برای خودش حج نماید.

24 س - شخصی اجیر حج بلدی از قم شده و خودش ساکن اراک است، بعد از اجیر شدن در نظر داشته که به قم برود و از آن جا حرکت کند، پس از چند روز در حالی که از موضوع غافل شده، برای انجام کار دیگری به قم و بعد از آن جا به تهران رفته است، آیا همان نیت قبلی برای حرکت از قم کافی است یا باید برگردد به قم، و بر فرض خروج از ایران چه حکمی دارد؟

ج - اگر می تواند باید برگردد، و چنانچه برنگشت ولو در صورت تمکن و حج را انجام داد، حج صحیح است و بالنسبه استحقاق اجرت دارد.

25 س - آیا بر نایب واجب است که بر طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه اعمال حج را انجام دهد یا مطابق وظیفه خودش عمل نماید؟

ص: 35

ج - میزان، وظیفه خود اوست، ولی اگر اجیر شده به کیفیت خاصی، باید طوری عمل کند که مراعات وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده بشود.

26 س - آیا در اجاره برای اعمال حج لازم است اجیر و مستأجر از یکدیگر سؤال کنند که مقلد چه کسی هستند یا نه؟

ج - لازم نیست، و اجیر مطابق تقلید خودش عمل می کند.

27 س - نایب چند ماه قبل از حج به بلد منوب عنه می رود و به عنوان نیابت حج حرکت می کند و به وطن خودش یا محل دیگری می رود، و در ماه ذیحجه که عازم حج می شود، دیگر به بلد منوب عنه نمی رود، کافی است یا نه؟ و چه وقت باید برود؟

ج - کافی است.

28 س - در موردی که مرحوم پدرم فرموده بود پسر بزرگ نیابتاً به مکه برود و من که پسر بزرگ هستم به وسیله ارث مستطیع شده ام اما تاکنون نتوانسته ام سهم خود را به پول مبدل کنم، آیا می توانم با این حال به جای پدر حج به جا آورم یا نه؟

ج - با فرض حصول استطاعت مالی برای خودتان، ولو از بابت ارثیه، اگر امکان فروش و صرف قیمت در حج را دارید باید اول برای خودتان حج به جا آورید، و برای پدر بعداً انجام دهید یا دیگری را نایب بگیرد.

29 س - آیا جایز است برای نایب در طواف عمره تمتع یا طواف حج که طواف را در غیر موسم حج به جا آورد یا نه؟

ج - مانع ندارد.

30 س - شخصی قبلاً مستطیع بوده و به حج نرفته و الآن هیچ گونه قدرت مالی جهت انجام حج را ندارد، آیا فرزندش می تواند تبرعاً از طرف او حج نیابی انجام دهد؟

ج - نیابت در حج از حی صحیح نیست مگر در صورتی که شخص از جهت پیری نتواند به حج برود یا مریض باشد و از جهت مرض نتواند برود و مایوس از خوب شدن تا آخر عمر باشد.

ص: 36



31 س - حج به نیابت حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - چون در موسم حج تشریف دارند جایز است یا نه؟

ج - اشکال ندارد.

32 س - زنی که واجب الحج است وصیت کرده که از اصل ترکه اش برای او حج بلدی توسط وصیش انجام شود، حال استطاعت جانی و مالی و غیره برای وصی او فراهم است، فقط از حیث عدم شرکت در نام نویسی برای حج، آن هم با عذری، استطاعت راهی ندارد، آیا می تواند حج نیابی را انجام دهد؟

ج - وصی اگر قبلاً استطاعت نداشته و فعلاً هم راه برای او باز نیست الآن هم مستطیع نیست و می تواند برای حج نیابی اجیر شود، ولی اگر بدون این که اجیر شود خود را به میقات برساند نمی تواند حج نیابی به جا آورد و باید برای خودش حج به جا آورد.

33 س - کسی که حج نیابی انجام می دهد اگر در قربانی شخص ثالثی را وکیل کرد ذابح چگونه نیت کند، آیا باید نیت کند که به وکالت از میت قربانی می کنم یا باید وکالت از نایب میت کند؟ در هر صورت آیا باید نام میت را هم ببرد؟

ج - نام میت بردن لازم نیست، بلکه چنانچه نیت کند آنچه بر عهده نایب است انجام دهد صحیح است.

34 س - کسی که برای حج اجیر می شود، اگر شرط کند که مثلاً برای طواف نساء یا يك عمل دیگری که نیابت بردار است نایب می گیرم، آیا این شرط نافذ است و می تواند عمل نماید یا نه؟

ج - اگر عذر دارد نمی تواند قبول کند، بلی در قربانی مانع ندارد و شرط لازم نیست.

35 س - کسی که احتمال قوی عقلایی می دهد که نتواند اعمال را به نحو عادی انجام دهد، و ممکن است حج تمتع را بدل به افراد کند، آیا می تواند از حج واجب نیابت کند؟

ص: 37

ج - می تواند نیابت کند، ولی اگر وظیفه او عدول به افراد شد بنا بر احتیاط منوب عنه نباید اکتفا به آن کند.

36 س - نایی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است، و بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از مُحرم شدن جزء معذورین شده و در هر عذری که پیش آمده طبق وظیفه معذورین رفتار نمود، آیا حج او از منوب عنه کافی است و آیا نسبت به نحوه عذر فرقی هست یا نه؟

ج - محل اشکال است.

37 س - کسانی که در حال اجیر شدن، از معذورین نبوده اند و بعداً در اثنای عمل عذر عارض شده است، آیا نیابتشان صحیح است و مستحق تمام اجرت می باشند یا نه؟

ج - اشکال دارد.

38 س - خدمه ای که از روی جهل به مسأله اجیر شده اند و وقوف اختیاری مشعر را درک نکرده اند فعلاً تکلیفشان چیست، و همچنین سایر معذورینی که حج ناقص از این قبیل انجام داده اند تبرّعاً یا با اجرت؟

ج - نیابت ایشان صحیح نیست و کفایت از منوب عنه نمی کند، و باید پول را برگردانند و خودشان با عدم عذر نسبت به درک اختیاری مشعر باید با انجام عمره مفرده، از احرام خارج شوند.

39 س - در مناسک آمده است که معذور نمی تواند نایب شود، معذور به چه کسی گفته می شود؟ لطفاً حد آن را معین کنید، مثلاً کسی که نمی تواند نماز طواف را صحیح بخواند، یا نمی تواند خودش رمی جمرات کند، و یا نمی تواند قربانی نماید، و یا نمی تواند یکی دیگر از واجبات حج را اعم از ارکان و غیر ارکان انجام دهد، معذور است یا خیر؟

ج - هر کس نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد معذور است و نمی تواند نایب

ص: 38

شود، ولی مباشرت در ذبح در حال اختیار هم لزوم ندارد، و لذا کسی که نمی تواند ذبح کند می تواند برای حج نایب شود و برای ذبح نایب بگیرد.

40 س - کسی که نماز او صحیح نیست و برای حج به نیابت آمده است، آیا نیابت او صحیح است؟ و مفروض این است که به عنوان نیابت مُحرَم شده است.

ج - اگر از قرائت صحیح معذور است، نیابت و احرام او باطل است، و اگر معذور نیست، صحیح است و باید قرائت خود را درست کند.

41 س - اگر مستناب یا منوب عنه در وقت نیابت بدانند که نایب جزو معذورین است و او را نایب کنند، اولاً: آیا اجرت نیابت برای نایب حلال است یا نه؟ و ثانیاً: آیا حج نیابتی او صحیح و از حَجَّة الاسلام یا غیر حَجَّة الاسلام منوب عنه کفایت می کند یا نه؟

ج - با فرض این که معذور بوده و استیجار شده استحقاق اجرت ندارد، و کفایت نمی کند.

ص: 39

مسأله 1 - مستحب است کسی که شرایط وجوب حج را ندارد از بلوغ و استطاعت و غیر آنها، در صورت امکان حج به جا آورد و همچنین بر کسی که حج واجبش را انجام داده است مستحب است دو مرتبه به حج برود، و مستحب است تکرار حج در هر سال، بلکه مکروه است پنج سال متوالی آن را ترك کند، و مستحب است در وقت خارج شدن از مکه یت برگشتن نماید، و مکروه است قصد برگشتن داشته باشد.

مسأله 2 - مستحب است از طرف خویشاوندان یا غیر آنها حج به جا آورد تبرّعاً، چه زنده باشند یا مرده و همچنین از طرف معصومین، و نیز طواف از طرف آنها و غیر آنها مستحب است به شرط آن که در مکه نباشند یا معذور باشند.

مسأله 3 - کسی که زاد و راحله ندارد مستحب است قرض کند و به حج برود در صورتی که می تواند قرض را ادا کند.

مسأله 4 - با مال حرام جایز نیست به حج برود، و اگر مال او مشتبّه است و علم به حرمت آن ندارد می تواند آن را صرف کند.

مسأله 5 - بعد از فارغ شدن از حج استحبابی می تواند ثواب آن را به دیگری هدیه کند همچنان که در وقت شروع می تواند آن را نیت کند.

مسأله 6 - کسی که مال ندارد تا با آن حج به جا آورد مستحب است ولو با اجاره دادن خودش و نیابت از دیگری نیز به حج برود.

مسأله 1 - عمره هم مانند حج دو قسم است: واجب و مستحب. و بر کسی که شرایط استطاعت را داشته باشد يك مرتبه در عمر واجب می شود و وجوب آن مانند حج فوری است و در وجوب آن استطاعت حج معتبر نیست بلکه اگر برای عمره مستطیع باشد واجب می شود، هر چند برای حج مستطیع نباشد همچنان که عکس این هم همین طور است که اگر شخص برای حج استطاعت داشته باشد و برای عمره مستطیع نباشد باید حج به جا آورد لکن باید معلوم باشد که برای کسانی که از مکه دور هستند مثل ایرانیان که وظیفه آنها حج تمتع است هیچ گاه استطاعت حج از استطاعت عمره و استطاعت عمره از استطاعت حج جدا نیست چون حج تمتع مرکب از هر دو عمل است به خلاف کسانی که در مکه یا قریب به آن هستند که وظیفه آنها حج و عمره مفرده است که نسبت به آنها استطاعت برای یکی از دو عمل تصور می شود.

مسأله 2 - واجب است بر کسی که می خواهد داخل مکه شود با احرام وارد شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می خواهد وارد مکه شود واجب است عمره مفرده انجام دهد، و از این حکم کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد وارد مکه می شوند و از آن خارج می شوند استثنا شده است.

مسأله 3 - تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است و در مقدار فاصله بین دو عمره اختلاف فرموده اند و احوط آن است که در کمتر از يك ماه به قصد رجاء به جا آورده شود.

حج سه قسم است: تمتع و قران و افراد.

تمتع وظیفه کسانی است که چهل و هشت میل که شانزده فرسخ است از مکه دور باشند.

قران و افراد بر غیر آنها واجب می شود و این تفصیل در حجة الاسلام است.

### صورت حج افراد و عمره مفرده

مسأله 1 - صورت حج افراد که گاهی مورد ابتلای متمتع می شود از این قرار است که زن حائض یا کسی که به واسطه ضیق وقت نمی تواند عمره تمتع را به جا آورد باید قصد کند حج افراد را، و به همان احرام عمره تمتع که عدول به افراد کرده برود به عرفات و مثل سایر حجاج و قوف کند، بعد از آن برود به مشعر و وقوف کند، بعد برود به منی و اعمال منی را به جا آورد مگر هدی را که واجب نیست بر او، بعد برود به مکه و طواف زیارت و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را به جا آورد، پس در این وقت از احرام خارج می شود، بعد از آن برگردد به منی برای بیتوته و اعمال ایام تشریق به همان نحو که سایر حجاج به جا می آورند، پس صورت حج افراد عین صورت حج تمتع است با يك فرق که در حج تمتع هدی باید

ذبح کند و در حج افراد واجب نیست ولی استحباب دارد.

مسئله 2 - صورت عمره مفرده - که باید کسی که حج تمتع او بدل به حج افراد شد بعد از حج به جا آورد - آن است که خارج شود به ادنی الجبل، و افضل آن است که از «جعرانه» یا «حدیبیه» یا «تعمیم» که از همه نزدیک تر به مکه است مُحرم شود، و بیاید به مکه و طواف کند و نماز آن را بخواند و سعی بین صفا و مروه بکند و تقصیر کند یا سر بتراشد و طواف نساء به جا آورد و نماز طواف بخواند.

مسئله 3 - عمره مفرده با عمره تمتع که تفصیلاً خواهد آمد در صورت فرق ندارند مگر در سه چیز:

اول - آن که در عمره تمتع باید تقصیر کند؛ یعنی از مو یا ناخن خود باید بگیرد، و سر تراشیدن جایز نیست و در عمره مفرده مخیر است بین سر تراشیدن و تقصیر.

دوم - آن که در عمره تمتع طواف نساء ندارد و در عمره مفرده دارد.

سوم - آن که میقات عمره تمتع یکی از مواقیت پنجگانه است که ذکر آن می آید، و میقات عمره مفرده ادنی الجبل است و جایز است از یکی از مواقیت پنجگانه مُحرم شود.

مسئله 4 - کیفیت افعال حج افراد از احرام و وقوفین و اعمال منی و اعمال مکه عین کیفیت حج تمتع است، و در احکام مشترک هستند، و کیفیت افعال عمره تمتع از احرام و طواف و سایر اعمال عین کیفیت عمره مفرده است.

مسئله 5 - عمره تمتع را اگر کسی به جا بیاورد کافی است از عمره مفرده.

مسئله 6 - کسی که وظیفه اش حج تمتع است مثل اشخاصی که از مکه شانزده فرسنگ شرعی دور باشند اگر استطاعت برای عمره داشته باشند و برای حج نداشته باشند عمره مفرده بر آنها واجب نیست مثل اشخاصی که به نیابت، حج می کنند، گرچه احتیاط آن است که به جا آورد.

مسئله 7 - کسی که مُحرم شد به احرام عمره مفرده حرام می شود بر او جمیع

چیزهایی که در احرام تمتع گفته شد و بعد از آن که تقصیر کرد یا سر تراشید همه چیز بر او حلال می شود مگر زن ها و بعد از آن که طواف نساء را با نمازش به جا آورد زن هم بر او حلال می شود.

مسأله 8 - طواف نساء را در عمره مفرده باید بعد از تقصیر یا سر تراشی به جا آورد.

مسأله 9 - کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه شد اگر احرامش در ماه های حج بوده جایز است که آن را عمره تمتع قرار دهد و دنبال آن حج تمتع به جا آورد و در این صورت هدی بر او واجب می شود.

### صورت حج تمتع اجمالاً

بدان که حج تمتع مرکب است از دو عمل: یکی عمره تمتع و دیگری حج تمتع. و عمره تمتع مقدم است بر حج.

و عمره تمتع مرکب است از پنج جزء:

اول: احرام.

دوم: طواف کعبه.

سوم: نماز طواف.

چهارم: سعی بین کوه صفا و مروه.

پنجم: تقصیر؛ یعنی گرفتن قدری از مو یا ناخن.

و چون مُحرم از این اعمال فارغ شد آنچه بر او به واسطه احرام بستن حرام شده بود حلال می شود.

و حج تمتع مرکب است از سیزده عمل:

اول: احرام بستن در مکه.

دوم: وقوف به عرفات.

سوم: وقوف به مشعر الحرام.

چهارم: انداختن سنگریزه به جمره عقبه در منی.



پنجم: قربانی در منی.

ششم: تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منی.

هفتم: طواف زیارت در مکه.

هشتم: دو رکعت نماز طواف.

نهم: سعی بین صفا و مروه.

دهم: طواف نساء.

یازدهم: دو رکعت نماز طواف نساء.

دوازدهم: ماندن به منی شب یازدهم و شب دوازدهم، و شب سیزدهم برای بعضی از اشخاص.

سیزدهم: در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات، و اشخاصی که شب سیزدهم در منی ماندند روز سیزدهم باید رمی جمرات کنند.

آنچه ذکر شد صورت اجمالی این دو عمل است و تفصیل آنها بعد ذکر می شود.

مسأله - لازم نیست مکلف این اعمال را قبل از ورود به عمره و حج بداند ولو اجمالاً و کافی است که نیت کند عمره تمتع را؛ یعنی عبادتی را که خداوند بر او واجب کرده، و همین طور حج تمتع را به نحوی که واجب است بر او، و کیفیت و تفصیل هر يك را از رساله در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند، ولی یاد گرفتن اجمالی آن بهتر و موافق احتیاط است.

### استفتائات اقسام عمره و حج

1 س - شخصی در اثنای عمره مفرده، در شوط پنجم سعی، مریض شده و نتوانسته است عمره را تمام کند، او را به ایران برده اند و بعد از بهبودی هم نتوانسته به مکه بیاید، فعلاً وظیفه او چیست؟ توضیح آن که: کسی نایب شده که وظیفه او را انجام دهد و عملی را که وظیفه اوست و او را از احرام خارج می کند به جا آورد.

ص: 45

ج - با فرض این که خود شخص نمی تواند مراجعت کند، نایب برای خروج منوب عنه از احرام، سعی را تمام کند و آن را اعاده نماید و به منوب عنه خبر دهد که تقصیر نماید و بعد از تقصیر برای طواف نساء نایب بگیرد، و توضیح آن که مسأله از موارد حصر نیست، چون شخص مریض فعلاً خوب شده و این که نمی تواند به مکه بیاید از جهت مرض نیست.

2 س - کسی عمره مفرده به جا آورده و بدون انجام طواف نساء به مدینه آمده است، فعلاً می خواهد برای عمره تمتع مُحرم شود، آیا جایز است بدون انجام طواف نساء مُحرم شود و بعد از انجام عمره تمتع، طواف نساء را به جا آورد؟

ج - مانع ندارد.

3 س - اگر فاصله بین دو عمره کمتر از يك ماه باشد فرموده اید باید عمره دوم را به قصد رجاء به جا آورد، آیا فرقی هست بین دو عمره مفرده از خود شخص و بین دو عمره مفرده ای که هر دو یا یکی از آنها به نیابت از دیگران باشد یا نه؟

ج - فرق نمی کند.

4 س - این که حضرت عالی فرموده اید: اگر فاصله میان دو عمره کمتر از يك ماه باشد، عمره دوم رجاء قصد شود، مقصود يك ماه است یا سی روز کامل؟

ج - میزان يك ماه است، و اگر در بین ماه عمره به جا آورده، احتیاط مذکور را تا سی روز مراعات کنند.

5 س - اگر بین دو عمره کمتر از يك ماه فاصله باشد باید عمره دوم را به قصد رجاء انجام دهد، چنانچه عمره دوم نیابت باشد نایب می تواند برای آن اجرت بگیرد یا خیر؟ و چنانچه بر منوب عنه انجام عمره مفرده واجب باشد کفایت می کند یا خیر؟

ج - لازم است احتیاط مراعات شود، و چنانچه با تذکر به اجیر کننده اجرت بگیرد اشکال ندارد.

6 س - اگر زنی به نیت عمره مفرده مُحرم و بعد از آن عادت شود و در همهٔ روزهایی که می تواند در مکه باشد حیض است، برای عمره مفرده باید چه کند؟ و اگر آن جا اعمالی انجام نداده و فعلاً به ایران آمده، چه وظیفه ای دارد؟

ج - در فرض سؤال باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیهٔ اعمال عمره را خودش به جا آورد، و چنانچه به ایران آمده، اقدام کند و برگردد و اگر نمی تواند، برای اعمال عمره نایب بگیرد ولی باید خودش تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال را به جا نیاورد آنچه به وسیلهٔ احرام بر او حرام شده بر او حلال نمی شود.

7 س - آیا طواف در عمره مفرده استحبابی حکم طواف واجب را دارد که باید نماز آن خلف مقام باشد یا حکم طواف استحبابی را دارد و در هر جای مسجد الحرام می توان نماز آن را خواند؟

ج - حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن خلف مقام باشد.

8 س - انجام عمره مفرده در ماه های حج پیش از عمره تمتع جایز است یا خیر؟ و در این مسأله فرقی بین صَرُورَه و غیر صَرُورَه هست یا نه؟

ج - مانع ندارد، و فرقی نمی کند.

9 س - تأخیر عمره مفرده در حج افراد تا چه وقتی بلاعذر جایز است؟

ج - باید مبادرت نماید عرفاً علی الاحوط و تأخیر نشود.

10 س - زنی که احتمال می دهد خون حیض ببیند و نتواند داخل مسجد الحرام شود، آیا می تواند برای عمره مفرده مستحبی مُحرم شود و اگر خون دید برای طواف و نماز نایب بگیرد، و همچنین مریض اگر احتمال می دهد نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد؟

ج - اشکال ندارد و چنانچه وظیفهٔ او نایب گرفتن شد عمل به وظیفه نماید.

11 س - همچنان که عمره مفرده را قبل از عمره تمتع ولو با کمتر از فاصله شدن

يك ماه تجویز فرموده اید، آیا بعد از عمره تمتع هم با کمتر از يك ماه فاصله تجویز می فرمایید، یا باید رجاء انجام شود؟

ج - به قصد رجاء انجام شود.

12 س - کسی که وظیفه او عمره تمتع است و ندانسته به نیت عمره مفرده مُحرم شده است تکلیف او چیست؟

ج - اگر قصد عمره مفرده کرده، باید عمره مفرده انجام دهد و بعد عمره تمتع را به جا آورد، و چنانچه اشتباه در تطبیق بوده، تمتع واقع می شود و صحیح است.

13 س - اگر تقصیر را در عمره مفرده جهلاً یا نسیاناً به جا نیاورد و طواف نساء را نیز ترك کرده و بعد رفته است به مسجد شجره و برای عمره تمتع مُحرم شده و عمره تمتع را به جا آورده و بعد متوجه نقص کار خود شده است، تکلیف این شخص با داشتن فرصت برای اعاده عمره تمتع و نداشتن فرصت چیست؟

ج - در فرض مرقوم چنانچه عمره مفرده را در اشدُّهُر حج به جا آورده و می خواهد حج مستحبی به جا آورد می تواند عدول به عمره تمتع کند چه وقت برای اعاده عمره تمتع داشته باشد یا نه، ولی اگر حج واجب باشد کفایت نمی کند علی الاحوط و باید پس از تقصیر صحیح به میقات برود و برای عمره تمتع مجدداً مُحرم شود.

14 س - کسی که حجش بدل به افراد شده و باید بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد، اگر سال بعد که به حج می رود بعد از اعمال حج، عمره مفرده را به جا آورد کافی و مُجزی است یا نه؟

ج - احوط آن است که تا عمره مفرده را انجام نداده برای عمره و حج دیگر مُحرم نشود، هر چند اگر خلاف کرد ضرر به صحت عمره و حج او نمی زند.

15 س - کسانی که از هند و پاکستان به سعودیه می آیند و در مکه معظمه مقیم می شوند آیا حجشان تمتع است یا وظیفه دیگری دارند؟

ج - چنانچه به قصد مجاورت در مکه بمانند و بعد از دو سال مستطیع شوند حکم

اهل مكه را پيدا مى كنند، و در غير اين صورت صور مختلفه اى است كه در تحرير الوسيله ذكر شده است.

16 س - كيفيت حج قران را بيان فرماييد، و آيا اين حج بر کدام اشخاص واجب مى شود؟

ج - حج قران واجب تعيينى نيست و چون مورد ابتلاء نيست مى توانيد به كتب مفصله مراجعه نماييد.

ص: 49



## در بیان اعمال عمره تمتع و حج تمتع تفصیلاً

**اشاره**

و در آن دو باب است:

ص: 51





## باب اول: اعمال عمره تمتع

### اشاره

و در آن هفت فصل است:

ص: 53



### اشاره

بدان که محل احرام بستن برای عمره تمتع که آن را میقات می نامند مختلف می شود به اختلاف راه هایی که حجاج از آنها به طرف مکه می روند، و آن پنج محل است:

اول: مسجد شجره است که آن را «ذُوالْحُلَيْفَه» می نامند، و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می روند.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - جایز است در صورت ضرورت، احرام را از مسجد شجره تأخیر بیندازد تا میقات اهل شام.

مسأله 2 - احتیاط واجب آن است که در داخل مسجد شجره مُحرم شود نه خارج آن، هر چند نزدیک به آن باشد.

مسأله 3 - شخص جنب و حائض می توانند در حال عبور از مسجد مُحرم شوند، و نباید در مسجد توقف کنند.

مسأله 4 - اگر جنب به واسطه زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام

ص: 55

ببندد، و آب برای غسل نباشد، و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود باید تیمم کند و داخل مسجد شود و احرام ببندد.

مسأله 5 - اگر حائض نتواند تا وقت پاك شدن صبر کند احتیاط آن است که نزدیک مسجد مُحرم شود و در جُحْفَه یا مُحاذی آن احرام را تجدید کند.

دوم: وادی عقیق است که اوائل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» می گویند که محل احرام عامه است، و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می روند.

سوم: قرن المنازل است، و آن میقات کسانی است که از راه طائف حج می روند.

چهارم: یلملم است که اسم کوهی است، و آن میقات کسانی است که از راه یمن می روند.

پنجم: جُحْفَه است، و آن میقات کسانی است که از راه شام می روند.

و در این جا مسائلی است:

مسأله 1 - اگر بیئنه شرعیه قائم شد؛ یعنی دو شاهد عادل شهادت دادند که فلان مکان میقات است، تفتیش و تحصیل علم لازم نیست، و اگر علم و بیئنه ممکن نشود می تواند اکتفا کند به ظن حاصل از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع به آن مکان ها می باشند.

مسأله 2 - هرگاه از راهی برود که به هیچ يك از میقات ها عبورش نیفتد باید از محاذات میقات احرام ببندد.

مسأله 3 - اگر عبور او طوری است که محاذات با دو میقات پیدا می کند احتیاط واجب آن است که از جایی که اول، محاذات پیدا می کند احرام ببندد، و در محاذات میقات بعد، تجدید نیت احرام کند.

مسأله 4 - کسانی که از محاذات غیر مسجد شجره عبور می کنند احتیاط مستحب

آن است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر مُحرم شوند و بهتر آن است که در محاذات، تجدید احرام کنند.

مسئله 5 - شخص مستطیع اگر احرام را از میقات تأخیر بیندازد از روی علم و عمد، و ممکن نشود برگردد به میقات به واسطه عذری و میقات دیگری در پیش نداشته باشد حج او باطل است، و باید سال دیگر حج به جا آورد.

مسئله 6 - شخصی که می خواهد از محاذی میقات مُحرم شود اگر محاذات را نداند باید از اهل اطلاع مورد وثوق بپرسد، و قول مجتهد که اهل اطلاع به آن مکان ها نیست اعتبار ندارد، و اگر نتواند محاذات را بفهمد قبل از رسیدن به محلی که احتمال می دهد از محاذات گذشته است به نذر مُحرم شود، بلکه اگر از محل معینی پیش از رسیدن به محاذات، به نذر مُحرم شود احوط است.

مسئله 7 - کسانی که با هواپیما به حج می روند و می خواهند بعد از حج به مدینه مشرف شوند احتیاط آن است که بدون احرام بروند «جده» و از اهل اطلاع مورد اعتماد تحقیق کنند؛ اگر جده یا «حده» معلوم شد محاذی با یکی از میقات ها است از آن جا مُحرم شوند و الا بروند به میقات دیگر مثل جُحفه و از آن جا مُحرم شوند، و اگر نتوانستند به جُحفه یا به میقات دیگر بروند با نذر از جده مُحرم شوند، و بهتر آن است که در «حده» تجدید احرام کنند اگر چه لازم نیست.

مسئله 8 - مراد از محاذات آن است که کسی که می رود به طرف مکه به جایی برسد که میقات به طرف راست یا چپ او واقع شود به خط راست به طوری که اگر از آن جا بگذرد میقات متمایل به پشت او شود.

مسئله 9 - محاذات ثابت می شود به علم و به دو شاهد عادل، و اگر اینها ممکن نشود اگر گمان حاصل شد از قول کسانی که مطلع به آن مکان ها هستند ظاهراً کافی است، بلکه از قول کسانی که اهل خبره هستند و از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می کنند اگر گمان حاصل شد ظاهراً کافی است.

مسئله 10 - کسی که به واسطه فراموشی یا ندانستن مسأله و عذر دیگر بدون احرام از میقات عبور کرد؛ پس اگر امکان داشت برگشتن به میقات و به اعمال عمره می توانست با برگشتن برسد واجب است برگردد و از میقات احرام ببندد چه داخل حرم شده باشد یا نه، و اگر ممکن نیست به نحوی که گفته شد؛ پس اگر داخل حرم نشده از همان جا احرام ببندد، و احتیاط مستحب آن است که هر مقداری می تواند به طرف میقات برگردد و آن جا مُحرم شود، و اگر داخل حرم شده واجب است؛ اگر می تواند و به اعمال عمره می رسد از حرم خارج شود و مُحرم گردد، و اگر نمی تواند به نحوی که گفته شد همان جا مُحرم شود، و احتیاط مستحب آن است که هر قدر می تواند به طرف خارج حرم برگردد و آن جا مُحرم شود.

مسئله 11 - زن حائض اگر مسأله نمی دانست و عقیده داشت که نباید در میقات مُحرم شود و احرام نیست حکمش همان است که در مسأله دهم گفته شد.

مسئله 12 - جایز نیست احرام بستن پیش از رسیدن به میقات، و اگر احرام ببندد صحیح نیست ولی اگر نذر کند که از محلی که پیش از میقات است احرام ببندد جایز است، و باید از همان جا مُحرم شود. مثلاً اگر نذر کرد که از «قم» مُحرم شود واجب است عمل کند، و بهتر آن است که به میقات یا محاذات میقات که رسید احرام را تجدید کند.

مسئله 13 - جایز نیست احرام را از میقات تأخیر بیندازد اختیاراً، بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات بدون احرام عبور نکند، اگرچه میقات دیگری بعد از آن باشد.

مسئله 14 - اگر از میقات بدون احرام عبور کرد واجب است در صورت امکان برگردد و از آن میقات مُحرم شود، بلکه اگر میقات دیگری بعد از آن میقات باشد باید به احتیاط واجب برگردد به میقاتی که از آن گذشته و مُحرم شود.

مسأله 1 - احتیاط واجب آن است که از خود مسجد شجره احرام بسته شود نه اطراف آن، و احتیاط مستحب آن است که در محل اصلی مسجد مُحرم شود اگرچه از مسجد مطلقاً جایز است حتی در قسمتی که مسجد توسعه پیدا کرده است.

مسأله 2 - اگر زن در میقات، حائض باشد و یقین کند که نمی تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد باید نیت حج افراد کند و برای حج افراد مُحرم شود ولی اگر بعد از آن کشف خلاف شد در صورتی که برای حَجَّة الاسلام مُحرم شده احرام او باطل است و باید برای عمره تمتع مجدداً مُحرم شود.

مسأله 3 - کسانی که با هواپیما به جده می روند نمی توانند از جده یا حدیبیه مُحرم شوند بلکه باید به یکی از مواقیت مثل جُحفه بروند و از آن جا مُحرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره مُحرم شوند و در این حکم فرقی بین این که قصد عمره تمتع یا مفرده داشته باشند نیست، و حدیبیه میقات عمره مفرده است برای کسانی که در مکه هستند.

مسأله 4 - کسانی که میقات برای آنها مشخص نیست نمی توانند به گفتهٔ راهنما (بلد) یا حمله دار که می گوید فلان محل میقات است مُحرم شوند مگر از گفتهٔ او اطمینان پیدا کنند و الاً باید به [عرف] محل مراجعه نمایند.

مسأله 5 - در صورتی که ثابت نیست که رابع محاذی جُحفه است احرام از آن جایز نیست.

مسأله 6 - کسی که در غیر ماه های حج به مکه رفته و عمره مفرده به جا آورده و در مکه مانده تا ماه های حج، برای احرام عمره تمتع باید به یکی از مواقیت پنجگانه معروفه برود و نمی تواند از تنعیم مُحرم شود.

مسئله 7 - کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می شوند و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند، نمی توانند بدون احرام از میقات تجاوز کنند، و در صورت تجاوز واجب است به میقات برگردند و از آن جا مُحرم شوند، و اگر کسی نتوانست برگردد هر جا که هست مُحرم شود.

مسئله 8 - اگر شخص در مکه باشد و بخواهد عمره تمتع به جا آورد و به عللی از رفتن به میقات عمره تمتع معذور باشد لازم است به خارج حرم برود و از آن جا مُحرم شود و از ادنی الحِل کافی است.

مسئله 9 - میقات برای شاغلین در جده از ایرانیان و غیر آنها در عمره تمتع و عمره مفرده همان مواقیت معروفه است، و نمی توانند از جده یا ادنی الحِل مُحرم شوند، و اگر از روی جهل به مسئله در جای دیگر مُحرم شوند، احرام آنها صحیح نیست و محرمات احرام بر آنها حرام نمی شود چنانچه در صورت علم و عمد هم حکم همین است هر چند در صورت جهل، اگر بعد از اعمال، مسئله را فهمیده اند عمل آنان صحیح است.

مسئله 10 - خدمه کاروان ها که می خواهند به مکه بروند و بعد از آن باید از مکه خارج شوند بنا بر احتیاط نباید عمره تمتع انجام دهند، بلکه برای دخول مکه باید به یکی از مواقیت معروفه بروند و از آن جا برای عمره مفرده مُحرم شوند. و ادنی الحِل، میقات این اشخاص نیست، و پس از انجام اعمال عمره مفرده می توانند از مکه خارج شوند، و در صورت خارج شدن از مکه اگر فقط به جده بیایند برای ورود به مکه در مرتبه دوم و سوم و بعد از آن، احرام واجب نیست، ولی اگر به مدینه بروند و از آن جا بخواهند به مکه بروند باید در مسجد شجره مُحرم شوند برای عمره مفرده دیگر، و چون بین این عمره مفرده و عمره مفرده اول يك ماه فاصله نشده عمره دوم را رجاء به جا آورند، و در هر صورت این اشخاص آخرین مرتبه ای که به مکه می روند باید به یکی از مواقیت معروفه، مثل مسجد شجره یا جُحفه بروند و از آن جا برای عمره تمتع مُحرم شوند.



11 س - کسانی که به علت عادت ماهانه نمی توانند داخل مسجد شجره مُحرم شوند باید در خارج آن مُحرم شوند و در مُحاذی جُحفه تجدید احرام نمایند، با توجه به این که مُحاذی جُحفه نقطه مشخصی نیست، وظیفه چیست؟

ج - می توانند به جُحفه بروند و در آن جا تجدید احرام کنند، و چنانچه حدود مُحاذات را تشخیص دهند و در تمام آن حد با بقای نیت، تلبیه را تکرار کنند کفایت می کند.

12 س - جماعتی از راه طائف عازم مکه بودند، قبل از رسیدن به قَرْن المَنَازل آنان را از راه وادی عقیق فرستادند و از راه قرن المنازل منع کردند و لذا در وادی عقیق مُحرم شدند، آیا احرام آنان چه صورت دارد؟

ج - صحیح است.

13 س - در مناسک مرقوم است که زن های حائض باید عبوراً از مسجد شجره مُحرم شوند و اگر نمی توانند، در خارج مُحرم شوند و در مُحاذی جُحفه تجدید احرام کنند، چون این کار مشکل است و مُحاذی جُحفه معلوم نیست آیا حضرت امام اجازه می فرمایند که این گونه اشخاص در مدینه با نذر مُحرم شوند؟

ج - چون احرام قبل از میقات با نذر صحیح است، زن های حائض که عذر شرعی از دخول مسجد دارند، می توانند در مدینه با نذر برای عمره مُحرم شوند. و در این صورت لازم نیست به مسجد شجره بروند، ولی نذر زن باید با اذن شوهر باشد.

14 س - زن حائضی که از مدینه عازم مکه بود، گمان می کرد که در حال عبور در مسجد شجره می تواند مُحرم شود و وظیفه اش را انجام دهد، ولی وقتی که به محوطه حیاط مسجد رسید دید به جهت ازدحام نمی تواند با عبور مُحرم شود، لذا از شوهرش که حاضر بود اجازه نذر گرفت و چند قدمی از مسجد فاصله گرفت و با نذر مُحرم شد، آیا کفایت می کند یا خیر؟

ص: 61

ج - اگر احراز کند که قبل از میقات، با نذر مُحرم شده است مانع ندارد.

15 س - زن در حال حیض به خیال این که می تواند در حال عبور، در مسجد شجره احرام ببندد وارد مسجد شد و بلافاصله احرام بست و تلبیه را هم گفت و چند قدمی هم به طرف دری که می خواست خارج شود رفت، ولی چون دید نمی شود عبور کرد برگشت و از همان دری که وارد شده بود خارج شد، آیا احرامش چگونه است؟

ج - صحیح است.

16 س - يك نفر از حجاج به کلی شنوایی خود را از دست داده و زبان او هم لکنت دارد که قادر به تکلم صحیح نیست، مسئولین و سایر حجاج همراه، به این موضوع توجه نداشته اند و این آقا بدون نیت و تلبیه وارد مکه شده است، تکلیف او و همراهانش چیست؟

ج - باید به میقات برگردد و با نیت و تلبیه مُحرم شود هر چند با بردن همراه باشد، و اگر نمی تواند به میقات برود باید در خارج حرم مُحرم شود، و اگر نمی تواند تلبیه را صحیح بگوید ولو با تلقین، احوط آن است که به هر نحو می تواند بگوید و ترجمه اش را نیز بگوید.

17 س - نظر به این که مسجد جُحفه و مسجد تنعیم اخیراً تخریب و بازسازی شده و وسعت یافته است، آیا حجاج یا مُعْتَمِرین باید حتماً در حدود مسجد قبلی مُحرم شوند و یا مُحرم شدن در تمام مسجد فعلی معتبر است؟

ج - میقات در جُحفه خصوص مسجد نیست و از هر جای جُحفه می توانند مُحرم شوند، و همچنین مسجد تنعیم خصوصیت ندارد و احرام از آدنی الحِل صحیح است هر چند در مسجد نباشد. بنابراین در صورت توسعه مسجد با صدق جُحفه در اول و آدنی الحِل در دوم، احرام اشکال ندارد.

18 س - در مناسک فرموده اید خدمه ای که می خواهند به مکه بروند و از مکه خارج شوند، در صورت خارج شدن از مکه، اگر فقط به جده می روند، برای ورود به

ص: 62

مکه در مرتبه دوم و سوم و بعد از آن احرام واجب نیست، ولی اگر به مدینه بروند و از آن جا بخواهند به مکه بروند باید در مسجد شجره مُحرم شوند برای عمره مفرده دیگر چنانچه میسر است، نکته علمی فرق میان جده و مدینه را بیان فرمایید؟

ج - فارق، عبور از میقات و عدم عبور است.

19 س - کسی که وسایلش در جُحفه مانده است، آیا می تواند برای آوردن وسایل خود، از احرام خارج گردد در حالی که برای عمره تمتع مُحرم شده و وارد حرم گردیده است؟

ج - می تواند قبل از خروج از احرام عمره، برود و وسایل خود را بیاورد، و اگر اعمال عمره تمتع را انجام داده و مُحِل شده است، نمی تواند از مکه خارج شود مگر در حال ضرورت، مُحرمماً به احرام حج علی الاحوط.

20 س - کسی از جده مُحرم شده و اعمال عمره تمتع را انجام داده است تکلیف او چیست؟

ج - اگر از رفتن به میقات معذور نبوده و وقت برای انجام عمره تمتع هست باید به میقات برود و مُحرم شود و عمره تمتع را اعاده کند، و اگر رفتن به میقات ممکن نیست به خارج حرم برود و از آن جا مُحرم شود.

21 س - آیا جایز است کسی که به احرام عمره تمتع در یکی از میقات ها مُحرم شده است به طرف خلاف مکه برود و بعد از چند روز بیاید مکه، مثلاً از مسجد شجره به مدینه و بعد از همان راه یا راه دیگر به مکه برود؟

ج - مانع ندارد.

22 س - بعد از اتمام حج تمتع اگر شخص از مکه خارج شود و بخواهد مراجعت کند آیا لازم است مُحرم شود یا خیر؟

ج - در صورتی که از وقت احرام عمره تمتع يك ماه نگذشته است لازم نیست مُحرم شود و می تواند بدون احرام وارد مکه شود.

ص: 63

23 س - کسی که عمره مفرده انجام داده است، آیا می تواند در فاصله کمتر از يك ماه، بدون احرام از میقات تجاوز کند؟

ج - احتیاط آن است که به قصد رجاء برای عمره مفرده دیگر مُحرم شود و بدون احرام تجاوز نکند.

24 س - کسی که در جده و یا مدینه حالت روانی پیدا می کند، آیا لازم است مُحرمًا وارد مکه شود، یا بدون احرام نیز جایز است؟

ج - مجنون تکلیف ندارد و احرام بر او واجب نیست، و اگر بدون احرام وارد مکه شود اشکالی ندارد.

25 س - زن حائضی که نمی توانست صبر کند تا پاك شود، نزدیک مسجد شجره مُحرم شد و بنا داشت مُحاذی جُحفه احرام را تجدید کند، در ماشین خوابش برد و وارد مکه شد، آیا احرام او درست است؟

ج - در صورت امکان باید برگردد و از جُحفه یا مُحاذی آن مُحرم شود علی الاحوط، و اگر ممکن نیست، از حرم خارج شود و از آن جا احرام ببندد.

26 س - اگر بعد از خروج از میقات در بین راه متوجه شود که تلبیه را نگفته، یا نیت نکرده و یا به جهت دیگر احرامش درست نیست، و چنانچه بخواهد از همان جا به میقات برگردد میسر نیست ولی اگر بیاید مکه امکان دارد برگردد، آیا می تواند بیاید مکه و به میقات برگردد، یا باید از همان جا مُحرم شود؟

ج - اگر می تواند به میقات برگردد ولو از مکه، نمی تواند برای عمل واجب از غیر میقات مُحرم شود، ولی برای دخول مکه از ادنی الحل به نیت عمره مفرده مُحرم شود و بعد از اعمال آن، به یکی از مواقیت معروف برود و برای عمره تمتع احرام ببندد.

27 س - زن بدون اذن شوهرش نذر می کند و با نذر مُحرم می شود، آیا احرامش درست است، و چنانچه با همان احرام اعمالش را به جا آورده باشد چگونه است؟

ج - اگر قبل از میقات مُحرم شده، احرام او صحیح نیست، اگرچه در صورتی که بعد

از تمام شدن حج فهمید، عملش صحیح است، ولی اگر بعد از عمره متوجه شد، در صورتی صحیح است که قابل جبران نباشد. و در صورتی که می تواند باید به میقات برود و از آن جا مُحرم شود و اگر نمی تواند به میقات برود از خارج حرم احرام ببندد.

28 س - آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است یا نه؟

ج - اشکال ندارد.

29 س - هرگاه حائض یا جنب عصباناً وارد مسجد شجره شود و مانند دیگران توقف نماید و مُحرم شود، آیا احرام او صحیح است یا نه؟

ج - احرام صحیح است.

30 س - کسانی که در مکه اقامت پذیرفته اند، موقتاً نه دائماً، آیا میقاتشان همان مواقیت خمسۀ معروفه است یا أدنی الحِل؟

ج - اگر فریضۀ آنها تبدیل نشده باید از مواقیت معروفه مُحرم شوند، و اگر تبدیل شده میقات آنها مکه است.

31 س - شخصی بدون احرام، عمدتاً یا جهلاً یا سهواً وارد مکه شده و بعداً از جهت گرانی بیش از حد کرایه یا ممنوعیت از طرف دولت نتوانست به میقات برگردد، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر ممکن نیست به میقات برود از أدنی الحِل باید مُحرم شود مگر این که ترك احرام از میقات بدون عذر باشد، که در این صورت نمی تواند حج به جا آورد و اگر مستطیع است سال بعد باید حج انجام دهد، و گرانی بیش از حد، عذر نیست مگر موجب حَرَج باشد.

ص: 65

واجبات در وقت احرام سه چیز است:

اول - نیت؛ یعنی انسان در حالی که می خواهد مُحْرَم شود به احرام عمره تمتع، نیت کند عمره تمتع را و لازم نیست قصد کند ترك محرّماتی را که بر مُحْرَم پس از احرام، حرام می شود، بلکه کسی که به قصد عمره تمتع یا حج تمتع لبیک های واجب را گفت، مُحْرَم می شود چه قصد بکند احرام را یا نکند و چه قصد بکند ترك محرّمات را یا نکند. پس کسی که می داند ارتکاب می کند بعضی محرّمات را مثل زیر سایه رفتن در حال سفر، احرام او صحیح است، ولی احتیاط آن است که قصد کند ترك محرّمات را.

مسأله 1 - آنچه ذکر شد که لازم نیست قصد کند ترك محرّمات را، در غیر آن محرّماتی است که عمره یا حج را باطل می کند مثل اکثر محرّمات، و اما آنچه عمره یا حج را باطل می کند مثل نزدیکی با زن در بعضی از صور که ذکر خواهد شد پس با قصد ارتکاب آن احرام باطل است بلکه غیر ممکن است.

مسأله 2 - عمره و حج و اجزای آنها از عبادات است و باید با نیت خالص برای طاعت خداوند تعالی به جا آورد.

مسأله 3 - اگر عمره را به ریا یا غیر آن باطل کند احتیاط واجب آن است که حج افراد به جا آورد و پس از آن عمره مفرده به جا آورد و در سال دیگر حج را اعاده کند.

مسأله 4 - اگر حج را به نیت خالص به جا نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند باید سال دیگر عمره و حج را اعاده کند.

مسأله 5 - اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به نیت خالص نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند و نتواند آن را جبران کند پس در عمره حکم بطلان عمره را دارد و در حج حکم بطلان حج را، ولی اگر محل جبران باقی است و جبران کرد عملش صحیح می شود، گرچه معصیت کار است.

مسأله 6 - اگر به واسطه ندانستن مسأله یا جهت دیگر به جای نیت عمره تمتع، حج تمتع را قصد کند پس اگر در نظرش آن است که همین عمل را که همه به جا می آورند او هم به جا آورد و گمان کرده جزء اول از دو جزء حج، اسمش حج تمتع است ظاهراً عمل او صحیح است و عمره تمتع است، و بهتر آن است که نیت را تجدید کند.

مسأله 7 - اگر به واسطه ندانستن مسأله یا جهت دیگر گمان کند که حج تمتع بر عمره تمتع مقدم است و نیت حج تمتع کند به عزم این که پس از احرام ورود به عرفات و مشعر و حج به جا آورد و عمره را پس از آن به جا آورد احرام او باطل است، و باید در

میقات تجدید احرام کند، و اگر از میقات گذشته است باید در صورت امکان برگردد به میقات و مُحرم شود، و الاً از همان جا مُحرم شود، و اگر وارد حرم شده و ملتفت شد باید در صورت امکان از حرم خارج شود و مُحرم شود، و الاً در همان جا مُحرم شود.

دوم - تلبیه؛ یعنی لبیک گفتن و صورت آن بنا بر اصح آن است که بگوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» .

و به این مقدار اگر اکتفا کند مُحرم شده و احرامش صحیح است، و احتیاط مستحب آن است که پس از آن که چهار «لبیک» را به صورتی که گفته شده گفت، بگوید:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» .

و اگر بخواهد احتیاط بیشتر کند پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید:

«لَبَّيْكَ ، أَللَّهُمَّ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» .

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّائِبِيَّةِ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ تَبْدِيءِ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ تَسْتَعْنِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ مَرْهُوباً وَمَرْغُوباً إِلَيْكَ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ ذَا النِّعَمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ كَشَّافِ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ» .

و این جملات را نیز بگوید خوب است:

«لَبَّيْكَ أَنْتَقَرُّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ بِحُجَّةٍ وَعُمْرَةٍ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ وَهَذِهِ عُمْرَةٌ مُنْعَةً إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّائِبِيَّةِ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ تَلْبِيَّةٌ تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ» .

و در این جا مسائلی است:

مسئله 1 - واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لَبَّيْكَ را که گذشت، همان طور که صحیح گفتن تکبیرة الاحرام در نماز واجب است.

مسئله 2 - اگر تلبیه را به قدر واجب که ذکر شد، نداند باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند؛ یعنی کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می خواهد احرام ببندد دنبال او به طور صحیح بگوید.

مسئله 3 - اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید احتیاط آن است که به هر نحو که می تواند بگوید، و ترجمه اش را هم بگوید، و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب هم بگیرد.



مسأله 4 - اگر لبیک گفتن را فراموش کرد یا به واسطه ندانستن حکم نگفت،

واجب است برگردد به میقات در صورت امکان و احرام ببندد و لبیک بگوید و اگر نتواند برگردد همان جا بگوید اگر داخل حرم نشده است، و اگر داخل حرم شده واجب است برگردد به خارج حرم و احرام ببندد و لبیک بگوید، و اگر ممکن نیست همان جا مُحرم شود و لبیک بگوید، و اگر بعد از گذشتن وقت جبران یادش آمد بعید نیست صحت عمل.

مسأله 5 - اگر کسی لبیک واجب را نگفت چه به واسطه عذری و چه بدون عذر چیزهایی که بر مُحرم حرام است بر او حرام نمی شود، و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می شود به جا آورد کفاره ندارد، و همچنین اگر لبیک را به ریا باطل کند.

مسأله 6 - اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات فراموش کند که نیت عمره تمتع کرده یا نیت حج تمتع، بنا بگذارد که نیت عمره تمتع کرده، و عمره او صحیح است، و همچنین اگر بعد از لبیک گفتن در روز هشتم که باید برای حج تمتع بگوید فراموش کرد که لبیک را برای حج گفت یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته، و حج او صحیح است، و احتیاط مستحب در تجدید تلبیه است.

مسأله 7 - جایز نیست لبیک واجب را از میقات تأخیر بیندازد، و اگر تأخیر انداخت باید به دستوری که در (مسأله 10) که بعد از بیان موافقت ذکر شد عمل کند.

مسأله 8 - واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چه می تواند، و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است، و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است بگوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» یا تکرار کند «لَبَّيْكَ» را فقط.

مسأله 9 - احتیاط واجب آن است که کسی که برای عمره تمتع مُحرم شد در وقتی که خانه های مکه پیدا می شود لبیک را ترك کند و دیگر لبیک نگوید، و مراد از

خانه های مکه خانه هایی است که در زمانی که عمره به جا می آورد جزء مکه باشد هر چند مکه بزرگ شود، و احتیاط واجب برای کسی که احرام حج بسته آن است که لبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

سوم - پوشیدن دو جامهٔ احرام برای مردان که یکی «لنگ» است و دیگری «رداء» که باید آن را به دوش بیندازند.

و در این جا مسائلی است:

مسأله 1 - احتیاط واجب آن است که این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن بپوشد و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط آن است که لبیک را دوباره بگوید.

مسأله 2 - لازم نیست که لنگ، ناف و زانو را بپوشاند، و کفایت می کند که به نحو متعارف باشد، ولی مستحب است که ناف و زانو را بپوشاند.

مسأله 3 - در پوشیدن دو جامهٔ احرام ترتیب خاصی معتبر نیست، بلکه به هر ترتیبی بپوشد مانع ندارد، فقط باید یکی را لنگ قرار دهد به هر کیفیتی که می خواهد، و یکی را رداء قرار دهد به هر کیفیتی که می خواهد، و احتیاط مستحب آن است که رداء شانه ها را بپوشاند.

مسأله 4 - احتیاط واجب آن است که در حال اختیار اکتفا نکند به يك جامهٔ بلند که مقداری از آن را لنگ کند و مقداری را رداء قرار دهد، بلکه باید دو جامهٔ جدا باشند.

مسأله 5 - در پوشیدن جامهٔ احرام احتیاط واجب آن است که نیت کند و قصد امر الهی و اطاعت او کند، و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامهٔ دوخته هم نیت و قصد اطاعت کند.

مسأله 6 - شرط است در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد، پس کفایت نمی کند جامهٔ حریر و غیر مأكول و جامه ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد.

مسأله 7 - لازم است جامه ای را که لنگ قرار می دهد نازک نباشد به طوری که

بدن نما باشد، و احتیاط مستحب آن است که رداء هم بدن نما نباشد.

مسأله 8 - احتیاط واجب آن است که لباس احرام زن حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام حریر نپوشد.

مسأله 9 - دو جامه ای که ذکر شد که باید مُحرم بیوشد مخصوص به مرد است، ولی زن می تواند در لباس خودش به هر نحو هست مُحرم شود، چه دوخته باشد یا نباشد ولی حریر محض نباشد چنانچه گذشت.

مسأله 10 - احتیاط واجب آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن در احوال احرام این دو جامه نجس شود تطهیر یا تبدیل نماید، و احوط مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود.

مسأله 11 - اگر تطهیر نکند جامه احرام یا بدن را کفاره ندارد.

مسأله 12 - احتیاط آن است که جامه احرام از پوست نباشد، لکن ظاهراً اگر به آن جامه گفته شود مانع ندارد.

مسأله 13 - لازم نیست که جامه احرام منسوج و بافتنی باشد، بلکه اگر مثل «نمد» مالیده باشد و جامه به آن گفته شود مانع ندارد.

مسأله 14 - افضل آن است که مُحرم اگر جامه احرام را عوض کرده وقتی که وارد مکه می شود برای طواف همان جامه ای را که در آن مُحرم شده است بپوشد، بلکه موافق احتیاط استحبابی است.

مسأله 15 - اگر مُحرم اضطرار پیدا کند به پوشیدن قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا غیر آن می تواند قبا و پیراهن بپوشد، لکن باید قبا را پایین و بالا کند و به دوش بیندازد،

و دست از آستین آن بیرون نیاورد، و احوط آن است که پشت و رو نیز بکند، و پیراهن را نیز باید به دوش بیندازد و نپوشد، اگر اضطرار رفع نمی شود مگر به پوشیدن قبا و پیراهن می تواند بپوشد.

مسأله 16 - لازم نیست جامهٔ احرام را همیشه در بر داشته باشد، بلکه جایز است آنها را عوض کند و برای شستن بیرون بیاورد و برای حمام رفتن آنها را بکند، بلکه جایز است برای حاجت هر دو را بیرون بیاورد و لخت شود.

مسأله 17 - شخص مُحرم می تواند از دو جامهٔ احرام بیشتر بپوشد، مثل دو سه رداء و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر.

مسأله 18 - اگر لباس احرام را عمدتاً نپوشد یا لباس دوخته در حالی که می خواهد مُحرم شود بپوشد معصیت کرده است، ولی به احرام او ضرر نمی رساند و احرامش صحیح است، و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده و احرامش صحیح است.

مسأله 19 - گره زدن لباس احرام اشکال ندارد ولی احتیاط واجب آن است که آن را که لنگ قرار داده به گردن گره نزنند، و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرر نمی رساند و چیزی هم بر او نیست، و سنگ در جامهٔ احرام گذاشتن و بانخ بستن نیز جایز است.

مسأله 20 - شرط نیست در احرام بستن پاك بودن از حدث اصغر و اكبر، پس جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس مُحرم شود، بلکه غسل احرام برای حائض و نفساء مستحب است.

مسأله 21 - اگر پیراهن بپوشد بعد از آن که مُحرم شد لازم است که پیراهن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد، ولی اگر در پیراهن مُحرم شود لازم نیست شکاف دهد و از پایین بیرون آورد، و همین قدر لازم است آن را بکند و لباس احرام بپوشد، و در هر دو صورت احرامش صحیح است.

مسأله 22 - اگر فراموش کند احرام را و به خاطرش نیاید مگر بعد از اتمام همهٔ واجبات و نتواند جبران کند احتیاط در بطلان عمرهٔ او است اگرچه صحت آن به نظر بعید نیست، ولی اگر اعمال حج را هم تمام کرد و یادش آمد عملش صحیح است.

1 س - کسی در وقت احرام این طور قصد می کند: مُحرم می شوم، یا احرام می بندم برای عمره تمتع یا غیر آن، با توجه به این مسأله که فرموده اید نیت احرام لازم نیست بلکه ممکن نیست، این احرام چه صورت دارد؟

ج - به احرام ضرر نمی زند هر چند قصد احرام لازم نیست، و احرام امر قصدی نیست، بلکه اگر شخص به قصد حج یا عمره تلبیه بگوید مُحرم می شود هر چند قصد احرام نکند.

2 س - زنی قبل از احرام برای عمره تمتع می دانست که عادت ماهانه او ده روز است و قبل از احرام حج اعمال عمره تمتع را نمی تواند انجام دهد، مع ذلك، نیت عمره تمتع کرد، آیا در برگرداندن نیت احرام عمره تمتع به حج افراد، باید چه کند؟

ج - نیت را به حج افراد برگرداند و اشکال ندارد، بلی اگر با التفات به این که نمی تواند عمره تمتع را انجام دهد و اگر انجام دهد صحیح نیست به نیت عمره تمتع مُحرم شود، صحت این احرام، بلکه حصولِ جَدِّ به آن، محل اشکال است.

3 س - مردها معمولاً برای احرام، يك حوله به عنوان لنگ به کمر می بندند و یکی هم بر روی شانه ها می اندازند، ولی بعضی افراد برای این که موقع ورزش باد و یا سوار شدن ماشین عورت آنان ظاهر نشود اضافه بر آن دو حوله، يك متر چلوار ندرخته از وسط پا عبور می دهند به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می گیرد، آیا این عمل صحیح است یا اشکال دارد؟

ج - اشکال ندارد.

4 س - آیا می شود برای کسی که قادر بر تلبیه گفتن نیست نایب گرفت یا خیر؟

ج - اَحْرَس (لال) باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد، و نایب گرفتن کافی نیست.

5 س - کسی که در گذشته حج واجبش را انجام داده، و بنا دارد حج مستحبی به جا آورد، ولی از روی ناآگاهی و یا فراموشی در نیت احرام عمره می گوید: «احرام عمره تمتع از حج تمتع از حجة الاسلام می بندم قربة الى الله»، آیا آوردن در نیت داشتن حجة الاسلام، در حالی که حج مستحبی است، اشکالی دارد یا خیر؟

ج - اشکال دارد، مگر آن که اشتباه لفظی باشد و قصدش این بوده عمره ای که وظیفه او است انجام دهد و اسمش را حجة الاسلام گذاشته باشد.

6 س - اگر کسی بداند در صورت صحیح نگفتن تلبیه، مُحْرَم نمی شود، و تلبیه را غلط بگوید و اعمال حج را انجام دهد، آیا اعمالش صحیح است یا نه؟

ج - چنانچه از روی عمد بوده صحیح نیست، و اگر عمدی نبوده و از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بوده، در فرض مرقوم بعید نیست صحت عمل.

7 س - اگر کسی تلبیه را غلط بگوید و بعد از وقوفین و قبل از اتمام اعمال حج فهمید که صحیحاً مُحْرَم نشده است، آیا وظیفه او نسبت به سایر اعمال و همچنین عمره قبلی او چگونه است؟

ج - با فرض این که بعد از وقت جبران متوجه شده بعید نیست صحت عمل، لکن احوط عدم اکتفا به این حج است، و این احتیاط ترك نشود.

8 س - ترجمه تلبیه «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» چیست؟

ج - ترجمه جمله مذکور چنین است: اجابت می کنم دعوت تو را خدایا اجابت می کنم دعوت تو را، اجابت می کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می کنم دعوت تو را. و اگر کلمه دعوت را هم نگوید کفایت می کند در مواردی که باید ترجمه را بگوید.

9 س - لباس احرामी که معلوم نیست از درآمد منبر است یا وجوهات شرعیه، آیا لازم است خمس آن را بدهد؟

ج - با فرض شك، لازم نیست، هرچند احتیاط مطلوب است.

10 س - کسی که به دیگران تلقین نیت و تلبیه می کند و خودش فراموش کرده است که نیت نماید، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر به قصد انجام عمره یا حج تلبیه نگفته، مُحرّم نشده است و باید در صورت امکان به میقات برگردد، و اگر ممکن نیست به خارج حرم برود و مجدداً مُحرّم شود.

11 س - آیا لباس احرام منحصر در دو جامه است و بیشتر نباید باشد؟

ج - مقدار واجب آن دو جامه است، و زیادتر مانع ندارد.

## مستحبات احرام

مستحبات احرام چند چیز است:

1- آن که قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

2- کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعدة و شخصی که قاصد عمره مفرده است پیش از يك ماه موی سر و ریش را رها کند.

3- آن که پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید، و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است، و تقدیم این غسل به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است، و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید، و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر مُحرّم حرام است باز هم اعاده مستحب است، و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

ص: 75

4- آن که دو جامهٔ احرام از پنبه باشد.

5- آن که احرام را به ترتیب ذیل ببندد: در صورت تمکن بعد از فریضهٔ ظهر، و در صورت عدم تمکن بعد از فریضهٔ دیگر، و در صورت عدم تمکن از آن بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از «حمد» سورة «توحید» و در رکعت دوم سورة «جحد» را بخواند، و شش رکعت افضل است، و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنِ اسْتَجَابَ لَكَ ، وَأَمَّنَ بَوَعْدِكَ ، وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ ، وَلَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ ، وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَتَقْوِيَنِي عَلَى مَا صَعُفْتُ ، وَتُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكَ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ ، وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيَتَ وَأَرْضَيْتَ وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ ، وَأَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَعُمْرَتِي ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَحَلِّبْنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ ، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَّةً فَعُمْرَةٌ ، أَحْرَمَ لَكَ شِعْرِي وَبَشَرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعَصْبِي مِنَ النَّسَاءِ وَالثِّيَابِ وَالطَّيِّبِ ابْتِغَاءً بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ» .

6- هنگام پوشیدن دو جامهٔ احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي ، وَأُوَدِّي فِيهِ فَرَضِي ، وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي ، وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَغَنِي ، وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي ، وَوَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِزْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَذُخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي» .

ص: 76



7- آن که تلبیه ها را در حال احرام تکرار کند خصوصاً در موارد آینده:

الف - وقت برخاستن از خواب.

ب - بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج - وقت رسیدن به سواره.

د - هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن.

ه - وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و - آخر شب.

ز - اوقات سحر.

زن حائض و نفساء نیز این تلبیه ها را بگویند.

و شخص متمتع تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آن که خانه های مکه را ببیند. و اما تلبیه حج تا ظهر روز عرفه مستمر است.

## مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

1- احرام در جامه سیاه، و افضل احرام در جامه سفید است.

2- خوابیدن مُحرم بر رخت و بالش زرد رنگ.

3- احرام بستن در جامه چرکین، و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید.

4- احرام بستن در جامه راه راه.

5 - استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

6 - حمام رفتن، و اولی آن است که مُحرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.

7 - لبیک گفتن مُحرم در جواب کسی که او را صدا نماید.

اشاره

و آن چند امر است:

اول - شکار صحرائی که وحشی باشد، مگر در صورتی که ترس داشته باشد از آزار آن.

و در این جا مسائلی است:

مسأله 1 - خوردن گوشت شکار بر مُحرم حرام است چه خودش شکار کند یا غیر خودش، چه مُحرم شکار کند یا غیر مُحرم.

مسأله 2 - نشان دادن شکار به شکارچی حرام است و همین طور اعانت او به هر نحوی حرام است.

مسأله 3 - اگر مُحرمی صید را ذبح کند در حکم میته خواهد بود بنابر مشهور و به احتیاط واجب، هم درباره مُحرم و هم مُحل.

مسأله 4 - شکار دریایی مانع ندارد، و آن حیوانی است که تخم و جوجه هر دو را در دریا کند.

مسأله 5 - ذبح و خوردن حیوانات اهلی مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد.

ص: 78

مسأله 6 - پرندگان، جزء شکار صحرايي می باشند و ملخ نیز در حکم شکار صحرايي است.

مسأله 7 - احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد اگر قصد اذیت او را نداشته باشد.

مسأله 8 - نگاه داشتن صید حرام است اگرچه خودش مالک آن باشد.

مسأله 9 - اگر پرنده ای که نزد او است پر در نیاورده یا پر او را چیده اند واجب است آن را حفظ کند تا پر در آورد و آن را رها کند، بلکه بعید نیست که واجب باشد حفظ بچه صید را - مثل آهوبره - تا بزرگ شود و رها کند آن را.

مسأله 10 - هر شکاری که حرام است، جوجه و تخم آن نیز حرام است.

بدان که در شکار، احکام بسیاری است و چون محل حاجت چندان نیست از بیان آنها خودداری شد.

دوم - جماع کردن با زن، و بوسیدن، و دست بازی کردن، و نگاه به شهوت، بلکه هر نحو لذت و تمتعی بردن.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - اگر کسی در احرام عمره تمتع از روی علم و عمد با زن چه در قُبُل و چه در دُبُر و یا با مرد جماع کند ظاهراً عمره اش باطل نشود و لکن موجب کفاره است که بیان آن می آید، و احتیاط آن است که اگر این عمل پیش از سعی واقع شد عمره را تمام کند و آن را دو مرتبه به جا آورد، و اگر وقت تنگ است حج افراد به جا آورد و بعد از آن عمره مفرده به جا آورد، و احتیاط بیشتر آن است که سال دیگر حج را اعاده کند.

مسأله 2 - اگر در عمره تمتع این عمل را از روی علم و عمد پس از سعی مرتکب شود کفاره بر او واجب می شود، و کفاره بنابر احتیاط واجب يك شتر است چه ثروتمند باشد یا نباشد.

مسأله 3 - اگر در احرام حج این عمل را از روی علم و عمد به جا آورد؛ اگر قبل از وقوف به عرفات بوده حج او فاسد است مسلماً، و اگر بعد از وقوف به عرفات و قبل از وقوف به مشعر الحرام بوده حج او فاسد است بنا بر اقواء، و در هر دو صورت كفارة آن يك شتر است.

مسأله 4 - در این دو صورت که حج فاسد شد باید حج را تمام کند و در سال دیگر نیز حج به جا آورد.

مسأله 5 - اگر این عمل بعد از وقوف به عرفات و مشعر واقع شد دو صورت دارد:

یکی آن که قبل از تجاوز از نصف طواف نساء مرتکب شده، در این صورت حج او صحیح است، و فقط باید كفاره بدهد.

دوم آن که بعد از تجاوز از نصف طواف نساء مرتکب شده، پس حج او صحیح است و كفاره هم ندارد بنا بر اقواء.

مسأله 6 - اگر زنی را از روی شهوت ببوسد كفارة آن يك شتر است، و اگر بدون شهوت ببوسد كفارة آن يك گوسفند است و احتیاط مستحب آن است که يك شتر كفاره بدهد.

مسأله 7 - اگر عمداً نگاه کند به غیر زن خود و انزالش شود احوط آن است که اگر می تواند يك شتر كفاره بدهد، و اگر نمی تواند يك گاو، و اگر آن را هم نمی تواند يك گوسفند كفاره بدهد.

مسأله 8 - اگر مُحرم نگاه کند به زن خود از روی شهوت و انزالش شود مشهور آن است که يك شتر كفاره است، ولی اگر از روی شهوت نباشد كفاره ندارد.

مسأله 9 - اگر کسی با زن دست بازی کند به شهوت و انزالش نشود يك گوسفند كفارة آن است، و اگر انزالش شود احتیاط آن است که يك شتر كفاره بدهد اگرچه كفایت گوسفند، خالی از قوت نیست.

مسأله 10 - هر يك از این امور که موجب كفاره است اگر با جهل به مسأله یا از

روی غفلت یا از روی نسیان واقع شود به عمره و حج او ضرر نمی رساند و بر شخص کفاره نیست.

مسئله 11 - اگر مردی با زن خود که مُحرم است از روی اجبار جماع کند بر زن چیزی نیست، و مرد باید علاوه بر کفاره خود کفاره زن را هم بدهد، و اگر زن از روی رضایت جماع دهد کفاره بر خود اوست، و مرد باید کفاره خودش را بدهد، و کفاره ای که باید بدهند گذشت.

سوم - عقد کردن زن از برای خود یا غیر، چه آن غیر، احرام بسته باشد یا نبسته باشد و مُحل باشد.

و در این جا چند مسئله است:

مسئله 1 - جایز نیست شخص مُحرم شاهد شود از برای عقد گرچه آن عقد برای غیر مُحرم باشد.

مسئله 2 - احتیاط آن است که شهادت ندهد بر عقد اگرچه شاهد عقد شده باشد در حال مُحرم نبودن، اگرچه جایز بودن آن خالی از قوت نیست.

مسئله 3 - اقوا آن است که خواستگاری کردن در حال احرام جایز است و احتیاط در ترك است.

مسئله 4 - رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانع ندارد.

مسئله 5 - اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند با علم به مسئله، آن زن بر او حرام دائمی می شود.

مسئله 6 - اگر زنی را با جهل به مسئله برای خود عقد کند عقدی که کرده است باطل است، لکن حرام دائمی نمی شود، ولی احتیاط آن است که آن زن را نگیرد خصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشد.

مسئله 7 - ظاهراً فرقی بین زن عقدی و صیغه ای نیست در احکامی که ذکر شد.

مسئله 8 - احتیاط آن است که زن اگر احرام بسته باشد و مرد مُحرم نباشد و عقد کند او را، با او نزدیکی نکند و طلاق دهد او را، و در صورت علم به مسئله او را طلاق دهد، و با او هیچ وقت ازدواج نکند.

مسئله 9 - اگر کسی عقد کند زنی را برای مُحرمی و مُحرم دخول کند پس اگر هر سه عالم به حکم باشند بر هر يك آنها يك شتر كفاره است، و اگر دخول نکند كفاره نیست، و در این حکم فرق نیست بین آن که زن و عاقد مُحل باشند یا مُحرم، و اگر بعضی از آنها حکم را می دانند و بعضی نمی دانند بر آن که می داند كفاره است.

چهارم - استمناء؛ یعنی طلب بیرون آمدن منی کردن به دست یا غیر آن هر چند به خیال باشد یا به بازی کردن با زن خود یا کس دیگر به هر نحو باشد، پس اگر منی خارج شود كفاره آن يك شتر است، و احتیاط واجب آن است که در جایی که جماع موجب بطلان است استمناء نیز موجب بطلان باشد به نحوی که در جماع گفته شد.

پنجم - استعمال عطریات است از قبیل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، بلکه مطلق عطر هر قسم که باشد.

و در این جا چند مسئله است:

مسئله 1 - مالیدن عطر بر بدن و لباس جایز نیست و همین طور پوشیدن لباسی که بوی عطر می دهد اگر چه قبلاً به آن عطر مالیده شده باشد.

مسئله 2 - خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می دهد مثل زعفران جایز نیست.

مسئله 3 - اگر به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می دهد اضطراب پیدا کند باید دماغ خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

مسئله 4 - از گل ها یا سبزی هایی که بوی خوش می دهد باید اجتناب کند، مگر بعضی انواع که صحرايي است، مثل «بومادران» و «درمنه» و «خزومی» که می گویند از خوشبوترین گل ها است.

ص: 82

مسأله 5 - احتیاط آن است که از «دارچینی» و «زنجبیل» و «هل» و امثال آنها اجتناب کند اگرچه اقوا حرام نبودن آن است.

مسأله 6 - از میوه های خوشبو از قبیل سیب و به اجتناب لازم نیست، و خوردن آنها و بوییدن آنها مانع ندارد، لکن احتیاط آن است که بوییدن را ترك کند.

مسأله 7 - اقوا حرمت گرفتن دماغ است از بوی بد، لکن فرار کردن از بوی بد به تند رفتن عیب ندارد.

مسأله 8 - خرید و فروش عطریات اشکال ندارد لکن نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال کند.

مسأله 9 - كفارة استعمال بوی خوش يك گوسفند است بنابر احتیاط واجب.

مسأله 10 - مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه - و آن چیزی است که کعبه را به آن خوش بو می کنند - حرام نیست، لکن چون معلوم نیست که خلوق چیست احتیاط آن است که اجتناب کند از بوی خوشی که در کعبه است.

مسأله 11 - اگر بوی خوش را مکرر استعمال کرد در وقت واحد بعید نیست يك گوسفند کفایت کند، لکن احتیاط در تعدد است، و اگر در اوقات متعدده استعمال کرد احتیاط ترك نشود، و اگر بعد از استعمال كفاره داد و باز استعمال کرد واجب است که باز كفاره بدهد.

ششم - پوشیدن چیز دوخته؛ مثل پیراهن و زیرجامه و قبا و امثال آنها.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - چیزهایی که شبیه به دوخته است مثل پیراهن هایی که با چرخ یا با دست می بافند یا چیزهایی را که با نمد به شکل بالا پوش می مالند مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن جایز نیست پوشیدن آنها.

مسأله 2 - احوط اجتناب از مطلق دوخته است هرچند کم باشد، مثل کمر بند دوخته و شب کلاه.

مسأله 3 - همیانی را که در آن پول می گذارند اشکال ندارد به کمر ببندد هرچند دوخته باشد، و بهتر آن است که قسمی کند که بی گره باشد.

مسأله 4 - فتق بند اگر دوخته باشد برای ضرورت جایز است ببندد، لکن احتیاط آن است که کفاره بدهد.

مسأله 5 - اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جایز است بپوشد، ولی کفاره باید بدهد.

مسأله 6 - جایز است گره زدن لباس احرام را ولی احتیاط در گره زدن است، و احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند.

مسأله 7 - جایز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر بعضی را به بعضی وصل کند گرچه احتیاط در ترك است.

مسأله 8 - از برای زن ها جایز است لباس دوخته هر قدر می خواهند بپوشند و کفاره ندارد، بلی جایز نیست از برای آنها پوشیدن «قفازین» و آن چیزی بوده که زن های عرب در آن پنبه می گذاشتند و دست می کردند برای حفظ از سرما.

مسأله 9 - کفاره پوشیدن لباس دوخته يك گوسفند است.

مسأله 10 - اگر مُحرم چند قسم لباس دوخته بپوشد مثل پیراهن و قبا و عبا، برای هر يك باید کفاره بدهد و احتیاط واجب آن است که اگر آنها را توی هم کرد و يك دفعه پوشید باز برای هر يك کفاره بدهد.

مسأله 11 - اگر از روی اضطرار لباس های متعدد پوشید کفاره ساقط نمی شود.

مسأله 12 - اگر يك قسم لباس بپوشد مثل پیراهن و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگر بپوشد یا آن را که پوشیده بکند و باز بپوشد باید برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد.

مسأله 13 - احتیاط واجب آن است که اگر چند لباس از يك نوع بپوشد مثل چند

قبا یا چند پیراهن چه در مجلس واحد یا در مجالس عدیده برای هر يك کفاره بدهد.



هفتم - سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد هر چند قصد زینت نکند، و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است که در آن زینت باشد، بلکه اگر بوی خوش داشته باشد بنابر اقوا حرام است.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - حرام بودن سرمه کشیدن به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است.

مسأله 2 - در سرمه کشیدن كفاره نیست، لکن اگر در سرمه بوی خوش باشد احتیاط كفاره دادن است.

مسأله 3 - در صورتی که احتیاج داشته باشد به سرمه کشیدن مانعی ندارد.

هشتم - نگاه کردن در آینه.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست.

مسأله 2 - نگاه کردن به اجسام صاف صیقل داده شده که عکس در آن پیداست و نگاه کردن در آب صاف اشکال ندارد.

مسأله 3 - عینک زدن اگر زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود جایز نیست.

مسأله 4 - در نظر کردن به آینه كفاره نیست لکن مستحب است که بعد از نگاه کردن لبیک بگوید.

مسأله 5 - اگر در اتاقی که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آینه می افتد اشکال ندارد، لکن احتیاط آن است که آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

مسأله 6 - احتیاط آن است که به آینه نگاه نکند اگر چه برای زینت نباشد.

ص: 85

نهم - پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هر چه تمام روی پا را می گیرد.

و در آن چند مسأله است:

مسأله 1 - این حکم اختصاص به مردان دارد و برای زن مانع ندارد.

مسأله 2 - اگر مرد محتاج شود به پوشیدن چیزی که روی پا را می گیرد احتیاط واجب آن است که روی آن را شکاف دهد.

مسأله 3 - در پوشیدن آنچه روی پا را می گیرد كفاره نیست.

دهم - فسوق است، و آن اختصاص به دروغ گفتن ندارد، بلکه فحش دادن و فخر به دیگران کردن نیز فسوق است، و از برای فسوق كفاره نیست، فقط باید استغفار کند، و مستحب است چیزی كفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است.

یازدهم - جدال است، و آن گفتن «لا والله» و «بلی والله» است.

و در آن چند مسأله است:

مسأله 1 - گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلی» و در سایر لغات، مرادف آن؛ مثل «نه» و «آری» دخالتی در جدال ندارد، بلکه قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است.

مسأله 2 - قسم اگر به لفظ «الله» باشد یا مرادف آن مثل «خدا» در زبان فارسی جدال است، و اما قسم به غیر خدا به هر کس باشد ملحق به جدال نیست.

مسأله 3 - احتیاط واجب الحاق سایر اسماء الله است به لفظ جلاله، پس اگر کسی قسم بخورد به «رحمان» و «رحیم» و «خالق سماوات و ارض» جدال محسوب می شود به احتیاط واجب.

مسأله 4 - در مقام ضرورت برای اثبات حقی یا ابطال باطلی جایز است قسم بخورد به جلاله و غیر آن.

مسأله 5 - اگر در جدال، راستگو باشد در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست مگر

استغفار، و در سه مرتبه کفاره باید بدهد، و کفاره آن يك گوسفند است.

مسأله 6 - اگر در جدال، دروغگو باشد احتیاط واجب آن است که در يك مرتبه يك گوسفند کفاره بدهد و در دو مرتبه يك گاو و در سه مرتبه يك شتر، بلکه خالی از قوت نیست.

مسأله 7 - اگر در جدال به دروغ در دفعه اول يك گوسفند کفاره ذبح کرد بعید نیست که اگر بعد از آن جدال کند به دروغ کفاره آن يك گوسفند باشد نه گاو.

مسأله 8 - اگر در جدال به دروغ دو مرتبه جدال کرد و يك گاو ذبح کرد برای کفاره و بعد يك مرتبه دیگر جدال کرد به دروغ، ظاهراً يك گوسفند کفاره است. و اگر بعد از ذبح گاو دو مرتبه دروغ گفت و جدال کرد ظاهراً يك گاو کفاره آن است.

مسأله 9 - اگر به راست جدال کرد بیشتر از سه مرتبه هر چند باشد يك گوسفند کفاره است مگر آن که بعد از سه مرتبه کفاره بدهد، در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند به راست باید يك گوسفند ذبح کند.

مسأله 10 - اگر به دروغ ده مرتبه یا بیشتر جدال کند کفاره يك شتر است ظاهراً، مگر آن که پس از سه مرتبه یا زیاده کفاره را ذبح کند که در این صورت در دفعه اول گوسفند و در دفعه دوم گاو و در دفعه سوم شتر است.

دوازدهم - کشتن جانورانی که در بدن ساکن می شوند؛ مثل شپش و كك و كنه که در بدن حیوان است.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - جایز نیست انداختن شپش و كك را از بدن.

مسأله 2 - جایز نیست نقل کردن آن را از مکانی که محفوظ است به جایی که از آن ساقط شود و بیفتد و احتیاط آن است که به محلی که در معرض آن است که بیفتد نقل ندهد.

ص: 87

مسأله 3 - احتیاط مستحب آن است که آن را از محلی به محل دیگر از بدن نقل ندهند اگر مکان اول محفوظ تر باشد.

مسأله 4 - بعید نیست که در کشتن یا انتقال دادن کفاره نباشد، لکن احتیاطاً يك كف از طعام صدقه بدهد.

سیزدهم - انگشتر به دست کردن به جهت زینت، و اگر برای استحباب باشد مانع ندارد.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - اگر انگشتر به دست کند نه برای زینت و نه برای استحباب - مثل آن که برای خاصیتی به دست کند - اشکال ندارد.

مسأله 2 - احتیاط واجب آن است که مُحرم «حنا» برای زینت نبندد، بلکه اگر زینت باشد ولو قصد نکند احتیاط در ترك است، بلکه حرمت آن در هر دو صورت خالی از وجه نیست.

مسأله 3 - اگر قبل از احرام «حنا» ببندد چه به قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند مانع ندارد، ولی احتیاط خوب است.

مسأله 4 - انگشتر به دست کردن و حنا بستن کفاره ندارد.

چهاردهم - پوشیدن زیور است برای زن به جهت زینت.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب آن است که ترك کند هر چند قصد تزئین نداشته باشد، بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست.

مسأله 2 - زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن قبل از احرام لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد.

مسأله 3 - زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن نباید به مرد نشان دهد حتی به شوهر خود.

مسأله 4 - پوشیدن زیور حرام است ولی کفاره ندارد.

پانزدهم - روغن مالیدن است به بدن.

و در آن چند مسأله است:

مسأله 1 - احوط بلکه اقوا حرام بودن مالیدن روغن است اگرچه بوی خوش در آن نباشد.

مسأله 2 - جایز نیست روغنی که بوی خوش در آن است استعمال کند پیش از احرام اگر اثرش باقی می ماند تا وقت احرام.

مسأله 3 - اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن بمالد عیبی ندارد.

مسأله 4 - خوردن روغن مانع ندارد اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد.

مسأله 5 - اگر در روغن بوی خوش نباشد در مالیدن آن کفاره نیست.

مسأله 6 - اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره آن يك گوسفند است اگرچه از روی اضطرار باشد.

شانزدهم - ازاله مو است از بدن خود یا غیر خود چه مُحرم باشد چه مُجَل.

و در آن چند مسأله است:

مسأله 1 - در حرمت ازاله مو فوقی نیست میان کم و زیاد بلکه ازاله يك مو نیز حرام است.

مسأله 2 - ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد عیب ندارد، مثل زیادی شپش و درد سر و موی چشم که اذیت می کند.

مسأله 3 - اگر در وقت غسل یا وضو مویی بدون قصد کنده شود اشکال ندارد.

مسأله 4 - در ازاله مو فرقی نیست بین تراشیدن یا نوره مالیدن یا کندن یا قیچی کردن و غیر آن.

مسأله 5 - کفاره سر تراشیدن اگر به جهت ضرورت باشد دوازده «مد» طعام است

که باید به شش مسکین بدهد، یا سه روز، روزه بگیرد، یا يك گوسفند قربانی کند. و «مد» يك چارك (ده سير) است تقريباً.

مسأله 6 - اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد احتیاط واجب آن است که يك گوسفند كفاره بدهد، بلکه تعیین گوسفند در این صورت بعید نیست.

مسأله 7 - اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند باید يك گوسفند ذبح کند برای كفاره، بلکه احتیاط آن است که اگر از زیر يك بغل هم ازاله مو کند يك گوسفند كفاره بدهد.

مسأله 8 - احتیاط واجب آن است که اگر موی سر را ازاله کند به غیر تراشیدن كفاره تراشیدن را بدهد.

مسأله 9 - اگر دست بکشد به سر یا ریش خود و يك مو یا بیشتر بیفتد احتیاط آن است که يك كف طعام صدقه بدهد.

هفدهم - پوشانیدن مرد است سر خود را به هر چه او را بپوشاند.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - احتیاط واجب آن است که سر را به چیزهای غیر پوششی هم نپوشاند، مثل گل و حنا و دوا و پوشال و غیر اینها.

مسأله 2 - احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد مثل بار برای حمل که سر به آن پوشیده شود.

مسأله 3 - جایز است به بعض بدن خود، سر را بپوشاند، مثل آن که دست ها را روی سر بگذارد، لکن احتیاط در ترك است.

مسأله 4 - جایز نیست سر را زیر آب کند بلکه جایز نیست زیر مایع دیگری مثل گلاب و سرکه و غیر آن کند.

مسأله 5 - در حکم سر است بعض سر، پس نباید بعض سر را هم بپوشاند و نه زیر آب یا مایع دیگری کند.

مسأله 6 - گوش ها ظاهراً از سر محسوب است پس نباید آنها را پوشانید.

مسأله 7 - پوشانیدن رو برای مردان مانع ندارد و از سر محسوب نیست، پس در وقت خواب مانعی از پوشاندن آن نیست.

مسأله 8 - گذاشتن بند خيك آب بر سر از حکم پوشش استثنا شده و مانع ندارد.

مسأله 9 - دستمالی را که برای سردرد به سر می بندد عیب ندارد.

مسأله 10 - گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد.

مسأله 11 - اگر پارچه ای را روی کمانی بیندازند به نحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کنند برای حفظ از پشه مانع ندارد، و همچنین رفتن در پشه بند اشکال ندارد.

مسأله 12 - زیر دوش حمام رفتن برای مُحرم مانع ندارد، لکن زیر آبشاری که سر را فرو گیرد جایز نیست.

مسأله 13 - اگر سر را شست نباید با حوله و دستمال خشك کند و بعض سر هم در حکم همه است.

مسأله 14 - در وقت خوابیدن، مرد نباید سر خود را بپوشاند، و اگر بدون التفات پوشانید باید فوراً آن را باز کند، و همین طور اگر از روی فراموشی پوشانید واجب است فوراً سر را باز کند، و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن.

مسأله 15 - اگر سر را بپوشاند به نحوی از انحا، كفارة آن يك گوسفند است، و احتیاط واجب كفاره است برای پوشاندن بعض سر.

مسأله 16 - احوط آن است که اگر مکرر سر را پوشانید مکرر كفاره بدهد؛ یعنی برای هر دفعه يك گوسفند كفاره است، گرچه تعدد كفاره معلوم نیست و به نظر بعید نمی آید واجب نبودن.

مسأله 17 - اگر سر را پوشانید و گوسفند را برای كفاره ذبح کرد و باز سر را پوشانید احتیاط به كفاره دادن دوباره خیلی مطلوب است گرچه وجوبش معلوم نیست.

مسأله 18 - کفاره در صورتی واجب است که از روی علم به مسأله و عمد سر را بپوشاند، پس اگر از روی ندانستن مسأله یا غفلت و سهو و نسیان بپوشاند کفاره ندارد.

هیجدهم - پوشانیدن زن است روی خود را به نقاب و روپند و برقع.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - پوشانیدن رو را به هر چیز اگرچه چیزهای غیر متعارف باشد مثل پوشال و گل و چیزهای دیگر جایز نیست بنا بر احتیاط، و جایز نیست با بادبزن روی خود را بپوشاند.

مسأله 2 - بعضی رو در حکم تمام آن است و نباید آن را بپوشاند.

مسأله 3 - اگر دست های خود را روی صورت بگذارد مانع ندارد.

مسأله 4 - اگر روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد مانع ندارد.

مسأله 5 - واجب است برای نماز سر را بپوشاند، و مقدمتاً برای پوشانیدن سر کمی از اطراف رو را بپوشاند، لکن واجب است بعد از نماز فوراً آن را باز کند.

مسأله 6 - جایز است برای رو گرفتن از نامحرم چادر یا جامه را که به سر افکنده پایین بیندازد تا محاذی بینی، بلکه چانه، بلکه در صورت احتیاج تا گردن و چیزی بر او نیست.

مسأله 7 - بهتر آن است که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین می اندازد با دست یا چیز دیگر دور از رو نگه دارد که به صورت نچسبد، بلکه این کار احوط است.

مسأله 8 - بعضی برای دور نگه داشتن جامه را از صورت کفاره لازم دانسته اند، و آن احوط است گرچه اقوا واجب نبودن آن است.

مسأله 9 - در نقاب انداختن و پوشاندن رو به هر نحو که باشد کفاره لازم نیست گرچه موافق احتیاط است.



نوزدهم - سایه قرار دادن مرد است بالای سر خود.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - سایه قرار دادن جایز نیست از برای مردان، و برای زن ها و بچه ها جایز است، و کفاره هم ندارد.

مسأله 2 - حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر مختص به حال منزل طی کردن است، و اما در حالی که در محلی منزل کرد؛ در منی باشد یا غیر آن، زیر سایه رفتن مانع ندارد، و با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگرچه در حال راه رفتن باشد پس مانع ندارد که در منی از چادر خود تا محلی که ذبح می کنند یا محلی که رمی جمرات می کنند با چتر برود گرچه احتیاط مستحب ترك است در حال راه رفتن.

مسأله 3 - فرق نیست در حرام بودن سایه قرار دادن در وقت طی کردن منزل بین آن که در محملی باشد که روپوش دارد یا در اتومبیل سر پوشیده باشد یا در هواپیما باشد یا زیر سقف کشتی باشد.

مسأله 4 - احتیاط آن است که در وقت طی منزل به پهلوی محمل یا هر چیزی که بالای سر او باشد استظلال نکند، اگرچه جایز بودن آن خالی از قوت نیست.

مسأله 5 - کسانی که از تهران یا جای دیگر می خواهند به مکه مشرف شوند با هواپیما، اگر نذر کنند برای احرام بستن از تهران، نذر آنها صحیح است و باید مُحرم شوند، و اگر راه دیگری نباشد جز هواپیما باید بروند به حج، لکن برای زیر سقف بودن در حال طی منزل باید کفاره بدهند.

مسأله 6 - کسی که نذر کرد از تهران یا جای دیگر مُحرم شود باید مُحرم شود، و حتی الامکان باید از راهی برود که زیر سایه در طی منزل قرار نگیرد، و اگر راهی نباشد که زیر سقف قرار نگیرد در صورت التفات به این مطلب پیش از نذر معصیت کار است برای آن که خود را از روی عمد مبتلای به معصیت کرده است.

ص: 93

مسأله 7 - کسانی که می خواهند با هواپیما به مکه بروند لازم است با هواپیما به مدینه بروند، و از آن جا در مسجد شجره مُحرم شوند و با اتومبیلی که سقف ندارد به مکه بروند و یا آن که بروند جده به قصد رفتن به جُحفه و در صورت امکان بروند به جُحفه و از آن جا مُحرم شوند و با اتومبیلی بی روپوش بروند به مکه معظمه، و اگر رفتن به میقات امکان نداشت، از جده مُحرم شوند و بهتر آن است که در «حده» هم که بین جده و مکه است تجدید احرام کنند.

مسأله 8 - نشستن در زیر سقف در حال طی منزل در شب خلاف احتیاط است گرچه جایز بودن آن به نظر بعید نیست. بنابراین بعید نیست جایز بودن نشستن مُحرم در هواپیمایی که شب حرکت می کند.

مسأله 9 - در جایز نبودن سایه بالای سر قرار دادن فرق نیست بین سواره و پیاده.

مسأله 10 - کسانی که کشتی سوار می شوند در حال احرام زیر سقف آن نباید بروند، لکن در کنار دیوار کشتی که سایه است ظاهراً نشستن جایز است.

مسأله 11 - استظلال در وقت طی منزل برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی جایز است، لکن باید کفاره بدهد.

مسأله 12 - کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل يك گوسفند است چه با عذر سایه افکننده باشد چه با اختیار بنابر احتیاط واجب.

مسأله 13 - اقوا کفایت يك گوسفند است در احرام عمره هر چند بیش از يك مرتبه سایه قرار داده باشد، و يك گوسفند است در احرام حج هر چند بیش از يك مرتبه استظلال کرده باشد.

بیستم - بیرون آوردن خون است از بدن خود.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - بیرون آوردن خون از بدن دیگری مثل حجامت کردن او یا دندان او را کشیدن حرام نیست.

مسأله 2 - جایز نیست به مثل خراشیدن بدن خون از آن بیرون آورد، و همین طور به مسواک نمودن خون از بن دندان ها بیرون آورد.

مسأله 3 - جایز است در حال احتیاج خون بگیرد به حجامت و غیر آن، و همین طور خون دمل را بیرون آوردن در حال احتیاج و جَرَب را خاریدن در صورتی که موجب آزار است، اگرچه از آن خون درآید.

مسأله 4 - خون از بدن درآوردن کفاره ندارد.

بیست و یکم - ناخن گرفتن.

و در آن چند مسأله است:

مسأله 1 - جایز نیست بعض ناخن را هم بگیرد مگر آن که موجب آزار شود، مثل آن که بعض آن افتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار او باشد.

مسأله 2 - جایز نیست ناخن پا را هم بگیرد چنانچه جایز نیست ناخن دست را بگیرد.

مسأله 3 - فرقی نیست بین آلات ناخن گیری قیچی باشد یا چاقو یا ناخن گیر، و احتیاط واجب آن است که ازاله ناخن نکند به هیچ وجه حتی به سوهان و دندان.

مسأله 4 - اگر انگشت زیادی داشته باشد جایز نیست ناخن آن را بگیرد احتیاطاً، و همچنین اگر دست زیادی داشته باشد احتیاط آن است که ناخن آن را نگیرد اگرچه بعید نیست جواز اگر معلوم شود آن انگشت یا آن دست زیادی است.

مسأله 5 - اگر يك ناخن از دست یا پا بگیرد يك مد طعام باید کفاره بدهد، و برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید يك مد طعام بدهد، و همچنین در ناخن های پا.

مسأله 6 - اگر تمام ناخن دست ها و پاها را در يك مجلس بگیرد يك گوسفند کفاره آن است.

مسأله 7 - اگر ناخن دست ها را تماماً بگیرد در يك مجلس یا چند مجلس و در

محل دیگر یا چند محل دیگر ناخن پاها را بگیرد دو گوسفند کفاره آن است.

مسأله 8 - اگر تمام ناخن دست ها را بگیرد و ناخن پاها را کمتر از ده ناخن بگیرد يك گوسفند برای ناخن دست و برای هر يك از ناخن های پا يك مد طعام باید بدهد و همچنین اگر ناخن پاها را بگیرد تماماً و ناخن دست ها را کمتر از ده بگیرد.

مسأله 9 - اگر پنج ناخن از پا بگیرد و پنج ناخن از دست برای هر يك باید يك مد طعام کفاره بدهد، و همچنین است اگر کمتر از ده در هر يك از دست و پا بگیرد برای هر يك باید کفاره بدهد.

مسأله 10 - اگر بیشتر از ده ناخن داشته باشد؛ پس اگر تمام را بگیرد باید يك گوسفند بدهد، و احتیاط مستحب آن است که برای ناخن زیادی از ده تا، کفاره بدهد برای هر يك، يك مد.

مسأله 11 - اگر کسی که بیشتر از ده ناخن دارد ده ناخن اصلی را بگیرد احتیاط واجب آن است که يك گوسفند بدهد، و اگر بعضی از ناخن های اصلی را و بعضی از ناخن های زیادی را بگیرد برای ناخن های اصلی يك مد بدهد و برای زیادی ها احتیاط مستحب آن است که کفاره بدهد.

مسأله 12 - اگر تمام ناخن های دست را گرفت و کفاره آن را داد و بعد در همان مجلس ناخن های پا را تماماً گرفت باید يك گوسفند دیگر کفاره بدهد.

مسأله 13 - اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و تمام آن را گرفت برای هر يك، يك مد طعام باید بدهد، و احتیاط مستحب آن است که يك گوسفند ذبح کند.

مسأله 14 - اگر محتاج شد به گرفتن ناخن، احتیاط واجب آن است که کفاره به همان نحو که ذکر شد بدهد.

بیست و دوم - کندن دندان است هر چند خون نیاید بنابر احتیاط، و احتیاط آن است که يك گوسفند کفاره بدهد.

بیست و سوم - کندن درخت یا گیاهی که در حرم روییده باشد.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - اگر گیاهی یا درختی در منزل مُحرم روییده شده باشد بعد از آن که منزل او شده پس اگر آن را خودش کاشته باشد جایز است آن را بکند.

مسأله 2 - اگر درختی در منزل او روییده بعد از آن که منزل او شده لکن خودش آن را نکاشته باشد احتیاط آن است که آن را قطع نکند گرچه اقوا جواز است.

مسأله 3 - اگر گیاهی که در منزل او روییده بعد از آن که منزل او شده و خودش آن را نکاشته باشد احتیاط واجب آن است که آن را قطع نکند.

مسأله 4 - اگر منزلی خریده باشد که دارای درخت و گیاه است نباید آن را قطع کند.

مسأله 5 - درخت های میوه و درخت خرما از این حکم بیرون است و می تواند آنها را قطع کند، و در گیاه ها (اذخر) که گیاه معروفی است از حکم مستثنا است و قطع آن مانع ندارد.

مسأله 6 - اگر درختی را که جایز نیست کندنش بکند احتیاط آن است که اگر بزرگ باشد يك گاو كفاره بدهد و اگر كوچك باشد يك گوسفند.

مسأله 7 - اگر بعض درخت را قطع کند اقوا آن است که قیمت آن را كفاره بدهد.

مسأله 8 - در قطع گیاه ها كفاره نیست بجز استغفار.

مسأله 9 - جایز است که شتر خود را بگذارد که علف بخورد، ولی خودش برای او قطع نکند.

مسأله 10 - آنچه ذکر شد از قطع درخت و گیاه حرم مختص به مُحرم نیست بلکه برای همه کس ثابت است.

مسأله 11 - اگر به نحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود

اشکالی ندارد.

ص: 97

بیست و چهارم - سلاح در برداشتن بنا بر احوط مثل شمشیر و نیزه و تفنگ و هرچه از آلات جنگ باشد مگر برای ضرورت، و مکروه است سلاح را همراه بردارد در صورتی که به تن او نباشد اگر ظاهر باشد و احوط ترك آن است.

### مسائل متفرقه و استفتائات محرمات احرام

مسأله 1 - اگر حاجی در حال احرام برای سردرد دستمالی به دور سر ببندد اگرچه تمام سر را بگیرد کفاره ندارد.

مسأله 2 - آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است. بنابراین اگر ماشین از زیر پل هایی که در مسیر واقع شده برود و به ناچار مُحرمین از زیر پل ها عبور کنند و یا در محل بنزین در زیر سقف متوقف شود و مُحرمین زیر سقف قرار گیرند اشکالی پیدا نمی شود و کفاره ندارد.

مسأله 3 - شخصی که با ماشین مسقف رانندگی می کند باید در هر احرام يك گوسفند کفاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن کفاره تکرار نمی شود. و همچنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن.

مسأله 4 - پوشیدن نعلینی که بندهای عریضی داشته باشد ولی تمام روی پا را نگیرد در حال احرام مانعی ندارد.

مسأله 5 - در شب استظلال نیست، بنابراین جایز است مُحرم در شب با ماشین سقف دار به مکه برود ولی در هوای ابری در روز جایز نیست مگر ابر به طوری تیره باشد که استظلال صدق نکند.

مسأله 6 - جایز است از جاهای دور مثل تهران با نذر مُحرم شود ولی اگر زیر سقف سفر می کند باید کفاره بدهد.

مسأله 7 - تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن

خون از بدن می شود تزریق نکند مگر در مورد حاجت و ضرورت.

مسأله 8 - در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن، فرقی بین سایه ای که با شخص حرکت کند مثل چتر و ماشین مسقف و سایه ثابت مثل پل و غیره نیست، و فرقی بین اجبار و اختیار نیست ولی بر عبور از زیر پل هایی که در جاده ها هست صادق نیست.

مسأله 9 - کسی که حجش را باطل کند اگر حج فاسد شده را به اتمام رسانده، از احرام خارج شده وگرنه در احرام باقی است.

مسأله 10 - بعد از آن که مُحرم به منزل رسید - ولو در محله های جدید مکه که از مسجد الحرام دور هستند - می تواند برای رفتن به مسجد الحرام در ماشین های مسقف سوار شود یا زیر سایه برود.

11 س - آیا کشتن مارمولک و از این قبیل جانوران، در حال احرام اشکال دارد؟

ج - از محرمات احرام محسوب نیست.

12 س - اگر از روی علم و عمد در احرام حج، قبل از وقوف عرفه با زوجه خود جماع نماید مسلماً حج او باطل است، و قبل از وقوف مشعر الحرام هم بنا بر اقوا باطل است و کفاره دارد و بعد از اتمام، در سال آینده اعاده کند، آیا در صورت جهل چه وظیفه ای دارد؟

ج - در صورت جهل، عمل او صحیح است و کفاره هم ندارد.

13 س - آیا شوهر پس از مُحل شدن می تواند زوجه مُحرم خود را از روی التذاذ دست بزند؟

ج - بر مرد مزبور منعی نیست، ولی اگر زن نیز لذت می برد، در فرض سؤال نباید حاضر شود علی الاحوط.

14 س - فردی که از احرام درآمده، زنش را که مُحرم است می بوسد اگرچه زن راضی نیست، آیا این کار نسبت به مرد و زن چه حکمی دارد؟

ص: 99

ج - اگر زن اختیار نداشته، چیزی بر او نیست، و بر مرد هم کفاره واجب نشده است.

15 س - صابون و بعضی از شامپوها که بویی دارد، آیا می شود برای بدن استعمال کرد یا خیر؟ ضمناً خیلی بوی خوشی هم نیست.

ج - اگر صدق بوی خوش می کند، از آن اجتناب کنند، و در غیر این صورت مانع ندارد.

16 س - حمل قمقمه آب که در محفظه دوخته نگهداری می شود، برای مُحرم چه صورت دارد؟

ج - احتیاط آن است که آن را به دوش نیندازد، و دست گرفتن آن مانع ندارد.

17 س - در مورد نظر کردن در آینه، گاهی نگاه می کند که خود را ببیند، و گاهی برای دیدن ماشین و غیره و یا مثلاً برای علاج دردی، آیا

برای مُحرم فرق می کند یا یکسان است؟

ج - احوط اجتناب است در همه موارد ذکر شده در سؤال.

18 س - در حال احرام عده ای از همدیگر عکس می گیرند، و در دوربین عکاسی که آینه است و یا حالت شفاف و آینه ماندی دارد نظر

می کنند، بفرمایید اشکال دارد یا خیر؟

ج - اگر معلوم نیست که در آینه نظر می شود، اشکال ندارد.

19 س - آیا سوگند معمولی به حال احرام اشکال دارد، همانند سوگندهای روزمره مردم کوچه و بازار؟

ج - قسم به غیر خدا از محرّمات احرام نیست.

20 س - بعضی به علت عرق سوز شدن بدن احتیاج به پمادی دارند که چربی دارد، آیا مُحرم می تواند از این پماد به بدن خود بمالد یا

خیر؟

ص: 100



ج - نمی تواند مگر در مورد ضرورت، ولی كفاره ندارد ولو در غير مورد ضرورت، مگر آن كه بوی خوش داشته باشد كه كفاره آن يك گوسفند است اگرچه از روی اضطرار باشد.

21 س - در موردی كه كنده شدن مو با كشیدن دست به سر و صورت كفاره دارد، آیا فرقی بین عمد و سهو و غفلت هست؟

ج - فرق نمی كند به شرط آن كه دست كشیدن عمدی باشد.

22 س - اگر غير مُحرم از مُحرم، ازاله مو كند یا یکی از کارهایی كه بر مُحرم حرام است و كفاره دارد انجام دهد، چه حکمی دارد؟

ج - اگر مُحرم به اختیار خود حاضر شود كه مثلاً مُحلی سر او را بتراشد، حرام است و باید كفاره بدهد، ولی چنانچه بدون اختیار او باشد كفاره ندارد، حتی بر مُحلّ مزبور.

23 س - مُحرم سرش تراست، اگر بخواهد صبر كند تا خودش خشك شود و وضو بگیرد آفتاب طلوع می كند و نمازش قضا می شود، آیا وظیفه اش تیمم است؟

ج - اگر نمی تواند ولو با دست سر را خشك كند، احوط جمع بین وضو با این حال و تیمم است.

24 س - کسی كه موی مصنوعی دارد و با همین حال برای عمره و حج مُحرم شده و اعمال خود را انجام داده است آیا اشكال دارد؟

ج - ضرر به عمره و حج ندارد، ولی اگر مرد آن را بر سرش گذاشته است باید كفاره بدهد.

25 س - با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام، آیا چانه هم جزء صورت محسوب می شود و باید باز باشد یا این كه اگر مقنعه ای بر سر گذاشته شود كه چانه را تا لب ها بپوشاند مانعی ندارد؟

ج - زیر چانه جزء صورت محسوب نمی شود، ولی پوشاندن به نحوی كه در سؤال ذكر شده اشكال دارد.

26 س - آیا زن مُحرم می تواند صورت خود را با حوله پاك كند، یا حکم سر مرد را دارد که نمی تواند روی آن را بپوشاند؟

ج - احتیاط مراعات شود.

27 س - زن ها که در حال احرام برای پوشیدن و در آوردن مقنعه، صورتشان پوشیده می شود، چه صورت دارد؟

ج - باید سعی کنند پوشیده نشود، و اگر عامداً و از روی علم پوشیده نشود مانع ندارد.

28 س - فرموده اید که مُحرم از منزل تا مسجد الحرام می تواند زیر سقف برود، آیا کسانی که در مسجد الحرام برای حج مُحرم می شوند می توانند در مکه زیر سقف باشند؟

ج - تا عرفاً در منزل و مکه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکه نیستند می توانند استظلال نمایند.

29 س - کسی که از تنعیم مُحرم می شود استظلال برای او چه حکمی دارد؟

ج - چون تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، استظلال در فرض سؤال مانع ندارد.

30 س - میقات عمره مفرده در خود مکه واقع شده است، آیا کسی که در آن جا برای عمره مفرده احرام بست می تواند در اتوبوس سقف دار سوار شود یا خیر، با توجه به این که محل سکونت او مکه است؟

ج - در فرض مذکور مانع ندارد.

31 س - افرادی از مسجد شجره مُحرم شدند و شبانه برای مکه حرکت نمودند ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف دار به خواب رفتند و بعد از طلوع آفتاب بیدار شدند و ماشین را نگاه داشتند، آیا برای مدتی که در حال سیر در زیر سقف بودند، كفاره دارد یا خیر، و الآن که ایستاده اند و می خواهند پیاده شوند، چه حکمی دارد؟

ج - برای مدتی که خواب بوده اند، یا ماشین ایستاده، کفاره واجب نیست، ولی اگر بعد از بیدار شدن و التفات و قبل از ایستادن ماشین، استظلال شده ولو اضطراراً، کفاره واجب است.

32 س - در حال احرام وقتی ماشین های بی سقف حرکت می کند و سفر انجام می شود، آیا پیاده و سوار شدن از ماشین در حالی که ایستاده است، در صورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف قسمت جلو ماشین است، چه حکمی دارد؟

ج - مانع ندارد.

33 س - کسانی که از مسجد الحرام برای حج مُحرم می شوند و از مسجد الحرام در ماشین سقف دار سوار می شوند و مثلاً در عزیزیه که منزل ایشان است پیاده می شوند، آیا سوار شدن در اتومبیل سقف دار از مسجد الحرام به منزل چه صورت دارد، و اگر پیاده نشوند و از اول قصد عرفات داشته باشند حکم چیست؟

ج - در فرض اول مانع ندارد، و در فرض دوم احتیاط کنند.

34 س - اینجانب یکی از خدمه کاروان حج هستم، امسال (1365) بعد از درك عرفات به اتفاق مدیر کاروان و معاون و اینجانب و بانوان کاروان در يك اتوبوسی سربسته قرار گرفتیم و برای درك اضطراری به مشعر الحرام رفته و چون در مسیر مُزدلفه به منی به راه بندگان برخوردیم، لذا در هوای آفتابی در اتوبوس سربسته بودم، ناگاه به یاد آمد که نباید در زیر طاق اتوبوس قرار بگیرم، چند دقیقه ای با علم به این که اتوبوس سرپوشیده است مانده و پس از توقف اتوبوس بر اثر راه بندگان پیاده شدم، و مابقی راه را تا محل چادر کاروان در منی پیاده طی نمودم، لذا از محضر آن بزرگوار تقاضا دارم بفرمایید:

1- آیا کفاره تعلق می گیرد یا نه؟

2- در صورتی که تعلق گرفته باشد باید حتماً در منی ذبح گردد؟

3- در حالی که اکنون در تهران هستم آیا می توانم قربانی را در محل اقامتم ذبح نمایم؟

4- در صورتی که خدمه کاروان بودم و به دستور مدیر گروه برای کمک نمودن به بانوان مسن برای رمی جمرة عقبه عازم منی بودم و از خود استقلال نداشتم، آیا وجه این گوسفند را چه کسی باید پردازد؛ ستاد حج، مدیر گروه یا اینجانب؟

5 - چنانچه ستاد حج تقبل نموده باشد ذبح را، آیا از گردن اینجانب ساقط می گردد یا نه؟

ج - باید قربانی کنید، و اگرچه باید در منی ذبح نمایید لکن ذبح در محل خودتان هم برای كفاره كفایت می کند، و می توانید به مسئولین در ستاد نیابت دهید که برای شما ذبح کنند، و در این صورت ذبح آنها هم کافی است، ولی بدون نیابت صحیح نیست.

35 س - آیا استظلال، مربوط به سایه حاصل از تابش عمودی خورشید است یا حاصل از تابش مایل خورشید را هم شامل می شود؟

ج - فرق نمی کند.

36 س - آیا استظلال، مربوط به سایه بر سر می باشد یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد استظلال صدق می کند؟

ج - صدق نمی کند.

37 س - آیا استظلال فقط مربوط به سقف می باشد یا شامل سایه حاصل از دیوار ماشین هم می شود؟

ج - شامل نمی شود.

38 س - آیا در عرفات هم مثل منی می شود زیر چتر حرکت کرد یا حکم عرفات غیر از حکم منی است؟

ج - زیر چتر حرکت کردن در عرفات اشکال ندارد.

39 س - در شهر مکه تونل هایی احداث کرده اند که طولش بیش از 1500 قدم می باشد، آیا بعد از احرام حج می شود داخل آن با

اتومبیل سفر کرد با علم به این که مسقف است؟

ص: 104

ج - مانع ندارد، بلی اگر خودش آن راه را اختیار کند و از زیر آن سقف برود اشکال دارد.

40 س - آیا مُحرم به محض وصول به مکه می تواند استظلال نماید و یا بایستی به منزل برسد و بعد از اتخاذ منزل جایز است؟

ج - مکه منزل است، و با رسیدن به آن استظلال مانع ندارد.

41 س - اخیراً از حدود کشتارگاه تا نزدیک جمرات، مسقفی را درست کرده اند، آیا عبور از این راه برای مُحرمی که هنوز منزل نکرده و از مَشعر مستقیم به جمرات می رود جایز است یا نه؟

ج - مانع ندارد.

42 س - آیا گرفتن ناخن توسط مُحرم از غیر مُحرم جایز است؟

ج - اشکال ندارد.

43 س - آیا مُحرم می تواند ناخن مُحرم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد یا نه؟

ج - اشکال ندارد.

44 س - کندن دندان که بر مُحرم حرام است مقصود دندان خودش می باشد یا شامل دندان غیر هم می شود؟ و در تقدیر حرمت در صورت خون آمدن است یا مطلقاً؟

ج - شامل دندان غیر نمی شود، هرچند خون از آن بیرون آید.

45 س - آیا در حال احرام می توان دندانی را که شدیداً درد دارد و دکتر سفارش می کند که آن را بکشید، کشید، گرچه باعث خونریزی شود؟

ج - اگر ضرورت دارد مانع ندارد، ولی کفاره دارد علی الاحوط.

46 س - هرگاه مُحرم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند آیا يك کفاره باید بدهد یا دو کفاره؟

ج - باید دو کفاره بدهد مگر در صورت جهل و نسیان.

47 س - در بین مردم معروف است که مُحرم نباید به کسی دستور بدهد، مثلاً نباید به کسی بگوید يك لیوان آب یا چای یا چیز دیگر به من بدهید و باید خودش بردارد، آیا اگر در حال احرام چنین درخواستی از دوست خود بکنند گناه کرده است یا نه؟ و در صورت گناه آیا کفاره هم دارد یا نه؟

ج - اشکال ندارد.

### مستحبات دخول حرم

1- همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید.

2- از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جلّ و علا- پا برهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

3- وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: (وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكَّلُ رَجَالاً وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ). اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شَقِيحَةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجَّ عَمِيقٍ سَامِعاً لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيباً لَكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ، وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ، وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَأَمِّنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» .

4- وقت دخول حرم مقداری از علف اذخر گرفته آن را بجود.

### مستحبات دخول مکه معظمه

برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل بنماید. و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد شود، و کسی که از راه مدینه برود از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

مستحب است مکلف برای دخول مسجد الحرام غسل بنماید و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود، از درب «بنی شیبه» وارد شود، و گفته اند که باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام است، بنابراین نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستون ها بگذرد.

و مستحب است بر درب مسجد الحرام ایستاده بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» .

و در روایت دیگر وارد است که نزد درب مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسِدْ تَعْمَلُنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ، وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْأَيْمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَرُؤَاغِهِ،

وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُعْمَرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَدَاجِيهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَعَلَى كُلِّ مَا تَجِي حَقُّ لِمَنْ اَتَاهُ وَزَارَهُ، وَاَنْتَ خَيْرُ مَا تَجِي وَاَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاَسْأَلُكَ يَا اَللهُ يَا رَحْمَنُ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، بِاَنَّكَ وَاَحَدٌ اَحَدٌ صَدَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ خ. ل) كُفُوًا اَحَدٌ، وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، اَسْأَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ تُحَفَّتَكَ اِيَّايَ بِزِيَارَتِي اِيَّاكَ اَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ» .

پس سه مرتبه می گوید:

«اَللّٰهُمَّ فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ» .

پس می گوید:

وَاَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالَ الطَّيِّبِ، وَاذْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنَّ وَالْاِنْسِ وَشَرَّ فِسْقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ» .

پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دست ها را بلند نموده و بگوید:

«اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي اَوَّلِ مَنَاسِكِي اَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَاَنْ تَجَاوَزَ عَنِّ خَطِيئَتِي وَاَنْ تَضَعَ عَنِّي وِزْرِي، الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ اَنْ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامُ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَاَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ اَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَاَوْمُ طَاعَتِكَ، مُطِيعًا لِامْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، اَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ اِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاَسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ» .

بعد خطاب می کند به سوی کعبه و می گوید:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَاَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى

لِلْعَالَمِينَ» .

ص: 108



و مستحب است وقتی که محاذی حجرالاسود شد بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ» .

و هنگامی که نظرش به حجرالاسود افتاد متوجه به سوی او شود و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أُخْشِيَ وَأَحْذَرُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ، وَسَلِّمْ عَلَيَّ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ» .

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجرالاسود رسیدی دست های خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به جا آور و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند، پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما. و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما. و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ لِيَسِّرْ لِي بِالْمُؤَافَاةِ ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَىٰ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ» .

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَّ طُتُّ يَدَيَّ وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي فَأَقْبَلْ سَبْحَتِي وَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِبِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» .

### اشاره

کسی که مُحْرَم شد به احرام عمره تمتع و وارد مکه معظمه شد اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره تمتع.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن به نحوی که خواهد آمد، و هر دوری را شوط می گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است.

مسأله 2 - طواف از ارکان عمره است، و کسی که آن را از روی عمد ترك کند تا وقتی که فوت شود وقت آن، عمره او باطل است چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل باشد.

مسأله 3 - چنین کسی که عمره خود را باطل کرد احوط آن است که حج افراد به جا آورد، و پس از آن عمره به جا آورد، و حج را در سال بعد اعاده کند.

مسأله 4 - وقت فوت طواف وقتی است که اگر بخواهد آن را با بقیه اعمال عمره به جا آورد نتواند وقوف به عرفات کند.

مسأله 5 - اگر از روی سهو ترك كرد طواف را لازم است آن را به جا آورد هر وقت كه باشد، و اگر برگشته به محل خود و نتواند برگردد به مكه يا مشقت داشته باشد برگشتن، بايد شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد.

مسأله 6 - اگر سعی را به جا آورده پیش از آن كه طواف را به جا آورد احتیاط واجب آن است كه سعی را هم به جا آورد، و اگر نماز طواف را به جا آورده [پیش از آن كه طواف را به جا آورد] باید آن را هم بعد از طواف اعاده كند.

مسأله 7 - اگر شخص مُحرّم به واسطهٔ مرض، خودش قدرت نداشته باشد كه طواف كند و تا وقت تنگ شود قدرت حاصل نكند، اگر ممكن است خود او را به يك نحو ببرند و طواف دهند اگرچه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد، و اگر ممكن نشود باید برای او نایب بگیرند.

مسأله 8 - شخص مریض را كه طواف می دهند باید مراعات شرایط و احكام طواف را به مقداری كه برای او ممكن است بكنند.

## واجبات طواف

و آن دو قسم است:

قسم اول - چیزهایی كه شرط طواف است، و آن پنج امر است:

اول - نیت است؛ یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا به جا آورد.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذرانند، بلکه همان كه بنا دارد این عمل را به جا آورد و با این بنا به جا آورد، كفایت می كند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و كارهای دیگر در این جهت فرق ندارد، پس همان طور كه انسان با قصد آب می خورد و راه می رود عبادت را اگر همان طور به جا آورد با نیت به جا آورده.

ص: 111

مسئله 2 - باید عبادت را برای اطاعت خدا به جا آورد و در این جهت با کارهای دیگر فرق پیدا می کند. پس باید طواف را برای اطاعت خداوند به جا آورد.

مسئله 3 - اگر در به جا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج که عبادی است ریا کند - یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن به جا آورد - طواف او و همین طور هرچه را این طور به جا آورده باطل است، و در این عمل معصیت خدا را هم کرده است.

مسئله 4 - ریا بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال باعث بطلان عمل نمی شود.

مسئله 5 - کفایت می کند در صحیح بودن عمل، آن که برای خدا بیاورد یا برای اطاعت امر خدا یا برای ترس از جهنم یا برای رسیدن به بهشت و ثواب.

مسئله 6 - اگر در عملی که برای خدا می آورد رضای دیگری را هم شرکت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است.

دوم - آن است که طاهر باشد از حدث اکبر - مثل جنابت و حیض و نفاس - و از حدث اصغر؛ یعنی باید با وضو باشد.

و در این جا چند مسئله است:

مسئله 1 - طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است، چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، حتی در عمره و حج مستحب که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند.

مسئله 2 - طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست، لکن کسی که جنب یا حائض است جایز نیست در مسجد الحرام وارد شود، ولی اگر غفلتاً یا نسیاناً طواف مستحب کرد صحیح است.

مسأله 3 - طواف - یعنی هفت دور اطراف خانه کعبه گردیدن - مستحب است،

و بلکه هر چه شخص بتواند طواف کند خوب است. و در این طواف طهارت شرط نیست.

مسأله 4 - اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف کند باطل است، چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسأله باشد.

مسأله 5 - اگر در اثنای طواف حدث عارض شود پس اگر پس از تمام شدن دور چهارم است باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همان جا که طواف را قطع کرده تمام کند.

مسأله 6 - اگر در فرض سابق پیش از تمام شدن دور چهارم، حدث عارض شود احتیاط واجب آن است که تمام کند طواف را و اعاده کند، و این حکم در حدث اصغر است.

مسأله 7 - اگر در اثنای طواف حدث اکبر مثل جنابت یا حیض عارض شود باید فوراً از مسجد الحرام بیرون رود، پس اگر پیش از تمامی دور چهارم بود پس از غسل طواف را اعاده کند.

مسأله 8 - اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل، واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل.

مسأله 9 - اگر تیمم کرد بدل از غسل، و حدث اصغر عارض شد، برای حدث اکبر لازم نیست تیمم کند، بلکه برای حدث اصغر باید تیمم کند، و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم کافی است، لکن احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند.

مسأله 10 - احتیاط واجب آن است که اگر امید دارد که عذرش از وضو یا غسل مرتفع شود صبر کند تا وقتی که وقت تنگ شود یا امیدش قطع شود.

ص: 113

مسأله 11 - اگر با وضو بوده و شك کند که حدث عارض شده است یا نه، بنابر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد، و همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شك کند که حدث عارض شده.

مسأله 12 - اگر محدث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شك کند که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

مسأله 13 - اگر بعد از تمام شدن طواف شك کند که با وضو آن را به جا آورده یا نه یا شك کند با غسل آن را به جا آورده یا نه طواف او صحیح است، لکن برای اعمال بعد باید طهارت تحصیل کند.

مسأله 14 - اگر در اثنای طواف شك کند که وضو داشته یا نه؛ پس اگر بعد از تمامی دور چهارم است طواف را رها کند و وضو بگیرد و از همان جا تتمه طواف را به جا آورد، و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم است احتیاط واجب آن است که طواف را تمام کند و اعاده کند.

مسأله 15 - در تمام صورت هایی که در شك گفته شد که بنابر طهارت بگذارد یا طوافش صحیح است بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجاء غسل به جا آورد؛ چون ممکن است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می شود.

مسأله 16 - اگر در اثنای طواف شك کند که غسل کرده است از جنابت یا حیض یا نفاس یا نه باید فوراً از مسجد الحرام بیرون برود، پس اگر شوط چهارم را تمام کرده بوده و شك کرده، بعد از غسل برگردد و تتمه را به جا آورد، و الاً بعد از غسل اعاده کند طواف را، و احتیاط آن است که در صورت اول نیز اعاده کند.

مسأله 17 - اگر آب و چیزی که به آن جایز است تیمم کند موجود نباشد حکم آن حکم غیر متمکن از طواف است، پس با مایوس بودن از پیدا شدن یکی از آن دو، باید نایب بگیرد. و احتیاط وجوبی آن است که اگر جنب و حائض و نفساء نیست خودش

نیز طواف کند و چون مستحاضه بدون به جا آوردن غسل هایی که بر او لازم است می تواند وارد مسجد الحرام شود و طواف کند، بنابراین به احتیاطی که در غیر جنب و حائض و نفساء گفته شد باید عمل کند، گرچه دخول مسجد الحرام نیز برای او خلاف احتیاط استحبابی است.

سوم - طهارت بدن و لباس است از نجاست.

و در آن چند مسأله است:

مسأله 1 - احتیاط واجب آن است که از نجاساتی که در نماز عفو شده - مثل خون کمتر از درهم و جامه ای که با آن نتوان نماز خواند مثل عرقچین و جوراب حتی انگشتر نجس - اجتناب کند.

مسأله 2 - در خون قروح و جروح اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست تطهیر کند.

مسأله 3 - در خون قروح و جروح تا آن اندازه ای که می شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد احتیاط واجب آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند.

مسأله 4 - احتیاط آن است که اگر می تواند تأخیر بیندازد طواف را تا بشود بی مشقت تطهیر کرد، تأخیر بیندازد به شرطی که وقت تنگ نشود.

مسأله 5 - اگر طواف کند و بعد از آن که از طواف فارغ شد علم پیدا کند به نجاست در حال طواف اظهر آن است که طوافش صحیح است.

مسأله 6 - اگر شك داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است می تواند با آن حال طواف کند، و صحیح است چه بداند که پیشتر از این پاك بوده یا نداند، لکن اگر بداند که پیشتر نجس بوده و نداند که تطهیر شده است نمی تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند.

مسأله 7 - اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او عارض شود اظهر آن است

که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همان جا تمام کند و طواف او صحیح است.

مسئله 8 - اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده ظاهراً حکم مسئله هفتم را دارد.

مسئله 9 - اگر در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او از اول بوده احتیاط آن است که طواف را رها کند و تطهیر کند، و از همان جا بقیه طواف را تمام کند، و بعد از آن طواف را اعاده کند خصوصاً اگر تطهیر زیاد طول بکشد، و در این صورت بعد از اتمام، نماز طواف را بخواند و پس از آن طواف را اعاده کند و نماز طواف را نیز اعاده کند، و در این احتیاط فرقی نیست بین آن که بعد از چهار دور علم پیدا کند یا قبل از آن، گرچه در صورت دوم احتیاط شدیدتر است.

مسئله 10 - اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند، احتیاط واجب اعاده است، و همین طور است اگر در بین طواف یادش بیاید.

چهارم - ختنه کردن است در حق مردان و این شرط در زن ها نیست، و احتیاط واجب آن است که درباره بچه های نابالغ مراعات شود.

مسئله 1 - اگر بچه را که ختنه نشده وادار به احرام کنند یا او را مُحرم کنند احرام او صحیح است ولی طواف او صحیح نیست، پس اگر مُحرم به احرام حج شود چون طواف نساء او باطل است بنا بر احوط حلال شدن زن بر او مشکل می شود مگر آن که او را ختنه کنند و طواف دهند یا خودش بعد از ختنه شدن طواف کند یا آن که نایب برای او بگیرند تا طواف کند.

مسئله 2 - اگر بچه ختنه کرده به دنیا بیاید طواف او صحیح است.

پنجم - ستر عورت است، پس اگر بدون ساتر عورت طواف کند باطل است، و معتبر است در آن اباحه، پس با ساتر غصبی طواف صحیح نیست بلکه با لباس غصبی



غیر ساتر نیز بنا بر احتیاط واجب، و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نمازگزار را بنمایند.

مسئله - احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند؛ یعنی در بین دورهای طواف آن قدر طول ندهد که از صورت يك طواف خارج شود.

قسم دوم [از واجبات طواف] - چیزهایی است که گفته اند داخل در حقیقت طواف است، اگرچه بعضی از آنها نیز شرط است از برای طواف، لکن در عمل فرقی نمی کند، و آن هفت چیز است:

اول - آن که ابتدا کند به حجرالأسود.

و در این جا چند مسئله است:

مسئله 1 - در ابتدا کردن به حجرالأسود لازم نیست که تمام اجزای بدن طواف کننده به تمام اجزای حجرالأسود عبور کند، بلکه واجب آن است که انسان از حجرالأسود، هر جای آن باشد شروع کند و به همان جا ختم کند.

مسئله 2 - آنچه واجب است آن است که در عرف گفته شود از حجرالأسود شروع به طواف کرد و ختم کرد به حجرالأسود، چه از ابتدای آن شروع کند چه از وسطش چه از آخرش.

مسئله 3 - از هر جای حجرالأسود که شروع کرد باید در دور هفتم به همان جا ختم کند، پس اگر از اولش شروع کرد باید به اولش ختم شود. و همچنین اگر از وسط یا آخر شروع کرد باید به همان جا ختم شود.

مسئله 4 - در طواف باید به همان طوری که همه مسلمین طواف می کنند، از محاذات حجرالأسود بدون دقت های صاحبان وسوسه شروع کنند. و در دورهای دیگر بدون توقف دور بزنند تا هفت دور تمام شود.

مسئله 5 - گاهی دیده می شود که اشخاص نادان در هر دوری که می زنند می ایستند

و عقب و جلو می روند که محاذات را درست کنند، و این موجب اشکال است و گاهی حرام است.

دوم - ختم نمودن هر دوری است به حجراً لاسود و این حاصل می شود به این که بدون توقف، هفت دور را ختم کند و در دور هفتم به همان جا که شروع کرده ختم شود، و لازم نیست در هر دوری بایستد و باز شروع کند، و کارهای جهال را نباید بکنند.

سوم - آن که در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - لازم نیست در تمام حالات طواف، خانه را حقیقتاً به شانه چپ قرار دهد، بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل علیه السلام خانه از طرف چپ قدری خارج شود مانع ندارد، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود لکن دور زدن به نحو متعارف باشد اشکال ندارد.

مسأله 2 - اگر در موقع رسیدن به گوشه های خانه شانه از محاذات کعبه خارج شود هیچ اشکالی ندارد اگر بطور متعارف دور زند، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود.

مسأله 3 - گاهی دیده می شود که بعضی از نادانان برای احتیاط، دیگری را وادار می کنند که او را طواف دهد و خود طواف کننده اختیار را از خود سلب می کند، و به دست دیگری می دهد و تکیه به دست او می دهد و او را آن شخص دیگر با فشار دور می دهد، این طواف باطل است، و اگر طواف نساء را این طور به جا آورد زن ها یا مردها بر او حرام خواهند بود.

مسأله 4 - احتیاط به این که خانه در تمام حالات طواف حقیقتاً به طرف چپ باشد گرچه خیلی ضعیف است و قابل اعتنا نیست و باید اشخاص جاهل و اهل وسوسه از آن احتراز کنند و به همان ترتیب که سایر مسلمین دور می زنند بزنند، لکن اگر شخص عاقل عالمی بخواهد احتیاط کند و قدری شانه را چپ کند در موقع رسیدن

به حجر اسماعیل یا ارکان کعبه به طوری که خلاف متعارف و موجب انگشت‌نمایی نشود مانع ندارد.

مسئله 5 - اگر به واسطه مزاحمت طواف کنندگان مقداری از دور زدن به خلاف متعارف شد مثل آن که روی طواف کننده به کعبه واقع شد یا پیشش واقع شد و یا عقب عقب طواف کرد باید آن مقدار را جبران کند و از سر بگیرد.

مسئله 6 - اگر به واسطه کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار خود بردند و دور دادند کفایت نمی‌کند و باید آن دور را از سر بگیرد، اگرچه خانه هم طرف چپ او بوده.

مسئله 7 - در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد، می‌تواند آهسته برود و می‌تواند تند برود و می‌تواند بدود و می‌تواند سواره طواف کند یا با دوچرخه طواف کند، لکن بهتر آن است که به طور میانه روی برود.

چهارم - داخل کردن حجر اسماعیل علیه السلام است در طواف، و حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است، و باید طواف کننده دور حجر اسماعیل نیز بگردد.

و در این جا چند مسئله است:

مسئله 1 - اگر دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد طوافش باطل است، و باید اعاده کند.

مسئله 2 - اگر عمداً این کار را بکند حکم ابطال عمدی طواف را دارد که گذشت.

مسئله 3 - اگر سهواً این کار را بکند حکم ابطال سهوی را دارد.

مسئله 4 - اگر در بعضی از دورها حجر اسماعیل را داخل در دور زدن نکرد احتیاط واجب آن است که آن دور را از سر بگیرد، و اعاده کند طواف را اگرچه ظاهر آن است که اعاده طواف لازم نیست.

مسئله 5 - اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام برود،

احتیاط آن است که به دستور مسأله چهارم عمل کند، و در این فرض نیز به احتیاط واجب کفایت نمی کند تمام کردن دور را از آن جایی که از روی دیوار رفته است.

پنجم - بودن طواف است بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام از همه اطراف.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - مراد از این که طواف بین کعبه و مقام باشد آن است که ملاحظه شود مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم علیه السلام است و در همه اطراف خانه کعبه طواف کننده از آن مقدار دورتر نباشد از خانه کعبه (و مابین مقام و خانه چنانچه گفته اند تقریباً بیست و شش ذراع و نصف است) پس در همه اطراف باید همین قدر بیشتر دور نباشد.

مسأله 2 - اگر شخص از پشت مقام ابراهیم طواف کند که مقام ابراهیم هم داخل در طوافش شود طوافش باطل است و باید اعاده کند.

مسأله 3 - اگر بعضی از دورها را از پشت مقام طواف کند باید آن دور را با اعاده همان جزء تمام کند و احوط آن است که طواف را هم اعاده کند اگرچه ظاهراً اعاده لازم نباشد، بلکه بعید نیست کفایت اعاده همان جزء.

مسأله 4 - چون در طرف حجر اسماعیل علیه السلام محل طواف تنگ می شود - زیرا که مقدار حجر از آن کاسته می شود - و چنانچه گفته اند تقریباً شش ذراع و نیم برای محل طواف باقی می ماند باید در طواف از آن جانب، بیشتر از شش ذراع و نیم دور نشوند.

مسأله 5 - اگر از جانب حجر اسماعیل علیه السلام بیشتر از شش ذراع و نیم در دور زدن دور شد اظهر آن است که آن جزء را اعاده کند و از مطاف دور بزند.

ششم - خروج طواف کننده است از خانه و آنچه از آن محسوب است.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - در اطراف دیوار خانه يك پیش آمدگی است که آن را «شاذروان» گویند،

و آن جزء خانه کعبه است، و طواف کننده باید آن را هم داخل قرار دهد.

مسئله 2 - اگر کسی در بعضی از احوال به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن بالای شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است، و باید اعاده کند.

مسئله 3 - دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن در آن جایی که شاذروان است جایز است، و به طواف ضرر نمی رساند گرچه احتیاط مستحب ترك آن است.

مسئله 4 - در حال طواف دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام جایز است، و به طواف ضرر نمی رساند گرچه احتیاط مستحب در ترك آن است.

هفتم - آن که هفت شوط - یعنی هفت دفعه - دور بزند نه کمتر و نه زیادتر.

و در این جا چند مسئله است:

مسئله 1 - اگر از روی عمد، طواف کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور به جا آورد و یا بیشتر به جا آورد طوافش باطل است اگرچه به هفت دور تمام کند، و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت باشد طواف را اعاده کند.

مسئله 2 - اگر در اثنای طواف از قصد هفت دور آوردن برگردد به قصد زیادتر آوردن یا کمتر آوردن، از آن جا که این قصد را کرده و هرچه به این عمل کرده باطل است و باید اعاده کند، و اگر با این قصد زیادتر آورد اصل طواف باطل می شود.

مسئله 3 - اگر از اول قصد کند که هشت دور به جا آورد، لکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و يك دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است.

مسئله 4 - اگر گمان کند که يك دور نیز مستحب است همان طور که هفت دور مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و يك دور مستحب هم دنبال آن بیاورد طواف او صحیح است.

مسأله 5 - اگر بعد از طواف واجب که هفت دور است به خیال آن که يك دور نیز مستحبی جداگانه است هشت دور به جا آورد طوافش صحیح است.

مسأله 6 - اگر کم کند از طواف واجب چه يك دور یا کمتر یا بیشتر از يك دور از روی عمد، واجب است آن را اتمام کند، و اگر نکند حکمش حکم کسی است که طواف را عمداً ترك کرده - که در مسائل فصل چهارم گذشت - به احتیاط واجب، و حکم جاهل به مسأله حکم عالم است.

مسأله 7 - اگر بعد از کم کردن از طواف کارهای بسیاری کند که موالات فوت شود حکمش حکم قطع طواف است که می آید.

مسأله 8 - اگر سهواً از طواف کم کند؛ پس اگر تجاوز از نصف کرده باشد اقوا آن است که از همان جا تمام کند طواف را در صورتی که فعل کثیر نکرده باشد، و الاً احتیاط واجب اتمام و اعاده است.

مسأله 9 - اگر سهواً کم کرده و تجاوز از نصف نکرده، طواف را اعاده نماید، لکن سزاوار نیست ترك احتیاط در همه موارد سهو؛ به تمام کردن طواف ناقص و اعاده کردن.

مسأله 10 - اگر متذکر نشود که ناقص کرده است طواف را مگر بعد از مراجعت به وطن خود احتیاط آن است که خودش برگردد و اگر نتوانست یا مشکل بود مراجعت، نایب بگیرد.

مسأله 11 - در طواف واجب، قران جایز نیست؛ یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد بدون آن که بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود، و در طواف مستحب مکروه است.

مسأله 12 - اگر زیاد کند دوری را یا کمتر یا بیشتر از دور بر طواف و قصدش آن باشد که زیاده را جزء طواف دیگر قرار دهد، داخل در قران میان دو طواف است که حرام است.

مسأله 13 - در فرض سابق اگر از اول قصد داشته یا در اثنای طواف قصد زیاده کرده باشد احتیاط واجب آن است که طواف اول را اعاده کند، و اگر بعد از تمام شدن، قصد به جا آوردن طواف دیگر برای او حادث شد و به دنبال طواف اول، زیاده را آورد اقوا صحت طواف اول است، و احوط اعاده است.

مسأله 14 - اگر سهواً زیاد کند بر هفت دور؛ پس اگر کمتر از يك دور است قطع کند آن را و طوافش صحیح است، و اگر يك دور یا زیاده‌تر است احوط آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به قصد قربت بدون تعیین مستحب یا واجب و دو رکعت نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخواند، و دو رکعت اول را برای فریضه قرار دهد بدون آن که تعیین کند برای طواف اول یا طواف دوم است.

مسأله 15 - جایز است قطع طواف نافله را بدون عذر و اقوا کراهت قطع طواف واجب است بدون عذر و به مجرد خواهش نفس، و احوط قطع نکردن آن است؛ به این معنی که قطع نکند به طوری که ترك بقیه را کند تا موالات عرفیه به هم بخورد.

مسأله 16 - اگر بدون عذر طواف را قطع کرد احوط آن است که اگر چهار دور به جا آورده باشد طواف را تمام کند و بعد اعاده کند، و این در صورتی است که منافی به جا آورده باشد، حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه به هم بخورد.

مسأله 17 - اگر طواف را قطع کند و منافی به جا نیاورده باشد اگر برگردد و تمام کند طوافش صحیح است.

مسأله 18 - اگر در بین طواف عذری برای اتمام آن پیدا شد مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار؛ پس اگر بعد از تمام شدن چهار دور بوده بعد از رفع عذر برگردد و از همان جا تمام کند و اگر قبل از آن بوده طواف را اعاده کند، و احتیاط مستحب در فرض اول در غیر حیض آن است که اتمام کند و اعاده نماید.

مسأله 19 - اگر شخصی که با عذر طواف را قطع کرده نتوانست به جا آورد تا آن که

وقت تنگ شد اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند، و اگر ممکن نیست، نایب برای او بگیرند.

مسأله 20 - اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند، پس اگر بعد از چهار دور رها کرد از همان جا طواف را تمام کند، و الاً اعاده کند.

مسأله 21 - جایز است بلکه مستحب است قطع کند طواف را برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، و از هر جا قطع کرد از همان جا بعد از نماز اتمام کند، و احتیاط آن است که به دستور مسأله 20 عمل کند، و سزاوار نیست این احتیاط ترك شود.

مسأله 22 - اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شك کند که آیا طواف را زیادتراً از هفت دور به جا آورده یا نه یا شك کند کمتر به جا آورده یا نه اعتنا نکنند و طوافش صحیح است، لکن در صورت دوم خالی از اشکال نیست و احتیاط ترك نشود.

مسأله 23 - اگر بعد از طواف شك کند که صحیح به جا آورده آن را یا نه، مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا مُحدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل علیه السلام طواف کرده اعتنا نکنند، و طوافش صحیح است اگرچه باز در محل طواف باشد و از آن جا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی زیاده و نقیصه.

مسأله 24 - اگر در آخر دور که به حجرالأسود ختم شد شك کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتراً، اعتنا به شك نکنند و طوافش صحیح است.

مسأله 25 - اگر قبل از رسیدن به حجرالأسود و تمام شدن دور شك کند که آنچه را دور می زند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است.



مسأله 26 - اگر در آخر دور یا اثنای آن شك کند میان شش و هفت و هرچه پای تقیصه در کار است، طواف او باطل است.

مسأله 27 - اگر در طواف مستحب شك کند در عدد دورها، بنا بر اقل گذارد، و طوافش صحیح است.

مسأله 28 - شخص کثیر الشك در عدد دورها اعتنا به شكش نکند و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند.

مسأله 29 - گمان در عدد دورها اعتبار ندارد و حکم شك را دارد.

مسأله 30 - اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف به جا نیاورده باید رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را اعاده کند.

مسأله 31 - اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده باید برگردد و طواف را از همان جا که ناقص کرده تکمیل کند و برگردد تتمه سعی را به جا آورد و طواف و سعیش صحیح است، لکن احتیاط آن است که اگر کمتر از چهار دور به جا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید، و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده کند.

مسأله 32 - اگر سهواً یا غفلتاً یا جهلاً طواف را بی وضو به جا آورد طوافش باطل است، و همین طور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس به جا آورد.

مسأله 33 - اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است.

مسأله 34 - در حال طواف تکلم کردن و خنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

مسأله 35 - واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه

جایز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند، و می تواند طواف را رها کند و خانه را بیوسد و برگردد از همان جا اتمام کند.

مسأله 36 - جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد، از همان جا اتمام کند، ولی نباید آن قدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد، و اگر آن قدر نشست احتیاط آن است که اتمام کند و اعاده نماید.

### مسائل متفرقه و استفتائات طواف

مسأله 1 - در طواف در مقابل حجر اسماعیل باید طوری حرکت کند که طواف بیت صادق باشد و به نحو متعارف باشد، و مخفی نماند که حجر اسماعیل از بیت نیست هر چند باید در خارج آن طواف کرد.

مسأله 2 - در صورت امکان ولو در وقت خلوت باید طواف در حد بین مقام ابراهیم و خانه که مسافت بیست و شش ذراع و نیم است باشد و دورتر از آن حد، کفایت نمی کند و در صورت عدم امکان ولو در وقت خلوت، طواف در خارج حد مزبور مانع ندارد با مراعات الاقرب فالاقرب.

مسأله 3 - هرگاه در طواف خانه خدا مثلاً در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد مثل این که او را بی اختیار بردند، همان چند قدم را باید از سر بگیرد و اگر از حجرالأسود به قصد طواف شروع کند، اشکال دارد.

مسأله 4 - اگر در طواف بی اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم است و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید ولی باید دانست که منظور از بی اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود بلکه در این صورت اگر قدم ها را به اختیار خود برمی دارد ضرر ندارد و طوافش صحیح است.

مسأله 5 - اگر در حال طواف در اثر فشار و ازدحام جمعیت پشت به خانه شود و

قسمتی از طواف به این صورت انجام گیرد یا در اثر فشار جمعیت، شخص را مقداری جلو ببرند باید مقداری از طواف که پشت به خانه یا بدون اختیار بوده، اعاده شود و اگر نمی تواند برگردد، با جمعیت بدون قصد طواف برود تا به جایی که باید از آن جا طواف را اعاده کند برسد و از آن جا تدارك نماید.

مسأله 6 - اگر حاجی در حال طواف، پول خمس نداده همراه داشته باشد طوافش اشکال پیدا نمی کند.

مسأله 7 - اگر کسی پس از انجام اعمال حج تمتع فهمید که در طواف عمره یا حج چند شوط از هفت شوط را از داخل حجر اسماعیل دور زده، حج او صحیح است و باید طواف را اعاده کند.

مسأله 8 - زنی که در غیر ایام عادت لك دیده و به اعتقاد پاکی، طواف و نماز را انجام داده و شب بعد خون دیده با شرایط حیض، اگر یقین کند که بعد از دیدن لك، خون در باطن فرج بوده و قطع نشده، حیض بوده است و طواف و نمازش صحیح نیست، و اگر شك دارد یا یقین کند که خون قطع شده، حیض نبوده است و اعمالش صحیح است و در صورت اول حج او صحیح است و باید طواف و نماز را اعاده کند و اگر در عمره بوده در صورت ضیق وقت احتیاطاً بعد از حج، يك عمره مفرده نیز به جا آورد.

9 س - جوان 17 ساله غیر مختون، که به تشخیص شورای پزشکی ختنه برای او خطر دارد، مستطیع شده و فعلاً در مدینه است، آیا تکلیف او نسبت به حج چیست؟

ج - باید مُحرم شود و خودش طواف کند و نایب هم بگیرد برای طواف و بعد از طواف، خودش يك نماز بخواند و بعد از طواف نایش نیز، خودش نماز دیگر بخواند، و در صورتی که دو طواف با هم انجام شود خودش يك نماز بخواند کفایت می کند.

10 س - اگر در اثنای طواف، نماز جماعت برقرار شد و شخص از ادامه طواف معذور شد تکلیف چیست، و اگر در اثنای سعی باشد وظیفه چیست؟

ج - اگر بعد از شوط چهارم طواف یا سعی قطع شده، از همان جایی که قطع شده طواف یا سعی را تمام کند، و اگر قبل از شوط چهارم طواف بوده و فصل طویل شده طواف را از سر بگیرد، هرچند احتیاط آن است که طواف را اتمام و پس از خواندن نماز آن، طواف را اعاده کند و نماز طواف دیگری بخواند، و در سعی نیز احتیاط در اتمام و اعاده است.

11 س - کسی که بعد از تقصیر در عمره تمتع متوجه شود که وضوی او باطل بوده یا وضو نداشته و با این حال طواف کرده و نماز طواف خوانده است، وظیفه او چیست؟

ج - طواف و نماز را اعاده کند و عمره او صحیح است.

12 س - شخصی در حال طواف، کعبه را بوسیده است و احتمال می دهد که در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد، فعلاً وظیفه او چیست و البته این شك بعد از عمل برای او حادث شده است؟

ج - طواف او صحیح است.

13 س - اگر در اثنای طواف شك در صحت شوط سابق یا جزئی از شوطی که مشغول است و محل آن گذشته است بکند چه حکمی دارد، مثلاً نمی داند که از مقابل حجر که عبور کرده از حدّ مطاف خارج بوده است یا نه؟

ج - اگر مسأله را می دانسته و می خواسته است عمل صحیح را انجام دهد - یعنی غافل نبوده - طواف صحیح است.

14 س - اگر طواف یا سعی یا نماز طواف در عمره به جهتی باطل شده باشد و شخص بدون توجه به آن، تقصیر نموده باشد و لباس پوشیده و بعد متوجه شده که عمل مزبور باطل بوده است وظیفه او چیست، و كفاره دارد یا نه؟

ج - باید عمل باطل شده را جبران کند، و ظاهر این است که از احرام خارج شده و کفاره ندارد.

15 س - کسی در شوط ششم طواف، نجاستی در بدن دیده و یقین کرده که از شوط های قبل این نجاست در بدن او بوده است، بدون توجه به مسأله طواف را تکمیل کرده و بعداً بدن را تطهیر نموده و طواف را اعاده کرده است و عمره را تمام کرده است، آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج - باید مقداری از طواف را که بعد از یقین به نجاست باقی مانده اعاده کند و بعد نماز طواف را بخواند، و ظاهر این است که از احرام خارج شده و با اتمام طواف و نماز طواف مذکور، عمل صحیح است.

16 س - کسی در اثنای طواف آن را قطع کرده و از اول شروع کرده است آیا طواف او صحیح است یا خیر، و چنانچه اعمال مترتبه و تقصیر را انجام داده و وظیفه او چیست؟

ج - اگر بعد از دور چهارم بوده به احتیاط واجب آن را تمام کند و بعد يك طواف دیگر به جا آورد و اگر قبل از دور چهارم بوده در فرض سؤال باید يك طواف دیگر به جا آورد، و با فرض جهل ظاهر این است که اعمال مترتبه صحیح و از احرام خارج شده است.

17 س - کسی در شوط آخر محدث شده است و بدون طهارت شوط را اتمام کرده و بعد وضو گرفته و طواف را اعاده نموده است و نماز و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا صحیح است و وظیفه او چیست؟

ج - باید قسمتی از طواف را که بی وضو انجام داده با وضو به جا آورد و بعد از آن نماز طواف بخواند.

18 س - کسی توهم کرده است که در طواف، مقداری در اثر فشار جمعیت برده شده ولی برای او جزمی نیست، و چون نمی توانسته برگردد و تدارك کند، بقیه شوط تا

محل تدارك را به قصد احتیاط و رجاء انجام می دهد که اگر شوط او باطل است زیادی لغو باشد و اگر شوط او صحیح است زیاده از طواف باشد و بعد بقیه اشواط طواف را به جا آورده و این شوط را به حساب نیاورده است، آیا این طواف صحیح است یا خیر؟

ج - صحیح نیست.

19 س - کسی در وقت طواف شك در اشواط پیدا کرد و چون گمانش به يك طرف بیشتر بود، بنا را بر آن طرف گذاشت و بعد از انجام اعمال یقین به صحت طواف خود پیدا کرد، آیا طواف او صحیح است؟

ج - صحیح است.

20 س - کسی در شوط چهارم از حجرالأسود تا اول حجر اسماعیل را پیمود و فکر کرده است که چون اول شوط چهارم نیت جدا در این شوط نداشته باید این قسمت شوط را اعاده کند، لذا بقیه شوط را بدون نیت رفته، و از حجرالأسود به قصد شوط چهارم طواف کرده است، آیا اشکالی در طواف حاصل می شود؟

ج - اشکال دارد.

21 س - کسانی در طواف بعد از انجام مقداری از آن، آن را رها می کنند و بلافاصله از نو شروع می کنند، طواف آنها چه صورت دارد، و چنانچه در سعی بوده حکم چیست؟

ج - اشکال دارد و اگر بعد از شوط چهارم طواف بوده باید آن را اتمام کنند و نماز بخوانند و دومرتبه طواف و نماز آن را اعاده نمایند.

22 س - درباره اشخاصی که قادر به طواف نیستند آیا نایب گرفته شود یا خودشان در تخت روان طواف داده شوند، با در نظر گرفتن این که متصدیان وسیله نامبرده، در خارج محدوده مطاف طواف می دهند؟

ج - احتیاطاً هر دو را انجام دهند. اگرچه طواف دادن در خارج مطاف کفایت می کند.

23 س - شخصی در حال طواف اشتباهاً به قصد طواف وارد حجر اسماعیل علیه السلام می شود و بعد که متوجه شد برمی گردد و از همان جا که وارد حجر شده بود طواف را شروع و شوط را کامل می نماید، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ج - اشکال دارد. بلی، اگر پس از تذکر در حجر اسماعیل از حجر الأسود به قصد احتیاط شوط را اعاده می کرد، و از محلی که وارد حجر شده قاصد جدی طواف بود، طوافش اشکال نداشت.

24 س - اگر در حال طواف یا سعی یا در نماز شك کند که شوط چندم و یا رکعت چندم است، و با همین حال طواف و سعی و نماز را ادامه دهد، بعد به يك طرف شك یقین کند، و اعمال را تمام نماید، آیا عملش به نحوی که ذکر شد صحیح است؟

ج - اگر طواف یا سعی را در حال شك ادامه داد و بعد یقین به صحت پیدا کرد اشکال ندارد، و طواف و سعی صحیح است، ولی در نماز بدون تروی محل اشکال است، و احوط اعاده آن است.

25 س - زنی با شوهرش که يك دور طواف را انجام داده بود، نیت طواف کرد و با او ادامه داد و بعد از شوط آخر مرد که شوط ششم زن است، او به جای این که يك شوط دیگر بیاورد تا طوافش کامل شود، طواف را از سر گرفت، آیا طواف اول و دوم زن چگونه است؟

ج - احتیاط آن است که يك شوط دیگر به قصد احتیاط به جا آورد که مجموعاً چهارده شوط می شود، و بعد از انجام نماز طواف، طواف و نماز را اعاده نماید.

26 س - در مَطاف چیزهایی از افراد می افتد از قبیل ساعت، احرامی و غیره، و کسانی که طواف می کنند پا روی آن می گذارند، آیا برای طواف ضرر ندارد و موجب بطلان آن نمی شود؟

ج - موجب بطلان طواف نمی شود.

27 س - اگر انسان می داند که پا گذاشتن روی احرامی دیگران موجب اذیت و عدم

رضایت او می‌گردد، آیا این عدم رضایت او به طواف ضرر ندارد؟

ج - به طواف ضرر نمی‌زند.

28 س - اگر کسی قبل از شوط چهارم طوافش را قطع و از نو طواف کند، گفته شده در صورتی که فاصله زیاد نشده باشد احتیاط این است که طواف قطع شده را تمام کند و اعاده هم بنماید، مراد از تمام کردن چیست، آیا فقط شوطی را که قطع کرده تمام کند یا ما بعدش را هم باید به جا آورد؟

ج - طواف مزبور اشکال دارد و اتمام موضوع ندارد، و باید طواف را بعد از نماز طواف اول، اعاده کند احتیاطاً.

29 س - شخصی طواف را از حجرالأسود شروع کرد، و در هر شوط به رکن یمانی که می‌رسید نیت ختم می‌کرد و از حجرالأسود نیت شوط بعد را می‌نمود و هفت شوط طواف را این‌گونه تمام کرد به گمان این که ختم طواف و اشواط آن باید در رکن یمانی باشد، آیا وظیفه اش چیست؟

ج - این طواف اشکال دارد، و باید اعاده شود.

30 س - گاهی مأمورین نظافت مسجد الحرام از کنار کعبه دست به دست هم می‌دهند و همان‌طور توسعه می‌دهند تا انسان از مَطاف خارج می‌شود، آیا به همین مقدار بیرون کردن از مَطاف، ضرورت حاصل است که طوافش در خارج از مَطاف صحیح باشد یا باید صبر کند تا نظافت تمام شود، و اگر افرادی گمان می‌کردند که ضرورت است و طواف را انجام دادند حال تکلیفشان چیست؟

ج - اگر امکان دارد که در حد، طواف کند باید صبر کند و در حد طواف کند، و در این صورت طواف در خارج حد صحیح نیست.

31 س - کسی که از اول بلوغ، سال خمسی برای خود قرار نداده است، اگر به حج مشرف شود و با همان پول که دارد احرامی تهیه و قربانی و مصارف در حج بکند، آیا برای حج او ضرر ندارد؟

ص: 132



ج - اگر پول او از درآمد کسب و حقوق است و معلوم نیست که ربح بین سال است، بدون تخمیس حکم غصب را دارد که طواف و قربانی صحیح نیست.

32 س - شخصی که با پول خمس نداده لباس احرام بخرد و با آن مُحرم شده، و طواف و نماز به جا آورد، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر از روی علم و عمد نبوده، اصل عمره و حج او صحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصر باشد باید طواف و نماز را اعاده کند.

33 س - اگر با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه لباس احرام بخرد، آیا لازم است خمس آن را بدهد، و اگر نداد طواف با آن چه صورت دارد؟

ج - با فرض شك لازم نیست خمس بدهد و طواف صحیح است هر چند احتیاط مطلوب است.

34 س - شخصی در سال گذشته که حج تمتع واجب خود را انجام می داده، تنها نماز طواف را به گمان این که کفایت می کند بدون طواف، انجام داده است و سپس باقی اعمال را انجام داده، آیا چه وظیفه ای دارد؟

ج - با فرض این که طواف حج را از روی جهل به مسأله ترك کرده و به محلس برگشته است باید حج را اعاده کند، و يك شتر قربانی نماید.

35 س - تعدادی مشغول طواف عمره یا زیارت بودند، که شروع کردند مسجد را نظافت کنند، ناچار طواف کننده ها از مَطاف خارج شدند، مدتی طول کشید خیال کردند موالات عرفیه به هم خورده است، طواف را از سر گرفته اند، بفرمایید در صورتی که به هم خوردن موالات مشکوک باشد، طوافشان درست است یا نه؟

ج - اشکال دارد.

36 س - زنی است که قادر بر طواف کردن نیست، امر دائر است بین این که با تخت در خارج مَطاف، طواف دهند و یا نامحرم او را پشت کند و در مَطاف طواف دهد، وظیفه چیست؟

ص: 133

ج - باید او را در مَطاف، طواف دهند هر چند نامحرم او را پشت کند.

37 س - کسی که وظیفه اش اتمام و اعاده طواف است، اتمام کرد و مشغول اعاده بود که دوباره در یکی از شوط های طواف قطع شد مثل اول، آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده نماید؟

ج - فرقی نیست.

38 س - شخصی در حال طواف افتاد و غش کرد و چند ساعت بعد به هوش آمد، آیا می تواند از همان جا که طواف را قطع کرده بود شروع کند و باقی اعمال را ادامه دهد یا نه؟

ج - اگر قبل از شوط چهارم بوده، وضو بگیرد و طواف را اعاده نماید، و اگر بعد از شوط چهارم بوده، باید وضو بگیرد و طواف را اتمام کند.

39 س - آیا بعض شوط های طواف و سعی برای کسانی که قادر نباشند خودشان انجام دهند، قابل نیابت است یا نه؟

ج - بلی، قابل است.

40 س - با وضعیت فعلی که جمعیت حجاج خیلی زیادند، وعده ای از ضعفا نمی توانند در مَطاف طواف کنند، آیا توسعه در مَطاف هست؟ و نیز خلف مقام که یا نمی شود نماز خوانند و یا مصادف با اذیت طواف کنندگان است و اطمینان از تمام کردن نماز مخصوصاً برای ضعفا نیست، نماز خواندن در دورتر چه حکمی دارد؟ و آیا شخصی که وارد مکه شد می تواند فوراً به اعمال طواف و نماز هر جور که ممکن باشد مشغول شود یا باید در حال احرام بماند که وقت ضیق شود، مثلاً تا شب نهم، و آن وقت چنین کند، و معلوم است برای همه کس میسر نیست؟

ج - اگر می توانند ولو در وقت خلوت در مَطاف طواف کنند باید در حد آن طواف نمایند، و نماز خواندن در مکان دور در مورد ضرورت مانع ندارد، و صبر لازم نیست.

41 س - دختری در کودکی و یا اوائل سنین بلوغ جنب شده و تاکنون هم ازدواج

نکرده است، با توجه به این که در سنین بالاتر نمی دانسته به واسطه فعلی که در کودکی انجام شده جنب گشته است و در نتیجه غسل جنابت را تا حال انجام نداده است و با این کیفیت به حج نیز رفته است، تکلیف او چیست؟ آن غسل هایی که یقیناً انجام داده است، حیض و جمعه بوده است با توجه به موارد یاد شده فوق این سؤال ها مطرح است:

1- وضع نماز و روزه و کلیه عباداتی که بعد از بلوغ تاکنون انجام داده است چیست؟

2- آیا در زمان حال مُحرم است، و به صورت احرام وارد مکه و خارج شده است؟ و در صورت مُحرم بودن آیا تا زمانی که اعاده حج نکند، جمیع محرمات که در آن ایام حرام است بر این شخص حرام می باشد یا خیر؟

3- در صورتی که فقط حجش باطل باشد ولی مُحرم نباشد چگونه می تواند با وضع اعزام حجاج به بیت الله الحرام که چند سال يك بار این توفیق حاصل می شود، اعاده حج کند؟

ج - اگر یقین دارد که جنب شده، بدون غسل جنابت نماز و طواف او صحیح نیست و غسل های دیگر کفایت از غسل جنابت نمی کند، و در فرض مسأله نمازهایی را که با این حال خوانده باید قضا کند، و اگر نمی دانسته جنب است و روزه گرفته روزه های او صحیح است و قضا ندارد، و حج در مفروض سؤال صحیح است ولی طواف های عمره و حج و نساء و نمازهای آنها را باید دومرتبه به جا آورد، و اگر خودش نمی تواند برود برای آنها نایب بگیرد، و تا طواف حج و طواف نساء و نماز آنها را انجام نداده یا با عدم قدرت، نایب او به جا نیاورده باید از بوی خوش و ازدواج و محرماتی که با طواف نساء حلال می شود، اجتناب نماید.

42 س - شخصی در اثنای طواف، محدث شده و خجالت کشیده بگوید و با همین حالت اعمال را تمام کرده و به ایران بازگشته، مستدعی است بفرمایید:

1- حجش چه صورت دارد؟

2- اگر اعاده لازم است، آیا می تواند نایب بگیرد یا باید شخصاً انجام دهد؟

ج - اگر با اعتقاد صحت، اعمال را اتمام کرده حجش صحیح است و باید طواف و نماز آن را اعاده کند، و اگر خودش نمی تواند برود باید نایب بگیرد، و اگر در فرض مزبور حدث بعد از شوط چهارم باشد به تفصیل مذکور در مناسک، طواف را تدارک کند، و چنانچه کار او عمدی بوده یا با تردید و عدم اعتقاد به صحت انجام داده، شقوق و صوری دارد که در بعض آنها صحت حج مشکل است.

43 س - ما در شب ساعت 9 از مسجد شجره برای زیارت و انجام اعمال به سوی مکه حرکت کردیم، در نزدیکی اذان صبح به کعبه رسیدیم، و چون زائران قبلی مشغول نماز صبح بودند سرپرست کاروان از ما تقاضا کرد مقدار کمی صبر کنیم تا پس از نماز ما را طواف دهد، ولی در این مهلت به علت خستگی زیاد چند بار من خوابم برد، چون آب در دسترس خود نمی دیدم و جایی را نمی شناختم، روی ریگ های اطراف باغچه تیمم کردم و طواف و نماز آن را انجام دادم، آیا عمل حج من با این توصیف صحیح است یا نه؟

ج - با این که برای شما امکان داشته که وضو بگیرید ولو به این نحو که به منزل بروید و مثلاً برای روز بعد اعمال را انجام دهید، تیمم صحیح نبوده است، و اگر عمل شما با اعتقاد به صحت بوده از احرام خارج شده اید و فقط باید طواف و نماز را اعاده کنید، و اگر خودتان نمی توانید بروید باید نایب بگیرید.

44 س - اگر کسی قبل از حجرالأسود طواف را شروع نمود و به همان جا ختم کرد، آیا طوافش باطل است؟

ج - بلی، طواف باطل است.

45 س - اگر در هنگام خروج از مطاف، بعد از پایان هفت شوط مقداری مسافت را به قصد جزئیت به جا بیاورد، آیا مُبطل طواف است؟

ص: 136

ج - اگر عمدی باشد مبطل است، و در صورت سهو قطع کند، و طوافش صحیح است.

46 س - شخصی بیش از چهار شوط از طواف انجام نداد، و بدون این که نماز طواف را بخواند سعی را شروع کرد و یکی دو شوط از سعی را انجام نداده تقصیر نمود و از احرام خارج شد، تکلیف او چیست؟

ج - اگر این شخص قصد هفت شوط طواف یا سعی را نداشته، عملش باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند.

47 س - کسی نتوانسته است بیش از دو شوط از طواف خود را انجام دهد، و بقیه اشواط را دیگری به جای او انجام داده است، وظیفه او چیست؟

ج - با فرض عذر حتی در آینده عمل مزبور صحیح است و نماز را بخواند.

48 س - آیا می شود قبل از شوط چهارم، طواف را بدون عذر به هم زد و آن را کأن لم یکن دانست، و یا مانند نماز قطع کردن آن جایز نیست؟

ج - قطع مانع ندارد، ولی قبل از فوات موالات نمی توان آن را از سر گرفت.

49 س - کسی که از طواف حتی در خارج مطاف عاجز است و به خاطر گرانی طواف با تخت روان، انجام آن برای او مشکل است، آیا طواف نیابی در محدوده از او کفایت نمی کند؟

ج - اگر از طواف با تخت روان نیز معذور است نایب بگیرد.

50 س - اگر کسی يك شوط طواف را از درون حجر به جا آورده و بقیه اعمال را انجام داده است تکلیف او چیست؟

ج - باید يك شوط طواف و نماز طواف را اعاده کند، و اگر با اعتقاد صحّت بوده بقیه اعمال صحیح است.

51 س - در مواردی که شخص شك در اشواط کند حکم به بطلان طواف

می فرمایید، حالا اگر کسی تجدید طواف نمود و در این میان کشف شد که طواف اول

شش شوط داشته، و از طواف جدید نیز سه شوط انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج - اشکال دارد و باید احتیاط کند.

52 س - بعضی به تصور این که طواف چهارده دور است با این کیفیت طواف انجام داده اند، آیا مُخل به طواف است؟

ج - اگر به قصد چهارده شوط طواف کرده، طوافش باطل است.

53 س - اگر کسی طواف عمره را فراموش کرد و یا آن را ناقص انجام داد و در عرفات به یاد آورد، تکلیف چیست؟ و آیا انجام و یا تتمیم آن فوریت دارد؟

ج - می تواند بعد از اعمال منی آن را تدارك کند و فوریت ندارد.

54 س - اگر کسی جهلاً طواف را بیش از هفت شوط آورد و بقیه اعمال بعد از آن را به جا آورد، تکلیف او چیست؟

ج - اگر از اول قصد بیش از هفت شوط داشته، طواف و نمازش صحیح نیست. و باید آنها را اعاده کند، و ظاهراً اعاده بقیه اعمال لازم نیست، ولی اگر قصد هفت شوط داشته و بعد از تمام شدن، زیاد کرده، پس اگر چهار شوط یا بیشتر زیاد کرده، احتیاط آن است که بقیه را تا چهارده شوط تتمیم کند و یک نماز دیگر هم به جا آورد و طواف و نماز را اعاده کند، و اگر کمتر از چهار شوط زیاد کرده و موالات عرفیه به هم خورده است احتیاط واجب اعاده طواف و نماز است و اگر موالات عرفیه به هم نخورده حکم صورت قبل را دارد.

55 س - شخصی طواف حج واجب خود را غلط انجام داده و پس از آن چندین بار حج نیابی انجام داده است، تکلیف او در مورد حج خود و دیگر حج ها چیست؟

ج - مانع ندارد و باید طواف حج خود را تدارك کند، و حج های نیابی که انجام داده صحیح هستند.

56 س - شخصی طواف خود را انجام داده است و بعداً دو شوط طواف رجاء برای جبران نقص احتمالی به جا می آورد، آیا این عمل خللی به طواف او می رساند؟

ج - ضرر ندارد، ولی جبران نقص نمی کند.

57 س - شخصی در دور پنجم طواف عذری برایش پیش آمد، آیا بعداً باید همین طواف را تکمیل کند، یا طواف دیگری انجام دهد؟

ج - باید همین طواف را تکمیل کند.

58 س - شخصی در حین طواف، اندکی خون در بینی خود می بیند و آن را با دستمال پاک می کند و طواف خود را تمام می نماید، آیا این طواف صحیح است؟

ج - اگر بینی او نجس شده باید بینی خود را آب بکشد و طواف را تکمیل کند، و اگر بدون تطهیر بینی طواف را ادامه داده، احتیاط آن است که بعد از تکمیل و نماز، طواف و نماز را اعاده کند. و همچنین اگر دستمال نجس همراه او بوده است.

59 س - شخصی در شوط دوم طواف شك می کند که آیا طواف را به نیت منوب عنه آغاز کرده یا به نیت خودش، وظیفه او چیست؟

ج - احتیاط آن است که طواف را به نیت منوب عنه اتمام کند و پس از نماز، دو مرتبه آن را با نماز دیگر اعاده کند.

60 س - شخصی در اثنای طواف به خاطر تقبیل و لمس بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده، و نمی داند در بازگشت، طواف را از همان نقطه که رها کرده بود ادامه داده است یا نه، آیا طوافش صحیح است؟

ج - اگر ملتفت بوده که از همان محلی که طواف را رها کرده شروع کند، و بعداً شك عارض شده، حکم به صحت نماید، و در غیر این صورت اکتفا به طواف مزبور محل اشکال است.

61 س - شخصی در اثنای طواف بر اثر فشار جمعیت چند گام به جلورانده شده است، پس از آن به جای این که همان مقدار را جبران کند، شوط دیگری آورده، که مجموعاً هفت شوط تمام و يك شوط ناقص می شود، آیا این طواف صحیح است؟

ج - طواف او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند.

62 س - شخصی بعد از اتمام طواف سهواً يك شوط زياد کرده است و بعد

مردّد است که سه یا چهار شوط ديگر به جا آورده است، و سپس همهٔ اعمال عمره را نیز انجام داده است، آیا طواف او باطل است، و آیا تردید در عدد اشواط اضافی مضر نیست؟

ج - مضر است، و باید طواف و نماز را اعاده کند.

63 س - شخصی بر اثر شلوغی، مقداری از طواف را در خارج مطاف انجام داد، و بعد نیز بقیهٔ اعمال را انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج - اگر ممکن نبوده ولو در وقت ديگر که در حد طواف کند اشکال ندارد، وگرنه باید طواف و نماز اعاده شود.

64 س - کسی که وظیفهٔ او وضوی جبیره ای و تیمم است اما از روی جهل، بدون تیمم، اعمال عمره را انجام داده است، وظیفهٔ او چیست؟

ج - طواف و نماز آن، باید اعاده شود.

65 س - شخصی شوط اول طواف را خارج از مطاف و به قصد طواف انجام داده، بعد متوجه شده است که طواف باید در محدودهٔ معینی باشد، لذا مجدداً طواف را در مطاف آغاز نموده و بعد از طواف اعمال ديگر را انجام داده است، آیا اشکال دارد؟

ج - مانع ندارد.

66 س - کسی که اشتبهاً طواف را از رکن یمانی شروع و به همان جا ختم کرده و نماز طواف را خوانده و پس از آن متوجه شده، حکمش چیست؟ و چنانچه در اثنای طواف متوجه شد و طوافش را به حجرالأسود ختم کرد، مقدار زيادی، مضر به طوافش می باشد یا خیر؟

ج - طواف و نماز را باید اعاده کند، و فرقی بین دو صورت نیست.

67 س - کسی که می داند یا احتمال می دهد که مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام می دهد - یعنی جمعیت او را می برند - آیا می تواند از اول نسبت به آن مقداری



که جمعیت او را می برند نیز قصد طواف کند و آن مقدار را مثل طواف سواره حساب کند؟

ج - باید طواف را شروع کند، و اگر در اثناء بدون اختیار او را بردند همان مقدار را جبران کند و طواف را ادامه دهد.

68 س - مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند و نماز طواف بخواند و طواف را با نمازش اعاده کند آیا اگر يك طواف به قصد اعم از تمام و اتمام - یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده، باطل بوده تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد، و چنانچه صحیح بوده به متمم آن قصد طواف داشته باشد - انجام دهد و دو رکعت نماز بخواند، کافی است یا خیر؟

ج - این عمل صحیح نیست و تردید در نیت است.

69 س - شخصی در عمره تمتع بعد از تقصیر فهمید طواف و سعیش باطل بوده مجدداً طواف و سعی را با لباس دوخته انجام داد، آیا مجزی و صحیح است یا نه؟ و در فرض مذکور آیا باید تقصیر را هم تکرار کند یا نه؟

ج - طواف و سعی او صحیح است، و اعاده تقصیر لازم نیست اگرچه احوط است.

70 س - شخصی چند متری از يك شوط را خراب کرده است و چون دقیقاً اول و آخر آن معلوم نیست، يك شوط کامل از حجرالأسود شروع و به آن جا ختم می کند به قصد این که آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه باشد، آیا این طواف صحیح است؟

ج - صحیح است، مگر بعد از خراب شدن آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در این صورت طواف اشکال دارد.

71 س - کسی که به حدود مَطاف آگاهی ندارد، بعد از فراغ از طواف شك می کند که در مَطاف بوده است یا نه، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ج - اگر از اول در مَطاف بود و شك در خارج شدن دارد، طوافش صحیح است، و

اگر از اول شك دارد، با جهل مذکور در سؤال نمی تواند به طواف مزبور اکتفا کند.

72 س - شخصی در شوط اول طواف بود که نماز جماعت شروع شد، طواف را قطع می کند و مشغول نماز می شود و پس از نماز طواف را از سر می گیرد و هفت شوط کامل به جا می آورد، آیا طواف او صحیح است؟

ج - اشکال دارد و باید طواف را اعاده نماید.

73 س - شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس می نماید و از این تماس متلذذ می گردد، آیا طواف او اشکال پیدا می کند یا نه، تکلیف او چیست؟

ج - مضر به طواف نیست. و اگر کاری که موجب کفاره است انجام داده باید کفاره بدهد.

74 س - اگر کسی طواف را فراموش کند یا باطل انجام دهد، آیا می تواند در ماه های غیر حج انجام دهد؟

ج - مانع ندارد.

75 س - شخصی شوط اول طواف را در حالی که ناقص بوده رها می کند و پس از آن شش شوط دیگر به جا می آورد و بعد از آن نقیصه شوط اول را به جا می آورد، آیا طواف او صحیح است؟

ج - صحیح نیست.

76 س - اگر کسی در عدد اشواط طواف و سعی و عدد سنگ های رمی به دیگری اعتماد کند کافی است؟

ج - اگر اطمینان به عدد پیدا کند مانع ندارد.

77 س - شخصی به علت مریضی یا مسن بودن، در دور اول طواف خسته شده و از مطاف بیرون آمد و بعد از کمی استراحت از همان جا که طواف را قطع نموده بود شروع می کند، آیا چون به دور چهارم نرسیده است طوافش چه حکمی دارد؟

ص: 142

ج - اگر موالات به هم نخورده صحیح است.

78 س - آیا واجب است برای درك خلوتی مَطاف و طواف در محدودهٔ بیت و مقام، طواف را تأخیر بیندازد یا مستحب است یا رجحان دارد، خصوصاً اگر پس از ایام تشریق مَطاف خلوت نشود؟

ج - در صورت امکان طواف در حد، ولو در وقت خلوت، باید در حد طواف کند ولو با تأخیر.

79 س - آیا مُحرَم قبل از انجام طواف واجب خود، چه طواف عمره یا حج و چه طواف نساء، می تواند همین طواف ها را برای معذور نیابت کند؟

ج - مانع ندارد.

80 س - شخصی در طواف عمره تمتع در اثر فشار احساس می کند که لُنگ احرامش تر و نجس شده ولی اعتنا نمی کند و با همان حال طواف را تمام می کند و نماز طواف و سعی و تقصیر را انجام می دهد و به منزل می رود، بعد از بررسی می بیند مقداری نجاست خارج شده و احرامش را آلوده کرده است، یقین پیدا می کند که در همان حال طواف چنین شده است، بعد از اعمال حج و مراجعت به وطن به او می گویند باطل است، مستدعی است حکم الله را با توجه به این که نماز و سعی را هم با همان حال انجام داده دربارهٔ این شخص بفرمایید، و اگر اعمالش باطل باشد آیا هنوز در حال احرام است یا خیر؟

ج - اگر در حال طواف، شبهه داشته و یقین نداشته که نجس شده و وضوی او باطل شده، از احرام خارج شده است، و فقط باید طواف و نماز را اعاده کند هرچند بعد از اعمال یقین پیدا کرده باشد.

81 س - آیا یقین به هل خوردن در حین طواف، مصداق عدم امکان طواف در محدودهٔ معین و مجوز برای تجاوز به غیر این محدوده می شود یا خیر؟

ج - شامل نیست.

ص: 143

82 س - در صورتی که یقین دارد در حال طواف در محدوده معین با اجنبی یا اجنبیه برخورد می کند باز هم واجب است در محدوده معین طواف کند؟

ج - آنچه ذکر شده عذر نیست.

83 س - اگر صاحب عادت وقتیه و عددیه که عددش مثلاً هفت روز است، روز هفتم پاك شد و غسل کرد و اعمال حج را به جا آورد ولی بعداً لك دید، اعمالش چگونه است؟

ج - اگر خون دیده و از روز دهم تجاوز نکرد، محکوم به حیض است که در وسعت وقت باید طواف و نماز را اعاده کند، و در ضیق وقت، محل اشکال است که مراعات احتیاط باید بشود.

84 س - بعضی از زنان به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه شان به هم می خورد؛ به طوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لك می بینند، آیا وظیفه این گونه زنان در حج چیست؟

ج - اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، ولو به این نحو که پس از خروج تا سه روز باطن فرج آلوده باشد، حکم حیض دارد، وگرنه باید به وظایف مستحاضه عمل کند.

85 س - اگر زن در عمره تمتع بعد از سه شوط و نیم و قبل از چهار شوط، حائض شد و تا قبل از رفتن به عرفات، پاك نمی شود، وظیفه او چیست؟

ج - مورد عدول به افراد است.

86 س - اگر زنی بعد از شوط چهارم در طواف عمره تمتع حائض شد و تا وقت وقوف به عرفه پاك نشد، وظیفه اش چیست؟

ج - باید سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و مُحرم شود برای حج تمتع و در وقت انجام طواف حج، قبل یا بعد از آن، بقیه طواف عمره تمتع و نماز آن را هم به جا آورد.

87 س - زنی عمره تمتع را انجام داد، بعد متوجه شد که طواف او باطل بوده است، پس از این که متوجه شد، ملاحظه نمود دید عذر زنانه دارد، تکلیف او چیست؟

ج - هر وقت عذر او مرتفع شد، طواف و نماز را اعاده کند، و اگر قبل از وقوف، پاك نمی شود برای حج مُحرم شود و پس از آمدن به مکه و رفع عذر، آنها را انجام دهد.

88 س - زنی مسأله را نمی دانست، بعد از پاك شدن از حیض، خیال می کرده جنب است و لذا غسل جنابت را نیت می کرد و با همین حال حج انجام داد، بفرمایید حج او چگونه است؟

ج - اگر منظور او غسل برای حدثی که از خون داشته است باشد و اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است.

89 س - آیا مستحاضه کثیره باید برای طواف يك غسل، و برای نماز طواف غسل دیگر بکند، یا يك غسل برای هر دو کافی است؟

ج - برای هر يك غسل لازم است، مگر آن که از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد.

90 س - زنی به حساب شناسنامه، بیش از پنجاه سال شمسی دارد و يك سال و نیم خون ندیده است، ولی در عرفات خون می بیند، بنابراین آیا در یائسگی او می توان تردید داشت یا نه، و وظیفه او چیست؟

ج - اگر اطمینان دارد که پنجاه سال قمری او تمام شده و سیّده نیست، حکم مستحاضه را دارد.

91 س - آیا نماز و طواف، برای زن مستحاضه يك حکم دارند یا هر کدام از طواف و نماز، جدا و مستقل هستند؟

ج - مستقل هستند.

92 س - زنی بعد از وقوفین حیض می شود، با مصرف قرص، خون قطع می گردد و

اعمال را انجام می دهد، ولی بعد از آن لك می بیند، وظیفه او چیست؟

ج - اگر خون، سه روز مستمر نبوده و حتی در باطن فرج هم قطع شده حیض نبوده است و با انجام وظیفه مستحاضه، عمل او صحیح است.

93 س - زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله می شود، وظیفه او چیست؟

ج - اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند، و اگر قبلاً بوده به احتیاط واجب پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را اتمام و سپس اعاده نماید.

94 س - زن مستحاضه ای بعد از غسل و وضو مشغول طواف می شود، در اثنای طواف لك می بیند، وظیفه او چیست؟

ج - اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده با تحفظ از خروج خون چیزی بر او نیست، و در غیر این صورت حکم حدث جدید را دارد.

95 س - زنی به تصور این که پاك شده است، طواف انجام می دهد و در اثنای سعی متوجه می شود که هنوز پاك نشده است، آیا سعی او نیز باطل است، و اگر بعد از سعی متوجه شود چگونه است؟

ج - در فرض اول سعی را قطع کند و پس از پاك شدن از حیض، طواف و نماز را اعاده کند، و احتیاط آن است که پس از اعاده طواف و نماز سعی را اتمام و اعاده نماید، و در فرض دوم نیز اعاده طواف و نماز لازم، و اعاده سعی مبنی بر احتیاط است.

96 س - زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد و با این کار فاصله ای بین اعمال پیش می آید که شاید طولانی هم باشد، مثلاً باید برود منزل غسل کند و برگردد، آیا این فاصله اشکال ندارد؟

ج - اگر خون قطع نمی شود برای هر يك از طواف و نماز باید غسل کند و وضو بگیرد، و باید طوری باشد که بعد از غسل و وضو مبادرت به عمل نماید، بنابراین اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند، نزدیک مسجد الحرام غسل کند و وضو بگیرد.

97 س - زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند طبق وظیفه اش غسل کرد و یا وضو گرفت و طواف را شروع کرد، بین طواف، نماز ظهر شروع شد، نماز را خواند، و با همان طهارت اول، بعد از نماز، طواف را ادامه داد، آیا طوافش صحیح است؟

ج - اگر از هنگام غسل تا آخر طواف خون قطع بوده، طواف صحیح است، و در غیر این صورت احوط آن است که این طواف را تمام کند و پس از غسل اعاده نماید.

98 س - زنی که حیض نمی شود ولی هر دو ماه يك بار، دو سه روزی لك و ترشحات می بیند، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر خون استمرار تا سه روز ندارد ولو به این نحو که پس از خارج شدن تا این مدت باطن فرج آلوده باشد، حکم استحاضه را دارد.

99 س - هرگاه زن قُرْشیه پس از شصت سال، و غیر قرشیه پس از پنجاه سال، چند روز متوالی خون ببیند که همه به اوصاف حیض باشد در طواف ها و نماز چه کند؟

ج - حکم مستحاضه را دارد، و حکم حیض بر خون مزبور مترتب نیست، حتی در صورت توالی یا داشتن صفات.

100 س - زن هایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده می کنند که موقع طواف گرفتار حیض نباشند و ایام عادت ممکن است يك یا دو لکه کم رنگ ببینند، آیا این خون استحاضه حساب است یا خون قروح و جروح، و در هر صورت به طواف ضرر می زند یا خیر؟

ج - حکم استحاضه را دارد و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند، و اگر در اثنای طواف لکه دیده تفصیلی بین ماقبل از تمام شدن دور چهارم و مابعد آن هست که در مناسك ذکر شده است.

101 س - شخصی غسل مس میت به گردش بوده ولی بعد از اعمال حج متذکر

می شود، وظیفه او چیست؟

ج - اگر بعد از مس میت غسل جنابت کرده باشد - چون جنب هم بوده یا بعداً جنب شده - غسل جنابت کفایت می کند و عملش صحیح است، والا باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

102 س - مُحرمی است که مبتلا به خروج ریح است - یعنی مرتب ریح از او جدا می شود، و در عرض سال شاید یکی دو ماه فی الجملة تخفیف پیدا می کند، ولی نوعاً به فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل می شود - تکلیف چنین شخصی در طواف و نماز چیست؟ چند وضو باید بگیرد؟

ج - حکم مبطلون را دارد، که از تحریر الوسيله جلد اول صفحه 36 مسأله 3 استفاده می شود. و علی ای حال چنانچه نتواند در اثنای طواف وضو بگیرد یا حرجی باشد، اکتفا به يك وضو برای طواف کافی است، ولی اگر بتواند ولو با حمل آب در اثنای طواف وضو بگیرد واجب است تجدید وضو کند، و همچنین است حکم در نماز طواف.

103 س - مدتی است که به علت ابتلای به بیماری و در اثر عمل جراحی خروج مدفوع را احساس نمی کنم و از کیسه مخصوص استفاده می کنم، البته برای وضو و نماز فتوای حضرت امام مشخص و معین است، که بدان عمل می کنم، ولی چون سال آینده به امید خدا تصمیم دارم خانه خدا را زیارت کنم، مستدعی است در رابطه با انجام مراسم حج، تکلیف شرعی بنده را مرقوم فرمایید؟

ج - اگر در طواف و نماز آن رعایت وظیفه ای که برای وضو و نماز دارید، بنمایید، عمل حج شما صحیح است.

104 س - شخصی عمل جراحی انجام داده است، و فعلاً کیسه ای بسته است که بول او قطره قطره در آن کیسه می ریزد، لکن نه از مجرای بول بلکه از موضع جراحی که در پهلو قرار داده اند، آیا این شخص حکم مسلوس را دارد؟

ج - حکم مسلوس را دارد.



105 س - کسی نیت طواف را در دل گذرانده و به قصد طواف حرکت می کند، مقداری که می آید گمان می کند نیت طواف را باید به زبان بگوید، لذا برمی گردد و نیت را با زبان می گوید و طواف را از نو شروع می کند، آیا طوافش صحیح است یا خیر؟

ج - اشکال دارد.

106 س - به خاطر اهمیت زیادی که در اعمال حج داده می شود، و به خصوص در طواف ها و نماز آن، غالباً يك عملی را به عنوان احتیاط و رجاء چندین بار به جا می آورند ولو این که عمل نزد خودشان نقصی ندارد، البته به حد و سواس هم نمی رسد، آیا این گونه تکرار در اعمال، اشکالی دارد؟

ج - وسواس همین است، و نباید به وسوسه اعتنا شود، بلی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه مانع ندارد.

107 س - کسی به جهتی طواف یا سعیش قطع می شود و به جلو می رود، می خواهد از همان جا که قطع شده شروع کند ولی در اثر ازدحام نمی تواند خود را به آن جا برساند و در مُحاذی آن جا به طرف چپ یا راست قرار می گیرد، آیا می تواند از مُحاذی جایی که قطع شده شروع کند، یا باید همان نقطه باشد؟

ج - لازم نیست همان نقطه باشد، بلکه مُحاذات کافی است، و باید طواف تکمیل شود.

108 س - قران که در طواف حرام است آیا طواف را باطل می کند یا خیر؟

ج - اگر از اول یا در اثنای طواف اول، قصد قران داشته احتیاط در اعاده طواف است، و اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد قران کرده طواف باطل نمی شود.

109 س - آیا يك شوط و دو شوط طواف هم استحباب دارد، یا باید طواف هفت شوط باشد، و اگر کسی گمان داشت که مستحب است و بعد از هفت شوط طواف واجب، یکی دو شوط طواف مستحبی به جا آورد و بعد، نماز طواف را خواند، آیا طوافش اشکالی دارد؟

ص: 149

ج - استحباب آن ثابت نیست، ولی طواف مزبور صحیح است.

110 س - معیار در کثیر الشك بودن در طواف چیست؟

ج - عرفی است.

111 س - طواف کردن در محدوده 26/5 ذراع، و نماز خواندن پشت مقام هرچه نزدیک تر به مقام، آن طوری که در مناسک بیان شده است، گویی نزد آنان بدعت است، آیا باید همان گونه که آنان در خارج از حد طواف می کنند و دور از مقام نماز می خوانند، انجام شود؟

ج - چنین چیزی نیست، و باید به وظیفه عمل شود.

112 س - این که فرموده اید در بعضی موارد باید طواف و سعی را اتمام و اعاده کند، بفرمایید که ترتیب هم لازم است یا نه؟

ج - بلی، احتیاط به این است که قبلاً اتمام کند طواف را و نماز بخواند، و سپس اعاده نماید.

113 س - کسی که در سعی یا طواف عمره تمتع یا عمره مفرده، نیاز به نایب پیدا کرده است، آیا نایب باید در حالی که مُحرم است، نیابت کند یا خیر؟ بر فرض عدم لزوم احرام آیا باید با لباس احرام طواف کند یا در لباس مَخیط هم جایز است؟

ج - هیچ يك از احرام یا لباس احرام در نایب لزوم ندارد.

114 س - شخصی مسلوس است، برای طواف و نماز آن، وظیفه او چیست؟

ج - اگر وقتی دارد که بتواند طواف را با وضو و نماز را با وضو انجام دهد باید آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک به جا آورد و بقیه اعمال را بعد از آن اتیان نماید، و اگر چنین وقتی ندارد در صورتی که مشقت نداشته باشد برای هر بار که حدث از او صادر شود يك وضو بگیرد و اگر مشقت دارد برای طواف يك وضو و برای نماز هم يك وضو بگیرد.

ص: 150

115 س - آیا در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود لازم است با لباس احرام باشد؟

ج - لازم نیست.

116 س - هرگاه مُحرم لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته اعمال عمره را از طواف و سعی انجام دهد، جهلاً یا عمداً، آیا طواف و سعی او صحیح است؟ و عمره او مُجزی است یا نه؟

ج - طواف و سعی مزبور صحیح، و عمره مذکور مُجزی است.

117 س - هرگاه مُحرم به احرام عمره تمتع، جنب باشد و آب برای او ضرر دارد یا آب ندارد و یا وقت عمره می گذرد، آیا طواف و نماز با تیمم کافی و مجزی است یا باید نایب هم بگیرد؟

ج - نایب گرفتن لازم نیست.

118 س - آیا حجاب زن در طواف مثل حجاب او در نماز است یا فرق می کند؟

ج - فرق می کند، و فقط وجه و کفین در طواف مستثنی است علی الاحوط.

119 س - اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او که باید در حال طواف بپوشاند ظاهر باشد، آیا به طواف او ضرر می رساند یا نه، و اگر با ظاهر بودن موی سر طواف را انجام داده طواف او باطل است یا نه؟

ج - اگر عمدی باشد، طواف صحیح نیست علی الاحوط، و در غیر مورد عمد صحیح است، مگر در جاهل مقصر علی الاحوط.

120 س - شخصی در عمره تمتع طواف را تمام کرده است، ولی می گوید دلچسب نشد لذا يك طواف دیگر بدون خواندن نماز طواف اول به جا می آورد و نماز و سعی به جا می آورد و تقصیر می کند، آیا عملش صحیح است یا نه؟

ج - عمل او صحیح است، هر چند داخل در قران حرام است.

ص: 151

121 س - اکل و شرب در حال طواف جایز است یا نه؟

ج - مانع ندارد.

122 س - کسی که در حال طواف شخصی را از روی زمین بلند می کند، و ممکن است در این حال گامی به طرف جلو بردارد و در این حال توجه به طواف ندارد، در نتیجه نمی داند که آیا مقداری از مسافت را بدون قصد طواف آمده است یا نه، تکلیف او چیست؟

ج - باید آن مقدار را احتیاطاً تدارک کند.

123 س - کودک نابالغی با اذن پدر مُحرم شد و طواف را نیمه کاره به تصور این که همین مقدار کافی است رها کرده و سعی را نیز از طبقه دوم انجام داده است، تکلیف چیست؟

ج - اگر از اول قصد هفت شوط نداشته، طواف او باطل است و باید طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید.

124 س - کسی که در شوط ششم، طواف خود را رها کرد و نتوانست که ادامه دهد، و دیگری به جای او بقیه را به جا آورد، ولیکن نماز طواف را خودش خوانده و بعداً متوجه شده است که استراحت در خلال طواف، به طواف ضرر نمی رساند و او با استراحت می توانست خودش طواف خود را تمام نماید، اکنون تکلیف او چیست؟

ج - بقیه طواف را تمام کند و نماز را اعاده نماید.

125 س - شخصی طواف خود را به هم می زند و طواف دوم را شروع می کند، آن را نیز به هم می زند و طواف سوم را آغاز کرده و به اتمام می رساند، وظیفه او چیست؟

ج - اشکال دارد و موارد احتیاط مختلف می شود.

126 س - اگر شخصی رکن مستجار (رکن یمانی) را یقین کرد که رکن حجرالأسود است، لذا طواف را از مستجار به عنوان حجرالأسود شروع کرد و هفت شوط کامل به جا آورد، بعداً فهمید که یقین او خطا بوده است، تکلیف او چیست؟

ص: 152

ج - طواف مزبور باطل است، و باید تدارك شود.

127 س - گاهی انسان شك می کند که این شوط طوافم به هم خورد یا نه، آیا می شود بعد از طواف يك شوط هم به عنوان احتیاط، اضافه بر هفت شوط آورد و بعد نماز بخواند یا خیر؟

ج - به وسوسه نباید اعتنا کرد، و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند همان قسمت باید تصحیح شود، و ادامه بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، موجب اشکال در طواف می شود، و با آوردن يك شوط بعد از طواف احتیاطاً، اشکال رفع نمی شود.

128 س - شخص در حالی که مشغول طواف است در شوط پنجم یقین کرد که 5 متر در شوط اول و 5 متر در شوط سوم بی اختیار طواف کرده است، تکلیف او چیست؟

ج - این طواف قابل تصحیح نیست، و باید اعاده شود.

129 س - شرایطی که در طواف واجب، لازم الرعایه است آیا در طواف مستحبی نیز معتبر است یا نه؟

ج - ظاهر آن است که آنچه در مناسك استثنا نکرده معتبر است.

130 س - در طواف مستحبی زنان می دانند که به بدن مردان نگاه می کنند و احیاناً هم در بین فشار مردان قرار می گیرند، از نظر شرع اشکال ندارد؟

ج - اگر اختیاراً نگاه به نامحرم نکنند اشکال ندارد، ولی در ازدحام بهتر است مراعات کنند. و در هر صورت طواف صحیح است.

131 س - آیا در طواف های مستحبی هم ختنه شرط است یا نه؟

ج - بلی شرط است.

132 س - مُحرم وارد مکه شد، آیا می تواند قبل از اعمال عمره تمتع یا قبل از

اعمال عمره مفرده و همچنين پس از مُحرم شدن به احرام حج تمتع و قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحبی به جا آورد يا خير؟ و اگر به جا آورد به عمره و حجش ضرر می زند يا نه؟

ج - احوط ترك طواف مستحبی است در فرض سؤال، ولی به عمره و حج ضرر نمی زند.

133 س - آیا می شود هر شوط از طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنین به جا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای يك نفر به جا آورد؟

ج - نیابت در يك شوط صحیح نیست، ولی می تواند مجموع را به نیت چند نفر انجام دهد.

134 س - آیا جایز است طواف مستحبی را خارج از حد طواف واجب به جا آورد يا نه؟

ج - جایز نیست مگر در مورد ضرورت.

135 س - اگر حاجی از منی برگشته و هنوز طواف واجب را به جا نیاورده است، آیا می تواند طواف مستحبی به جا آورد يا نه؟

ج - احوط آن است که تا اعمال واجب را انجام نداده، طواف مستحبی نکند.

## آداب و مستحبات طواف

در حال طواف، مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَّى بِهِ عَلَى طَلْلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَّى بِهِ عَلَى جَدِّ الْأَرْضِ ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتُ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا

ص: 154

تَأَخَّرَ وَأَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا» .

و به جای کذا وکذا حاجت خود را بطلبد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي» .

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد به خصوص وقتی که به در خانه کعبه می رسد، و بخواند این دعا را:

«سَأَلْتُكَ فَقِيرٌ، مَسْكِينٌ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَأَعْتَقْنِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمٌ» .

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ، وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْأَنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ» .

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعَفْهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» .

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمُ بِالْعَافِيَةِ وَالْمَتَّصِلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» .

ص: 155

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا أَللَّهُمَّ اهْدِ لِي خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ» .

و چون میان رکن یمانی و حجرالأسود برسد بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» .

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار(1) رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ ، وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ» .

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَاغْفِرْ لِي مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ» .

و آنچه خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجرالأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِي مَا آتَيْتَنِي» .

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و حجرالأسود را استلام نماید و در وقت استلام حَجَر بگوید:

«أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ» .

ص: 156

---

1- . مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر درب خانه کعبه قرار دارد.



اشاره

و در آن مسائلی است:

مسأله 1 - واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز بخواند مثل نماز صبح.

مسأله 2 - می تواند نماز طواف را با هر سوره ای که خواست بخواند مگر سوره های سجده، و مستحب است در رکعت اول بعد از «حمد» سوره «قل هو الله أحد» را بخواند، و در رکعت دوم سوره «قل یا ایها الکافرون» را بخواند.

مسأله 3 - جایز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نماز صبح یا آهسته مثل نماز ظهر.

مسأله 4 - شك در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است، و باید اعاده کند، و بعید نیست اعتبار ظنّ در رکعات، و در ظن در افعال احتیاط کند. و در احکام، این نماز با نماز یومیه مساوی است.

مسأله 5 - احوط آن است که بعد از طواف مبادرت به نماز کند و زود به جا آورد.

مسأله 6 - واجب است که این نماز نزد مقام ابراهیم واقع شود. و احتیاط واجب آن

ص: 157

است که پشت مقام به جا آورد [به طوری] که سنگی که مقام است بین او و خانه کعبه واقع شود، و بهتر آن است که هرچه ممکن باشد نزدیک تر بایستد، لکن نه به طوری که مزاحمت با سایرین کند.

مسئله 7 - اگر به واسطه زیادی جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد به طوری که گفته شود نزد مقام نماز می کند به واسطه دوری زیاد، در یکی از دو جانب به جا آورد در جایی که گفته شود نزد مقام نماز می خواند.

مسئله 8 - اگر ممکن نشد در دو جانب نزد مقام نماز را به جا آورد باید ملاحظه نزدیک تر را بکند از میان دو جانب و پشت مقام، و اگر سه طرف مساوی باشند، در پشت نماز بخواند، و در دو طرف کافی نیست، و اگر دو طرف نزدیک تر از پشت باشند به مقام ولکن هیچ کدام نزد مقام نباشد بعید نیست جایز بودن اکتفای به پشت، لکن احتیاط آن است که یک نماز در پشت مقام بخواند و یک نماز در یک طرف با ملاحظه نزدیک تری، و احوط اعاده نماز است در صورت امکان در پشت مقام تا وقتی که وقت تنگ نشده برای سعی.

مسئله 9 - جایز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام که بخواید به جا آورد اگرچه در حال اختیار، بلکه گفته اند که آن را می تواند عمداً ترك کند.

مسئله 10 - اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت که یادش آمد در مقام ابراهیم به جا آورد و به همان دستوری که در مسئله 6 به بعد ذکر شده عمل نماید.

مسئله 11 - اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی بین صفا و مروه یادش بیاید از همان جا سعی را رها کند و برگردد دو رکعت نماز را بخواند بعد از آن سعی را از همان جا تمام کند.

مسئله 12 - شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند عمل کرده اعاده آنها ظاهراً لازم نباشد اگرچه احتیاط استحبابی در اعاده است.

مسئله 13 - اگر برگشتن به مسجد الحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را فراموش کرده باید هر جا یادش آمد نماز را به جا آورد اگرچه در شهر دیگر باشد و برگشتن به حرم لازم نیست اگرچه آسان باشد.

مسئله 14 - اگر کسی این نماز را به جا نیاورد و بمیرد واجب است بر پسر بزرگ او که آن را قضا کند به نحوی که در کتاب «صلاة» تفصیل داده شده است.

مسئله 15 - جاهل به مسئله در احکامی که برای ناسی ذکر شد شریک است با او.

مسئله 16 - واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را به طور صحیح به جا آورد، خصوصاً کسی که می خواهد به حج برود باید نماز را تصحیح کند، چون بعضی گفته اند اگر نماز او درست نباشد عمره او باطل است. و همچنین حج نیز باطل است، پس علاوه بر آن که به این قول از حجة الاسلام برائت ذمه پیدا نمی کند ممکن است چیزهایی که در احرام بر او حرام شده بود مثل زن و چیزهایی که گذشت، بر او حلال نشود.

مسئله 17 - اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد باید نماز را به هر ترتیبی که می تواند خودش به جا آورد و کافی است، و اگر ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را تلقین او کند، و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادل اکتفا کند، لکن اکتفا به نماز جماعت نکند چنانچه نایب گرفتن نیز کافی نیست.

مسئله 18 - نماز طواف را در همه اوقات می شود خواند مگر آن که مزاحمت کند با وقت نماز واجب که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت یومیه شود پس باید اول نماز یومیه را بخواند.

مسئله 19 - اگر کسی از روی بی مبالائی مسامحه کرد در یاد گرفتن قرائت و ذکر

واجب نماز تا وقت تنگ شد، نماز را به هر نحو که می تواند باید بخواند و صحیح است، لکن معصیت کار است، و احتیاط آن است که به دستور مسأله 17 عمل کند، و اگر ممکن است کسی را وادار کند که تلقین او کند.

### مسائل متفرقه و استفتائات نماز طواف

مسأله 1 - نماز طواف استحبابی لازم نیست در نزد مقام ابراهیم باشد بلکه در هر جای مسجد الحرام جایز است به خصوص در موقع ازدحام، مناسب است مراعات سایر حجاج را بنمایند.

2 س - کسی نماز طواف عمره را در داخل حَجْرِ اسماعیل به جا آورده و بعد از تقصیر متوجه شده است، وظیفه او چیست؟

ج - باید نماز را اعاده کند.

3 س - شخصی بعد از طواف وضوی او باطل شده و خجالت کشیده که بگوید نمازش را بی وضو خوانده است و بعد از آن سعی و تقصیر را انجام داده و مُحل شده است، وظیفه او چیست؟

ج - باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

4 س - زنی نماز طواف خود را در حَجْرِ اسماعیل خوانده است و چون به منزل آمده، ملتفت شده که حائض شده است و تا وقوف به عرفات پاك نمی شود، وظیفه او نسبت به نماز چیست، و آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج - عمره او صحیح است و باید برای حج تمتع مُحرم شود، و وقتی خواست طواف و نماز حج را انجام دهد قبل یا بعد از آن، نماز طواف عمره تمتع را به جا آورد.

5 س - کسی که هرچه سعی نمود که موارد غیر صحیح قرائت خود را تصحیح کند

نتوانست و نیز شخصی دیگر را جهت اقتدا کردن و یا تلقین نمودن قرائت صحیح پیدا نکرد وظیفه اش چیست؟

ج - به هر نحو قدرت دارد بخواند، و به جماعت خواندن حتی در فرض امکان واجب نیست.

6 س - در موقعی که شخص طواف می کرده جمعیت زیاد بوده و بعد از آن در اثر ازدحام، نتوانسته است که نزدیک مقام نماز بخواند و در آن وقت چاره ای به غیر از نماز خواندن دور از مقام نداشته، آیا نماز او صحیح است یا خیر؟

ج - اگر امکان نداشته با فرض اضطرار مانع ندارد.

7 س - آیا در صورت ازدحام که نشود پشت مقام یا احد الجانبین آن نماز طواف خواند تا حدود منبر، و نماز در قسمت راست یا چپ منبر خوانده شد، باز هم نماز در مقام در صورت امکان همان روز یا روزهای دیگر لازم است؟

ج - در صورتی که تا بعد از فوات موالات عرفیه بین طواف و نماز آن عذر باقی بوده اعاده واجب نیست.

8 س - در مسأله شش نماز طواف در تحریر الوسیله فرموده اید: «والأحوط الاقتداء بشخص عادل» و در مسأله اول نماز جماعت همان کتاب فرموده اید: «بل مشروعیه الجماعة فی صلاة الطواف و کذا صلاة الاحتیاط محلّ إشکال» بفرمایید منظور چیست؟

ج - منظور از مشروعیت، صحت است، و احتیاط مزبور استحبابی است و نباید به جماعت اکتفا شود.

9 س - برای کسانی که قرائتشان درست نیست و می خواهند نماز طوافشان را به جماعت بخوانند، آیا می توانند نماز طواف حج را به نماز طواف نساء یا بالعکس و یا کسی که نایب است به کسی که نایب نیست، و یا نماز طواف واجب را به مستحب و بالعکس اقتدا کنند یا نه؟

ج - اکتفا به جماعت نباید بکنند، و احتیاط در همه موارد سؤال حاصل می شود.

10 س - کسی که قرائتش درست نیست، آیا می تواند تبرّعاً از کسی که حج واجب بر عهده دارد نیابت کند و حج انجام دهد؟

ج - نیابت چنین شخصی صحیح نیست هر چند تبرّعی باشد، مگر آن که بتواند قرائت خود را تصحیح کند و از ذوی الأعدار محسوب نباشد، که در این صورت می تواند نیابت را قبول نماید، ولی باید قرائت خود را درست کند.

11 س - افرادی با این که قرائتشان درست نیست و کلمات نماز را نمی توانند درست بگویند، در حج نایب می شوند و عمره را به نیت منوب عنه انجام می دهند، بعد متوجه می شوند که نمی توانند نایب شوند، آیا چگونه از احرام خارج می شوند، و برای حج چه وظیفه ای دارند؟

ج - در صورت امکان باید قرائت خود را درست کنند و عمل نیابی خود را تصحیح نمایند تا از احرام خارج شوند، بلی اگر ممکن نیست و معذور هستند احرام آنها صحیح واقع نشده و از احرام خارج هستند.

12 س - کسی که مطمئن باشد قرائتش یا ذکری که در نماز می گوید درست است و نماز طواف را اعم از طواف زیارت و نساء همان گونه بخواند، بعد معلوم شود که اشتباه بوده است آیا باید چه کند؟

ج - اگر احتمال غلط بودن آن را نمی داده، نمازش صحیح است.

13 س - چند روزی که اطراف کعبه به قدری شلوغ است که صف طواف تا پشت مقام ابراهیم علیه السلام می آید، و نماز خواندن پشت مقام و نزدیک آن ممکن نیست مگر این که چند نفری اطراف انسان بایستند تا انسان نماز طوافش را بخواند، بفرمایید آیا حتماً نماز باید خَلْف مقام و نزدیک آن باشد ولو به این صورت، یا دورتر تا هر جا که می تواند به تنهایی نماز بخواند، کافی است؟

ج - اگر امکان دارد و محذوری در بین نیست، باید خلف و نزد مقام نماز بخواند، و در مورد ضرورت، تأخیر مانع ندارد با مراعات الأقرب فالأقرب.

14 س - در نماز طواف که انسان مشغول ذکر بود او را حرکت دادند، ذکر را تکرار کرد، دوباره تکان دادند و تکرار کرد، آیا مانعی ندارد؟

ج - اگر طوری حرکت کرده که استقرار او از بین رفته، مانع ندارد، و در غیر این صورت تکرار نکند مگر به قصد احتیاط، به شرط آن که وسوسه نباشد.

15 س - آیا محمول نجسی که در طواف معفو نیست، در نماز طواف مثل نمازهای یومیه معفو است یا نه؟

ج - در نماز طواف حکم نمازهای یومیه را دارد.

16 س - بین طواف و نماز آن اگر نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگر به جا آورد، اشکال دارد یا نه؟

ج - احتیاط در ترك آن و مبادرت به نماز طواف است.

17 س - گاهی در پشت مقام ابراهیم علیه السلام جمعیت زیاد است، و چون زن و مرد کنار هم قرار می گیرند احیاناً مورد فشار ازدحام واقع می شوند بدون این که ریبه و فساد درین باشد، آیا به نماز طواف ضرر نمی رساند؟

ج - برای نماز ضرر ندارد.

18 س - احیاناً انسان می داند که اگر نماز طواف را شروع کند، طواف کننده ها می آیند و او را حرکت می دهند و جابه جا می کنند، در عین حال نماز را شروع می کند، آیا اگر این نماز را تمام کند، صحیح است؟

ج - اگر صحیحاً تمام کند، مانع ندارد.

19 س - در مناسک فرموده اید بر هر مکلفی واجب است قرائت نمازهای یومیه اش را یاد بگیرد خصوصاً برای حج، حال اگر حاجی کوتاهی کرد و برای تعلّم و یادگیری قرائت نماز اقدام ننمود، آیا همین نماز باطل کفایت می کند و یا این که باید نایب بگیرد،

و در صورتی که نیابت را لازم نمی دانید، آیا همین نماز کافی است یا خیر؟

ج - اگر وقت ضیق شود به طوری که اگر بعد از طواف بخواند نماز را یاد بگیرد موالات بین نماز و طواف فوت می شود، خودش هر طور می تواند بخواند.

20 س - زنی مُحرم به احرام عمره تمتع شده و پس از ورود به مکه و انجام طواف قبل از این که نماز طواف بخواند حائض گردیده، چه وظیفه دارد؟

ج - اگر وقت وسعت دارد صبر کند تا پاك شود و نماز را بخواند و بقیه اعمال را انجام دهد، و چنانچه وقت تنگ باشد سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و مُحرم شود به حج تمتع، و بعد از طواف حج یا قبل از آن، نماز را بخواند و سپس بقیه اعمال را انجام دهد.

21 س - کسی که نمازش را غلط می خواند و وقت تصحیح آن را ندارد می فرماید نماز طواف را به همان کیفیت که می تواند خودش بخواند، آیا چنین کسی می تواند عمره مفرده مستحبی به جا بیاورد؟

ج - اشکال ندارد.

22 س - شخصی طواف عمره را به جا آورده و بدون نماز و سعی، تقصیر کرده است، تکلیف او چیست؟

ج - باید نماز و سعی را به جا آورد، و با فرض جهل یا نسیان اعاده تقصیر لازم نیست اگرچه احوط است.

23 س - آیا مقصود از «نماز طواف نزد مقام»، پشت مقام است یا شامل دو طرف مقام نیز می شود؟

ج - باید خلف مقام باشد.

24 س - اگر کسی نماز را در غیر از مقام ابراهیم بخواند و با اعتقاد به صحت آن بقیه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟

ج - فقط نماز را باید اعاده کند.



25 س - اگر پشت مقام ابراهیم دو طبقه شود، آیا نماز در طبقه بالا یا زیرزمین صحیح است؟

ج - در صورتی که احراز نشود خلف مقام نماز خوانده، صحیح نیست.

26 س - شخصی نماز طواف را به اعتقاد این که حجر اسماعیل مقام ابراهیم است در حجر اسماعیل خوانده، چه باید بکند؟

ج - باید نماز را اعاده کند.

27 س - آیا نماز طواف واجب را می توان با نماز جماعت یومیه به جا آورد؟

ج - صحت آن محل اشکال است.

28 س - پشت مقام تا چه اندازه ای صادق است، و آیا حد معینی نمی توان برای آن فرض کرد؟

ج - عرفی است.

29 س - آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز به مقدار دو رکعت نماز اشکال دارد، و اصولاً چه مقدار فاصله مُخل است؟

ج - مانع ندارد، و میزان مبادرت عرفیه است. و در هر صورت با تأخیر نماز، اعاده طواف لازم نیست.

30 س - گاهی طواف تا نزدیک تالارهای مسجد می رسد، آیا در این صورت می شود نماز طواف را پشت سر طواف کنندگان به جا آورد، و

آیا صدق پشت مقام می نماید؟

ج - صدق خَلْف، به نظر عرف است.

31 س - شخصی مُحرم به احرام عمره تمتع، وارد مکه شده است و هفت روز مثلاً در مکه توقف دارد و نماز او غلط های زیادی دارد، آیا

واجب است که تا آخر وقت در احرام بماند و نمازش را اصلاح کند و بعد شروع به طواف کند یا وظیفه دیگری دارد؟

ص: 165

ج - لازم نیست تا آن وقت صبر کند، و اگر بعد از طواف تا قبل از فوات موالات عرفیه، بین طواف و نماز، نتواند غلط های خود را درست کند، به هر نحو می تواند نماز بخواند.

32 س - اینجانب چند سال قبل به مکه معظمه مشرف شدم و در آن جا اولاً نماز طواف نساء و نماز طواف برای هر دو طواف واجب را که یکی عمره مفرده و دیگری حج می باشد نخوانده ام و ثانیاً در تعداد اشواط طواف دوم هم در شك می باشم، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

ج - اگر بعد از طواف و انصراف از آن، شك در عدد اشواط کرده اید به شك اعتنا نکنید و نمازهایی را که نخوانده اید اگر نمی توانید به مکه بروید در محل خود بخوانید و تا نخوانده اید حرمت نساء باقی است.

### مستحبات نماز طواف

در نماز طواف مستحب است بعد از «حمد» در رکعت اول سوره «توحید» و در رکعت دوم سوره «جحد» را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعَمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي» .

و در روایت دیگر است:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعَةَ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ» .

و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به

سجده رفته و چنین می گفت:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَهَذَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَةً بِيَدَيْكَ ، فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ ، فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُتَرَبِّدٌ نُوْبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ» .

و بعد از سجده، روی مبارك آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

ص: 167

اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسأله 1 - واجب است بعد از به جا آوردن نماز طواف سعی کند بین صفا و مروه که دو کوه معروفند.

مسأله 2 - مراد از سعی آن است که از کوه صفا برود به مروه و از مروه برگردد به صفا.

مسأله 3 - واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط گویند؛ به این معنی که از صفا به مروه رفتن يك شوط است و از مروه به صفا برگشتن نیز يك شوط است.

مسأله 4 - واجب است اول از صفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم شود، و اگر از مروه شروع کند هر وقت فهمید باید اعاده کند، و اگر در بین سعی بفهمد باید از سر بگیرد و از صفا شروع کند.

مسأله 5 - احتیاط آن است که ابتدا کند از جزء اول صفا و از آن جا شروع به سعی کند، و در صورتی که روی کوه برود و همان طور به نحو متعارف سعی کند، کفایت می کند.

مسأله 6 - در سعی مابین صفا و مروه جایز است سواره و بر روی محمل، چه در حال اختیار و چه با عذر، لکن راه رفتن افضل است.

مسأله 7 - طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی معتبر نیست گرچه احوط مراعات طهارت از حدث است.

مسأله 8 - واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن به جا آورد، و اگر عمداً پیش از آنها به جا آورد باید بعد از طواف و نماز آن را اعاده کند.

مسأله 9 - اگر از روی فراموشی مقدم بدارد سعی را بر طواف، اقوا آن است که آن را اعاده کند و همچنین است اگر از روی ندانستن مسأله مقدم بدارد.

مسأله 10 - واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد، پس اگر از راه غیر متعارف به صفا برود یا به مروه سعیش باطل است.

مسأله 11 - اگر بین صفا و مروه را دو طبقه یا چند طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه باشد، از هر طبقه جایز است سعی کند گرچه احوط سعی از همان راهی است که از اول متعارف بوده.

مسأله 12 - اگر طبقه زیرزمینی درست شد و کوه صفا و مروه ریشه دار بود و سعی بین آن دو واقع شد صحیح است علی الظاهر، و احوط سعی از طبقه روی زمینی است.

مسأله 13 - واجب است در وقت رفتن به طرف مروه متوجه به آن جا، و وقت رفتن رو به صفا متوجه به آن باشد، پس اگر عقب عقب برود یا پهلو را به طرف صفا یا مروه کند و برود باطل است، لکن نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکال ندارد.

مسأله 14 - جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه، و همین طور جایز است نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی و لازم نیست عذری داشته باشد بنابر اقوا.

مسأله 15 - جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن برای رفع خستگی یا تخفیف گرمی هوا، و جایز است بدون عذر تأخیر بیندازد تا شب گرچه احتیاط در تأخیر نینداختن است.

مسأله 16 - جایز نیست تأخیر انداختن تا فردا بدون عذر از قبیل مرض.

مسأله 17 - سعی از عبادات است و باید آن را با نیت خالص برای فرمان خدای تعالی بیاورد.

مسأله 18 - سعی مثل طواف رکن است و حکم ترك آن از روی عمد یا سهو چنان است که در طواف گذشت.

مسأله 19 - زیاد کردن در سعی بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل شدن آن است به تفصیلی که در طواف گذشت.

مسأله 20 - اگر از روی فراموشی زیاد کند بر سعی چه کمتر از يك مرتبه یا بیشتر سعی او صحیح است، و بهتر آن است که زاید را رها کند، گرچه بعید نیست که بتواند آن را به هفت مرتبه برساند.

مسأله 21 - اگر سعی را کم کند سهواً، واجب است آن را اتمام کند هر وقت یادش بیاید، و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت ندارد باید مراجعت کند، و اگر نمی تواند یا مشقت دارد باید نایب بگیرد.

مسأله 22 - اگر کمتر از يك مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد بیاورد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد، و اگر بعد از تمام کردن يك مرتبه یا بیشتر فراموش کرد به هفت مرتبه برساند جایز است از همان جا سعی را تمام کند، لکن احتیاط آن است که اگر چهار مرتبه را تمام نکرده تمام کند و از سر بگیرد.

مسأله 23 - با تمام کردن سعی حلال نمی شود بر او آنچه حرام شده بود به واسطه احرام.

مسئله 24 - اگر فراموش کرد بعض سعی را در عمره تمتع پس به گمان این که اعمال عمره تمام شده از احرام خارج شد و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد واجب است برگردد و سعی را تمام کند، و احتیاط واجب آن است که يك گاو برای كفاره ذبح کند.

مسئله 25 - اگر فراموش کرد بعض سعی را در عمره تمتع و تقصیر کرد و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد احتیاط واجب آن است که به دستور مسئله سابق عمل کند، بلکه احتیاط واجب آن است که در این دو حکم، سعی در غیر عمره تمتع را نیز ملحق به تمتع کند در كفاره و اتمام.

مسئله 26 - اگر شك کند در عدد رفت و آمدها بعد از تقصیر اعتنا نکند، و اگر شك کند بعد از آن که از عمل فارغ شد و منصرف شد چون بنا گذاری بر اتمام و اعتنا نکردن به شك خالی از اشکال نیست احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص می دهد اتمام کند، خصوصاً اگر شك در ناقص گذاشتن در این باشد که عمداً برای حاجتی ترك کرده است سعی را که برگردد و اتمام کند که در این صورت وجوب اتمام بعید نیست، و اگر شك در زیاده دارد و می داند ناقص نشده اعتنا نکند.

مسئله 27 - اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا از هر دوری شك در درست آوردن آن کند اعتنا نکند و سعی صحیح است، و همین طور اگر در بین رفت و آمد شك در صحیح به جا آوردن جزء پیش کند اعتنا نکند.

مسئله 28 - اگر در مروه شك کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیاده تر مثل این که شك کند بین هفت و نه اعتنا نکند، و اگر قبل از رسیدن به مروه شك کند که این دور هفت است یا کمتر ظاهراً سعی او باطل است، و همچنین است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد، مثل شك بین يك و سه یا دو و چهار و هکذا.

مسئله 29 - اگر طواف را در روزی به جا آورد و روز بعد شك کرد که سعی کرده است یا نه، بعید نیست بنا گذاری بر آوردن، گرچه احتیاط در آوردن است، مگر آن که بعد از تقصیر شك کند، که در این صورت لازم نیست سعی کند.

مسأله 1 - کسی که می دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده احتیاط آن است که سعی را اعاده کند اگرچه اقوا کفایت همان سعی است.

مسأله 2 - کسی که بعد از ظهر، طواف و نماز را به جا می آورد و سعی را شب انجام می دهد اگر بدون تأخیر عرفی، سعی در شب واقع شود مانع ندارد و احتیاط آن است که تا شب تأخیر نیندازد اگرچه اقوا کفایت است.

مسأله 3 - سعی در طبقه فوقانی اگر محرز نیست که بین صفا و مروه است، جایز نیست.

4 س - کسی که در اثنای سعی متوجه شود که طواف او بیش از هفت شوط بوده تکلیف او چیست؟

ج - می تواند به این نحو احتیاط کند که سعی را تمام نماید و بعد از فوت موالات عرفیه بین شوط زاید طواف و مقدار باقیمانده تا 14 شوط، طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید.

5 س - اگر از مروه شروع و به صفا ختم کرده و بعد فهمیده است، وظیفه او چیست و به خصوص اگر تقصیر کرده باشد؟

ج - باید سعی را اعاده کند و اگر تقصیر نکرده تقصیر کند.

6 س - کسی بعد از اتمام شوط ششم سعی در صفا گمان تمام شدن هفت شوط را کرد و تقصیر نمود ولی فوراً به او گفتند که باید یک شوط دیگر بیاوری، او هم انجام داد و بعد بار دیگر تقصیر نمود، آیا عمل او صحیح است یا خیر، و كفاره دارد یا نه؟



ج - عمل صحیح است و کفاره ندارد.

7 س - کسی در اثنای سعی برای آب خوردن از مسیر منحرف شده و پس از خوردن آب ادامه داده است چه صورت دارد؟

ج - اگر سعی را قطع نکرده و به نیت سعی حرکت را ادامه داده است و در بین راه آب خورده، یا اگر قطع کرده از جایی که سعی را قطع کرده یا مُحاذی آن سعی را تمام کرده صحیح است.

8 س - کسی که طواف و نماز آن را انجام داده و سعی را به روز بعد یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است آیا طواف و نماز را باید اعاده کند؟

ج - لازم نیست ولی اختیاراً نباید سعی را به روز بعد تأخیر بیندازد.

9 س - آیا زن هایی که از جهت عادت ماهانه برای طواف نایب می گیرند در سعی هم می توانند نایب بگیرند؟

ج - محل سعی مسجد نیست و سعی را باید خودشان به جا آورند با مراعات ترتیب بین طواف و سعی.

10 س - اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعی بین صفا و مروه را تمام کرده است ولی بعد از تقصیر متوجه می شود که پنج شوط بوده، اولاً: آیا کل سعی را باید از سر بگیرد یا دو شوطی را که ناقص بوده است باید تکمیل کند؟ و ثانیاً: آیا تقصیر هم باید بکند، یا تقصیر اول کافی است؟

ج - باید سعی را اتمام کند، و احتیاطاً تقصیر را اعاده نماید، گرچه وجوب این احتیاط معلوم نیست.

11 س - شخصی بعد از طواف عمره تمتع گم شده و بعد از پیدا شدن به رفقاییش گفته که سعی صفا و مروه را به جا آورده ام، و تقصیر نمود و مُحرم شد برای حج تمتع، ولی بعد از مراجعت از عرفات و منی و موقع طواف و سعی صفا و مروه و اعمال حج

اظهار کرده مثل این که من در اعمال عمره به صفا نیامده ام، همین طور گفته اند ان شاء الله آمده ای، بعد از مراجعت به ایران چند بار به پسرانش گفته اعمال من ناقص شده، و قبل از فوتش وصیت نموده است که برای او نایب بگیرند، اگر عمل شخص فوق الذکر باطل باشد وراثت او حاضرند این جانب را بفرستند تا اعمال حج او را انجام بدهم، آیا نظر حضرت عالی چیست؟

ج - ورثه می توانند شما را نایب کنند برای عمل حج تمتع، ولی باید نایب سعی را جداگانه به نیابت آن مرحوم انجام دهد، گرچه در فرض مرقوم بیش از نایب گرفتن برای سعی لازم نیست.

12 س - بین صفا و مروه طوری است که از يك طرف می روند و از طرف دیگر آن برمی گردند؛ یعنی بین رفت و برگشت دو سه متری فاصله است، آیا اگر امکان باشد از همان مسیری که به صفا رفته، به مروه برود اشکال دارد؟

ج - اشکال ندارد، ولی نباید مزاحم دیگران شود.

13 س - شخصی در حال سعی کردن بود، يك وقت دید مقداری را که برای هروله علامت گذاری کرده اند به طور عادی سیر کرده است، گمان می کرد لازم است هروله کند و لذا برگشت و مقداری را که عادی رفته بود، با هروله تکرار کرد، آیا سعیش اشکال دارد؟

ج - اشکال دارد.

14 س - شخصی در سعی بین صفا و مروه، از جایی که به صفا یا مروه رسید برای شوط بعدی شروع نمی کند، بلکه تقریباً مقدار دو سه متر هلالی شکل و یا مستقیم به شکل عرضی می آید و شروع می کند، و در این مقدار متوجه نیست که با نیت سعی است یا نه، ولی اگر از او سؤال شود چه می کنی جواب می دهد سعی می کنم، آیا مضر نیست؟

ج - راه رفتن مزبور روی کوه مضر به سعی نیست، و در فرض مسأله سعی صحیح است.

15 س - آیا سعی کردن از همان جا که مریض ها را با چرخ می برند و برمی گردانند - یعنی حدود دو متر بالاتر از ابتدای سرایشی شروع می کنند - صحیح و کافی است، یا حتماً باید از اول کوه صفا شروع و در مروه هم به سنگ های سیاه بعد از سنگ های صاف که بقایای کوه است برسند؟

ج - سعی باید بین دو کوه باشد و احراز شود، و لازم نیست بالا برود.

16 س - در مناسک فرموده اید کسی که بین صفا و مروه سعی می کند، واجب است در هنگامی که به طرف مروه در حرکت است توجهش به مروه باشد، و بالعکس، آیا این وجوب توجه، تکلیفی است و یا وضعی و تکلیفی؟  
ج - وضعی است.

17 س - گاهی انسان در اثر ازدحام جهت رفتن برای سعی ناچار است از مسجد الحرام عبور کند، در این صورت تکلیف حائض و نفساء چیست، و آیا برای سعی هم مثل طواف نایب بگیرند؟

ج - اگر امکان نداشته باشد که از راه دیگری بروند باید تأخیر بیندازند، و اگر آن هم ممکن نیست نوبت به نیابت می رسد، و بر فرض مخالفت چنانچه از آن راه رفت و خودش سعی کرد سعیش صحیح است هر چند گناه کرده است.

18 س - زیادی در سعی جهلاً، آیا حکم زیادی سهوی را دارد یا عمدی را؟

ج - محل اشکال است.

19 س - کسی که نمی تواند بدون سوار شدن در چرخ های معمولی در مسعی سعی کند لکن تمکن مالی ندارد؛ چون ارز خود را صرف سوغات کرده، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر می تواند با چرخ سعی کند ولو با فروش چیزی یا قرض باید خودش سعی کند و استنباه صحیح نیست مگر آن که مشقت و حرج در کار باشد.

20 س - شخصی شوط سوم سعی را به هم زد و با فاصله اندکی هفت شوط دیگر به جا آورد، و تقصیر نمود، آیا این سعی صحیح است؟

ج - اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند.

21 س - شخصی به اعتقاد این که هر شوط سعی، رفت و برگشت از صفا به مروه است سعی را شروع می کند و در شوط سوم متوجه مسأله می شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه می دهد، آیا سعی او چه حکمی دارد؟

ج - سعی او صحیح است.

22 س - شخصی در حال سعی گاهی عقب عقب به طرف مروه و یا صفا رفته است، تکلیف او چیست؟

ج - باید آن مقدار را تدارک کند، و اگر از آن محل گذشته سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است.

23 س - سعی از طبقه دوم فعلی که بالاتر از کوه صفا و مروه می باشد، جایز است یا نه؟

ج - اشکال دارد.

24 س - شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی گاهی به عقب برمی گشته و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی می کرده، آیا سعی او صحیح است؟

ج - اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند.

25 س - شخصی سعی بین صفا و مروه را پنج دور رفت و برگشت که مجموعاً ده شوط می شود انجام داده است، و آنگاه که متوجه مسأله شد سعی را از همان جا قطع نمود و تقصیر کرد، تکلیف چیست؟

ج - در فرض سؤال احوط اعاده سعی است.

26 س - شخصی به تصور این که رفتن بالای کوه صفا یا مروه لازم است، چون این مقدار مسافت را تحت فشار جمعیت رفته لذا برای اعاده آن مقداری وارد سعی شده و

بعد به نیت سعی برگشته است و در واقع مقداری مسافت را دوبار طی کرده است، آیا سعی او درست است؟

ج - اگر به نیت احتیاط عمل کرده باشد ضرر ندارد.

27 س - شخصی به تصور این که سعی نیز نیاز به وضو دارد بعد از يك شوط و نیم سعی خود را قطع می کند و وضو می گیرد و هفت شوط دیگر سعی می نماید، تکلیف او چیست؟

ج - اشکال دارد، و باید سعی را اعاده کند.

28 س - کسی که قدر متیقن عدد اشواط را می داند، اما تردید دارد که شوط بعدی را انجام داده یا نه، مثلاً می داند پنج شوط انجام داده، ولی شك دارد که بقیه را انجام داده یا نه، تکلیف او چیست؟

ج - فرض مزبور شك در اشواط است، و مبطل است.

29 س - اگر کسی سعی را به طور کلی فراموش کرد و تقصیر نمود، تکلیف او چیست؟

ج - از احرام خارج شده، و هر وقت یادش آمد سعی را به جا آورد.

30 س - اگر کسی قبل از رسیدن به مروه، در آوردن هفت و نه شك کرد، تکلیف او چیست؟

ج - مبطل است، و باید سعی را اعاده کند.

31 س - آیا موالات در تمام اشواط سعی معتبر است، و یا اختصاص به بعضی دارد؟

ج - در سعی موالات معتبر نیست مگر شوط اول تمام نشده باشد، که در صورت فوات موالات احتیاطاً از سر بگیرد.

32 س - اگر در سعی، بعضی مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین پیدا باشد، آیا به سعی او ضرر می زند یا نه؟

ج - ضرر نمی زند.

33 س - شخصی در حال سعی در عدد اشواط شك می کند و با حال تردید به سعی خود ادامه می دهد و در فکر است که عدد را ضبط کند، پس از تأمل و بعد از آن که صد متر سعی کرده یا وارد شوط بعدی شده است یقین به عدد حاصل می شود، و با یقین، باقی سعی را هم انجام می دهد، آیا این سعی صحیح است یا نه؟

ج - صحیح است.

### مستحبات سعی

مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی به نزد چاه زمزم رفته يك یا دو دلو آب بکشد و آن را بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ» .

پس از آن به نزد حجرالأسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجرالأسود است به سوی صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن، بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالأسود در او است رو نماید و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و نعمت های الهی را به خاطر بیاورد، آنگاه این اذکار را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» سه مرتبه.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه.

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه.

پس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِمْنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ» .

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم.

پس بگوید:

«أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْأَلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَتَوْفِئِي عَلَى مِلَّتِهِ، وَأَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ» .

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس یک بار تکبیر بگوید و باز دعا را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر قدر که می تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْبَبْتَهُ قَطُّ فَإِنَّ عُدَّتْ فَعُدَّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ، اللَّهُمَّ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ ، يَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ اِرْحَمْنِي ، اللَّهُمَّ لَا تَفَعَّلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي ، أَصَبَحْتُ أَتَقِيَّ عَذْلَكَ وَلَا أَخَافُ جَوْرَكَ ، يَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ اِرْحَمْنِي» .

پس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ ، وَلَا يَنْفُدُ نَائِلُهُ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ» .

و در حدیث شریف وارد شده است هر کس که بخواهد مال او زیاد شود ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی که از صفا پایین می آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَصَيْقِهِ وَضَنْكِهِ ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ» .

پس از پله چهارم پایین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

«يَا رَبَّ الْعَفْوِ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ ، أُرْدُدُ عَلَى نِعْمَتِكَ ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ» .

و مستحب است پیاده سعی نماید و از صفا تا به مناره میانه، راه رود و از آن جا تا جایی که محل بازار عطاران است مانند شتر تند رود و اگر سوار باشد این حد را



فی الجملة تند نماید و از آن جا تا به مروه نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید، و از برای زن ها هروله نیست.

و مستحب است در هنگامی که می رسد به مناره میانه بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي، تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّعِينَ» .

و همین که از محل بازار عطاران گذشت بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنَّعْمَاءِ وَالْجُودِ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» .

و هنگامی که به مروه رسید برود بالای آن و به جا آورد آنچه را که در صفا به جا آورد و بخواند دعاهای آن جا را به ترتیبی که ذکر شد.

و پس از آن بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ، يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ» .

و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وادارد و در حال سعی دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَصِدْقَ النِّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ» .

ص: 181

اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسأله 1 - واجب است بعد از آن که سعی کرد تقصیر کند؛ یعنی قدری از ناخن ها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند، و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکند، و از موی قدری بزند، بلکه موافق احتیاط است، و تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی کند بلکه حرام است.

مسأله 2 - این عمل نیز از عبادات است و باید با نیت پاک و خالی از قصد غیر اطاعت خدا بیاورد و اگر ریا کند موجب باطل شدن عمره اش می شود مگر آن که جبران کند.

مسأله 3 - اگر تقصیر را فراموش کند تا وقتی که احرام حج را ببندد عمره اش صحیح است و مستحب است فدیة يك گوسفند، و احتیاط آن است که فدیة بدهد.

مسأله 4 - اگر عمداً تقصیر را ترك کند تا احرام بستن به حج، عمره او باطل می شود بنابر اقوا و ظاهراً حج او حج افراد شود، و احتیاط واجب آن است که پس از تمام کردن حج افراد، عمره مفرده به جا آورد و در سال بعد حج را اعاده کند.

مسأله 5 - در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست، و اگر بخواهد احتیاط کند

طواف و نماز آن را رجاء به جا آورد.

مسأله 6 - بعد از آن که شخص مُحرم تقصیر کرد حلال می شود بر او به غیر از تراشیدن سر هرچه حرام شده بود بر او به واسطه احرام حتی نزدیکی با زن.

### مسائل متفرقه و استفتائات تقصیر و احکام بین عمره و حج تمتع

مسأله 1 - در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان، کوتاه کردن است به هر وسیله ای باشد و اکتفا به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن مشکل است و احوط در تقصیر، گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است.

2 س - آیا کسی که تقصیر او محکوم به بطلان است و بعد از آن محرمات احرام را به جا آورده و جاهل به مسأله بوده کفاره دارد یا خیر؟

ج - با جهل کفاره ندارد مگر در صید به تفصیلی که در کتب ذکر شده است.

3 س - کسی که بعد از سعی در عمره تمتع تقصیر کرد، بعد به شك افتاد که آیا تقصیری که کردم صحیح است یا نه، آیا اشکال دارد یا نه؟

ج - اگر در حال عمل، عالم به مسأله و ملتفت بوده، اشکال ندارد.

4 س - یکی از خدمه کاروان ها به احرام عمره مفرده از میقات مُحرم می شود و به مکه می آید و طواف و نماز آن و سپس سعی بین صفا و مروه را به همان عنوان به جا می آورد، ولی برای تقصیر، گمان می کرد نتف - یعنی کندن مو - کافی است و چند نخ مو را به عنوان تقصیر کند و به حساب خودش از احرام خارج شد، سپس برای عمره تمتع که وظیفه اش بود به میقات رفت و مُحرم شد و به مکه آمد و کلیه اعمال، از طواف تا تقصیر را، انجام داد، آیا اعمالش چگونه است و در آینده وظیفه اش چیست؟

ج - کندن مو در تقصیر کافی نیست، و عمره تمتع او صحیح نیست مگر آن که قبل از احرام برای آن، از احرام عمره مفرده با تقصیر صحیح خارج شود.

5 س - اگر کسی تقصیر عمره مفرده را فراموش کرد، آیا می تواند در هر جایی تقصیر کند یا نه؛ زیرا به ایران بازگشته است، و آیا نیازی به طواف نساء مجدد هست؟

ج - تقصیر را در هر جا می تواند انجام دهد، ولی باید طواف نساء را اعاده کند. و اگر خودش نمی تواند برود، نایب بگیرد.

6 س - هرگاه سنی برای شیعه تقصیر نماید چه صورت دارد؟

ج - اشکال ندارد.

7 س - شخصی در حج به عوض تقصیر در عمره تمتع يك مو از بدن کنده است و الآن که متوجه شده است آیا حج او اشکال دارد یا نه؟ و در صورتی که مرتکب خلاف شده باشد تکلیف چیست؟

ج - اگر حج را انجام داده، با عمل مزبور از احرام فعلاً خارج شده است، و چنانچه حج واجب بوده احتیاط آن است که يك عمره مفرده به جا آورد، و بعداً عمره و حج تمتع را انجام دهد.

8 س - شخصی بعد از طواف و نماز طواف تقصیر کرد و سپس سعی را به جا آورد و دوباره تقصیر کرد، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر جاهل یا ساهی بوده چیزی بر او نیست.

9 س - کسانی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم می دارند، اگر بعد از سعی تقصیر نمودند، آیا موجب مُحل شدن و یا کفاره می گردد؟

ج - مُحل نمی شوند، و اگر جاهل یا ساهی بوده اند کفاره ندارد.

10 س - اگر کسی به جای تقصیر حلق نمود آیا کفایت می کند؟

ج - در عمره تمتع کفایت نمی کند.

11 س - کسی که بعد از انجام اعمال عمره در منزل تقصیر کرده است، وظیفه اش چیست؟

ج - مانع ندارد.

12 س - حضرت عالی در مسأله دوم تقصیر می فرمایید: اگر کسی تقصیر را به ریا انجام دهد، عمره اش باطل است، مقصود از بطلان عمره چیست؟ دیگر این که وظیفه او چه می شود؟

ج - مقصود این است که در تقصیر ریا کند و بدون تدارك تقصیر، برای حج مُحرم شود و حج انجام دهد، که در این صورت حکم کسی را دارد که بدون تقصیر وارد اعمال حج شده است و در هر صورت لازم است حج تمتع را سال بعد به جا آورد.

13 س - اگر کسی در اثنای سعی تقصیر نمود، وظیفه او چیست؟

ج - باید سعی را تمام کند و تقصیر را اعاده کند، بلی اگر از روی نسیان یا جهل تقصیر کرده اعاده تقصیر لازم نیست، و اگر از اول سعی قصد هفت شوط نداشته سعی اعاده دارد.

14 س - اگر کسی از روی جهل، تقصیر را ترك نمود چه حکمی دارد؟

ج - در این مسأله جهل حکم عمد را دارد.

15 س - در عمره مفرده اگر کسی تقصیر را عمداً یا از روی جهل و نسیان ترك نمود و طواف نساء را انجام داد، چه وظیفه ای دارد؟

ج - باید تقصیر نماید و طواف نساء را اعاده نماید، و فرقی بین صور عمد و سهو و علم و جهل نیست علی الاحوط.

مسأله 16 - بعد از انجام عمره تمتع و قبل از حج تمتع نباید عمره مفرده به جا آورده شود و اگر به جا آوردند صحت عمره مفرده محل اشکال است ولی برای عمره و حج تمتع اشکالی ایجاد نمی شود.

ص: 185

مسأله 17 - خدمه کاروان های حج اگر عمره مفرده به جا آورده باشند هر دفعه که از مکه خارج می شوند و به جده می روند و برمی گردند لازم نیست مُحرم شوند ولی اگر عمره تمتع به جا آورده اند بنابر احتیاط نباید از مکه خارج شوند مگر در صورت حاجت در حالی که محرمند به احرام حج.

18 س - خدمه کاروان ها که پس از انجام عمره تمتع باید به عرفات و منی بروند برای دیدن چادرها و کارهای دیگر و برگردند به مکه، وظیفه آنان چیست؟

ج - بنابر احتیاط واجب نمی توانند از مکه خارج بشوند مگر در مورد ضرورت، و در این صورت باید برای حج مُحرم شوند و بیرون بروند. بلی اگر احرام برای آنان حَرَجی باشد و رفتن به عرفات و منی بر آنان ضرورت دارد می توانند بدون احرام به آن جا بروند.

19 س - آیا بین عمره تمتع و حج تمتع ماشین کردن سر جایز است؟

ج - ماشین کردن مانع ندارد ولی نباید سر را بتراشد، و از ماشین کردنی که مثل تراشیدن است باید اجتناب شود علی الاحوط.

20 س - بین عمره تمتع و حج تمتع که جایز نیست سر بتراشد آیا سر تراشیدن کفاره دارد یا خیر؟

ج - کفاره ثابت نیست.

21 س - زنی که حیض بوده و نمی دانست و اعمال عمره را کلاً به جا آورد، بفرمایید باید دوباره به جا آورد یا کافی است؟

ج - اگر در وسعت وقت است باید طواف و نماز را اعاده کند، ولی اگر وقت ندارد در این که وظیفه مبدل شده یا نه، اشکال است و احتیاط را مراعات نماید.

22 س - همچنان که تراشیدن سر بعد از عمره تمتع و قبل از احرام حج حرام است، آیا تراشیدن صورت نیز همین حکم را داراست؟

ج - غیر از حکم تراشیدن ریش در غیر این مورد، حکم خاصی ندارد.

23 س - آیا غار حرا جزء محدودهٔ مکه است؟ و بنابراین آیا می توان قبل از وقوف به آن جا رفت و صدق خروج از مکه نمی کند؟

ج - باید از اهل محل تحقیق شود.

24 س - کسی که از کارمندان سازمان حج است و به ناچار باید بعد از عمرهٔ تمتع و قبل از حج از مکه خارج و به عرفات برود، با توجه به این که حج او نیابتی است، آیا لطمه به حج او نمی زند؟

ج - ضرر به حج و نیابت نمی زند، ولی در صورت امکان باید مُحرم شود به احرام حج و از مکه خارج شود علی الاحوط.

25 س - بعضی از حجاج منزلشان از مکه خارج است، بعد از عمرهٔ تمتع و قبل از احرام به حج تمتع، خارج شدن آنان از مکه چه حکمی دارد؟

ج - خروج از مکه بعد از عمرهٔ تمتع جایز نیست علی الاحوط، مگر در مورد ضرورت که در این صورت هم باید مُحرم شوند به احرام حج و خارج شوند.

26 س - اخیراً خط کمربندی در اطراف مکه از پای جبل النور و جبل ثور می گذرد، که غار حرا و غار ثور در این دو جبل است، بین عمره و حج، رفتن برای زیارت این دو مکان مقدس، چه صورت دارد؟

ج - حکم کلی مسأله معلوم است و در مسألهٔ قبل نیز بیان شد، و تشخیص موضوع با خود مکلف است.

27 س - خروج از مکه برای کسی که عمرهٔ تمتع انجام داده برای کار غیر ضروری جایز است یا نه، و ملاک ضرورت چیست؟

ج - بنابر احتیاط واجب جایز نیست، و ضرورت عرفی است.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - اگر شخصی که احرام عمره بسته است به واسطه عذری دیر وقت وارد مکه شد به طوری که اگر می خواست عمره به جا بیاورد وقت وقوف به عرفات می گذشت یا خوف داشت که بگذرد، باید عدول کند به حج افراد، و پس از به جا آوردن آن عمره مفرده به جا آورد و حج او صحیح و کافی از حجة الاسلام است.

مسأله 2 - اگر زنی احرام بست و وقتی به مکه وارد شد به واسطه حیض یا نفاس نتوانست طواف به جا آورد و اگر می خواست بماند تا پاك شود ترس آن داشت که وقت وقوف به عرفات بگذرد به دستوری که در مسأله (1) گفته شد باید عمل کند.

مسأله 3 - اگر بدون احرام وارد مکه شد و نبستن احرام به واسطه عذری بوده و وقت هم تنگ باشد باید در مکه احرام حج افراد ببندد و به دستور سابق عمل کند.

مسأله 4 - اگر از روی عمد و بی جهت احرام نبسته و عمره خود را باطل کرده و وقت تنگ شده از عمره تمتع، احتیاط واجب آن است که حج افراد به جا آورد و پس از آن عمره مفرده، و در سال دیگر حج را اعاده کند.

مسأله 5 - مراد از تنگی وقت در مسأله های پیش، خوف نرسیدن به وقوف اختیاری عرفه است که از ظهر نهم ماه ذی الحجه است تا غروب.

مسأله 6 - کسی که حج مستحب به جا می آورد و پس از ورود به مکه دید وقت تنگ است، عدول به افراد کند و حج افراد به جا آورد، و عمره مفرده بر او واجب نیست.



مسأله 7 - کسی که مُحرم شد به احرام تمتع از حج واجب و عمداً تأخیر انداخت تا وقت تنگ شد باید به دستوری که در مسأله (4) ذکر شد عمل نماید.

مسأله 8 - کسی که وظیفه او حج تمتع است و در وقت احرام بستن علم پیدا کند که اگر بخواهد عمره تمتع به جا آورد به وقوف عرفات نمی رسد می تواند از اول مُحرم شود به حج افراد و آن را به جا آورد. و پس از آن عمره مفرده به جا آورد و عملش صحیح است.

### استفتائات تبدل حج تمتع به افراد

1 س - کسی قصد بیرون رفتن از مکه را داشت، به همین جهت از اول در میقات به نیت عمره مفرده مُحرم و وارد مکه شد و عمره مفرده را به جا آورد، بعداً از خارج شدن از مکه منصرف شد، آیا این عمره، از عمره تمتع کفایت می کند، یا باید برگردد به میقات و برای عمره تمتع مُحرم شود؟

ج - اگر حج او استجبایی است می تواند عمره مفرده را تبدیل به عمره تمتع کند، ولی چنانچه حج واجب یا نیایی باشد جواز تبدیل، محل اشکال است.

2 س - اگر بعد از نیت عمره و احرام، مجدداً برای عمره دیگر مُحرم شود، مثلاً به نیت عمره مفرده مُحرم شده بعداً نیت عمره تمتع کند و تلبیه بگوید، آیا کدام عمره صحیح است؟

ج - اگر نیت کرده و تلبیه گفته، مُحرم شده است و تجدید احرام موضوع ندارد، و نمی تواند برای نوع دیگر عمره نیت کند و احرام دوم باطل است.

3 س - زنی که عادت ماهانه وقتیه و عددیه داشت و مثلاً روز هفتم ماه پاك می شد، همان روز هفتم پاك شد و غسل کرد و اعمال عمره اش را به جا آورد، روز بعد لك دید، باز غسل کرد و اعمال را انجام داد تا روز دهم و برای عرفات

حرکت کرد، روز یازدهم هم لك دید، آیا حجش افراد است یا تمتع؟

ج - در فرض مزبور وظیفه او تمتع است.

4 س - زنی روز هشتم خون دید، خیال کرد حیض است، احرامش را تبدیل به حج افراد کرد، بعد که به عرفات رفت متوجه شد که استحاضه است، وظیفه او چیست؟

ج - اگر وقت عمره ضیق شده و طواف را عمداً تأخیر نینداخته حج افراد را تمام کند و اگر حج واجب است سپس عمره مفرده به جا آورد.

5 س - اینجانب مدیر گروه حج می باشم، اعمال حجی که انجام می دهم مستحبی است، آیا می شود به جای حج تمتع نیت حج افراد نمود و به جای عمره تمتع، عمره مفرده انجام داد؟ و همچنین سایر خدمه، واجب الحج نیستند آیا می توانند چنین کنند؟

ج - می توانند عمره مفرده انجام دهند و برای حج مُحرم نشوند، و می توانند حج افراد به جا آورند، ولی میقات حج افراد مواقیت معروفه است.

6 س - کسی که حج افراد بر او واجب و متعین است و به قصد حج افراد در یکی از میقات ها مُحرم شده است، آیا می تواند نیت حج افراد خود را به عمره تمتع تبدیل نماید و بعد از انجام آن، حج تمتع به جا آورد، و همچنین آیا می تواند حج افراد را به عمره مفرده تبدیل نماید و بعد از انجام آن، برای عمره تمتع مُحرم شود؟

ج - نمی تواند عدول کند، و تبدیل نمی شود.

7 س - شخصی با احرام عمره تمتع وارد مکه شده و بعد از اعمال عمره برای حج افراد مُحرم شده است، آیا حج او صحیح است؟

ج - اگر از مکه خارج شده و از میقات برای حج افراد مُحرم شده بعید نیست صحت حج، ولی تمتع واقع نمی شود، و اگر از مکه مُحرم شده، در صورت اشتباه در تطبیق، حج او صحیح و تمتع است، و در غیر این صورت حج او صحیح نیست.

8 س - شخصی در حرم برای حج افراد مُحرم شده و بعضی از اعمال را انجام داده، وظیفه او چیست؟

ج - اگر از روی جهل بوده؛ چنانچه ممکن نیست که به میقات برود و از آن جا مُحرم شود و به وقوف برسد، در همان محلی که هست مُحرم شود و اعمالی که امکان تدارك آن با احرام هست تدارك کند، و چنانچه تمام اعمال را با همان احرام انجام داده

و بعد متوجه شده، حج او صحیح است.

ص: 191



## باب دوم: اعمال حج تمتع

### اشاره

و در آن چند فصل است:

ص: 193



اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسأله 1 - واجب است بر مکلف که بعد از تمام شدن اعمال عمره، احرام ببندد برای حج تمتع.

مسأله 2 - اگر نیت کند حج تمتع را و لبیک های واجب را به طوری که در احرام عمره ذکر شد بگوید مُحْرَم می شود، و لازم نیست قصد کند احرام بستن را و همچنین لازم نیست قصد کند ترك محرمات را چنان که در احرام عمره گذشت.

مسأله 3 - نیت باید خالص برای اطاعت خداوند باشد، و ریا موجب بطلان عمل است.

مسأله 4 - کیفیت احرام بستن و لبیک گفتن همان نحو است که در احرام عمره ذکر شد.

مسأله 5 - تمام چیزهایی که در محرمات احرام بیان شد در این احرام هم حرام است، و آنچه کفاره داشت کفاره دارد به همان ترتیب.

مسأله 6 - وقت احرام موسع است، و تا وقتی که بتواند بعد از احرام به

وقوف اختیاری عرفه برسد می تواند تأخیر بیندازد و از آن وقت نمی تواند عقب بیندازد.

مسأله 7 - احتیاط واجب آن است که کسی که از عمره تمتع فارغ شد و محل گردید از مکه خارج نشود بدون حاجت، و اگر حاجتی برای بیرون رفتن پیش آمد احتیاط واجب آن است که مُحرم شود به احرام حج و بیرون رود و به همان احرام برای اعمال حج برگردد.

مسأله 8 - اگر بدون حاجت و بدون احرام بیرون رفت از مکه لکن برگشت و احرام بست و حج به جا آورد عملش صحیح است.

مسأله 9 - مستحب است احرام بستن در روز ترویبه بلکه احوط است.

مسأله 10 - محل احرام حج، شهر مکه است هر موضع که باشد گرچه در محله های تازه ساز، ولی مستحب است در مقام ابراهیم علیه السلام یا حجر اسماعیل علیه السلام واقع شود.

مسأله 11 - اگر فراموش کند احرام بستن را و بیرون رود به منی و عرفات، واجب است برگردد به مکه و احرام ببندد، و اگر ممکن نشد به واسطه تنگی وقت یا عذر دیگر از همان جا که هست مُحرم شود.

مسأله 12 - اگر یادش نیاید که احرام نبسته مگر بعد از تمامی اعمال، حجتش صحیح است ظاهراً و احتیاط مستحب آن است که اگر یادش آمد بعد از وقوف به عرفات و مشعر یا قبل از فارغ شدن از اعمال، تمام کند حج را و در سال بعد اعاده کند.

مسأله 13 - جاهل به مسأله اگر احرام نبندد در حکم کسی است که به واسطه فراموشی احرام نبسته.

مسأله 14 - اگر کسی از روی علم و عمد ترك کند احرام را تا زمان فوت وقوف به عرفه و مشعر، حج او باطل است.



1 س - فاصله بعضی از محلات جدید الاحداث مکه تا مسجد الحرام بیش از 18 کیلومتر است و شاید عرفاً از توابع مکه حساب شوند نه این که جزو مکه باشند، چرا که تابلوهای راهنمایی با فلش جهت مکه را مشخص نموده اند، با این کیفیت آیا می توان برای حج در محلات فوق الذکر مُحرم شد؟

ج - اگر از محلات مکه است مانع ندارد، و اگر از محلات آن نیست یا مورد شك است، کفایت نمی کند.

2 س - اشخاص معذوری که می توانند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدانند اگر جهلاً بدون احرام اعمال مکه را قبل از وقوفین انجام دادند چه صورتی دارد؟

ج - کفایت نمی کند و باید یا قبل از وقوفین آنها را با احرام اعاده کنند یا بعد از وقوفین و اعمال، آنها را به جا آورند.

3 س - حاجی در عرفات یا منی فهمید که در احرام حج تلبیه نگفته است آیا در لحظه التفات، تلبیه کافی است و تکلیف او چیست؟

ج - اگر می تواند به مکه برود و مُحرم شود و بقیه اعمال را که باید با احرام انجام دهد به جا آورد، باید چنین کند، و اگر ممکن نیست همان جا لبیک بگوید، و اگر بعد از تقصیر یا حلق متذکر شده، عملش صحیح است و لازم نیست لبیک بگوید.

4 س - شهر مکه را چند رشته کوه های طولانی و مرتفع فرا گرفته و هر دو جانب کوه ساختمان شده است، گاهی چند کیلومتر باید از این جانب کوه رفت تا به جانب دیگر رسید، و ساکنین احد الجانبین جدای از جانب دیگرند، مثل شعب بنی عامر که نزدیک مسجد الحرام است و عزیزیه که 9 کیلومتر یا بیشتر در جانب دیگر است، و به

حسب مسامحه عرفی به همه این قطعات مکه گفته می شود، آیا احرام حج تمتع از تمام این نقاط و نقاط مشابه صحیح است یا نه؟

ج - اگر در مکه است، احرام حج از آن جا صحیح است، هر چند از ساختمان های جدید الاحداث باشد.

### مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات

اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حج نیز مستحب است و پس از این که شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید، و چون متوجه منی شود بگوید:

«اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي» .

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَبَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ» .

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِنَّمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ» .

و مستحب است شب عرفه را در منی بوده و به اطاعت الهی مشغول باشد، و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد، و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود، و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسَّر رد نشود و روانه شدن پیش از صبح مکروه است و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَدَمْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي ، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي» .

ص: 198

### اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسأله 1 - واجب است وقوف به عرفات - که محلی است معروف، و محدود است به حدود معروفه - به قصد قربت و خالص مثل سایر عبادات.

مسأله 2 - مراد از وقوف، بودن در آن مکان است چه سواره و چه پیاده، یا نشسته یا خوابیده یا در حال راه رفتن، به هر حال که باشد کافی است.

مسأله 3 - اگر در تمام وقت بیهوش باشد یا خواب، وقوف او باطل است.

مسأله 4 - به احتیاط واجب لازم است در عرفات باشد از بعد از زوال روز نهم تا غروب شرعی که وقت نماز مغرب است، پس جایز نیست تأخیر بیندازد و در وقت عصر بیاید و توقف کند.

مسأله 5 - تأخیر انداختن از اول ظهر اگر کم باشد مثلاً به مقدار نماز ظهر و عصر که جمع بین آنها کند، معلوم نیست حرام باشد، ولی احتیاط آن است که تأخیر نیندازد.

مسأله 6 - بودن در مجموع بعد از ظهر تا مغرب گرچه واجب است چنانچه گذشت لکن تمام آن رکن نیست که حج به ترك آن باطل شود، پس اگر مقدار کمی

توقف کند و برود یا طرف عصر بیاید و توقف کند حج او صحیح است اگرچه توقف نکردن از روی عمد و علم باشد.

مسأله 7 - آنچه در وقوف رکن است مسمای وقوف است؛ به این معنی که گفته شود قدری در عرفات بوده، هرچند خیلی کم باشد مثل يك دقیقه یا دو دقیقه، پس اگر هیچ به عرفات نرود رکن را ترك کرده.

مسأله 8 - اگر از روی عمد و علم، وقوف رکنی را ترك کند - یعنی در هیچ جزء از بعد از ظهر تا مغرب در عرفات نباشد - حش باطل است، و کفایت نمی کند برای او وقوف در شب عید که وقوف اضطراری است.

مسأله 9 - اگر کسی عمداً پیش از غروب شرعی از عرفات کوچ کند و از حدود عرفات بیرون رود و پس از آن نادم شود و برگردد و تا غروب توقف کند چیزی بر او نیست بنابر اقواء، لکن احتیاط در کفاره است به يك شتر، و همچنین اگر بدون آن که پشیمان شود از کار خود، برای حاجتی برگردد لکن بعد از رسیدن با قصد قربت توقف کند چیزی بر او نیست.

مسأله 10 - اگر در فرض سابق مراجعت نکرد کفاره آن يك شتر است که باید در راه خدا قربانی کند هر جا بخواهد، و احتیاط مستحب آن است که در مکه قربانی کند، و اگر متمکن از قربانی نباشد هیجده روز روزه بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که پشت سر هم روزه بگیرد.

مسأله 11 - اگر سهواً کوچ کرد و بیرون رفت؛ پس اگر یادش آمد باید مراجعت کند، و اگر مراجعت نکرد گناهکار است، لکن کفاره ندارد بنابر اقواء گرچه احوط است، و اگر یادش نیامد چیزی بر او نیست.

مسأله 12 - اگر کسی از روی ندانستن مسأله، آنچه ذکر شد بکند حکم او حکم کسی است که سهواً کرده است.

مسأله 13 - اگر کسی به واسطه عذری مثل فراموشی و تنگی وقت و مثل آن، از ظهر نهم تا غروب شرعی در عرفات نباشد و هیچ جزئی از زمان را درك نکند کافی است که مقداری از شب عید را هر چند اندك باشد در عرفات باشد، و این زمان را وقت اضطراری عرفه می گویند.

مسأله 14 - اگر کسی که به واسطه عذر، روز نهم را وقوف نکرده و شب دهم را عمداً و بی عذر در عرفات وقوف نکند ظاهراً حج او باطل می شود اگرچه درك کند وقوف به مشعر را.

مسأله 15 - اگر کسی به واسطه فراموشی یا غفلت یا عذر دیگر ترك کند وقوف به عرفات را در روز نهم که وقت اختیاری است و در شب دهم که وقت اضطراری است، کفایت می کند در صحیح بودن حج او که وقوف اختیاری مشعر را درك کند چنانچه خواهد آمد.

### استفتائات وقوف به عرفات

1 س - حدودی که برای عرفات و مُردَلَفَه و منی مشخص شده است جهت انجام مناسك اعتبار دارد یا نه؟

ج - چنانچه مورد اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد معتبر است.

2 س - کراهت صعود به جبل الرحمه، آیا قبل از نیت وقوف به عرفات است یا بعد از آن؟

ج - در وقت وقوف کراهت دارد که از جبل بالا رود.

3 س - شخصی وقوف اختیاری عرفات را درك کرده و قبل از رفتن به مشعر، مُعْمی علیه شده است. بفرمایید اگر به همین حال تا آخر اعمال باقی باشد، وظیفه اش چیست؟ و اگر بعد از اغما او را به ایران آورده باشند چه حکمی دارد، و نیز اگر بعد از

ایام تشریق در ماه ذیحجه به هوش بیاید، در مکه باشد یا در ایران، چه باید کرد؟

ج - با فرض این که عذر او فقط اغما است، پس از به هوش آمدن اگر ممکن است اعمال حج را تمام کند، و در هر صورت سال بعد حج را اعاده کند، و برای احراز خروج از احرام بعد از اتمام حج، عمره مفرده ای اتیان نماید.

4 س - زنی که عادت ماهانه اش مثلاً شش روز بوده است، در حال عادت زنانه برای عمره تمتع مُحرم می شود، و در روز هشتم ذیحجه که روز ششم عادت اوست پاك می گردد و غسل می کند و اعمال عمره تمتع را انجام می دهد و برای حج تمتع مُحرم می شود، ولی ظهر روز نهم در عرفه لك می بیند و نمی داند که آیا ادامه دارد تا پس از ده روز، تا استحاضه حساب شود و اعمال قبلی او صحیح باشد، یا قبل از تمام شدن ده روز از اول عادت، قطع می شود تا حکم حیض را داشته باشد، وظیفه او چیست؟ و در همین فرض اگر در مشعر لك دید چه کند؟

ج - عمل به احتیاط کند، و راه احتیاط انجام اعمال بدون قصد تمتع و افراد بلکه به قصد ما فی الذمه، با قربانی در منی و اتیان عمره مفرده بعد از آن است، و چنانچه قصد تمتع کرده و بعد از انجام بعض اعمال حج کشف خلاف شده، اکتفا به این حج نکند.

5 س - در فرض مسأله فوق اگر در عرفات یا مشعر لك دید و همان وقت یقین پیدا کرد که خون حیض است و قبلاً پاك نبوده، باید چه کند با توجه به این که وقت وقوفین اختیاری و یا اضطراری آن باقی است ولی وقت برگشتن به مکه و انجام اعمال عمره تمتع را ندارد؟

ج - مورد عدول به افراد است.

6 س - وقوف اضطراری عرفه آیا از اول شب تا طلوع فجر است، یا طلوع آفتاب؟

ج - وقوف اضطراری عرفه در شب عید است، و شب تا طلوع فجر است.

در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

- 1- با طهارت بودن در حال وقوف.
  - 2- غسل نمودن، و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.
  - 3- آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آن که قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.
  - 4- نسبت به قافله ای که از مکه می آید وقوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.
  - 5- وقوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد، و بالا رفتن کوه مکروه است.
  - 6- در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به يك اذان و دو اقامه به جا آورد.
  - 7- قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را به جا آورد، پس از آن صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند:  

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَمَةِ الْجَنِّ وَالْأَعْسِ ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي وَلَا تَخْدَعْ عَنِّي وَلَا تَسُدِّ تَدْرِجِي يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا» .
- و به جای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد، پس دست به آسمان بردارد و بگوید:
- «اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أُعْطِيتُهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي ، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ ، وَمَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ ، وَأَجَلِي

بِعِلْمِكَ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي ، وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِدَ كَيْبِ النَّبِيِّ أَرِيَّتَهَا خَلِيلَكَ إِبرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ، وَدَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَأَطْلَتْ عُمُرُهُ وَأَحْيَيْتُهُ بَعْدَ الْمَوْتِ» .

8 - این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ ، وَخَيْرًا مِمَّا تَقُولُ ، وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ ، اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ تُرَاتِي (براءتي خ . ل) وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ ، وَمِنْ وَسَاوِسِ الصُّدُورِ ، وَمِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَّاحِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ بِهِ الرِّيَّاحُ ، وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا ، وَفِي سَمْعِي وَبَصَرِي نُورًا ، وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرْوِي وَمَقْعَدِي وَمَقَامِي وَمَدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا ، وَأَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ الْقَاكِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» .

و در این روز تا می تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

9- آن که کعبه را استقبال نموده و این اذکار را بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه، «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه، «مَا سَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» صد مرتبه، «أَسْتَهِدُّ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» صد مرتبه.

پس، از اول سوره «بقره» ده آیه بخواند، پس سوره «توحید» سه مرتبه، و «آیه الكرسي» را بخواند تا آخر، پس این آیات را بخواند:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ

ص: 204



وَالَا مُرُّ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ \* ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ \* وَلَا تَقْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ).

پس سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را بخواند.

پس آنچه از نعم الهی به یاد داشته باشد یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید، و همچنین بر اهل و مال و سایر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده حمد بنماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ» .

و به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده است خدا را حمد نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید و بر محمد و آل محمد علیهم الصلاة والسلام زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسمای الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند، و به اسمای الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

«اللَّهُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ» .

و این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَبُّهُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَبِجَمْعِكَ وَبِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا، وَبِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ، أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ» .

ص: 205

و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که توفیق حج بیابی در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگو:

«أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» .

پس بخوان این دعا را:

«اللَّهُمَّ فَكِّنِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْأَعْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ» .

10- آن که نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشَدُّتِ الْأُمُورِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَأَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، وَأَمْسَى ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ، وَأَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَأَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ، وَالْبَسَنِي عَافِيَتِكَ، وَأَصْرَفَ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ» .

و بدان که ادعیه وارد در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است، و بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سید الشهداء علیه السلام و دعای حضرت زین العابدین سلام الله علیه را که در صحیفه کامله است خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ أَيْدِي مَا أَبْقَيْتَنِي، وَأَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسَدِّدًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحِجَاكِ بَيْنَكَ الْحَرَامِ، وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبِرَّةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِيَّ» .

و بسیار بگوید: «اللَّهُمَّ اعْتَقِنِي مِنَ النَّارِ» .

اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسأله 1 - بعد از آن که از وقوف به عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد، باید کوچ کند به مشعر الحرام که محل معروفی است و حدود معینی دارد.

مسأله 2 - احتیاط واجب آن است که شب دهم را تا طلوع صبح در مشعر الحرام به سر ببرد و نیت کند اطاعت خدا را در این به سر بردن شب.

مسأله 3 - چون صبح طلوع کرد نیت وقوف به مشعر الحرام کند تا طلوع آفتاب، و چون این وقوف، عبادت خداوند است باید با نیت خالص از ریا و خودنمایی وقوف کند، و الاً حج او در صورت ریا کردن با عمد و علم باطل خواهد شد.

مسأله 4 - اقوا جواز کوچ کردن بلکه استحباب آن است کمی قبل از طلوع آفتاب بنحوی که قبل از طلوع آفتاب از وادی «مُحَسَّر» تجاوز نکند و اگر تجاوز کرد گناهکار است ولی کفاره بر او نیست، و احتیاط آن است که وقتی حرکت کند که قبل از طلوع آفتاب وارد وادی مُحَسَّر نشود.

مسأله 5 - واجب است از طلوع صبح تا کمی قبل از طلوع آفتاب (به طوری که در

مسأله پیش گفته شد) در مشعر بمانند، لکن تمام آن رکن نیست بلکه رکن وقوف کمی از بین الطلوعین است اگرچه به قدر يك دقیقه باشد، پس اگر کسی وقوف بین الطلوعین را یکسره ترك کند به تفصیلی که می آید حج او باطل خواهد شد.

مسأله 6 - جایز است برای کسانی که عذری دارند قدری که شب در مشعر توقف کردند کوچ کنند به منی مثل زن ها و بچه ها و بیماران و پیرمردان و اشخاص ضعیف و اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه باشند، و احتیاط واجب آن است که پیش از نصف شب حرکت نکنند، بنابراین برای این اشخاص وقوف بین الطلوعین لازم نیست، و احتیاط مستحب آن است که اگر توقف مشکل نباشد تخلف نکنند.

مسأله 7 - کسی که شب یا بعضی آن را در مشعر بوده است اگر قبل از طلوع صبح عمداً و بدون عذر از مشعر بیرون رود و تا طلوع آفتاب برنگردد در صورتی که وقوف عرفه از او فوت نشده است بنابر مشهور حج او صحیح است، و باید يك گوسفند کفاره بدهد، لکن احتیاط بر خلاف آن است؛ یعنی بعد از اتمام حج لازم است در سال دیگر حجش را اعاده کند، و این احتیاط ترك نشود.

مسأله 8 - کسی که درك نکند وقوف بین الطلوعین را یا وقوف شب را در صورتی که صاحب عذر باشد اگر مقداری از طلوع آفتاب تا ظهر در مشعر توقف کند اگرچه کم باشد حج او صحیح است.

مسأله 9 - از آنچه گذشت معلوم شد که برای وقوف به مشعر سه وقت است:

اول - شب عید برای کسانی که عذری دارند.

دوم - بین طلوع صبح و طلوع آفتاب.

سوم - از طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم که اضطراری مشعر است، چنانچه قسم اول نیز اضطراری است.

مسأله 10 - چون معلوم شد که وقوف به عرفات و مشعر، اختیاری و اضطراری

دارند و از برای وقوف به مشعر دو قسم اضطراری است، پس به ملاحظه ادراك هر دو موقف یا یکی از آنها در وقت اختیاری یا اضطراری مفرداً و مرکباً و به ملاحظه ترك عمدی یا جهلی یا نسیانی اقسام زیادی دارد که در این جا آنچه مورد ابتلا ممکن است بشود ذکر می شود:

اول - آن که مکلف، درك هر دو موقف کند در وقت اختیاری؛ یعنی از ظهر روز عرفه، عرفات را و بین الطلوعین صبح دهم، مشعر را درك کند، پس اشکالی در صحت حج او نیست.

دوم - آن که هیچ يك از دو موقف را درك نکند نه اختیاری آنها را و نه اضطراری را، پس اشکالی نیست در بطلان حج او، و باید به همان احرام حج عمره مفرده که عبارت است از طواف و نماز آن و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن به جا آورد و از احرام محل شود، و اگر گوسفند همراه داشته باشد احتیاطاً ذبح کند، و باید سال دیگر، حج به جا آورد اگر شرایط استطاعت را دارا باشد، در صورتی که درك نکردن موقف به واسطه عذر باشد.

مسأله 1 - اگر درك نکردن دو موقف که ذکر شد از روی تقصیر بوده حج بر او مستقر می شود و باید سال دیگر چه شرایط باشد یا نباشد به حج برود.

مسأله 2 - احتیاط مستحب آن است که این شخص که حج او باطل شد و باید عمره به جا آورد نیت عدول به عمره مفرده بکند.

سوم - آن که درك کند اختیاری عرفه را با اضطراری مشعر در روز؛ یعنی اضطراری نهاری مشعر را، پس اگر اختیاری مشعر را عمدتاً ترك کرده باشد حج او باطل است و الاً صحیح است.

چهارم - آن که درك کرده باشد اختیاری مشعر را با اضطراری عرفه، پس اگر اختیاری عرفه را عمدتاً ترك کرده حج او باطل است و الاً صحیح است.

پنجم - آن که درك کرده باشد اختیاری عرفه را با اضطراری شب مشعر؛ یعنی قبل از طلوع صبح، پس اگر اختیاری مشعر را با عذر ترك کرده است چنانچه گفته شد حج او صحیح است، و الاً باطل است بنابر احتیاط واجب.

ششم - آن که درك کرده باشد اضطراری لیلی مشعر و اضطراری عرفه را، پس اگر صاحب عذر باشد و اختیاری عرفه را عمداً ترك نکرده باشد ظاهراً حج او صحیح است، و غیر صاحب عذر اگر اختیاری یکی را عمداً ترك کرده باشد حجش باطل است بنابر اقوا در یکی، و بنابر احتیاط در دیگری که اختیاری مشعر باشد. و اگر به غیر عمد باشد احتیاط واجب در بطلان است.

هفتم - آن که درك کرده باشد اضطراری عرفه و اضطراری یومی مشعر را، پس اگر ترك یکی از دو اختیاری را عمداً کرده باشد حج او باطل و الاً صحت بعید نیست گرچه احتیاط اعاده است در سال بعد با حاصل بودن شرایط وجوب.

هشتم - آن که درك کند اختیاری عرفه را فقط، احتیاط واجب در این صورت اتمام و اعاده است اگر اختیاری مشعر را عمداً ترك نکرده باشد، و الاً حج او باطل است.

نهم - آن که درك کند اضطراری عرفه را فقط، در این صورت حج او باطل است.

دهم - آن که درك کند اختیاری مشعر را، در این صورت حج او صحیح است اگر وقوف عرفه را عمداً ترك نکرده باشد، و الاً حج او باطل است.

یازدهم - آن که درك کند اضطراری روز مشعر را فقط، در این صورت حج او باطل است.

دوازدهم - آن که درك کند اضطراری لیلی مشعر را فقط، در این صورت اگر وقوف عرفات را عمداً ترك نکرده باشد و از صاحبان عذر باشد ظاهراً حج او صحیح است و الاً باطل است.

1 س - عده ای در شب دهم ذیحجه عازم مشعر بودند، از افرادی که آن جا بودند سؤال نمودند مشعر کجا است؟ جواب دادند این جا است، اطمینان پیدا کردند که مشعر است، نیت بیتوته و قصد وقوف کردند، بعد که وقت اضطراری مشعر هم گذشته بود معلوم شد مشعر نبوده، آیا نسبت به باقی اعمال حج و سال آینده وظیفه چیست؟

ج - احتیاطاً این حج را اتمام کنند. و بعد از آن، اعمال عمره مفرده انجام دهند، و در صورت استقرار حج یا بقای استطاعت، سال بعد، حج را اعاده کنند.

2 س - اگر به گفته مدیر گروه که می گوید درك وقوف اختیاری مشعر برای او مشکل است و نمی تواند آن را درك نماید، اعتماد کند و وقوف اختیاری را ترك نماید آیا اشکالی ندارد؟

ج - اگر برای خود شخص عذر حاصل شده، کفایت می کند.

3 س - خدمه ای که با زن ها قبل از طلوع فجر به منی می روند، ولی خود را قبل از طلوع آفتاب به مشعر می رسانند و وقوف رکنی مشعر را درك می کنند، آیا نیابت آنان صحیح است یا نه؟

ج - اگر از ذوی الاعذار نبوده اند که نیابت آنها صحیح است در فرض مرقوم حجشان نیابتاً صحیح است هر چند مرتکب حرام شده اند.

4 س - کسی که نمی دانسته وقوف اختیاری مشعر بین طلوعین است، پس از آن وقوف اضطراری را درك کرده، وظیفه او چیست؟

ج - اگر جهل او قصوری و عذری باشد نه تقصیری، و ترك وقوف اختیاری از روی عذر شده باشد، مانع ندارد.

5 س - شخصی وقوف عرفات و مقداری از وقوف لیلی مشعر را درك کرده و عمداً قبل از طلوع فجر رفته است به منی، برای بردن اثاث و کار دیگری، و قصد داشته است که مجدداً به مشعر برگردد ولی در منی خوابش برده، وظیفه چنین حاجی ای چیست؟

ج - با فرض این که ترك اختیاری مشعر عمدی نبوده، در فرض مرقوم، اضطراری کافی است، ولی اگر شب، نیت وقوف نداشته باید اضطراری روز را درك کند. ولی اگر نایب است کافی نیست.

### مستحبات وقوف به مشعر الحرام

بدان که مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مشعر الحرام متوجه شده و استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تلّ سرخ رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ اَرْحَمْ تَوْفُقِي ، وَزِدْهُ فِي عَمَلِي ، وَسَلِّمْ لِي دِينِي ، وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي» .

و در راه رفتن میانه روی نماید و کسی را آزار ندهد، و مستحب است نماز شام و خفتن را تا مُزْدَلْفَه به تأخیر اندازد اگرچه ثلث شب نیز بگذرد، و میان هر دو نماز به يك اذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد، و در صورتی که از رسیدن به مُزْدَلْفَه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد و در میان راه بخواند، و مستحب است که در وسط وادی از طرف راست راه نزول نماید، و اگر حاجی ضروره باشد مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد به عبادت و اطاعت الهی به سر برد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هِدْهُ جَمْعٌ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْ نَبِيَّ مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي ، وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا ، وَأَنْ تَقِيَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ» .



و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را به جا آورد، و به هر مقداری که میسور باشد از نِعَم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، آنگاه دعا نماید و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَسْخَرِ الْحَرَامِ، فَامَكَ رَبِّي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسَعِ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْأَنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ، وَخَيْرٌ مَدْعُوٌّ وَخَيْرٌ مَسْئُولٌ، وَلِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَتَقْبَلَ مَعْدِرَتِي، وَأَنْ تُجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي» .

و مستحب است سنگ ریزه هایی را که در منی رمی خواهد نمود از مُزْدَلْفَه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است و مستحب است وقتی که از مُزْدَلْفَه به سوی منی رفته و به وادی مُحَسَّر رسید به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَأَجِبْ دَعْوَتِي، وَاخْلُفْنِي فِيْمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي» .

اشاره

و آن سه امر است:

اول: رمی جمره عقبه

اشاره

یعنی ریگ انداختن به جمره که نام محلی است در منی.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - شرط است در سنگی که می خواهد بیندازد به آن «حصی» یعنی ریگ گفته شود، پس اگر آن قدر ریز باشد که ریگ به آن گفته نشود - مثل شن - کافی نیست، و اگر خیلی بزرگ باشد نیز کافی نیست، چنانچه به غیر ریگ مثل کلوخ و خزف و اقسام جواهرات نیز جایز نیست، و اما اقسام سنگ ها حتی سنگ مرمر مانع ندارد.

مسأله 2 - شرط است که سنگ ها از حرم باشد، و سنگ خارج حرم کافی نیست، و در حرم از هر موضعی که مباح باشد می تواند بردارد مگر مسجد الحرام و مسجد خیف بلکه سایر مساجد بنا بر احوط و مستحب است از مشعر بردارد.

مسأله 3 - شرط است که سنگ ها بکر باشند؛ یعنی آنها را [خودش یا] کس دیگری به وجه صحیح نینداخته باشد اگرچه در سال های قبل.

مسأله 4 - شرط است که مباح باشد، پس با سنگ غصبی یا آنچه که دیگری برای خودش حیازت کرده کافی نیست.

مسأله 5 - وقت انداختن سنگ از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آن و اگر فراموش کرد تا روز سیزدهم می تواند به جا آورد، و اگر تا آن وقت متذکر نشد احتیاطاً در سال دیگر خودش یا نایش بیندازد.

مسأله 6 - واجب است در انداختن سنگ ها چند امر:

اول - نیت، با قصد خالص بدون ریا و نمایش دادن عمل به غیر که موجب بطلان می شود.

دوم - آن که آنها را بیندازد، پس اگر برود نزدیک و با دست بگذارد به جمره، کافی نیست.

سوم - آن که به انداختن، به جمره برسد. پس اگر سنگ را انداخت و سنگ دیگران به آن خورد و به واسطه آن یا کمک آن به جمره رسید کافی نیست، لکن اگر سنگ به جایی بخورد و کمانه کند و به جمره برسد کافی است ظاهراً.

چهارم - عدد سنگ ریزه ها باید هفت باشد.

پنجم - باید به تدریج یکی یکی عقب هم بیندازد و در این صورت اگر با هم به جمره بخورد مانع ندارد ولی اگر همه را یا چند عدد را با هم بیندازد کافی نیست اگر چه با هم به جمره نرسد و دنبال هم برسد.

مسأله 1 - اگر شك کند که سنگ را دیگری استعمال کرده یا نه جایز است به آن بیندازد.

مسأله 2 - اگر سنگی را که در حرم است احتمال بدهد از خارج آورده اند اعتنا نکند.

مسأله 3 - اگر شك کند به سنگی که می خواهد بیندازد «حصی» - یعنی ریگ - گفته می شود باید به آن اکتفا نکند.

مسأله 4 - اگر شك كند در عدد انداختن در وقتی که مشغول عمل است باید چندان بیندازد تا علم به عدد پیدا کند، و همچنین اگر شك كند که سنگی که انداخت خورد به جمره یا نه باید بیندازد تا علم به رسیدن پیدا کند.

مسأله 5 - اگر سنگی را که انداخت به جمره نرسید باید دو مرتبه بیندازد اگر چه در وقت رمی گمانش آن بود که رسیده است، پس اگر پهلوی جمره چیزهای دیگری نصب شده و اشتباهاً به آنها رمی کرده کافی نیست، و باید اعاده کند اگر چه در سال دیگر به وسیله نایبش.

مسأله 6 - اگر چند سنگ را با هم بیندازد مانع ندارد لکن یکی حساب می شود، چه یکی از آنها به محل بخورد یا همه.

مسأله 7 - جایز است سواره و پیاده سنگ بیندازد.

مسأله 8 - باید سنگ را با دست بیندازد، اگر با پا یا دهان بیندازد کافی نیست، ولی بعید نیست با «فلاخن» کافی باشد.

مسأله 9 - اگر بعد از آن که سنگ را انداخت و از محل منصرف شد شك كند در عدد سنگ ها، اگر شك در تقیصه كند احتیاط آن است که برگردد و تقیصه را تمام کند، و در شك در زیاده اعتنا نکند.

مسأله 10 - اگر بعد از ذبح یا سر تراشیدن شك كند در انداختن سنگ یا در عدد آن اعتنا نکند.

مسأله 11 - اگر بعد از فارغ شدن شك كند در این که درست انداخته یا نه، بنابر صحت بگذارد، بلی اگر در رسیدن سنگ آخری به محل شك كند باید اعاده کند، ولی اگر رسیدن را دانست و احتمال داد که با پا انداخته باشد یا سنگ مستعمل انداخته باشد اعتنا نکند.

مسأله 12 - ظن به رسیدن سنگ و عدد آن اعتبار ندارد.

مسأله 13 - در انداختن سنگ ها شرط نیست طهارت از حدث یا خبث و در خود سنگ ها نیز طهارت شرط نیست.

مسأله 14 - از بچه ها و مریض ها و کسانی که نمی توانند به واسطه عذری - مثل اغما - خودشان رمی کنند، کسی دیگر نیابت کند.

مسأله 15 - مستحب است بلکه موافق احتیاط است که اگر بشود مریض را حمل کنند و ببرند نزد جمره و در حضور او سنگ بیندازند.

مسأله 16 - اگر مریض خوب شد و بیهوش به هوش آمد بعد از آن که نایب سنگ ها را انداخت لازم نیست خودش اعاده کند، و اگر در بین سنگ انداختن خوب شد یا به هوش آمد باید خودش از سر، سنگ بیندازد، و کفایت کردن به مقداری که نایب عمل کرده مشکل است.

مسأله 17 - کسانی که عذر دارند از این که روز رمی کنند می توانند شب عمل کنند، هر وقت شب که باشد.

### مستحبات رمی جمرات

در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

1- با طهارت بودن در حال رمی.

2- هنگامی که سنگ ها را در دست گرفته و آماده رمی است این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِيْنَنِّي لِي وَارْفَعْنَنِّي فِي عَمَلِي» .

3- با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید.

4- هر سنگی را که می اندازد این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا» .

5 - میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره

أولى ووسطی کناره جمره بایستد.

6 - جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی نماید.

7 - سنگ ریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.

8 - پس از برگشتن به جای خود در منی این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَعِنَّمَا الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ» .

### دوم از واجبات منی: ذبح

#### اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسأله 1 - واجب است بر کسی که حج تمتع به جا می آورد ذبح يك هدی؛ یعنی يك شتر یا يك گاو یا يك گوسفند، و شتر افضل است و پس از آن گاو بهتر است.

مسأله 2 - کفایت نمی کند برای چند نفر به شرکت، يك هدی در حال اختیار، بلکه در حال ضرورت نیز محل اشکال است، و احتیاط واجب جمع بین شرکت در ذبح و روزه است که ذکر می شود.

مسأله 3 - سایر حیوانات غیر از سه حیوان مذکور کافی نیست.

مسأله 4 - در هدی چند چیز معتبر است و باید مراعات شود:

اول - آن که اگر شتر باشد سن آن کمتر از پنج سال نباشد و داخل در شش سال شده باشد، و اگر گاو است بنا بر احتیاط واجب کمتر از دو سال نباشد و داخل در سه سال شده باشد، و همچنین در بز کمتر از سن گاو نباشد، و در میش به احتیاط واجب کمتر از يك سال نباشد و داخل در سال دوم شده باشد.

دوم - باید صحیح باشد، پس حیوان مریض کافی نیست حتی مثل کچلی بنا بر احتیاط.

سوم - باید خیلی پیر نباشد.

چهارم - باید تامّ الاجزاء باشد، و ناقص کافی نیست. پس اگر واضح باشد کوری یا لنگی آن بنا بر اقوا کافی نیست، و اگر واضح نباشد به احتیاط واجب کافی نیست، و احتیاط واجب آن است که چشمش سفید نشده باشد و باید گوش بریده و دم بریده و شاخ داخل آن شکسته یا بریده نباشد.

پنجم - باید لاغر نباشد، و اگر در گردۀ او پیه باشد کافی است، و احتیاط آن است که آن را در عرف لاغر نگویند.

ششم - باید خصی نباشد؛ یعنی باید خصیتین آن را بیرون نیاورده باشند.

هفتم - باید بیضه او را نکوبیده باشند به احتیاط واجب.

هشتم - باید در اصل خلقت بی دم نباشد به احتیاط واجب، و اگر گوش یا شاخ در خلقت اصلی نداشته باشد بعید نیست کفایت، اگر چه خلاف احتیاط است.

نهم - در اصل خلقت بی بیضه نباشد.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - اگر غیر از خصی یافت نشود بعید نیست کفایت ذبح خصی، گرچه احتیاط در جمع بین آن و سالم است در ماه ذی الحجۀ همان سال، و اگر نشد سال دیگر، یا جمع بین ناقص و روزه.

مسأله 2 - گاومیش در ذبح واجب، کافی است لکن گفته اند کراهت دارد.

مسأله 3 - اگر حیوان، شاخ خارجش شکسته یا بریده باشد اشکال ندارد، و شاخ خارج، شاخ سیاهی است که به منزله غلاف است از برای شاخ داخل که آن شاخ سفید است.

مسأله 4 - شکاف داشتن گوش و سوراخ بودن آن مانع ندارد، و احتیاط آن است که چنین نباشد.

مسأله 5 - باید ذبح را بعد از رمی جمره عقبه بکند به احتیاط واجب.

مسأله 6 - يك گوسفند، کمتر چیزی است که کافی است برای ذبح، لکن هرچه بیشتر ذبح کند افضل است، و در روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم صد شتر همراه آوردند، سی و چهار تای آنها را برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نحر کردند و شصت و شش تای آنها را برای خودشان.

مسأله 7 - اگر هدی یافت نشود قیمت آن را پیش شخص امینی بگذارد که در بقیه ذی الحجّه بگیرد و در منی ذبح کند، و اگر در این سال ممکن نشود بعد این کار را بکند.

مسأله 8 - اگر هدی ناقص یافت شود (از غیر جهت خصی بودن که گذشت) احتیاط واجب آن است که آن را ذبح کند و يك هدی تام هم در بقیه ذی الحجّه، و اگر نشد در سال آینده ذبح کند، و احتیاط بهتر آن است که جمع کند بین هدی ناقص و هدی تام به طوری که گفته شد و روزه به نحوی که ذکر شد.

مسأله 9 - احتیاط واجب آن است که ذبح هدی را از روز عید تأخیر نیندازد.

مسأله 10 - اگر به واسطه عذری مثل فراموشی یا غیر آن ذبح را در روز عید نکرد احتیاط واجب آن است که در ایام تشریق ذبح کند، و اگر نشد در بقیه ماه ذی الحجّه، و در تأخیر عمدی نیز همین حکم است.

مسأله 11 - اگر حیوانی را به گمان آن که صحیح و سالم است ذبح کرد بعد معلوم شد که مریض یا ناقص بوده کافی نیست، و باید دوباره ذبح کند.

مسأله 12 - اگر حیوانی را به گمان چاقی ذبح کرد بعد معلوم شد لاغر است کافی است.

مسأله 13 - اگر حیوانی را به گمان لاغری خرید و به امید آن که چاق درآید برای اطاعت خدا رجاء ذبح کرد و بعد معلوم شد چاق است کافی است.

مسأله 14 - اگر احتمال نمی داد که حیوان چاق است یا احتمال می داد لکن از روی



بی مبالاتی ذبح کردن به امید موافقت امر خداوند کافی نیست.

مسئله 15 - اگر لاغری آن را اعتقاد داشت و به واسطه جهل به مسئله برای اطاعت خداوند ذبح کرد بعد معلوم شد چاق است احتیاط واجب در اعاده است.

مسئله 16 - اگر ناقص بودن را اعتقاد داشت و به واسطه جهل به مسئله برای اطاعت خداوند ذبح کرد و بعد معلوم شد صحیح است ظاهراً کافی باشد.

مسئله 17 - احتیاط آن است که ذبیحه را سه قسمت کنند، یک قسمت را هدیه بدهند، و یک قسمت را صدقه بدهند، و قدری هم از ذبیحه بخورند و صدقه را به مؤمنین بدهند، و لکن هیچ یک از این احتیاط ها واجب نیست، و اگر صدقه را به فقیرای کفار بدهد یا آن که تمام ذبیحه را به آنها بدهد اشکال ندارد و ضامن حصه فقرا نیست، لکن احتیاط خصوصاً در خوردن قدری از ذبیحه خیلی مطلوب است.

مسئله 18 - جایز است که ذبح را کسی دیگر به نیابت انجام دهد و نیت را نایب کند، و احتیاطاً خود شخص هم نیت کند.

مسئله 19 - احتیاط واجب آن است که ذابح مؤمن باشد، بلکه خالی از قوت نیست، و همین طور در ذبح کفارات.

مسئله 20 - در صورتی که قربانی به دست غیر مؤمن انجام گیرد کفایت نمی کند و باید دو مرتبه قربانی کند هر چند در وقت قربانی متوجه نشود که ذابح مؤمن نیست یا جاهل به مسئله باشد.

مسئله 21 - ذبح هم از عبادات است و در آن نیت خالص و قصد اطاعت خداوند لازم است.

مسئله 22 - احتیاط آن است که اگر احتمال نقص یا مرض در گوسفند بدهند آن را معاینه کنند، اگر چه اقوا در احتمال آن که عیبی حادث شده باشد - مثل آن که احتمال بدهد گوش یا دمش را بریده اند یا آن را خصی کرده اند - عدم لزوم معاینه است، و

احتیاط در عیب هایی که محتمل است از حال تولد داشته و مادرزاد بوده، ترك نشود.

مسأله 23 - اگر بعد از ذبح کردن احتمال داد ناقص بودن یا نداشتن سایر شرایط را اعتنا نکند.

مسأله 24 - اگر به کسی نیابت داد برای خریداری کردن و ذبح، و نایب انجام داد و بعد از آن، شخص مُحرم احتمال داد که نایب به شرایط عمل نکرده باشد به این احتمال اعتنا نکند و ذبح کافی است.

مسأله 25 - اگر کسی را نایب کرد برای خریداری و ذبح، باید علم پیدا کند یا اطمینان به این که عمل کرده است، و گمان کفایت نمی کند.

مسأله 26 - اگر نایب عمداً برخلاف دستور شرع در اوصاف ذبیحه یا در کشتن آن عمل کرد ضامن است و باید غرامت آن را بدهد، و باید دو مرتبه ذبح کنند.

مسأله 27 - اگر نایب از روی اشتباه یا جهل برخلاف دستور عمل کند اگر برای عمل اجرت گرفته است ضامن است، والا معلوم نیست ضامن باشد، و در هر صورت باید اعاده شود.

### **چند مسأله راجع به بدل ذبیحه**

مسأله 1 - اگر قادر نباشد بر ذبح باید سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.

مسأله 2 - مراد از این که قادر بر ذبح نباشد آن است که نه هدی را داشته باشد و نه پولش را.

مسأله 3 - اگر می تواند بدون زحمت و مشقت قرض کند و در ازای قرض چیزی که ادا کند داشته باشد باید قرض کند و ذبح کند.

مسأله 4 - اگر می تواند بدون مشقت چیزی که زاید از مؤونه سفر است بفروشد،

باید بفروشد و هدی بخرد، لکن لباس را هرچه باشد لازم نیست بفروشد.

مسأله 5 - لازم نیست کسب کند و پول هدی را تهیه کند، لکن اگر کسب کرد و تهیه کرد باید ذبح کند.

مسأله 6 - اگرچه لباس را لازم نیست بفروشد لکن اگر لباس زاید داشت و فروخت ظاهراً باید ذبح کند و احتیاط آن است که روزه هم بگیرد.

مسأله 7 - این سه روز روزه را باید در ماه ذی الحجّه بگیرد، و احتیاط واجب آن است که از هفتم تا نهم بگیرد، و جلوتر نگیرد.

مسأله 8 - باید این سه روز دنبال هم باشد.

مسأله 9 - اگر روز هفتم نتوانست روزه بگیرد روز هشتم و نهم بگیرد، و یک روز دیگر بعد از مراجعت از منی بگیرد و احتیاط آن است که بعد از ایام تشریق که یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است بگیرد.

مسأله 10 - این سه روز روزه را در ایام تشریق در منی جایز نیست بگیرد، بلکه در ایام تشریق در منی روزه برای همه کس حرام است، چه حج به جا بیورد یا نه.

مسأله 11 - احتیاط مستحب برای کسی که روز هفتم را روزه نگرفته و هشتم و نهم را گرفته آن است که بعد از مراجعت از منی سه روز روزه بگیرد که اول آن، روز کوچ کردن است - یعنی سیزدهم - و متوالی بگیرد، و قصدش آن باشد که سه روز از پنج روز برای ادای روزه واجب باشد.

مسأله 12 - اگر روز هشتم را روزه نگرفت روز نهم را هم نگیرد و بعد از مراجعت از منی سه روز دنبال هم بگیرد.

مسأله 13 - جایز است اگر از هشتم روزه تعویق افتاد تا آخر ذی الحجّه هر وقت بخواهد این سه روز را روزه بگیرد، اگرچه احتیاط آن است که بعد از ایام تشریق فوراً بگیرد.

مسأله 14 - این سه روز را در سفر می تواند روزه بگیرد و لازم نیست در مکه قصد اقامت کند، بلکه اگر برای ماندن سه روز در مکه مهلت نیست بین راه هم جایز است بگیرد.

مسأله 15 - اگر سه روز روزه را گرفت و بعد از آن متمکن شد از هدی، لازم نیست ذبح کند، لکن اگر قبل از تمام شدن سه روز متمکن شد باید ذبح کند.

مسأله 16 - اگر این سه روز روزه را نگرفت تا ماه ذی الحجه تمام شد باید هدی را خودش یا نایبش در منی ذبح کند، و روزه فایده ندارد.

مسأله 17 - باید این سه روز روزه را بعد از احرام به عمره به جا آورد و قبل از آن نمی تواند.

مسأله 18 - هفت روز بقیه را باید بعد از مراجعت از سفر حج روزه بگیرد.

مسأله 19 - احتیاط واجب آن است که پی در پی به جا آورد.

مسأله 20 - جایز نیست این هفت روز را در مکه یا در راه روزه بگیرد، مگر آن که بنای اقامت در مکه داشته باشد، در این صورت اگر مدتی بگذرد که در آن مدت می توانست به وطن خود مراجعت کند جایز است به جا آورد، و همچنین جایز است اگر يك ماه بماند.

مسأله 21 - در این ایام که با هواپیما مراجعت می کنند بعید نیست برای کسی که در مکه اقامت کرده جایز باشد به همان مقداری که هواپیما اشخاص را به محل می رساند صبر کند و روزه بگیرد، لکن احتیاط خلاف آن است و به احتیاط واجب جمع بین سه روز و هفت روز را نکند.

مسأله 22 - اگر در غیر مکه چه در راه یا در بلدی غیر از وطن خودش اقامت کرد ظاهراً نتواند هفت روز روزه را در آن جا بگیرد اگرچه به مقداری صبر کند که اگر راه می پیمود به وطن می رسید.

مسأله 23 - ابتدای ماهی را که اگر بماند در مکه جایز است روزه را بگیرد و همین طور ابتدای حساب موقع رسیدن به وطن را ظاهراً باید از وقتی که بنای مجاورت یا اقامت به مکه کرد حساب کند.

مسأله 24 - اگر متمکن از روزه گرفتن شد و قبل از آن که روزه بگیرد مُرد، واجب است ولیّ او سه روز را قضا کند بنابر اقواء و هفت روز دیگر را بنابر احتیاط واجب.

مسأله 25 - لازم نیست بعد از برگشتن به بلد خود در همان جا روزه بگیرد، پس اگر در جای دیگر قصد اقامت کرد می تواند بگیرد.

مسأله 26 - اگر متمکن از سه روز روزه نشد در مکه و برگشت به محل خود، در صورتی که ماه ذی الحجّه باقی است می تواند در محل بگیرد، لکن با هفت روز روزه فاصله بدهد و اگر ماه گذشته باشد باید هدی ذبح کند اگرچه به وسیله شخص امینی باشد.

### مسائل متفرقه و استفتائات هدی

مسأله 1 - تقسیم قربانی به سه قسم واجب نیست. و فروش یا هبه سهم فقیر قبل از قربانی و بدون قبض آن باطل است، بنابراین، عمل بعضی که به ادعای فقر یا وکالت از فقیر ثلث فقیر را از قربانی به خود حاجی می فروشند یا هبه می کنند صحیح نیست.

مسأله 2 - گفته می شود که در منی، مسلخ فعلی کمی در وادی مُحَسَّر ساخته شده و در این صورت هرچند در صورت امکان ولو تا آخر ذیحجه باید در منی قربانی کنند لکن قربانی در مسلخ جدید مجزی است.

مسأله 3 - کسی که اجیر در حج است می تواند برای قربانی، شخص ثالثی را وکیل کند و وکیل مزبور نیت قربانی حجی که موکلش از طرف موکل خود انجام می دهد را می نماید.

مسأله 4 - تأخیر ذبح از روز عید عمداً جایز نیست علی الاحوط لکن اگر تأخیر

شد عمداً یا جهلاً یا نسیاناً، ذبح در شب کفایت می کند.

مسأله 5 - کسانی که وکیل دیگری هستند که برای او قربانی کنند می توانند قبل از این که حلق یا تقصیر کنند قربانی دیگری را ذبح نمایند.

6 س - جمعی از حجاج پول روی هم می گذارند و کسی با پول مشترك برای همه آنان تعدادی گوسفند می خرد و در وقت ذبح هر گوسفند را برای يك نفر قصد می کند و قربانی می کند، آیا این ترتیب ذبح اشکال دارد یا خیر، و آیا در صورت تفاوت گوسفندان در قیمت با این که همه به يك اندازه پول داده اند چه وضعی پیدا می شود؟

ج - اگر صاحبان پول راضی باشند اشکال ندارد.

7 س - کسانی که گوسفند خود را به غیر مؤمن داده اند و او ذبح نموده است و بعد، حلق و اعمال مترتبه را انجام داده اند و بعد متوجه شده اند، وظیفه آنان چیست؟

ج - ذبح را اعاده کنند، و حلق و اعمال مترتبه صحیح است.

8 س - کسی قربانی را به غیر مؤمن داده و او کشته است و بعد متوجه شده و در عین توجه عمداً بدون تجدید قربانی حلق کرده و اعمال مترتبه بر حلق را انجام داده، آیا مُحل شده است یا نه، و آیا فقط قربانی باید بکند یا همه اعمال را اعاده نماید؟

ج - با فرض این که احتمال صحت اعمالی را که بعد از قربانی اتیان کرده می داده، مُحل شده است و فقط قربانی بر عهده او است و اعمالش صحیح است.

9 س - در مسأله قربانی و در مسلخ جدید عبارت نقل شده از حضرت عالی صراحت در حکم ندارد، لطفاً نظر مبارك را مرقوم فرمایید.

ج - ذبح در مسلخ جدید مُجزی است.

10 س - آیا در شرایط قربانی تحقیق لازم است که یقین به بودن شرایط حاصل شود یا لازم نیست؟

ج - در شرایطی که مربوط به نقص عارض بر حیوان بعد از تمام بودن آن است مثل خصی نبودن یا معیوب نبودن حیوان فحص لازم نیست و در صورت شك می تواند بدون تحقیق ذبح کند، ولی در شرایط دیگر مثل سن حیوان یا مؤمن بودن ذابح لازم است یقین حاصل شود.

11 س - در مکه جیب کسی را زدند و پولش را بردند، شکایت کرد، بعد طی مراحل قانونی، حاکم آن جا حکم کرد پولش را از دزد بگیرند و به او بدهند، آیا جایز است پول را بگیرد و گوسفند قربانی را با آن بخرد یا نه؟

ج - اگر می داند که پول خود او است، مانع ندارد.

12 س - شخصی بدون گرفتن وکالت در ذبح، از طرف عیالش یا شخص دیگری قربانی می نماید به این خیال که اذن فحوی از او دارد و مطمئن است که وقتی به عیالش یا رفیقش بگوید من در قربانگاه برای تو قربانی کرده ام او راضی است و خوشحال هم می شود، این نحوه قربانی کافیست یا نه؟

ج - کافی نیست مگر او را وکیل کرده باشد.

13 س - روز عید بعض اشخاص به قربانگاه می روند و بدون این که در قربانی نیابت داشته باشند خودشان برای رفقاییشان قربانی می کنند، آیا این قربانی کافی است یا نه؟ و اگر کافی نیست، پول قربانی به عهده چه کسی است؟

ج - کفایت نمی کند، و پول از مال کسی خارج می شود که خرج کرده است مگر آن که غروری در بین باشد.

14 س - در قربانگاه، حجاج و صاحب گوسفند يك قرارى با هم می گذارند که هرچند رأس گوسفندی که می خواهند هر یکی به فلان مبلغ و نام می برد، حاجی هم قبول می کند و یکی یکی را به نیت افرادی که وکالت دارد می کُشد، بعد می رود با صاحب گوسفند حساب می کند، آیا در قربانی اشکالی نیست؟

ج - اشکال ندارد.

15 س - در قربانگاه ده نفر حاجی با صاحب گوسفند قرار می گذارند که ده گوسفند را جدا می کنیم و قربانی می کنیم از قرار یکی دویست ریال سعودی مثلاً، در این بین، چند نفر دیگر از رفقای آنان می آیند و بدون قرار جدید با صاحب گوسفند، به تعدادشان گوسفند قربانی می کنند و بنا دارند که بعد از قربانی طبق قرارداد سایر افراد، به صاحب گوسفند پول بدهند، آیا قربانی های آنان درست است یا خیر؟

ج - اگر یقین به رضایت صاحب گوسفند دارند، مانع ندارد.

16 س - غیر مؤمن مشغول سر بریدن قربانی بود، شخصی که برای او قربانی می شد دست گذاشت روی دست ذابح و فشار می داد در بردن و آوردن چاقو، به نحوی که بریدن سر گوسفند به هر دو اسناد داده می شد، آیا این قربانی صحیح است؟

ج - اگر خودش ذبح نکرده، صحیح نیست.

17 س - در روز عید قربان معمولاً در هر کاروانی چند نفر برای قربانی از طرف دیگران نایب می شوند و می آیند قربانگاه، اگر کسی شك کند که برای فلان شخص هم قربانی کردم یا نه، وظیفه نایب چیست؟

ج - باید قربانی کند.

18 س - آیا ذبح با کاردهای استیل که معلوم نیست آهن است یا نه چگونه است؟

ج - صحیح نیست.

19 س - اگر انسان مریض نتواند در حج تمتع قربانی کند و به دیگری نیابت دهد و نایب و وکیل فراموش کند و در مدینه یا در ایران یادش بیاید که قربانی نکرده است، وظیفه اش چیست؟

ج - بر حج او اشکالی نیست، ولی قربانی بر ذمه اش باقی است که باید در سال آینده در منی انجام دهد، و اگر در ماه ذیحجه فهمید باید در صورت امکان در همان ماه قربانی کند.

20 س - شخصی برای خود و نیابت افرادی به قربانگاه رفت و ده رأس گوسفند

ص: 228



خرید و قربانی کرد، بعد از رسیدن به منزل یقین پیدا کرد پول نه رأس گوسفند را داده است، وظیفه اش نسبت به پول يك رأس که نداده چیست؟ ضمناً با مراجعه به قربانگاه صاحب گوسفند را پیدا نکرد، آیا جایز است که در آن پول تصرف کند و بعد از مراجعت به ایران پول ایرانی به حاکم شرع بدهد و یا صدقه بدهد یا نه؟ و در صورتی که تصرف در آن جایز باشد اکنون که به ایران برگشته، آیا باید ریال سعودی یا قیمت آن به ارز دولتی یا ارز آزاد بدهد؟

ج - با یأس از شناسایی صاحبش از طرف او به فقیر صدقه دهد، و باید یا ریال بدهد و یا قیمت بالا را بدهد.

21 س - شخصی قربانی نمی کند به اعتقاد این که گوشت گوسفند تلف می شود و از آنان استفاده ای نمی شود، و با همین کیفیت تقصیر کرده اعمال حج را انجام می دهد، وظیفه او چیست؟

ج - اگر جاهل بوده و فکر می کرده که عملش صحیح است، از احرام خارج شده ولی قربانی بر ذمه او است.

22 س - آیا مُحرم می تواند قبل از ذبح گوسفند خود برای دیگری ذبح نماید؟

ج - مانع ندارد.

23 س - اگر کسی مؤمن بودن ذابح را قبل از ذبح احراز کرد و بعداً معلوم شد خلاف بوده است، آیا آن قربانی کفایت می کند؟

ج - کفایت نمی کند.

24 س - اگر قربانی از وجه غیر مُخَمَّس باشد چه صورت دارد؟

ج - کفایت نمی کند.

25 س - در صورت عدم وجود گوسفند سالم، آیا می توان گوسفند مرضوض الخصیتین (گوسفندی که تخم های آن را کوبیده اند) را ذبح نمود؟

ج - اگر غیر خصی و مرضوض یافت نشود، ذبح خصی و مرضوض کافی است.

ص: 229

26 س - شخصی به اعتماد نایب خود در رمی، ذبح کرده و حلق نموده است، بعد معلوم شده که نایب از جانب او رمی ننموده است، آیا ذبح و حلق او صحیح است؟

ج - کفایت می کند.

27 س - شخصی در قربانی کسی را نایب خود کرد، و پس از آن به دیگری نیابت داد، ولی شخص اول ذبح نمود، آیا صحیح است؟

ج - اگر اولی را از وکالت عزل نکرده کافی است. و مجرد نیابت دادن به دومی، عزل اولی از نیابت نیست.

28 س - شخصی با جهل به اشتراط مؤمن بودن ذابح، قربانی خود را به دیگری واگذار کرده که ذبح نماید، بعد از ذبح متوجه مسأله شده است، وظیفه او چیست؟

ج - اگر مؤمن بودن ذابح معلوم نیست، باید دومرتبه قربانی کند.

29 س - کسی را وکیل در قربانی نموده، آیا وکیل می تواند به دیگری وکالت دهد؟

ج - اگر وکالت داده که وکیل، خودش قربانی کند، نمی تواند به دیگری بدهد.

30 س - اگر ذبح قربانی شخصی توسط غیر مؤمن صورت گرفته باشد، آیا تکرار آن باید در ایام تشریق باشد؟

ج - اگر در بقیه ذیحجه تا آخر آن هم قربانی شود کافی است؛ اگرچه تأخیر آن از ایام تشریق جایز نیست.

31 س - مُحرمی که لباس احرامش بر اثر ذبح نجس شده، می تواند به مقداری که برای دیگران ذبح می کند، در لباس احرام نجس باشد؟

ج - در صورت امکان باید لباس خود را تطهیر کند، و اگر نکرد ضرری به احرام یا ذبح ندارد.

32 س - در مناسک نوشته: «واجب است احتیاطاً که قربانی را از روز عید تأخیر نیندازند» حال اگر کسی بدون عذر تأخیر انداخت، به غیر از حرمت تکلیفی، عواقب دیگری هم دارد؟

ص: 230

ج - قربانی او صحیح است، ولی باید ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مکه مراعات شود.

33 س - بعد از فری اوداج اربعه، اگر گردن قربانی را در حالی که هنوز زنده است قطع نمود چه صورت دارد؟

ج - کار حرامی است، لکن ذبیحه حلال است، و کفایت از قربانی می کند.

34 س - می فرمایید اگر ذبح در منی تا آخر ذبیحه ممکن شود باید ذبح را تأخیر بیندازد، آیا اجازه می دهید که حلق را همان روز عید انجام دهد، یا باید حلق و تقصیر را تا بعد از قربانی تأخیر بیندازد، هر چند ده روز طول بکشد؟

ج - باید مراعات ترتیب شود علی الاحوط.

35 س - آیا حکم گوسفندی که تخم های آن را کوبیده اند، با گوسفندی که تخم هایش را تابیده اند یکی است یا نه؟ و در هر صورت اگر تخم های گوسفندی را تابیده باشند، آیا برای هدی مجزی است یا نه؟ لطفاً نظر خودتان را بیان فرمایید.

ج - بنابر احتیاط واجب باید تابیده هم نشده باشد.

36 س - حیوانی را که برای هدی ذبح می کنند، اگر قطع اوداج اربعه بکنند و آن را رها نمایند و حیوان به خودی خود پشت به قبله شود، و یا بعد از قطع اوداج اربعه، قبل از جان دادن، حیوان را روی بقیه اجساد حیوانات ذبح شده پرت نمایند و حیوان در اثر این کار، از قبله منحرف شود و در آن حال جان دهد، حکمش چیست؟

ج - رو به قبله بودن در حال قطع اوداج اربعه کافی است.

37 س - اگر کسی پس از ذبح قربانی و انجام باقی مناسک و یا قبل از آن متوجه شد که سن هدی کمتر از حد نصاب است وظیفه چیست؟

ج - اعاده لازم است.

38 س - اگر روحانی کاروان می داند که احرامی او در روز عید در مسلخ به خون

آلوده می شود و به جهت این که روحانی است و باید بر اعمال حجاج نظارت داشته باشد مدت چند ساعت لباس احرامی او خون آلود است آیا با علم به نجس شدن و طولانی بودن آن تکلیف او چیست؟

ج - اگر معذور از تبدیل یا تطهیر است اشکال ندارد.

39 س - روحانی کاروانی نایب است و می داند که برای نظارت بر اعمال حج حجاج در قربانگاه لباس او به خون آلوده می شود و به جهت مسئولیتی که دارد در قربانگاه معطل می گردد، آیا با علم به این جهت نیابتش در حج اشکالی دارد؟

ج - نیابت اشکال ندارد.

40 س - بعضی از محله های جدید مکه، در منی ساخته شده است، آیا در آن جا می شود قربانی نمود یا خیر؟

ج - اگر در منی است مانع ندارد، ولی بدون احراز از این که در منی است، صحیح نیست.

41 س - انسان شك می کند که در سال یا سال های گذشته ذابح قربانی اش مؤمن بوده یا نه، الآن وظیفه اش چیست؟

ج - اگر در حال عمل، مسأله را می دانسته و ملتفت بوده و شك بعد از عمل است اعتنا نکند، و در غیر این صورت باید قربانی را اعاده نماید.

42 س - بعضی از مدیران کاروان ها یا اشخاص خیر دیگر که برای قربانی از اشخاص پول می گیرند و احیاناً خودشان سر بریدن را یاد ندارند لذا قربانی ها را غیر مؤمن ذبح می کند، اولاً: آیا از منوب عنه مجزی است یا نه، و ثانیاً: آیا نایب ضامن است یا خیر؟

ج - قربانی مزبور کفایت نمی کند، و کسی که پول را از منوب عنه گرفته ضامن است.

مستحبات هدی چند چیز است:

1- در صورت تمکن، قربانی شتر باشد، و در صورت نبودن آن گاو، و در صورت نبودن آن گوسفند باشد.

2- قربانی بسیار فربه باشد.

3- در صورت شتر یا گاو بودن آن از جنس ماده و در صورت گوسفند یا بز بودن آن از جنس نر باشد.

4- شتری که می خواهند او را نحر کنند ایستاده و از سر دست ها تا زانوی او را ببندند و شخص از جانب راست او بایستد، و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد، و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفاً مِّمَّا لِيَمَآءَ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ، اَللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ ، اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي » .

5- این که خود، قربانی را بکشد و اگر نتواند دست خود را بالای دست کُشده بگذارد.

### سوم از واجبات منی: تقصیر

### اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسأله 1 - هر مکلفی مختار است که بعد از ذبح کردن، یا سر بتراشد و یا از ناخن یا موی خود قدری بچیند مگر چند طایفه:

اول - زن ها که باید از مو یا ناخن خود قدری بگیرند، و کافی نیست ظاهراً برای آنها سر تراشیدن.

دوم - کسی که سال اول حج او باشد، که باید سر بتراشد به احتیاط واجب.

سوم - کسی که موی سر خود را به غسل یا صمغ یا نحو آن برای رفع شپش و نحو آن چسبانیده باشد باید سر بتراشد به احتیاط واجب.

چهارم - کسی که موی سر خود را جمع کرده و گره زده و درهم پیچیده و بافته است باید سر بتراشد به احتیاط واجب.

پنجم - خنثای مشکل اگر از این سه دسته اخیر نباشد باید تقصیر کند و سر نتراشد.

مسأله 2 - اگر خنثای مشکل از این سه طایفه باشد، واجب است هم تقصیر کند و هم سر بتراشد احتیاطاً.

مسأله 3 - احتیاط آن است که کسی که سر را می تراشد تمامش را بتراشد.

مسأله 4 - در تقصیر کفایت می کند مقدار کمی از موی سر یا ریش یا شارب را چیدن به هر نحو با هر آلت که باشد، و یا ناخن گرفتن، و بهتر آن است که هم مقداری از مو بگیرد و هم ناخن را بگیرد.

مسأله 5 - سر تراشیدن و تقصیر چون از عبادات است باید با نیت خالص از ریا و برای اطاعت خداوند باشد و بدون آن صحیح نیست، و آنچه باید به آن حلال شود حلال نمی شود.

مسأله 6 - جایز است سر را خود انسان بتراشد یا به سلمانی بدهد، و همچنین در تقصیر، و باید خودش نیت کند، و بهتر آن است که سلمانی هم نیت کند.

مسأله 7 - کسانی که سر تراشیدن بر آنها متعین است مثل اشخاصی که در مسأله اول ذکر شد، اگر سر آنها مو نداشته باشد باید تیغ را بکشند به سر آنها، و آن کافی است از تراشیدن سر.

مسأله 8 - کسانی که مخیر هستند میان تراشیدن سر و گرفتن موی ریش یا شارب و گرفتن ناخن، اگر سرشان مو نداشته باشد باید تقصیر کنند، و اگر هیچ مو نداشتند حتی

موی ابرو باید ناخن بگیرند، و اگر آن را هم نداشتند تیغ را به سر بکشند کافی است.

مسئله 9 - تراشیدن ریش کفایت نمی کند از تقصیر.

مسئله 10 - اکتفا کردن به تقصیر موی زیر بغل یا عانه محل اشکال است.

مسئله 11 - محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن منی است، و جایز نیست اختیاراً در غیر آن جا.

مسئله 12 - احتیاط آن است که در روز عید باشد اگرچه بعید نیست جواز تأخیر تا آخر ایام تشریق.

مسئله 13 - اگر کسی سر تراشید و تقصیر نکرد در منی و از آن جا کوچ کرد باید مراجعت کند و عمل را انجام دهد، و فرقی نیست در این حکم بین کسی که عمداً ترك کرده یا نسیاناً و سهواً یا به واسطه مسئله ندانستن.

مسئله 14 - اگر برای این شخص ممکن نشود برگشتن به منی هر جا که هست سر بترشد یا تقصیر کند، و موی خود را بفرستد به منی در صورت امکان، و مستحب است که مو را در منی دفن کند در محل خیمه خود.

مسئله 15 - جایز نیست طواف حج بکند قبل از تقصیر یا سر تراشی، و همچنین سعی را جایز نیست جلو بیندازد.

مسئله 16 - اگر قبل از سر تراشی یا تقصیر طواف و سعی کند از روی سهو یا جهل به حکم، باید برگردد و سر بترشد یا تقصیر کند، و پس از آن طواف و نماز آن و سعی را به جا آورد، و اگر نمی تواند به منی برگردد هر جا هست سر بترشد و تقصیر کند و اعاده کند طواف و نماز و سعی را.

مسئله 17 - اگر از روی علم و عمد این کار را کرده باید علاوه بر اعاده طواف و نماز و سعی يك گوسفند ذبح کند.

مسئله 18 - اگر فقط طواف را از روی علم و عمد مقدم داشته گوسفند لازم است،

و اگر فقط سعی را مقدم داشته گوسفند لازم نیست، لکن باید اعاده کند آن را بعد از حلق یا تقصیر و طواف و نماز آن.

مسئله 19 - اگر از روی علم یا جهل یا نسیان بعد از طواف یا سعی یا هر دو، سر را تراشید یا تقصیر کرد، احتیاط آن است که اعاده کند تا ترتیب حاصل شود، و اگر تکلیفش سر تراشی بوده تیغ را به سر بکشد احتیاطاً.

مسئله 20 - به احتیاط واجب باید در منی اول رمی جمره کند و بعد از آن ذبح کند و بعد تقصیر یا حلق.

مسئله 21 - اگر برخلاف این ترتیب عمل کند؛ پس اگر از روی غفلت و سهو بوده اعاده لازم نیست، و اگر از روی جهل به مسئله بوده بعید نیست که اعاده نخواهد و احتیاط به اعاده است، و اگر از روی علم و عمد بوده در صورت امکان احتیاط را ترك نکند.

مسئله 22 - بعد از آن که محرمی که وظیفه اش سر تراشیدن بود سر تراشید، یا تقصیر کردن بود تقصیر کرد حلال می شود بر او تمام چیزهایی که حرام شده به واسطه احرام حج، مگر زن و بوی خوش، و اما صید از دو جهت حرمت داشت: یکی آن که در حرم صید جایز نیست نه برای مُحرم و نه برای غیر مُحرم و این حرمت باقی است، دوم آن که بر خصوص مُحرم نیز صید جایز نیست چه در حرم باشد یا غیر حرم و بعید نیست که به واسطه حلق یا تقصیر از جهت دوم حرمت برداشته شود، پس جایز است از برای او صید در خارج حرم.

### مسائل متفرقه و استثنائات حلق یا تقصیر در حج

مسئله 1 - اگر قربانی به دلیلی از روز عید تأخیر افتاد، بنابر احتیاط نمی تواند حلق کند و از احرام خارج شود و بعد قربانی کند بلکه ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن را باید مراعات کند علی الاحوط.



مسأله 2 - تأخیر حلق تا آخر ایام تشریق مانع ندارد هرچند عمدی باشد و حلق در شب هم صحیح است و کفایت می کند.

مسأله 3 - اگر حاجی برای قربانی به کسی وکالت دهد، تا وکیل او قربانی نکرده نمی تواند حلق کند ولی اگر با اعتقاد به این که وکیل او برای او قربانی کرده حلق کرد بعد معلوم شد که وکیل او هنوز قربانی نکرده، حلق مزبور کافی است و اگر بعد از حلق اعمال مکه را هم انجام داده باشد کفایت می کند و لازم نیست آنها را اعاده کند.

مسأله 4 - کسانی که سال اول حج آنها است و وظیفه آنها سر تراشیدن می باشد بنابر احتیاط، جایز نیست به واسطه زیاده روی، اول سر را ماشین کنند و بعد آن را بتراشند هرچند فوراً بتراشند و در صورت علم و عمد کفاره دارد.

مسأله 5 - کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید نمی تواند قبل از این که خودش حلق یا تقصیر کند سر او را بتراشد ولی می تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد، و ازاله موی دیگری نیز قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست ولو برای تقصیر.

6 س - کسی که سفر اول حج او است در وقتی که سلمانی سر او را برای حلق می تراشیده مشغول گرفتن ناخن های خود بوده و غافل بوده که نباید این کار را بکند، آیا کفاره دارد یا خیر؟

ج - چیزی بر او نیست.

7 س - کسی که در غیر منی حلق نموده و اعمال مترتبه را انجام داده و پس از این عمره مفرده انجام داده، آیا محل شده است یا خیر، و عمره مفرده او صحیح است یا خیر؟

ج - محل نشده است، و عمره او صحیح نیست.

8 س - گفته می شود که مسلخ جدید در منی نیست و اشخاص پس از قربانی در

آن جا و بیرون آمدن، پشتِ همان جا حلق و تقصیر کرده اند، وظیفهٔ آنان چیست؟

ج - اگر حلق و تقصیر در منی نبوده باید اعاده شود.

9 س - در مسألهٔ سابق کسانی که بعد از حلق و تقصیر مزبور به مکه آمده اند و اعمال مکه از قبیل طواف و سعی و طواف نساء را انجام داده اند و بعد متوجه شده اند که حلق و تقصیر در منی نبوده، آیا اعمال مکهٔ آنان صحیح است؟

ج - در فرض مزبور صحیح نیست و باید آن اعمال هم اعاده شود.

10 س - کسی که سال قبل هم به حج مشرف شده و حلق را در خارج منی انجام داده است و امسال هم حلق را در خارج منی نموده چه وظیفه ای دارد، و اگر اعمال مکه را انجام داده صحیح است یا خیر؟

ج - حلق را در منی اعاده کند و یک حلق کافی است و بعد طواف و نماز و سعی سال قبل را اعاده کند و احتیاطاً طواف و نماز و سعی امسال را نیز به جا آورد و بعد یک طواف نساء و نماز انجام دهد و کفایت می کند، گرچه ظاهر این است که احرام برای عمره و حج امسال صحیح نبوده است.

11 س - اگر در موردی که حاجی باید حلق کند به جای حلق، تقصیر کرده است وظیفه اش چیست، آیا کفاره دارد یا نه؟

ج - اگر جاهل به مسأله بوده کفاره ندارد و در فرض علم احوط است، و در فرض مسأله بنابر احتیاط باید حلق را انجام دهد و چنانچه اعمال مکه را به جا آورده اعاده کند.

12 س - کسی که سال دوم حج او است و سال قبل برای خودش حج نموده و حلق کرده است و امسال به نیابت دیگری حج به جا می آورد، آیا در سفر دوم حکم ضروره را دارد که باید حلق کند یا تقصیر کافی است؟

ج - تقصیر کفایت می کند.

13 س - شخصی در سال 60 نایب شخص دیگری شد، و برای اولین بار آمد مکه و

در مرز بین وادی مُحَسَّر و منی، حلق نمود، به اعتقاد این که این جا جزو منی است، و يك سال بعد باز به مکه مشرف شد برای خودش به عنوان حَجَّة الاسلام، و در منی تقصیر نمود به خیال این که حلق قبلی و اعمال حج گذشته او صحیح بوده است، و سال 65 باز به مکه مشرف شد و به عنوان ما فی الذمه مُحَرَّم شد، در این بین متوجه شد که حلق سال اول در خارج منی بوده است و در نظر حضرت امام کافی نیست، امسال حلق را در منی به قصد ما فی الذمه، انجام می دهد و بقیه اعمال را نیز به قصد ما فی الذمه، به جا آورده است، آیا این کار کافی است یا نه؟

ج - کفایت می کند و از منوب عنه واقع می شود، و باید حَجَّة الاسلام را اعاده کند.

14 س - اگر کسی مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد و بقیه را ماشین کند آیا جایز است و حلق صدق می کند؟ ضمناً بعد از ماشین، بقیه سر را نیز می تراشد.

ج - تا حلق تمام نشده کوتاه کردن موی سر جایز نیست، و اگر تمام سر را تراشیده از حلق کافی است.

15 س - کسی که غیر از وقوفین اضطراری را نمی تواند درك کند و برای بقیه اعمال خود نایب می گیرد، آیا می تواند حلق را در غیر از منی انجام دهد؟

ج - باید در منی حلق کند، و حلق در غیر منی کافی نیست، مگر آن که نتواند به منی برود.

16 س - شخصی دو موضع در سرش شکسته است، ممکن است که حلق روز عید باعث پاره شدن پوست گردد، اگر تقصیر نماید مُجْزئ است یا وظیفه دیگری دارد؟

ج - اگر امید خوب شدن در حدی که بتواند حلق تمام نماید تا آخر ایام تشریق دارد تأخیر بیندازد، و همچنین اعمال مترتبه را، و اگر امید ندارد یا پس از تأخیر خوب نشد، احتیاط آن است که هر مقدار سر را می تواند بتراشد و تقصیر هم بکند.

17 س - شخصی سال گذشته قربانی و حلق را در غیر منی (خارج از منی) انجام داده و پس از خاتمه اعمال به ایران برگشته است و امسال نیز به مدینه مشرف شده و

قصده حج دارد، بفرمایید وظیفه او چیست؟ و آیا می تواند برای خود یا دیگری حج به جا آورد یا نه؟

ج - تا وظیفه سال قبل را از قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن، انجام نداده و از احرام آن خارج نشده، نمی تواند مُحرم شود.

18 س - صبی مُمیزی تمام اعمال حج را به نحو صحیح انجام داده است، آیا از صروره بودن، خارج می شود یا نه؟

ج - بلی، خارج می شود.

19 س - در روز عید قربان که حاجی باید حلق کند و از طرفی تراشیدن و کندن مو بر مُحرم حرام است، آیا حجاج باید بعد از تقصیر افرادی که مخیر بین حلق و تقصیر هستند از وجودشان برای حلق استفاده کنند یا در آن وقت برای شخص جایز است که سر خود را بتراشد، و آیا فرق است بین تراشیدن سر خود و تراشیدن سر دیگری، و در هر حال تکلیف شرعی او چیست؟

ج - خودش می تواند خود را حلق کند، و می تواند به کسی که از احرام به حلق یا تقصیر خارج شده واگذار کند که او را حلق نماید، و در هر صورت اگر دیگری او را حلق کند کفایت می کند اگرچه از احرام خارج نشده باشد.

20 س - کسی که در حج وظیفه اش سر تراشیدن است و از اول می داند که با تیغ کشیدن، سرش خون می آید، بفرمایید آیا سرش را باید بتراشد یا نه؟

ج - باید سر بتراشد علی الاحوط.

21 س - در مناسك آمده است: کسی که سال اول حج او باشد، بنابر احتیاط واجب باید سر خود را بتراشد، آیا می توان در این احتیاط واجب به دیگری رجوع کرد؟

ج - حکم سایر احتیاطات را دارد، لکن چون امر مهمی است، مراعات کنید این احتیاط را.

22 س - کسی که حلق را فراموش کرده و به ایران بازگشته است، وظیفه او چیست؟

ج - باید حلق و اعمال مکه مترتبه بر حلق را انجام دهد، و اگر نمی تواند خودش به مکه برود در محل خودش حلق کند و موی خود را به منی بفرستد علی الاحوط، و برای اعاده اعمال مکه نایب بگیرد.

23 س - کسی که وظیفه او حلق است ولیکن از حلق معذور است، وظیفه او چیست؟

ج - بعید نیست لزوم و کفایت تقصیر در این مورد، ولی احوط آن است که احتیاط را به غیر رجوع کنند.

24 س - اگر کسی قربانی را از روی عمد تأخیر بیندازد، آیا می تواند حلق و یا تقصیر نماید و یا باید حتماً بعد از قربانی باشد؟

ج - باید حلق را بعد از قربانی انجام دهد علی الاحوط.

25 س - شخصی در روز عید قربان در حال رمی جمره عقبه پول خود را گم کرد و چون پول برای هدی نداشت آن را مبدل به روزه کرد، و تصمیم دارد بعد از ایام تشریق شروع به سه روز روزه نماید، آیا چنین شخصی تقصیر یا حلق را پس از سه روز روزه انجام دهد یا همان روز عید حلق یا تقصیر نماید؟

ج - می تواند روز عید حلق یا تقصیر نماید.

26 س - شخصی که صروره نیست و می تواند تقصیر کند آیا اگر ریش بترشد، صرف نظر از حرمت این کار، کفایت از تقصیر می کند یا نه؟

ج - کفایت نمی کند.

27 س - عصر عید قربان بعد از هدی که دوستان سر می تراشیدند و من هم به این فکر که باید سر را تراشید رفتم سر خود را تراشیدم، و نگفتم که سر می تراشم برای حج تمتع، فقط سرم را تراشیدم، در این صورت وظیفه من چیست؟

ج - اگر سر را به عنوان این که وظیفه شما سر تراشی است و از اعمال حج است تراشیده اید صحیح است هر چند نیت را نگفته باشید.

28 س - چون من از سر تراشیدن بدم می آید آیا می توانم به جای سر تراشیدن تقصیر کنم، و آیا آن کار گناهی هم دارد یا نه؟

ج - در سفر اول در منی باید سر تراشید علی الاحوط، و اگر تراشید گذشته از معصیت از احرام هم خارج نمی شوید علی الاحوط.

29 س - حاجی در مذبح بعد از قربانی فوراً تقصیر کرده که دچار تطهیر نجاست بدن و لباس احرام نگردد، و بعد از رسیدن به چادر حلق کند، از يك طرف سروره است و از طرفی در حلق قصد احلال نکرده، تکلیفش چیست؟

ج - تقصیر در صورت جهل کفاره ندارد و حلق را اگر به قصد قربت و به حساب یکی از اعمال انجام داده کافی است. وگرنه بر احرام است و باید در منی حلق کند علی الاحوط.

### مستحبات حلق

در حلق چند چیز مستحب است:

1- آن که از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» .

2- آن که موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و اولی این است که بعد از حلق از اطراف ریش و شارب خود گرفته و همچنین ناخن ها را بگیرد.

ص: 242

اشاره

واجب است بعد از تمام شدن اعمال منی که سه چیز بود مراجعت به مکه، برای اعمالی که در آن جا واجب است.

و در این جا چند مسأله است:

مسأله 1 - جایز است بلکه مستحب است روز عید که از اعمال منی فارغ شد بیاید به مکه برای بقیه اعمال حج، و جایز است تأخیر بیندازد تا روز یازدهم و بعید نیست که جایز باشد تأخیر تا آخر ذی الحججه؛ به این معنی که روز آخر ذی الحججه هم اگر آمد و اعمال را به جا آورد مانع ندارد.

مسأله 2 - اعمالی که در مکه واجب است به جا بیاورد:

اول - طواف حج است که آن را طواف زیارت می گویند.

دوم - نماز طواف است.

سوم - سعی بین صفا و مروه است.

چهارم - طواف نساء است.

پنجم - نماز طواف نساء است.

ص: 243

مسأله 3 - کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن به همان نحو است که در طواف عمره و نماز آن و سعی گذشت بدون هیچ تفاوت مگر در نیت که این جا باید به نیت طواف حج و سعی آن و طواف نساء به جا آورد.

مسأله 4 - جایز نیست طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را قبل از رفتن به عرفات و به جا آوردن اعمال عرفات و مشعر و اعمال سه گانه منی به جا آورد در حال اختیار.

مسأله 5 - چند طایفه اند که برای آنها جایز است طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را بعد از آن که مُحرم به احرام حج شدند قبل از رفتن به عرفات به جا آورند، و عمل آنها مجزی است:

اول - زن هایی که ترس آن دارند که در برگشتن حائض یا نفساء شوند و پاك نشوند و نتوانند بمانند تا پاك شوند.

دوم - پیرمردها یا پیرزن هایی که عاجز باشند از طواف در موقع مراجعت برای زیادی جمعیت یا عاجز از برگشتن به مکه باشند.

سوم - اشخاص مریضی که بترسند در وقت ازدحام طواف کنند یا عاجز باشند از آن.

چهارم - کسانی که می دانند تا آخر ماه ذی الحجه به جهتی برای آنها ممکن نمی شود طواف و سعی.

مسأله 6 - سه طایفه اول اعمالی را که جلو انداختند کافی است اگرچه بعد خلاف آن ظاهر شود مثلاً زن حائض نشود، و مریض خوب شود، و ازدحام چندان نباشد که موجب مزاحمت شود، پس بر اینها لازم نیست اعاده اعمال گرچه احوط است.

مسأله 7 - طایفه چهارم که عقیده داشت نمی تواند اعمال را به جا آورد اگر از جهت مرض و پیری و علیلی بود باز مجزی است، و اما اگر از جهت دیگر بود مثل



آن که اعتقاد داشت سیل مانع می شود و بعد خلافتش ظاهر شد باید اعاده کند اعمال را بعد از رجوع.

مسئله 8 - شخص مُحرم که به واسطهٔ احرام حج چیزهایی بر او حرام شد - که در سابق به تفصیل ذکر شد - در سه موقع و بعد از سه عمل به تدریج آنها بر او حلال می شود:

اول - بعد از تقصیر کردن یا سر تراشیدن در منی که به آن، همه چیز حلال می شود مگر بوی خوش و زن چنانچه پیش تر ذکر شد، و گفته شد که صید از جهت احرام نیز حلال می شود نه از جهت حرم.

دوم - بعد از به جا آوردن طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه به تفصیلی که گذشت، حلال می شود بر او بوی خوش، ولی زن بر او حرام است.

سوم - بعد از به جا آوردن طواف نساء و نماز آن که در کیفیت مثل طواف و نماز عمره است که گذشت، حلال می شود بر او زن نیز، پس بعد از این سه عمل همه چیز که به احرام حرام شده بود حلال می شود، و اما صید کردن در حرم حرام است برای همه کس چه مُحرم و چه مُحل.

مسئله 9 - کسانی که به واسطهٔ عذر مثل پیری و خوف حیض، طواف زیارت و طواف نساء را مقدم داشتند، بوی خوش و زن بر آنها حلال نمی شود، و تمام محرمات بعد از تقصیر یا حلق حلال خواهد شد.

مسئله 10 - طواف نساء اختصاص به مرد ندارد بلکه بر زن و خنثی و خصی و بچهٔ ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیل که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی شود، و نیز اگر زن آن را ترك کند مرد بر او حلال نمی شود، بلکه طفل غیر ممیز اگر ولیّ، او را مُحرم کرد باید او را به احتیاط واجب طواف نساء بدهد تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود.

مسئله 11 - طواف نساء و نماز آن اگرچه واجب است و بدون آن زن حلال

نمی شود، لکن رکن نیست و ترك عمدی آن موجب باطل شدن حج نمی شود، بلکه واجب است بر کسی که حج کرده آن را به جا آورد، و اگر به جا نیاورد زن بر او حلال نمی شود، بلکه آنچه از زن بر او حرام شده بود مثل عقد کردن و خطبه کردن و شاهد شدن نیز بر او حلال نمی شود بنا بر احتیاط واجب.

مسئله 12 - جایز نیست مقدم داشتن سعی را بر طواف زیارت یا بر نماز آن اختیاراً، و جایز نیست مقدم داشتن طواف نساء را بر طواف زیارت و بر سعی اختیاراً، و اگر مقدم داشت اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

مسئله 13 - جایز است طواف نساء را قبل از سعی به جا آورد در حال ضرورت مثل ترس از حیض و نتوانستن اقامت به مکه تا زمان پاکی، لکن احتیاط در آن است که نایب بگیرد که بعد از آن به جا آورد.

مسئله 14 - اگر سهواً طواف نساء را قبل از سعی به جا آورد یا به واسطه ندانستن حکم مقدم بدارد طواف و سعیش صحیح است، و احتیاط در اعاده طواف است.

مسئله 15 - اگر طواف نساء را سهواً به جا نیاورد تا برگشت از حج پس اگر می تواند باید خودش برگردد و به جا بیاورد، و اگر نمی تواند یا مشقت دارد نایب بگیرد و پس از به جا آوردن، زن به او حلال می شود.

مسئله 16 - اگر کسی طواف واجب را - چه طواف عمره و چه طواف حج و چه طواف نساء - فراموش کرد و برگشت و با زن نزدیکی کرد باید يك هدی در مکه قربانی کند، و احتیاط آن است که شتر باشد، و اگر می تواند خودش برود و طواف و نماز آن را به جا آورد. و احتیاطاً در غیر طواف نساء سعی را هم به جا آورد. و اگر نمی تواند یا مشقت دارد نایب بگیرد.

مسئله 17 - اگر کسی طواف را چه طواف عمره یا طواف زیارت از روی جهل به مسئله به جا نیاورد و برگشت به محل خود باید حج را اعاده کند و يك شتر قربانی کند.

## استفتائات اعمال بعد از منی و طواف نساء

1 س - اگر کسی تنها این ترس را داشته باشد که بعد از برگشت از منی در اثر ازدحام نتواند طواف کند یا به مشقت بیفتد، آیا می تواند اعمال حج را مقدم دارد یا نه؟

ج - مورد جواز تقدیم نیست، و نمی تواند مقدم بدارد.

2 س - اعمال حج را به جهت خوف حیض بر اعمال منی مقدم داشت، ولی چون طواف یا سعی را قطع کرده بود، به طوری که می باید اتمام و اعاده کند و چنین کرد، آیا بعد از اعمال منی بر او چیزی نیست؟

ج - اگر وظیفه را انجام داده چیزی بر او نیست.

3 س - آیا نایب هم اگر خوف حیض یا مرض داشته باشد می تواند اعمال حج را بر وقوفین و اعمال منی مقدم بدارد یا نه؟

ج - مانع ندارد.

4 س - کسانی که اعمال حج را قبل از اعمال منی انجام می دهند، آیا می توانند سعی را بعد از برگشتن از منی انجام دهند و باقی اعمال را قبل؟

ج - محل اشکال است.

5 س - تقدیم اعمال مکه برای ذوی الاعذار جایز یا لازم است؟

ج - جایز است، و لازم نیست.

6 س - کسانی که اعمال حج را مقدم بر وقوفین می نمایند، آیا باید اقرب زمان به موقوفین را رعایت کنند؟

ج - لازم نیست.

7 س - تشخیص عذر برای کسانی که اعمال حج را مقدم می دارند، بر عهده خود

آنان است یا بر عهده گردانندگان گروه و مسئولین؟

ج - تشخیص با خود مکلف است.

8 س - کسی که او را به وسیله تخت طواف می دهند، آیا می تواند اعمال حج خود را بر وقفین مقدم بدارد؟

ج - اگر در هر صورت باید او را طواف دهند و عذر دیگری نیست، نمی تواند مقدم بدارد.

9 س - کسی که اعمال حج را بر وقفین مقدم می دارد، آیا می تواند طواف نساء را بعد از وقفین و اعمال دیگر انجام دهد؟

ج - بنابر احتیاط در موردی تقدیم بدارند که هر سه عمل را مقدماً انجام دهند.

10 س - شخصی که می تواند اعمال مکه را بر وقفین مقدم بدارد اگر جهلاً بدون احرام، اعمال مکه را انجام داد چه صورتی دارد؟

ج - کفایت نمی کند و باید یا قبل از وقفین آنها را با احرام اعاده کند و یا بعد از وقفین و اعمال منی آنها را به جا آورد.

11 س - آیا می تواند اعمال مکه را به نایب واگذارد، در صورتی که می تواند تأخیر بیندازد تا خود به جا آورد؟

ج - با فرض این که می تواند خودش به جا آورد ولو با تأخیر تا آخر وقت نمی تواند نایب بگیرد.

12 س - در مناسک فرموده اید: «وقت انجام اعمال حج تا روز یازدهم است و بعید نیست که تا آخر ماه ذی الحجه نیت کند» در صورتی که وقت انجام مناسک حج تا روز یازدهم باشد، اگر تأخیر انداخت چون محتمل است ظرف وجوب منقضی شده باشد آیا معصیت نموده است؟

ج - معصیت نیست.

13 س - کسی که از منی برگشته و هنوز اعمال واجب مکه را انجام نداده، آیا

می تواند طواف مستحبی انجام دهد، و نیز در حال احرام عمره تمتع آیا می تواند قبل از انجام عمره، طواف مستحبی انجام دهد؟

ج - احتیاطاً ترك نمايد.

14 س - آیا بعد از انجام اعمال منی قبل از انجام اعمال مکه می توان از مکه خارج شد یا خیر؟

ج - مانع ندارد.

مسأله 15 - اگر شخص، چندین عمره مفرده به جای آورده باشد و در هیچ کدام طواف نساء نکرده باشد يك طواف نساء برای تمام آنها کفایت می کند.

مسأله 16 - احتیاط آن است که نایب در طواف نساء، نیت ما فی الذمه کند گرچه می تواند به نیت منوب عنه انجام دهد.

17 س - آیا پیش از به جا آوردن طواف نساء و بعد از انجام حلق و اعمال بعدی، تمام انواع تلذذ و تمتع از زن حرام است و یا اختصاص به جماع دارد؟

ج - از مطلق تلذذ از زن باید اجتناب نماید.

18 س - آیا تأخیر طواف نساء از سعی تا چند روز جایز است یا خیر؟

ج - مانع ندارد.

19 س - شخصی بعد از حج ازدواج کرد و دارای اولاد شد، بعداً متوجه می شود که در حج طواف نساء را نیاورده است، حال که متوجه شده است، حکم زن و فرزند او چگونه است و نسبت به طواف باید چه کند؟

ج - با فرض جهل، فرزند او حکم حلال زاده را دارد ولی عقد ازدواج باطل است، و باید طواف نساء را انجام دهد، و اگر بخواهد بعد از آن تجدید عقد نماید.

20 س - مردی به زنش گفت وظیفه من طواف نساء است، ولی تو باید طواف رجال به جا آوری! زن به جای نیت طواف نساء طواف رجال ذکر کرد، آیا کافی است یا نه؟

ص: 249

ج - اگر منظورش ادای وظیفه است، مانع ندارد.

21 س - کسی که عمره مفرده انجام می داد بدون این که تقصیر کند طواف نساء را به جا آورد، آیا وظیفه او چیست، و عمره او باطل است یا نه؟

ج - عمره باطل نمی شود، لکن باید بعد از تقصیر، طواف نساء را اعاده نماید، و بدون آن حرمت نساء باقی است.

22 س - شخصی پس از مراجعت از مکه شك می کند که طواف نساء حج یا عمره مفرده را به جا آورده یا نه، چه وظیفه ای دارد؟

ج - اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته، باید طواف نساء را انجام دهد، و همچنین است در صورت التفات علی الاحوط، بلکه خالی از قوت نیست.

23 س - اگر کسی بعد از شوط چهارم طواف نساء عمره مفرده با زوجه خود مواجهه نماید، آیا مانند طواف نساء حج است که به حج لطمه ای وارد نکرده و کفاره هم ندارد؟

ج - بلی، عمل صحیح است و کفاره ندارد، اگرچه حرام مرتکب شده است.

24 س - به جا نیاوردن طواف نساء از روی جهل همانند طواف حج و عمره است که باید حج را اعاده کند و شتر قربانی نماید، چنانچه در مسأله 17 فصل پنجم حج در مناسک می فرماید؟

ج - ترك طواف نساء، حج را باطل نمی کند و کفاره ندارد، ولی حرمت نساء بدون آن باقی است و ارتکاب آن کفاره دارد.

25 س - شخصی قبل از طواف نساء با زوجه خود ملاعبه نموده و از روی شهوت به او دست زده است، آیا کفاره دارد؟

ج - کفاره دارد مگر در صورت جهل.

26 س - زنی که اعمال حج خود را بر وقوفین مقدم داشته، بعد از سعی حائض

ص: 250

می شود، شوهرش در همان وقت به نیابت از او طواف نساء را انجام می دهد، آیا این نیابت صحیح است؟

ج - صحیح نیست، و تقدیم برای کسی است که خودش طواف می کند. و احتیاط آن است که اکتفا به آنچه مقدم داشته هم نکند.

27 س - اگر نایب، طواف نساء را به جا نیاورد، آیا فقط زن بر او حرام است یا ذمه اش هم مشغول است، هرچند بعد از مردن باشد، که باید برای او قضا کند؟

ج - ذمه او هم مشغول است، ولی خودش باید در حیاتش انجام دهد و اگر نمی تواند نایب بگیرد.

28 س - شخصی طواف نساء عمره مفرده را فراموش کرده و بعد برای عمره تمتع مُحرم شده است، آیا طواف نساء فراموش شده را بعد از انجام اعمال عمره تمتع به جا آورد یا قبل از آن؟

ج - می تواند بعد از انجام اعمال عمره تمتع به جا آورد، و اگر تأخیر بیندازد، طواف نساء حج کفایت از آن می کند.

29 س - کسی که طواف نساء عمره مفرده را به جا نیاورده و بعد از آن حج افراد به جا می آورد، آیا طواف نساء حج افراد کفایت می کند؟

ج - کفایت می کند.

30 س - پیرمردان و پیرزنانی که عمل زناشویی از آنان ممکن نیست و ازدواج هم نمی کنند و نیز کسی که عتین است، آیا اگر طواف نساء را نیاورند اشکال دارد؟

ج - گرچه طواف نساء جزو اعمال نیست، لکن عمل واجبی است که باید انجام داده شود.

ص: 251

آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد این جا نیز جاری است، و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می آید، در روز عید قربان بیاید و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ ، وَسَلِّمْنِي لَهُ وَسَلِّمَهُ لِي ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي ، وَأَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ ، وَالْبَلَدُ بِلَدِّكَ ، وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ ، حِثُّ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ ، وَأَوْمُ طَاعَتِكَ مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ ، رَاضِياً بِقَدْرِكَ ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ» .

پس به نزد حجرالأسود بیاید و استلام و بوسه نماید، و اگر بوسیدن ممکن نشد دست به حجر مالیده و دست خود را ببوسد، و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره به جا آورده بود به جا آورد.



اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسأله 1 - واجب است بر حاج که شب یازدهم ذی الحجه و شب دوازدهم را در منی بیتوته کند؛ یعنی در آن جا بماند از غروب آفتاب تا نصف شب.

مسأله 2 - چند طایفه باید در شب سیزدهم تا نصف شب بمانند:

اول - کسی که صید کرده است در احرام، و احتیاط واجب آن است که اگر صید را گرفته باشد و نکشته باشد شب سیزدهم را بماند، لکن غیر از صید کردن چیزهای دیگر که از صید بر مُحرم حرام است، مثل خوردن گوشت صید و نشان دادن صید به صیاد و غیر آن را اگر اجتناب نکرده واجب نیست بیتوته شب سیزدهم.

دوم - کسی که نزدیکی با زن کرده در احرام چه در قُبُل و چه در دُبُر و چه با زن خود یا اجنبیه. ولی غیر از جماع کارهای دیگر مثل بوسیدن و لمس و غیر آن را اگر اجتناب نکرده واجب نمی شود بیتوته شب سیزدهم.

سوم - کسی که در روز دوازدهم کوچ نکرد از منی و غروب شب سیزدهم را درك کرد.

مسأله 3 - چند طایفه اند که واجب نیست در شب های یازده و دوازده و سیزدهم در منی بمانند:

اول - بیماران و پرستاران آنها و دیگر کسانی که برای آنها مشقت داشته باشد ماندن به هر عذری که باشد.

دوم - کسانی که ترس آن دارند که اگر شب را بمانند مال آنها در مکه از بین می رود به شرطی که مال مُعْتَدُّ به باشد.

سوم - شبان هایی که احتیاج دارد حیوانات آنها به چرانیدن در شب.

چهارم - کسانی که متکفل آب دادن به حجاج هستند در مکه.

پنجم - کسانی که شب را در مکه بیدار باشند و به عبادت مشغول باشند تا صبح و کار دیگر جز آن نکنند مگر کارهای ضروری از قبیل خوردن و آشامیدن به قدر احتیاج و تجدید وضو.

مسأله 4 - کسی که در احرام عمره تمتع از صید و زن اجتناب نکرده باید شب سیزدهم بماند، و این حکم اختصاص به احرام حج ندارد.

مسأله 5 - مقدار شب که واجب است در این سه شب بیتوته کرد از اول شب است تا نصف آن، پس کسی که از غروب بیتوته کرد در منی تا نیمه شب مانع ندارد بعد از آن بیرون برود، و احتیاط مستحب آن است که پیش از طلوع صبح وارد مکه نشود.

مسأله 6 - کسی که در اول شب بی عذر در منی نبود احتیاط واجب آن است که قبل از نیمه شب برگردد و تا صبح بماند.

مسأله 7 - نیمه شب را باید از اول غروب تا طلوع آفتاب حساب کنند بنابر احتیاط واجب، و احتیاط آن است که از مغرب شرعی حساب کنند.

مسأله 8 - بیتوته در منی از عبادات است و باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند به جا آورد.

مسأله 9 - جایز نیست در غیر مکه مشغول عبادت شود و به منی نرود، حتی در بین راه منی و مکه به احتیاط واجب.

مسأله 10 - کسی که ترك کند بیتوته به منی را در شبی که واجب است بماند برای هر شبی يك گوسفند باید قربانی کند.

مسأله 11 - فرقی نیست در واجب بودن قربانی بین آن که از روی علم و عمد باشد یا از روی نسیان باشد یا از روی ندانستن مسأله.

مسأله 12 - کسانی که در مکه تا صبح به عبادت مشغول بودند و نیامده اند به منی قربانی بر آنها واجب نیست.

مسأله 13 - چهار طایفه ای که در مسأله سوم گفته شد واجب نیست در منی بمانند، در صورتی که نماندند باید برای هر شب يك گوسفند کفاره قربانی کنند حتی دسته سوم و چهارم به احتیاط واجب.

مسأله 14 - گوسفندی که باید قربانی شود هیچ يك از شرایط هدی را که در منی برای حج باید ذبح کند لازم نیست داشته باشد.

مسأله 15 - گوسفندی را که باید قربانی کند محل معینی ندارد حتی می تواند پس از مراجعت به محل خود قربانی بکند اگرچه احتیاط آن است که در منی قربانی کند.

مسأله 16 - اگر قسمتی از اول شب که باید در منی بیتوته کرد، درك نشود یا زودتر از نصف شب از منی خارج شوند، احتیاط واجب آن است که يك گوسفند قربانی کنند و فرقی بین صورت عذر و عدم عذر نیست.

مسأله 17 - کسانی که جایز است برای آنها کوچ کردن در روز دوازدهم باید بعد از ظهر کوچ کنند و جایز نیست قبل از ظهر، و کسانی که در روز سیزدهم کوچ می کنند مختارند هر وقت را بخواهند کوچ کنند.

مسأله 1 - اگر حاجی صبح دوازدهم به مکه بیاید واجب نیست برای نَفَر بعد از ظهر به منی برگردد گرچه رفتن او به مکه قبل از ظهر جایز نیست.

مسأله 2 - در کوچ کردن بعد از ظهر روز دوازدهم زن ها هم حکم مردان را دارند بنابراین اگر با عذر از رمی در روز، شب دوازدهم رمی کردند نمی توانند قبل از ظهر از منی کوچ کنند مگر از ماندن تا بعد از ظهر معذور باشند.

مسأله 3 - کسانی که در زمین های متصل به منی که از منی نیست در شب یازدهم و دوازدهم بیتوته می کنند باید کفاره بدهند و برای هر شب يك گوسفند قربانی کنند هرچند اعتقاد پیدا کرده باشند که آن جا از منی است یا به گفته اشخاص محلی، مطمئن شده باشند.

مسأله 4 - اگر حاجی قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منی خارج شده و بعد از غروب به منی مراجعت کرده، واجب نیست شب را بماند و رمی روز سیزدهم بر او واجب نمی شود.

5 س - بیتوته در منی اگر در غیر منی انجام شود چه صورت دارد، و آیا اشخاص جاهل به موضوع معذورند یا خیر؟

ج - باید قربانی کنند، و فرقی بین عالم و جاهل نیست.

6 س - کسانی که مقداری از اول شب با عذر یا بدون عذر در خارج منی بودند یا قبل از نصف شب خارج شدند، در مناسك احتیاط استحبابی است نسبت به کفاره و در تحریر احتیاط وجوبی، آیا کفاره واجب است یا خیر؟

ج - این احتیاط وجوبی است و ترك نشود.

7 س - فرموده اید: کسی که بدون عذر نصف اول شب را در منی نبود واجب است

نصف دوم را در منی بماند، آیا کفاره ترك مبيت را نیز باید بدهد؟

ج - باید کفاره هم بدهد.

8 س - کسی که در شب یازدهم و دوازدهم باید در منی باشد یا در مسجد الحرام مشغول عبادت گردد، در مسجد الحرام مشغول عبادت می شود، ولی در بین آن از خستگی مرتب چرت می زند و بیدار می شود، وظیفه او چیست؟ و سؤال دیگر در این رابطه که اخیراً پشت بامی وسیع برای مسجد الحرام - زاده الله شرفاً - درست کرده اند، آیا شب هایی که باید یا در منی بماند و یا در مسجد الحرام مشغول عبادت باشد، ماندن در آن جا و عبادت کردن کافی است یا نه؟

ج - اگر به قدری خواب می رود که صدق نمی کند که تمام شب مشغول به عبادت بوده، کافی نیست و باید کفاره بدهد. و عبادت در هر جای مکه کافی است.

9 س - اینجانب شغلم حمله داری است، چندین سال قبل جایی را که یقین داشتم جزء منی است با حاجی ها بیتوته نموده ام و سال های بعد فهمیدم و برآیم یقین حاصل شد جایی که سال های قبل بیتوته نموده ایم خارج از منی است آیا کفاره بر این جانب و همه حجج واجب است یا نه؟ و در صورتی که کفاره واجب باشد، آیا کفاره حجج بر عهده خودشان است یا بر عهده من؟ و آیا ابلاغ به حجج واجب است یا نه؟ و اگر بعضی از آنان مرده باشند یا دسترسی به آنان نباشد، تکلیف چیست؟

ج - کفاره ترك بیتوته خود شما بر شما واجب است، و کفاره دیگران بر شما واجب نیست، و لازم نیست به آنان اعلام نمایید، و اگر فهمیدند کفاره بر خود آنان واجب است، ولی اگر اجرت عمل صحیح و عملی که انجام شده تفاوتی دارد نسبت به تفاوت باید رضایت حجج تحصیل شود.

10 س - علامت گذاری حدود منی در سال های قبل با علامت گذاری الآن که به وسیله حکومت انجام گرفته فرق می کند، و اینجانب که شغلم حمله داری است در

ص: 257

سال های قبل با حجاج در قطعه زمینی بیتوته کرده ایم که اگر تعیین فعلی حکومت صحیح باشد، بیتوته ما در خارج از منی بوده، و اگر تعیین قبلی صحیح باشد که ما یقین به آن داریم طبق علمیت قبلی و نظر پیروان اهل مکه بیتوته ما صحیح است، حال بنابر این که تعیین حکومت صحیح باشد، آیا تکلیف ما نسبت به بیتوته سال های قبل چیست؟ و در صورت وجوب كفاره، آیا ابلاغ به همه حجاج لازم است یا نه؟ و آیا با توجه به این که در فرض مسأله بیتوته ترك نشده بلکه اشتباه در مصداق بوده است، نسبت به حجاج ضامن می باشم یا نه؟

ج - اگر در محلی بیتوته کرده اید که یقین به منی بودن آن داشته اید تا یقین پیدا نکنید که خارج منی بوده، قربانی لازم نیست، و در این صورت ابلاغ و اعلام لازم نیست.

11 س - آیا کسانی که عذر دارند از رمی در روز می توانند شب دوازدهم برای روز دوازدهم رمی کنند و از منی به مکه بیایند و دیگر برنگردند به منی یا باید صبر کنند و بعد از ظهر با مردم کوچ کنند؟

ج - می توانند بعد از مَبیت واجب، خارج شوند و لازم نیست صبر کنند.

12 س - قبلاً سؤال شده است که آیا کسانی که خوف مشقت دارند می توانند شب دوازدهم رمی جمره نموده به مکه رفته و دیگر به منی برنگردند؛ و حضرت عالی جواب فرموده اید در صورت عذر اشکال ندارد، ولی قبل از نصف شب نباید بیرون بروند. با توجه به مسأله فوق این سؤال مطرح می شود که آیا خدمه کاروان ها نیز برای پذیرایی از این قبیل زائرین می توانند به همراه آنان در شب رمی نموده و به مکه بروند و برای وقوف تا وقت شرعی روز دوازدهم دیگر به منی برنگردند؟

ج - وقوف در روز دوازدهم واجب نیست و آنچه واجب است کوچ نکردن قبل از زوال است، و اشخاص ذکر شده می توانند بعد از نصف شب از منی بروند و روز دوازدهم برای رمی به منی برگردند ولو بعد از ظهر، و اگر قبل از ظهر آمدند بعد از ظهر

بیرون بروند و رمی شب برای آنها کافی نیست.

13 س - حاجی شب دوازدهم بعد از نصف شب از منی خارج و به مکه می رود، روز بعد برای رمی به منی می آید، آیا لازم است که قبل از ظهر به منی بیاید یا چون وظیفه ای غیر از رمی ندارد بعد از ظهر هم می تواند بیاید؟

ج - لازم نیست قبل از ظهر به منی بیاید، هرچند اگر قبل از ظهر بیاید نمی تواند قبل از ظهر کوچ کند.

14 س - مدیر کاروانی زن ها را قبل از ظهر دوازدهم، از منی خارج نمود، وظیفه آنان که از مسأله اطلاع نداشتند و یا اگر متوجه مسأله بودند نمی توانستند بدون مدیر کاروان و همراهان در منی بمانند چیست؟

ج - با فرض این که عذر داشته اند مانع ندارد.

15 س - مقدار شب برای کسی که در مکه به جای بیتوته در منی به عبادت مشغول می شود، چقدر است؟ از مغرب تا طلوع فجر است یا تا طلوع آفتاب؟

ج - تا طلوع فجر حساب می شود.

16 س - بعد از اعمال ثلاثه روز عید می خواهد برای طواف ها به مکه برود، ولی می داند که اگر به مکه برود سه ساعت از مَبیت اول شب را درك نمی کند، آیا برود یا نه؟ و اگر رفت کفاره دارد یا خیر؟

ج - رفتن از منی به مکه در فرض مرقوم مانع ندارد، ولی برای تأخیر باید کفاره بدهد.

ص: 259

اشاره

و در آن چند مسأله است:

مسأله 1 - شب هایی که واجب است در منی بیتوته کند باید در روز آنها رمی جمرات سه گانه کند؛ یعنی سنگ ریزه بزند به سه محل که یکی را جمره اولی و یکی را جمره وسطی و یکی را جمره عقبه گویند، ولی اگر عمداً همه آن را ترك کند به حج او ضرر نمی رساند و صحیح است گرچه در صورت عمد معصیت کار است.

مسأله 2 - اشخاصی که باید شب سیزدهم را در منی بمانند واجب است روز سیزدهم رمی جمرات کنند.

مسأله 3 - عدد سنگ ریزه که باید به جمره بزند برای هر يك در هر روزی باید هفت عدد باشد و کیفیت انداختن و شرایط و واجبات آن به همان نحو است که سابقاً در جمره عقبه گفته شد.

مسأله 4 - وقت انداختن سنگ از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روزی است که شب آن روز را بیتوته کرده است، و در شب جایز نیست به جا آورد.

مسأله 5 - اگر کسی عذری داشته باشد از این که روز به جا آورد مثل شبان و



مریض و علیل و کسی که ترس داشته باشد از چیزی مثل تراحم جمعیت، جایز است شب آن روز یا شب بعد انجام دهد.

مسئله 6 - واجب است ترتیب در سنگ انداختن به این که اول به جمرهٔ اولی و بعد از آن به جمرهٔ وسطی و بعد از آن به جمرهٔ عقبه سنگ بیندازد.

مسئله 7 - اگر به ترتیبی که گفته شد به جا نیاورد باید دوباره آنچه که برخلاف ترتیب کرده به جا آورد به طوری که ترتیب حاصل شود، مثلاً اگر اول به جمرهٔ وسطی انداخت و بعد به جمرهٔ اولی کفایت می کند که جمرهٔ وسطی را دوباره به جا آورد و بعد جمرهٔ عقبه را و اعادهٔ جمرهٔ اولی لازم نیست.

مسئله 8 - در حکمی که در مسئلهٔ هفتم ذکر شد فرق نیست میان آن که از روی علم و عمد خلاف ترتیب کند یا از روی سهو و نسیان یا از روی ندانستن مسئله، در هر صورت باید اعاده کند.

مسئله 9 - اگر کسی چهار سنگ به جمرهٔ اولی بیندازد و آن را رها کند و مشغول جمرهٔ بعدی بشود کافی است، و لازم نیست تمام هفت سنگ مقدم باشد پس می تواند چهار سنگ به جمرهٔ اولی بزند و بعد چهار سنگ به جمرهٔ وسطی و بعد مشغول جمرهٔ عقبه شود، و به هر ترتیب می خواهد هفت سنگ جمرهٔ عقبه و سه سنگ آن دو تایی دیگری را بیندازد، لکن احتیاط واجب از برای کسی که از روی علم و عمد این کار را کرده اعاده است.

مسئله 10 - اگر کسی فراموش کند در یکی از روزها رمی کند واجب است روز بعد آن را قضا کند، و اگر دو روز را فراموش کرد باید در روز بعد هر دو را قضا کند، و همچنین است اگر از روی عمد ترك کرده باشد.

مسئله 11 - واجب است قضا را مقدم بدارد بر ادا، پس در روز یازدهم اگر بخواهد قضای روز عید را به جا بیاورد اول قضای عید را به جا آورد و بعد رمی روز یازدهم را

که ادا است، و همچنین باید قضای روز جلو را مقدم بدارد بر قضای روز بعد، پس اگر در روز سیزدهم مثلاً بخواهد قضای روز عید و روز یازدهم و روز دوازدهم را به جا آورد باید به ترتیب از قضای روز عید شروع و به روز سیزدهم ختم کند که ادا است.

مسئله 12 - چنانچه قضای رمی جمرات سه گانه واجب است قضای رمی بعضی از آنها هم اگر ترك شده باشد واجب است، پس اگر در روز یازدهم جمره اولی را رمی کرد و دو تای دیگر را نکرد روز بعد باید آن را که نکرده اتیان کند و بعد تکلیف این روز را به جا آورد.

مسئله 13 - اگر در روز بعد فهمید که جمرات روز قبل را به خلاف ترتیب انداخته باید قضا کند به طوری که ترتیب حاصل شود و بعد وظیفه این روز را به جا آورد.

مسئله 14 - اگر به هر يك از جمرات یا بعضی آنها چهار سنگ انداخته باشد و در روز بعد یادش بیاید احتیاط واجب آن است که بقیه روز قبل را قضا کند و بعد وظیفه روز را به جا آورد.

مسئله 15 - اگر کسی فراموش کند رمی جمرات سه گانه را و خارج شود از منی و به مکه بیاید پس اگر در ایام تشریق یادش آمد باید برگردد و به جا آورد، و اگر متمکن نیست باید نایب بگیرد، و اگر بعد از ایام تشریق یادش بیاید یا عمداً تعویق بیندازد تا بعد، احتیاط واجب آن است که خودش یا نایبش از مکه برگردد و به جا آورد، و در سال دیگر هم در ایامی که فوت شده است خودش یا نایبش قضا کند.

مسئله 16 - اگر فراموش کرد رمی جمرات را و یادش نیامد مگر بعد از خروج از مکه احتیاط واجب آن است که در سال دیگر قضا کند آن را خودش یا نایبش.

مسئله 17 - کسی که بعضی از جمرات را فراموش کند حکمش همان است که در مسئله 15 و 16 ذکر شد، بلکه کسی که کمتر از هفت سنگ در تمام جمرات یا بعضی آن انداخت همین حکم را دارد بنا بر احتیاط واجب.

مسئله 18 - کسی که عذر داشته باشد از انداختن سنگ مثل آن که مریض باشد یا

طفل باشد که نتواند رمی کند یا علیل باشد مثل آن که دست یا پایش شکسته باشد یا از شدت بیحالی نتواند یا بیهوش باشد باید نایب به جا آورد، و اگر از نایب گرفتن هم عاجز باشد مثل بیهوش و طفل کوچک، ولی او یا شخص دیگری از طرف او به جا آورد، و احتیاط واجب آن است که تا مأیوس نشده از این که خودش عمل کند نایب عمل نکند و بهتر آن است که اگر می شود شخص معذور را ببرند و در حضور او رمی کنند، و اگر می شود سنگ را در دست او بگذارند و بیندازند.

مسأله 19 - اگر بعد از آن که نایب عمل را به جا آورد عذر برطرف شد آوردن خودش لازم نیست اگرچه احوط است.

مسأله 20 - اگر شخص مریض مأیوس باشد از خوب شدن یا شخص معذور مأیوس باشد از رفع عذر، واجب است که نایب بگیرد، و اگر مأیوس نیست می تواند نایب بگیرد، لکن اگر عذر رفع شد احتیاط آن است که خودش عمل کند.

مسأله 21 - اگر دیگران مأیوس باشند از رفع عذر معذور، لازم نیست از او اذن بگیرند اگرچه احوط است، و اگر نتواند اذن بدهد اذن معتبر نخواهد بود.

مسأله 22 - اگر بعد از گذشتن روزی که واجب بوده در آن رمی کند شك کند که به جا آورده یا نه اعتنا نکند.

مسأله 23 - اگر بعد از انداختن شك کند که کیفیت آن صحیح بوده یا نه اعتنا نکند.

مسأله 24 - اگر در وقتی که مشغول رمی جمرة عقبه است شك کند که اولی را یا دومی را یا هر دو را رمی کرده یا صحیح انجام داده یا نه اعتنا نکند.

مسأله 25 - اگر در عدد شك کند که آیا هفت بوده یا کمتر قبل از آن که داخل شود در رمی جمرة بعدی باید آنچه محتمل است که کسر شده بیاورد تا یقین کند هفت عدد شده هر چند منصرف از عمل شده باشد و مشغول کارهای دیگر باشد بنابر احتیاط واجب.

مسأله 26 - اگر بعد از گذشتن روزی که باید رمی کند یقین پیدا کند که یکی از سه جمره را رمی نکرده ظاهراً جایز است اکتفا به قضای رمی جمره عقبه کند، و احتیاط آن است که هر سه را قضا کند.

مسأله 27 - اگر بعد از آن که داخل در جمره بعدی شد شك کند در عدد قبلی پس اگر بداند چهار سنگ از قبلی را انداخته و شك کند که بقیه را یا بعضی از آنها را انداخته یا نه به احتیاط واجب بقیه را اتیان کند اگرچه بعد از اتیان جمره بعدی، و اگر در کمتر از چهار، شك داشته باشد تا مقدار چهار اعتنا نکند و سه سنگ دیگر را بزند.

مسأله 28 - اگر بعد از انداختن به هر سه جمره یقین پیدا کند که يك سنگ یا دو سنگ یا سه سنگ از یکی از سه جمره ناقص شده باید هرچه را احتمال کسری داده به هر يك از سه جمره بزند.

مسأله 29 - اگر بعد از انداختن سنگ به هر سه یقین کند که یکی از آنها را از چهار کمتر انداخته بعید نیست جواز اکتفا به کسری جمره آخری، و احتیاط آن است که جمره آخری را از سر بگیرد، و احتیاط بالاتر آن است که هر سه را از سر بگیرد.

مسأله 30 - اگر بعد از گذشتن وقت هر سه روز یقین کند که يك روز را رمی نکرده و نداند کدام روز است باید هر سه را قضا کند با مراعات ترتیب، گرچه به احتمالی اکتفا به قضای روز آخر جایز است.

### مسائل متفرقه و استفتائات رمی

مسأله 1 - زن ها و مراقبین آنها و افراد ضعیفی که مجازند بعد از نصف شب از مشعر الحرام به منی وارد شوند اگر از رمی در روز معذورند می توانند شب رمی کنند بلکه زن ها مطلقاً مجازند همان شب رمی نمایند.

مسأله 2 - در طبقه دوم جمرات رمی جایز است و لازم نیست در طبقه اول رمی نمایند.

مسأله 3 - کسانی که عذر دارند از این که روز عید رَمی کنند می توانند شب قبل از آن یا شب بعد از آن رَمی کنند، و اگر از رَمی روز یازدهم نیز معذورند می توانند بعد از رَمی به جای روز عید، در شب یازدهم رَمی روز یازدهم را هم انجام دهند.

4 س - کسانی که با عذر از رَمی در روز می توانند شب رَمی کنند آیا لازم است شب رَمی کنند یا می توانند همان روز نایب بگیرند؟

ج - می توانند نایب بگیرند.

5 س - چنانچه کسانی صبح روز دهم از رَمی کردن معذور باشند ولی اطمینان دارند که بعد از ظهر خلوت است و قادر به رَمی هستند، بفرمایید از صبح می توانند نایب بگیرند یا باید صبر کنند تا خلوت شود و رَمی نمایند؟

ج - اگر می توانند در روز رَمی کنند، نمی توانند نایب بگیرند.

6 س - آیا بدون عذر می توان در شب رَمی کرد یا کافی نیست، و اگر در شب صحیح است آیا گناهی هم مرتکب شده است، و همچنین تأخیر ذبح از روز عید قربان هر چند صحیح است ولی آیا گناهی هم مرتکب شده است؟

ج - بدون عذر، رَمی در شب واقع نمی شود، و اگر بدون عذر رَمی در روز را ترك نماید گناه کرده است، و همچنین معصیت نموده است علی الاحوط اگر ذبح را عمداً از روز عید تأخیر بیندازد. هر چند ذبح صحیح است.

7 س - کسی که در رَمی جمرات نایب شده، آیا می تواند شب رَمی کند یا نه، و همچنین کسی که در اصل حج نایب باشد و از ابتدا می دانسته که نمی تواند رَمی کند، یا نمی تواند روز رَمی کند، و یا در رَمی در روز مسامحه و اهمال کند، حکمش چیست؟

ج - نایب باید اعمال اختیاری حج را انجام دهد، و اگر معذور باشد نمی تواند نایب شود، و کسی که در رَمی نایب شده باید روز رَمی کند، و مسامحه و اهمال موجب

بطلان نیابت نیست، هرچند در فرض سؤال جایز نیست.

8 س - شخصی که خود معذور است و نمی تواند رمی جمرات نماید، آیا می تواند شخص دیگری را که برای او هم رمی در روز مقدور نیست، نایب قرار دهد تا در شب رمی نماید، و آیا در صورت بودن و یا نبودن شخص سومی که بتواند نایب شود و در روز رمی نماید، حکم مسأله فرق دارد یا خیر؟

ج - در صورت امکان باید کسی را نایب بگیرد که در روز رمی نماید، و اگر ممکن نباشد بنا بر احتیاط واجب روز بعد خودش قضا کند، و اگر در قضا هم امکان مباشرت نیست، نایب بگیرد.

9 س - در رمی جمرات اگر سنگریزه، اول به دیوار مجاور و بعد به جمره بخورد آیا کافی است، یا باید سنگریزه دیگر بزند؟  
ج - ظاهراً کافی است.

10 س - شخصی وقت رمی جمرات شك کرد که چند سنگ زده ام، پس آن مقدار را رها کرد و دوباره از اول شروع نمود، آیا رمی او اشکال دارد یا نه؟  
ج - اشکال ندارد هرچند رها نمی شود.

11 س - این که فرموده اید کوچ کردن شب دهم و درك کردن وقوف اضطراری مشعر و رمی در شب دهم برای زنان جایز است و نفس زن بودن عذر است، آیا با این حال زنان می توانند نایب شوند؟  
ج - می توانند نایب باشند.

12 س - در زمان قدیم که جمرات به صورت فعلی نبوده است و یقیناً بعداً بلندتر و قطورتر درست شده است، بنابراین در جمره عقبه چرا رمی کردن مخصوص به آن سنگچین وسط دیوار سیمانی است و رمی به دیوار سیمانی جایز نیست؟ و اگر جایز می دانید بفرمایید؛ زیرا که اکثر مردم در جمره عقبه اکتفا به دیوار سیمانی دو طرف سنگچین می کنند و خلاصه ملاك رمی در جمرات چیست؟

ص: 266

ج - دیوار سیمانی پشت جمره از جمره نیست، و رمی آن کافی نیست.

13 س - اگر مردی که می تواند در روز رمی نماید، برای رمی زنی نایب شود آیا می تواند رمی زن را در شب انجام دهد؟

ج - نمی تواند و باید رمی را در روز انجام دهد.

14 س - افرادی که معذورند از واجباتی که ترکش ولو عمداً مُضر به حج نیست، مثل رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم و مَبیت به منی در شب های یازدهم و دوازدهم، آیا می توانند اجیر شوند و نیابت کنند یا نمی توانند؟

ج - ذوی الاعذار نمی توانند نایب شوند، حتی اگر از مثل مذکورات عذر داشته باشند.

15 س - کسی که به نیابت دیگری رمی جمره می کند، آیا کافی است که اوّل برای خودش هر جمره ای را رمی کند و پس از آن به نیابت دیگران ولو ده نفر باشند یکجا رمی کند، بعد جمره وسطی را هم همین طور و در پایان برای جمره عقبه نیز چنین کند، یا این که باید اوّل هر سه جمره را برای خودش و بعد هر سه را برای دومی، و همچنین نسبت به دیگران رمی نماید؟

ج - هر دو صورت صحیح است.

16 س - کسی که نمی تواند در روز عید رمی کند، آیا می تواند قبل از رمی حلق نماید و روز دیگر رمی کند؟

ج - جایز نیست علی الاحوط.

17 س - آیا جمره عقبه را از هر طرف می توان رمی نمود؟

ج - اگر به جمره بزند کافی است، ولی رمی دیوار کفایت نمی کند.

18 س - سنگریزه هایی که در مشعر موجود است و معلوم است که از خارج از مشعر آورده اند، و معلوم نیست که آیا از حرم است یا از خارج از حرم، آیا می توان از

آنها برای رمی استفاده نمود؟

ص: 267

ج - اگر معلوم است که از خارج آورده اند، در مورد سؤال استفاده نکنند مگر آن که طوری باشد که جزء مشعر محسوب شود.

19 س - شخصی رمی جمره عقبه را در روز عید غلط انجام داده است و در روز سیزدهم متوجه می شود، آیا بعد از قضای جمره عقبه، باید رمی روز یازدهم و دوازدهم را نیز تکرار کند؟

ج - لازم نیست.

20 س - آیا زیاده از هفت رمی، مُخَلِّ به رمی است؟

ج - اگر از اول قصد زیاده از هفت داشته باشد صحیح نیست و باید رمی را اعاده کند، ولی اگر بعد از تمام شدن هفت سنگریزه که به قصد هفت بوده، اضافه زده ضرر ندارد.

21 س - کسی که نتوانسته ذبح کند، و حلق یا تقصیر نیز ننموده است، آیا می تواند رمی روز یازدهم را انجام دهد؟

ج - مانع ندارد.

22 س - زنی که احتمال بدهد رمی، باعث قاعدگی او می شود، آیا کافی است در رمی، نایب بگیرد؟

ج - اگر در اثر آن به مشقت می افتد، عذر محسوب می شود و می تواند نایب بگیرد.

23 س - آیا می شود که زن ها را در شب دهم بعد از نصف شب از مشعر به منی بیاورند و همان شب آنان را به جمره عقبه ببرند و رمی کنند و بعد به خیمه برگردانند و نزدیک غروب روز یازدهم مجدداً آنان را به جمرات ببرند، تا شب دوازدهم هم رمی روز یازدهم را انجام دهند و هم رمی روز دوازدهم را، با توجه به ازدحام و خطرهای احتمالی؟

ج - برای زن ها رمی جمره عقبه پس از وقوف به مشعر و آمدن به منی در همان



شب عید قربان مانع ندارد، ولی رَمی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان در شب صحیح است که از رَمی روز معذور باشند.

24 س - اگر کسی می داند يك روز رَمی را ترك کرده است ولی نمی داند که روز دهم یا یازدهم، یا دوازدهم، وظیفه اش چیست؟

ج - احوط آن است که رَمی سه جمره را به ترتیب به قصد مافی الذمه انجام دهد. اگرچه در صورتی که شك بعد از روز دوازدهم باشد بیش از قضای رَمی جمره عقبه واجب نیست.

25 س - شخصی در رَمی جمرات چنین تصور می کرده است که باید سنگریزه به خود سنگ های نصب شده جمرات بخورد، نه به ملات لای سنگ ها که به وسیله آن ملات بندکشی شده است، لذا برای اطمینان که به خود سنگ ها بخورد، یازده سنگریزه انداخته و هفت عدد از آنها را رَمی صحیح محسوب داشته است، آیا این رَمی صحیح است یا نه؟

ج - اگر مواردی را که شك داشته احتیاطاً زده، مانع ندارد، و چنانچه شك نداشته و قصد زیاده هم نداشته است، صحیح است هر چند در این صورت احتیاط مطلوب است.

26 س - شخصی روز عید قربان برای رَمی جمره عقبه رفته است و انجام داده ولی دو روز بعد را در اثر کسالت وکالت داده و روز سیزدهم خودش برای قضای رَمی جمرات رفته، ولی اول رَمی جمره عقبه نموده بعداً برگشته از جمره اولی شروع کرده و روز یازدهم و دوازدهم را يك مرتبه چهارده سنگ زده، هفت عدد برای روز یازدهم و هفت عدد برای روز دوازدهم و جمره وسطی را همچنین دوازده سنگ زده و جمره عقبه را نیز دوازده سنگ زده است، و الآن به ایران برگشته است، آیا وظیفه او چیست؟

ج - اگر کسالت داشته و معذور بوده وکالت داده عمل او صحیح است، و نیاز به تکرار نداشته است، و در هر صورت تکرار به نحو مرقوم صحیح نیست.

بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود، و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است مستحب می باشد و بعضی آن را واجب دانسته اند و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا آتَانَا.»

و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف به جا آورد، و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است، و هر کس در آن جا صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است، و هر کس در آن جا صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیای نفس کرده باشد، و هر کس در آن جا صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید.

## مستحبات دیگر مکه معظمه

آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

1- زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

2- ختم نمودن قرآن.

3- خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ»

و نیز بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ»

4- نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.

5 - در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن؛ در اول شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخول صبح دو طواف، و بعد از ظهر دو طواف.

6 - هنگام توقف در مکه به عدد ایام سال - یعنی سیصد و شصت مرتبه - طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسر نشد هر مقداری که بتواند.

7 - به خانه کعبه داخل شود خصوصاً کسی که سفر اول او است، و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِ النَّارِ» .

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگزارد در رکعت اول بعد از «حمد» «حم سجده» و در رکعت دوم بعد از «حمد» پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

8 - دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه، و بعد از نماز این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرَفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفِيدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ فَلَيْلِكَ يَا سَدِّ يَدِي تَهَيَّيْتُ وَتَعَبَّيْتُ وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رَفِيدِكَ وَنَوَافِلِكَ وَجَائِزَتِكَ ، فَلَا تَخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلَا شَفَاعَةٍ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقَرَّبًا بِالظُّلْمِ وَالْأَسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَتَقْلِبَنِي بَرَعْبَتِي وَلَا تُرَدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَلَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» .

و مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، پس بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تُجْهِدْ بِلَاءَنَا، رَبَّنَا وَلَا تُثْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا، فَإِنَّكَ أَنْتَ الصَّبَّارُ النَّافِعُ»

بعداً پایین آمده و پله ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله ها دو رکعت نماز بخواند.

### استحباب عمره مفرده

بدان که بعد از فراغ از اعمال حج در صورتی که میسور باشد مستحب است عمره مفرده به جا آورده شود، و در اعتبار فاصله بین این عمره و عمره سابق خلاف است، و احتیاط در این است که در فصل کمتر از يك ماه به قصد رجاء به جا بیاورد، و کیفیت این عمره در صورت حج افراد و عمره مفرده ذکر شد.

### طواف وداع

بدان که برای کسی که می خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع نماید، و در هر شوطی حجرالأسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به جا آورد و آنچه خواهد دعا نماید بعداً حجرالأسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند يك دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى فِي جَنبِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ» .

و مستحب است وقت بیرون آمدن، از باب حناطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن يك درهم خرما خریده و آن را بر فقرا تصدق نماید.

مسأله 1 - در وقتی که در مسجد الحرام یا مسجد النبی نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آن جا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.

مسأله 2 - سجده نمودن بر تمام اقسام سنگ ها چه مرمر باشد یا سنگ های سیاه معدنی یا سنگ گچ و آهک قبل از آن که پخته شود، جایز است. و سنگ هایی که در مسجد الحرام از این قبیل است سجده بر آنها اشکال ندارد و همین طور در «مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم».

مسأله 3 - در «مکه» و «مدینه» در مسافرخانه و هتل نباید نماز را به جماعت بخوانند و می توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند.

مسأله 4 - تخییر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی دارد، و در تمام مکه و مدینه جاری نیست بلی، اختصاص به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه داده شده مسجد هم جاری است هر چند احتیاطاً اقتضای بر مسجد اصلی است، پس در تمام مسجد فعلی مسافر می تواند نماز را تمام بخواند همان طور که می تواند شکسته بخواند.

مسأله 5 - در تقصیرهایی که در عمره تمتع کرده است احتیاط واجب آن است که گوسفند یا غیر آن را در مکه سر ببرد، و اگر در حج تقصیر کرد در منی سر ببرد، و اگر ترك كرد آن را و برگشت به محل خود، در محل خود بکشد و صدقه بدهد.

مسأله 6 - کسی که در میقات یا محاذی آن یا جای دیگری که تکلیف اقتضا می کرد مُحرم شد نمی تواند احرام خود را به هم بزند و مُحل شود برای رفتن به مدینه منوره یا برای مقصد دیگری، و اگر لباس احرام را هم بکند و قصد بیرون آمدن از احرام را بکند احرامش به هم نمی خورد، و آنچه به واسطه احرام بر او حرام شده حلال نمی شود، و اگر کاری که موجب کفاره است به جا آورد باید کفاره بدهد.

مسأله 7 - اگر به واسطه عذری مثل مرض نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام بپوشد باید در میقات یا محاذات آن نیت عمره و یا حج کند و لبیک بگوید، و کافی است، و هر وقت عذرش برطرف شد جامه دوخته را بکند، و اگر لباس احرام نپوشیده بپوشد، و لازم نیست به میقات برگردد، ولی برای پوشیدن لباس دوخته باید يك گوسفند قربانی کند.

مسأله 8 - کسی که از روی ندانستن مسأله یا نسیان از حکم یا موضوع یا غفلت، بعضی از محرمات احرام را ارتکاب نموده کفاره ندارد مگر صید که در هر صورت کفاره دارد، پس در غیر صید ارتکاب از روی عمد و علم موجب کفاره است.

مسأله 9 - عمره تمتع و حج تمتع باید در يك سال واقع شوند، پس اگر در يك سال عمره تمتع به جا آورد و در سال دیگر حج تمتع صحیح نمی باشد.

مسأله 10 - کسی که وظیفه اش حج تمتع است باید در حالی که می خواهد احرام عمره ببندد نیت آن داشته باشد که عمره تمتع کند و بعد از آن حج تمتع اگرچه به نیت ارتکازی اجمالی، پس اگر نیت عمره مفرده بکند و بعد بخواهد آن را عمره تمتع قرار دهد حج او اشکال پیدا می کند.

مسأله 11 - اگر بعد از مشغول شدن به حج تمتع شك کند که عمره تمتع را به جا آورده یا نه یا شك کند که صحیح به جا آورده یا نه اعتنا نکند و عملش صحیح است.

مسأله 12 - در هر يك از اعمال عمره و حج اگر شك کند بعد از آن که وارد عملی شده باشد که مترتب بر اوست اعتنا نکند، چه شك کند که آورده یا نه، یا شك کند که صحیح آورده یا فاسد.

مسأله 13 - باید عمره تمتع و حج تمتع هر دو در ماه های حج واقع شود، و ماه های حج؛ شوال و ذی القعدة و ذی الحجه است. پس اگر کسی در شوال یا ذی القعدة عمره تمتع به جا آورد و در موقع حج، حج تمتع به جا آورد صحیح است، و اگر قبل از شوال بخواهد عمره تمتع به جا آورد صحیح نیست اگرچه بعضی اعمال عمره قبل از شوال واقع شود و بقیه در شوال یا سایر ماه های حج.

مسأله 14 - کسی که به احرام عمره تمتع وارد مکه شد در صورتی که حج او فوت شده قصد عمره مفرده کند، و به همان احرامی که بسته، عمره مفرده به جا آورد و از احرام خارج شود، و اگر حج بر او مستقر بوده یا سال دیگر شرایط استطاعت را دارا باشد باید به حج برود.

مسأله 15 - شرایطی که برای هدی است که در حج تمتع باید ذبح کند هیچ يك در حیوانی که برای كفاره تقصیر باید قربانی کند معتبر نیست پس می تواند گوسفند خصی و معیوب را برای كفاره قربانی کند.

مسأله 16 - غیر از هدی تمتع از هدی هایی که برای كفاره یا چیز دیگر بر انسان واجب می شود نمی تواند شخص كفاره دهنده از گوشت آنها بخورد، و اما از قربانی استحبایی، جایز است بخورد.

مسأله 17 - مصرف كفارات، فقرا و مساکین هستند.

مسأله 18 - اگر در حرم چیزی پیدا کرد برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط در برداشتن است.

مسأله 19 - اگر لقطه حرم را برداشت و از يك درهم کمتر باشد می تواند قصد تملك آن را بکند و آن را مصرف کند، و ضامن صاحبش نیست، و چنانچه تملك نکرد و تفریط نکرد ضامن نیست، ولی اگر بدون تملك نگاه داشت و در نگاهداری کوتاهی و تفریط کرد ضامن است، و اگر قصد تملك کرد و صاحبش قبل از تلف شدن پیدا شد باید آن را به صاحبش رد کند به احتیاط واجب.

مسأله 20 - اگر لقطه را که در حرم برداشت يك درهم یا بیشتر ارزش داشت باید يك سال تعریف کند و از صاحبش جستجو کند، پس اگر نیافت او را بعد از يك سال، مخیر است بین دو امر: یکی آن که آن را برای صاحبش حفظ کند، در این صورت اگر در نگاهداری کوتاهی نکرد ضامن نیست در صورت تلف. دوم آن که برای صاحبش صدقه بدهد، لکن اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد باید عوضش را به او بدهد، و جایز نیست آن را تملك کند، و اگر تملك کند مالک نمی شود و ضامن هم می شود.

مسأله 21 - کسی که بعد از مُحرم شدن نتوانسته باشد وظیفه ای انجام دهد که مُحل شود اگر مصدود یا محصور است باید به وظیفه آنها که در آخر مناسك ذکر شده عمل نماید و اگر مصدود یا محصور نیست در بعض موارد با انجام عمره مفرده می تواند مُحل شود.

مسأله 22 - در مسجد النبی صلی الله علیه و آله وسلم سجده کردن روی فرش های مسجد مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست، و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخوانند، و لازم نیست حصیر یا نحو آن با خود ببرند، ولی اگر مراعات کنند که موجب وهن نشود و حصیر برای جانماز با خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند به طوری که متعارف سایر مسلمین است اشکال ندارد، لکن تأکید می شود که از عملی که موجب هتك و انگشت نما شدن باشد اجتناب نمایند.



23 س - در مسجد النبی صلی الله علیه و آله وسلم بعد از اتمام نماز جماعت، آیا می توان روی فرش های مسجد سجده نمود و یا این که باید برود در جایی که سنگ فرش است و بر سنگ نماز بخواند؟

ج - لازم نیست به جای دیگر که سنگ مفروش است برود.

24 س - کسی که نماز را در مسجد الحرام به نحو استداره خوانده است، به طوری که رو در روی امام جماعت و یا طرفین او ایستاده بوده است، آیا این نماز احتیاج به اعاده دارد؟

ج - با وضع فعلی نیاز به اعاده ندارد.

25 س - در صورتی که شخص نمازگزار وارد یکی از مساجد مدینه منوره و یا مکه معظمه شد و مشاهده کرد که جماعت خاتمه یافته است، ولی نمازگزاران در مسجد هستند، آیا می تواند نماز را فرادا بر طبق شرایط موجود به جای آورد یا باید بیاید مسافرخانه و یا هتل و نمازش را با چیزی که سجده بر آن صحیح است انجام دهد؟

ج - می تواند در همان جا و بر طبق نماز آنان به جا آورد.

26 س - حصیرهایی که در حجاز مورد استفاده حجاج ایرانی و غیر ایرانی واقع می شود سجده بر آن جایز است یا خیر، با ملاحظه این که حصیر مزبور با نخ مخلوط است؟

ج - اگر عرفاً روی حصیر سجده می شود مانع ندارد.

27 س - اگر انجام نماز به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق نظر اهل سنت باشد، مانند سجده بر پشت نمازگزاران صف جلو، و عدم رعایت اتصال و ... آیا نماز در این گونه موارد باید اعاده شود؟

ج - اعاده دارد.

ص: 277

28 س - آیا حائض و جنب می توانند از مقدار توسعه یافته مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله وسلم عبور کنند یا خیر؟

ج - نمی توانند.

29 س - کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکه و مدینه وارد مساجد می شوند و نمازهای خود را با جماعت می خوانند، آیا جایز است بلافاصله بعد از نماز جماعت نماز عشا را بخوانند یا نه؟

ج - مانع ندارد، و اگر وقت نشده باید صبر کنند.

30 س - کسی خیال می کرد که بر سنگ های فرش شده در مسجد الحرام - زاده الله شرفاً - سجده صحیح نیست و بر پشت دست سجده می کرده است، آیا نمازهایی که به این نحو خوانده چه حکمی دارد؟

ج - صحیح نیست، مگر جاهل قاصر باشد.

31 س - در لیالی مقمره در مکه کسانی که نماز صبح را به جماعت با سایر مسلمین می خوانند، آیا باید بعد از روشن شدن هم دوباره بخوانند، یا همان نماز که به جماعت خوانده اند، کافی است؟

ج - در فرض مرقوم، جماعت صحیح است و اعاده ندارد.

32 س - کسی که قصد کرده است که تا پایان روز ترویبه (هشتم ذی الحجّه) در مکه اقامت نماید، به تصور این که از آغاز ورودش به مکه تا روز ترویبه ده روز است، و بر این اساس، چند روز نماز را تمام خواند، بعد خلاف آن ثابت گردید و معلوم شد ده روز نبوده است، وظیفه او در نماز چیست، آیا تمام است یا قصر؟

ج - اگر واقع ده روز را قصد کرده و بعد خلاف آن معلوم شده است، مثل این که یقین داشت که ماه سی روز است و روز ترویبه مثلاً سه شنبه است، بعداً معلوم شد ماه 29 روز است و روز ترویبه دوشنبه است، باید نماز را تمام بخواند، و اگر واقع آن را قصد ندارد و فقط خیال می کند که ده روز می ماند، مثل این که می داند ماه 29 روز و

ص: 278

ترویج دوشنبه است ولی در حساب اشتباه کرده و خیال می کند تا آن روز ده روز است در حالی که واقعاً نیست، باید بعد از کشف خلاف نمازها را جمع بخواند علی الاحوط، و آنچه تمام خواننده را نیز قصرأ قضا نماید.

33 س - شخصی مقلد هیچ يك از فقها نبوده، مثلاً ده سال، حالا می خواهد تقلید کند، در این ده سال مکه هم رفته است، آیا عبادت های او مثل نماز و روزه و حجش صحیح است یا نه؟

ج - اگر اعمالش مطابق فتوای کسی که باید از او تقلید کند باشد صحیح است.

34 س - قرآن هایی که در مسجد الحرام است بر بعضی نوشته شده که وقف است، ولی بر بعضی دیگر نوشته نشده است، شایع است آنها که کلمه وقف و یا عبارت دیگری که مفهوم وقف بودن باشد ندارد جایز است بردارند و چنین کاری احیاناً شده است، بفرمایید جایز است یا نه؟

ج - برداشتن آنها بدون این که از متصدی ذی ربط بگیرند، جایز نیست و باید برگردانده شود.

35 س - آیا مقداری از سنگ صفا و مروه، یا از مشعر را می شود با خود آورد یا نه؟

ج - از صفا و مروه جایز نیست، و از مشعر مانع ندارد.

36 س - نیت تیمم از حدث اکبر در مسجدین چیست؟

ج - اگر در مسجد جنب شده باید فوراً خارج شود و برای خروج از مسجد تیمم بدل از غسل جنابت کند، و با این التفات اگر تیمم کند صحیح و با نیت است.

37 س - در تطهیر مسجد الحرام به نحوی که عین نجاست را برطرف می کنند و بعد با ظرف آب می ریزند و می شویند و از هر طرف با آب قلیل شسته می شود، انسان به نجاست تمام مسجد علم عادی پیدا می کند، آیا جواز سجده بر آن سنگ ها از باب عسر و حرج است یا جهت دیگر؟

ج - علم پیدا نمی شود، و با فرض شك نباید اعتنا شود.

38 س - شخصی بدون این که خمس مال خود را پردازد به حج رفته است و الآن می خواهد پردازد، آیا حج او صحیح است یا خیر؟

ج - اگر لباس احرام و قربانی با پول غیر مُخَمَّس نبوده، عمل او اشکال ندارد، و در غیر این صورت تفصیلاتی دارد که به رساله مراجعه شود.

39 س - اینجانب که تحت تکفل پدرم هستم اگر خدا بخواهد سال آینده به اتفاق مادرم به زیارت خانه خدا مشرف خواهم شد، لازم به یادآوری است که هزینه این سفر را از پول هایی که پدرم طی هفت یا هشت سال به عنوان هفتگی و یا پولی که برای پس انداز به ما داده پرداخته ایم، قابل ذکر است که پدرم تا این تاریخ هیچ گونه وجهی به عنوان خمس پرداخته است، خواهشمندم مرقوم بفرمایید که حج ما با این پول چه صورتی پیدا می کند؟

ج - اگر یقین به وجود خمس در پول مزبور ندارید حج اشکال ندارد، و اگر یقین به وجود خمس در مال دارید لازم است احرام و قربانی را از مال حلال یقینی تهیه نمایید.

40 س - فرموده اید: اگر از طرف قاضی مکه حکم شد که فلان روز عید است و ما یقین به خلاف نداشته باشیم متابعت آنان جایز است، آیا اگر در همین فرض بتوان احتیاط کرد و وقوف عرفات و مشعر و اعمال منی را بدون محذور انجام داد تا متابعت قطعی واقع شود، آیا این کار لازم است یا نه؟

ج - باید تبعیت کنند ولو با علم به خلاف.

41 س - آیا شخص فقیر می تواند گوشت کفاره تقصیر خود را به مصرف فقرایی که نان خور او هستند برساند؟

ج - برای کسانی که نفقه آنان بر او واجب است نمی شود صرف نمود.

42 س - کفاراتی که در احرام عمره تمتع بر گردن انسان می آید، در مکه معلوم است که فقیر مؤمن نیست، آیا باید صبر کند تا در محل، ذبح کند و به فقیر بدهد و این تأخیر عمدی مانع ندارد؟

ص: 280

ج - تأخیر عمدی خلاف احتیاط است، و در هر صورت ذبح در محل و دادن به فقرا کفایت می کند.

43 س - اگر شخصی در مکه یا مدینه پول سعودی پیدا کند که نمی داند متعلق به ایرانی است یا غیر ایرانی، وظیفه او چیست؟

ج - با یأس از پیدا شدن صاحبش از طرف او به فقیر صدقه بدهد علی الاحوط.

44 س - زنی به همراه شوهرش در روز یازدهم جهت رمی به طرف جمرات حرکت می کند که بر اثر شدت گرمی هوا و کثرت جمعیت شوهر خود را گم می کند، حالت اضطراب و شوکه شدن به او دست می دهد و به زمین می افتد، مأمورین او را به بیمارستان منتقل می کنند، بعد از چهار روز تفحص و جستجوی زیاد در بیمارستان پیدا می شود که قادر به سخن گفتن نبوده و حتی قادر به انجام بقیه اعمال حج نمی باشد و در فاصله این مدت همراهان او شوهرش را تکلیف می کنند که به نیابت از خانواده خودش بقیه اعمال او را انجام دهد، آنچه مسلم است این بوده که شوهر در حال ناراحتی و اضطراب و حواس پرتی بوده، ولی از او که سؤال می شود اعمال نیابتی را انجام دادید یا نه جواب می دهد بلی انجام دادم، پس از مراجعت از حج شوهرش قسم جلاله یاد می کند که من حالم به جا نبوده، و اعمال نیابتی را انجام ندادم و اظهار می کند که اجتماع ما با هم حرام است، آیا حج صحیح است یا نه؟ و در صورت عدم صحت آیا با نیابت کفایت می کند یا این که لازم است خودش بقیه اعمال حج را انجام دهد، و قربانی که به واسطه عدم بیتوته در منی می باشد، آیا در محل خودش ذبح کند کافی است و یا باید به منی فرستاده شود؟

ج - اگر اعمال روز عید را انجام داده و اعمال مکه را انجام نداده در صورتی که می تواند خودش به مکه برود باید خودش آنها را انجام دهد، و اگر معذور است نایب بگیرد، و قربانی مورد سؤال در محل خودش هم صحیح است، و لازم نیست به منی فرستاده شود، و رمی ایامی که انجام نشده، سال بعد باید قضا شود،

و اگر خودش نمی تواند برود، نیابت کافی است.

45 س - شخصی در سال 1361 به حج مشرف می شود و در مغرب روز نهم ذیحجه با وانت کارگری بدون توقف در مشعر الحرام به منی رفته، و در خارج منی به دست غیر مؤمن قربانی کرده، و در خارج منی سر تراشیده است، تکلیف این شخص چیست، آیا می تواند به نیت دیگری یا برای خودش به حج مشرف شود؟

ج - بنابر احتیاط واجب باید قربانی و سر تراشی و اعمال مکه را اعاده کند و عمره مفرده ای هم به جا آورد و دو مرتبه اصل حج را هم انجام دهد و تا سر تراشی و اعمال بعد از آن انجام نگرفته و عمره مفرده را انجام نداده، باقی بر احرام است.

46 س - آیا در عرفات و منی و مشعر و بعد از مراجعت از اماکن مزبور در صورتی که مسافت شرعی محقق نشود وظیفه حججی که قبلاً در مکه معظمه قصد اقامت کرده اند از حیث قصر و اتمام چیست؟

ج - در فرض مذکور تمام است.

47 س - بعضی از حجج در مکه قصد اقامه کرده اند، چه بطن مکه یا محلات آن مثل شیشه و ریح الذاخر یا مسفله یا حجون، اگر یقین داشته باشند که تا عرفات چهار فرسخ است، نماز را قصر و اگر شك داشته باشند در مسافت شرعی نماز را تمام می خوانند، بفرمایید در مراجعت از عرفات و منی، تکلیف آنان از نظر قصر و اتمام چیست، با توجه به این که توقف آنان در مکه يك روز یا سه روز یا نه روز است و باید به ایران یا مدینه حرکت کنند؟

ج - در صورت عدم مسافت شرعیه یا شك در آن که در نماز باقی بر تمام هستند، اگر از عرفات که به مکه برمی گردند، از جهت این که محل اقامه است می روند و بعد از مکه قصد مسافرت می کنند، در بازگشت به مکه و در خود مکه هم نمازشان تمام است.

48 س - اگر موقوف دو روز اختلاف داشته باشد، وظیفه چیست؟

ج - فرقی بین يك روز اختلاف و دو روز در حکم مسأله نیست.

49 س - در مواردی که فرموده اید: اگر مشقت یا حرج داشته باشد ... بفرمایید منظور از مشقت و حرج شخصی است یا نوعی؟

ج - باید خصوص مسأله ملاحظه شود و اگر حکم دائر مدار حرج و مشقت باشد، شخصی آن منظور است.

50 س - حاجی تمام اعمال عمره و حج را انجام داده و بعد فهمید وضویش باطل بوده است، آیا با تدارك طواف ها و نماز، حج او صحیح است یا نه؟ و بر فرض فساد، چگونه از احرام خارج شود، و وظیفه او چیست؟

ج - بلی با تدارك طواف ها و نماز، حج او صحیح است.

51 س - اگر شخصی مبلغی آرزو به فردی بدهد که عوض آن را - به قیمت دولتی یا آزاد - پول ایرانی بگیرد، چه حکمی دارد؟

ج - در تبدیل پول باید با هم تراضی نمایند. و خلاف مقررات هم نباشد.

مسأله 52 - پیشاهنگانی که می خواهند بدون احرام در عرفات و منی باشند و نمی توانند در آن جا با احرام باشند، می توانند برای ورود به مکه، عمره مفرده انجام دهند و برای حج مُحرم نشوند، ولی کسی که مستطیع است نباید این کار را قبول کند و باید عمره و حج تمتع به جا آورد، و در هر صورت اگر مُحرم شد و با لباس مخیط بود حج او صحیح است و باید کفاره بدهد.

53 س - شخصی بعد از احرام عمره تمتع دیوانه شده است، دوستان او بدون اجازه برای او نایب می گیرند و یا تبرعاً باقی اعمال او را انجام می دهند، آیا این اعمال برای شخص اول مُجزی است و از احرام خارج می شود یا نه؟ و اگر پولی خرج شد، آیا می شود از ولی کسی که دیوانه شده گرفت یا نه؟

ج - نیابت مزبور کفایت نمی کند، و شخص اول همچنان در احرام باقی است، و

پولی که خرج شده از مال کسی است که خرج کرده است و نمی تواند به دیگری رجوع کند، مگر آن که مغرور شده باشد.

54 س - آیا عمره و حج به واسطه جماع، یا ترك طواف، یا ترك احد الموقفین، فاسد می شود یا نه؟ و بر فرض فساد، چگونه باید از احرام خارج شود؟

ج - تفصیل موارد فساد به واسطه امور ذکر شده، در مناسک موجود است، و جماع در عمره تمتع مفسد نیست، و چنانچه در حج، فساد به واسطه جماع باشد، باید عمل حج را تمام کند گرچه حج فاسد است، و با اتمام حج از احرام خارج می شود، ولی در موارد دیگر، اگر فساد به ترك وقوف باشد، باید به همان احرام حج، عمره مفرده به جا آورد و محل شود، و حکم ترك طواف در عمره تمتع، در مناسک مفصلاً بیان شده است، و ترك طواف در حج صوری دارد که بعض آنها در مناسک ذکر شده است.

55 س - کسی که حج او به واسطه ترك وقوفین فاسد شده و باقی اعمال را به جا آورده و بدون عمره مفرده به ایران آمده است، تکلیف فعلی و آینده این مُحرم چیست؟

ج - به احرام باقی است، و می تواند برای خروج از احرام، عمره مفرده انجام دهد.

56 س - آیا قصد ابطال عمره یا حج و یا بعض اجزای آن مبطل است یا نه؟

ج - قصد ابطال، مبطل نیست.

57 س - آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی که در بازار مسلمین به فروش می رسد، جایز است یا نه؟

ج - اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد مسلمین است مانع ندارد، و اگر بدانند که از بلاد کفر وارد می شود، در صورتی محکوم به حلّیت است که وارد کننده مسلمان باشد و احتمال بدهند که احراز تذکیه آن را کرده و در دسترس مسلمین قرار داده است.



مسأله 1 - مصدود عبارت است از کسی که دشمن او را منع کند از عمره یا حج به تفصیلی که می آید. و محصور آن است که به واسطهٔ مرض ممنوع شود از عمره یا حج.

مسأله 2 - کسی که مُحرم شد به احرام عمره یا احرام حج، واجب است عمره و حج را تمام کند و اگر نکند به احرام باقی خواهد ماند.

مسأله 3 - اگر کسی احرام عمره را بست و بعد از آن دشمنی یا کسی دیگر از قبیل عُمّال دولت یا غیر آنها او را منع کنند از رفتن مکه، و راه دیگری نباشد جز آن راهی که ممنوع است یا اگر باشد مؤونهٔ آن را نداشته باشد می تواند در همان محل که ممنوع شده يك شتر یا يك گاو یا يك گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود، و احتیاط واجب آن است که به نیت تحلیل قربانی کند، و به احتیاط واجب قدری از مو یا ناخن خود را بگیرد، و در این صورت بر او همه چیز حلال می شود حتی زن.

مسأله 4 - اگر کسی به احرام عمره وارد مکه شد و دشمن یا کسی دیگر او را از به جا آوردن اعمال عمره منع کرد همان حکم مسألهٔ پیش را دارد، بلکه بعید نیست که اگر از طواف یا سعی نیز منع کند همین حکم را داشته باشد.

مسأله 5 - کسی را که به واسطهٔ بدهکاری که ندارد بدهد، حبس کنند یا به ظلم حبس کنند حکم سابق را دارد.

مسئله 6 - اگر بعد از احرام برای رفتن به مکه یا اجازه به جا آوردن اعمال، پولی مطالبه کنند پس اگر داشته باشد باید بدهد، مگر آن که حرجی باشد، و اگر نداشته باشد یا حرجی باشد ظاهراً حکم مصدود را داشته باشد.

مسئله 7 - اگر از يك طریق مصدود شد و راه دیگری هست که باز است و مخارج رفتن از آن راه را دارد باید به احرام باقی بماند و از آن راه برود، و اگر از آن راه رفت و حج او فوت شد باید عمره مفرده به جا آورد و از احرام خارج شود.

مسئله 8 - اگر شخص مصدود خوف آن داشته باشد که اگر از راه دیگر برود به حج نمی رسد نمی تواند عمل شخص مصدود را بکند و مُحَلَّ شُود، بلکه باید به راه ادامه دهد و صبر کند تا فوت محقق شود و با عمره مفرده متحلل شود.

مسئله 9 - تحقق پیدا می کند مصدود بودن در حج به این که به هیچ يك از وقوف اختیاری و اضطراری عرفه و مشعر نرسد، بلکه تحقق پیدا می کند اگر نرسد به چیزی که به فوت آن، حج فوت می شود هر چند از روی علم و عمد نباشد، و صور آن [در] سابق ذکر شد، بلکه ظاهراً تحقق پیدا کند به این که بعد از وقوفین منع کنند او را از منی و مکه و نتواند نایب بگیرد، بلکه اگر منع کنند از اعمال منی یا اعمال مکه با عدم امکان نایب، بلی در صورتی که تمام اعمال را به جا آورد و منع نمودند از برگشتن به منی برای بیتوته و اعمال ایام تشریق، مصدود بودن تحقق پیدا نمی کند، و حج او صحیح است، و باید نایب بگیرد برای اعمال در این سال، و اگر نشد سال دیگر.

مسئله 10 - کسی که مصدود شد از آمدن به مکه یا از اتمام اعمال یا از به جا آوردن اعمالی که به ترك آنها حتی به غیر عمد حج باطل می شود و به دستوری که گفته شد از احرام خارج شد، اگر حج بر او مستقر شده بوده یا آن که در سال دیگر مستطیع است و حج واجب را به جا نیاورده باید بعد از رفع منع دوباره به حج برود و اعمالی که نموده کافی از حجة الاسلام نیست.

مسأله 11 - کسی که مصدود است اگر امید برطرف شدن مانع را داشته باشد بلکه گمان آن را هم داشته باشد می تواند به دستوری که گفته شد از احرام خارج شود.

مسأله 12 - کسی که احرام عمره بست و به واسطه مرض نتوانست برود به مکه اگر بخواهد محل شود باید هدی کند، و به احتیاط واجب هدی یا پول آن را بفرستد به وسیله امینی به مکه و با او قرارداد کند که در چه روز و چه ساعتی آن را در مکه ذبح کند و وقتی که روز و ساعت موعود رسید تقصیر کند، پس از آن هرچه بر او حرام شده بود حلال می شود مگر زن، و احتیاط آن است که در ذبح، قصد تحلیل منوب عنه کند.

مسأله 13 - کسی که احرام حج بست و به واسطه مرض نتوانست برود برای عرفات و مشعر، باید هدی کند، و به احتیاط واجب هدی یا پول آن را باید بفرستد به منی که در آن جا ذبح کنند و مواعده کنند که روز عید ذبح شود و در آن وقت تقصیر کند، پس هرچه بر او حرام شده بود حلال می شود مگر زن.

مسأله 14 - کسی که حج واجب به عهده او است و به واسطه مرض، محصور شد زن بر او حلال نمی شود مگر آن که خودش بیاید و اعمال حج را به جا بیاورد و طواف نساء بکند، ولی اگر عاجز شد از آمدن، بعید نیست کفایت عمل نایب برای تحلیل زن بر او. و اما کسی که حج او استحبابی بوده بعید نیست کفایت طواف نایب از او، و لکن احتیاط آن است که در صورت امکان خودش برود.

مسأله 15 - اگر کسی که با او قرار داده بود ذبح کند [ذبح] نکرده بود و شخص محرم در روز موعود محل شد و با زن هم نزدیکی کرد معصیت نکرده و کفاره هم ندارد، لکن باید باز هدی یا پول را بفرستد و مواعده کند و باید از زن اجتناب کند، و احتیاط واجب آن است که از وقتی که معلوم شد عمل نشده اجتناب کند گرچه محتمل است که وجوب اجتناب از وقتی باشد که شخص را می فرستد برای ذبح.

مسأله 16 - تحقق محصور بودن مثل تحقق مصدود بودن است که گذشت.

مسأله 17 - اگر مریض بعد از آن که هدی یا پولش را فرستاد حالش خوب شد به طوری که توانایی رفتن به مکه را داشت باید برود، پس اگر مُحْرَم به احرام تمتع است و به وقت رسید، اعمال عمره و حج را به جا می آورد و اگر وقت تنگ شد به طوری که اگر بخواهد عمره به جا بیاورد وقوف به عرفات فوت می شود باید برود به عرفات و حج افراد به جا بیاورد، و احتیاط آن است که قصد عدول کند و بعد از آن عمره مفرده بکند، و کافی است از حَجَّة الاسلام.

و اگر وقتی رسید به مکه که حج فوت شده - یعنی به وقت اختیاری مشعر نمی رسد - عمره او مبدل می شود به عمره مفرده و باید آن را به جا آورد و از احرام خارج شود، و احتیاط آن است که قصد عدول به عمره مفرده کند، و حج واجب را با وجود شرایط در سال دیگر به جا آورد.

مسأله 18 - مصدود به دشمن در حکمی که برای مریض در مسأله پیش ذکر شده مانند او است.

مسأله 19 - کسانی که مریض نیستند لکن به علت دیگر بعد از احرام نتوانستند به مکه بروند مثل کسی که پایش یا کمرش شکسته یا به واسطه خونریزی ضعف بر او مستولی شده بعید نیست حکم مریض را داشته باشند، لکن مسأله مشکل است، بنابراین احتیاط آن است که به احرام باقی بمانند تا وقتی که خوب شوند؛ پس اگر حج، فوت شده عمره مفرده به جا بیاورند و از احرام خارج شوند، و حج اگر واجب بوده با وجود شرایط اعاده کنند.

مسأله 20 - زمانی که باید مریض مواعده کند برای ذبح در احرام حج، روز دهم است به احتیاط واجب و باید قرار تأخیر تا ایام تشریق ندهد، و در احرام عمره تمتع احتیاط آن است قبل از خروج حاج به عرفات باشد.

1 س - شخصی به نیت عمره تمتع استحبابی برای یکی از معصومین علیهم السلام یا یکی از شهدا مُحرم شد و طواف و نماز طواف عمره را به جا آورد و قدرت بر اتمام عمل از او سلب شد، آیا همان حکم محصور و مصدود را دارد؟

ج - اگر مریض شده یا دشمن او را منع کرده، و نمی تواند اعمال را تمام کند و نایب هم نمی تواند بگیرد، حکم محصور و مصدود را دارد.

2 س - آیا تصادف در احرام، حصر است و باید عملی که محصور انجام می دهد به جا آورد؟

ج - بلی، با شرایط معتبره در حصر، حکم حصر بر آن مترتب می شود.

3 س - در مناسک حکم محصور را که بیان فرموده اید، مربوط است به کسی که مُحرم شده است و قبل از مُحل شدن محصور شود، در این جا این سؤال مطرح است که اگر پس از انجام اعمال عمره تمتع و خارج شدن از احرام آن محصور شود و نتواند برای حج مُحرم شود آیا حج از او ساقط است یا نه؟ و وظیفه او چیست؟

ج - از احرام خارج شده است ولی کفایت از حج نمی کند، و چنانچه سال اول استطاعت او باشد حج بر او واجب نشده است.

4 س - شخصی بعد از آن که برای حج مُحرم شده دچار سکتة قلبی می شود به گونه ای که هر نوع حرکت برای او ضرر دارد، وظیفه او چیست؟

ج - اگر نمی تواند وقوفین را درک کند، حکم محصور را پیدا می کند، و چنانچه وقوفین را درک کرده نسبت به بقیة اعمال، تفصیل بین امکان استنابه و عدم آن است که در مناسک ذکر شده است.

5 س - شخصی در مدینه مصدوم می شود، او را به مسجد شجره می آورند و مُحرم

می نمایند آیا احرام او صحیح است و وظیفه بعدی او چیست؟ و اگر نتواند حج انجام دهد تکلیف او چیست؟

ج - احرام او صحیح است. و اگر می تواند که عمره و حج را انجام دهد، ولو با استتبابه در طواف و سعی، حج او صحیح است، و اگر نمی تواند حج به جا آورد احوط آن است که وظیفه محصور را انجام دهد و با احرام مزبور عمره مفرده هم انجام دهد.

والحمد لله أولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً

والسلام على محمد وآله الطيبين واللعن على أعدائهم أجمعين.

ص: 290

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

